



سخن ناشر



آیامی دانید براتقی صبیی هر تن کانه نشید ۱۷۲ صلور دختی قی می شود؟ آیامی نید برای تولید یک پستوان کتابت با صغری قی می و در کارگان
۴۰۰۰ نمیکند کانه صغری می شود؟ لذتایست است پس از عالمی کتابت صغری آن را در وب سایت mygaj.com قرار دهید تا از تولید
آن ملک دیگری و در صغری کانه صغری می شود. با شد که شد دوست خوبان ۱۷۲ آیامی حرکت به کار کوچک کای بلند در صغری می می کوی نین و در شد باشد.

ارادت شما
الفراسج کار

مقدمه مؤلف

با سلام

با افتخار نسل جدید کتاب‌های «سیرتاپاز» گاج تقدیم حضورتان می‌گردد. در نسل جدید کتاب‌های سیرتاپاز تحول بزرگی رخ داده است که ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد. کتاب‌های جدید سیرتاپاز شامل ۲ کتاب در ۱ کتاب و هر کتاب دارای یک جلد مجزا می‌باشد که با رنگی متفاوت چاپ شده است.

در این کتاب، به علت طولانی بودن درس‌ها، هر درس به چهار بخش (part) تقسیم شده است. ابتدای هر بخش شماره صفحات کتاب درسی ذکر شده است تا همگام با تدریس بتوانید درسنامه، تست و نمونه سوالات هر بخش را همراه با پاسخ تشریحی در اختیار داشته باشید.

جلد اول (کتاب آموزش): رمز موفقیت هر دانش‌آموزی، ابتدا یادگیری اصولی و مفهومی و سپس پاسخ‌گویی به تست و سؤال است. در این جلد، آموزش کاملی برای هر درس داده شده است.

ویژگی‌های کتاب آموزش

- ۱- کلمه‌های جدید هر درس به همراه معنی آن‌ها و تعیین نوع کلمه (اسم، صفت، فعل و ...) آورده شده است. این کلمه‌ها در قالب یک جمله یا ترجمه فارسی آن آورده شده است تا کلمه‌های جدید به‌صورت کاربردی نشان داده شوند. در ضمن ترتیب این کلمه‌ها به صورت سطر به سطر می‌باشد.
- ۲- بخش گرامر، نگارش و تلفظ هر درس به‌طور کامل تشریح شده است. در درس‌نامه‌های هر درس، نمونه مثال‌های تشریحی و تستی با پاسخ کامل تشریحی منظور شده است تا به فهم عمیق مطالب کمک کند.
- ۳- کلیه متن‌های کتاب درسی خط به خط یا ترجمه روان و سپس آورده شده است.
- ۴- تمامی واژگان جدید سال یازدهم به صورت الفبایی در انتهای جلد اول آورده شده است.

جلد اول این کتاب، دانش‌آموز را از هر کتاب آموزش دیگری بی‌نیاز می‌کند.

جلد دوم (کتاب کنکور تست): در این جلد بانک کاملی از تست آورده شده است.

ویژگی‌های کتاب تست

- ۱- این جلد حاوی ۷۶۹ تست شامل موارد زیر می‌باشد:
- ۱- هر درس شامل تست «واژگان»، «گرامر»، «معنی Cloze» و «معنی Reading Comprehension» می‌باشد که مانند جلد اول در ۴ قسمت آورده شده است.
- ۲- هر درس دارای یک آزمون جامع استاندارد جهت ارزشیابی نهایی است.
- ۳- در انتهای هر درس یک آزمون پیشرفته ویژه دانش‌آموزان برتر که می‌خواهند در کنکور ۱۴۰۰ بزنند، آورده شده است.
- ۴- در انتهای جلد دوم، ضمیمه ویژه «تکنیک‌های خواندن متن» آورده شده است که بخش عمده‌ای از تست‌های کنکور با این ضمیمه قابل پاسخ‌گویی است و موفقیت کامل در کنکور را تضمین می‌کند. این قسمت به‌تنهایی شامل ۱۱۲ تست در قالب ۲۴ متن Reading و Cloze است.

دانش‌آموز پس از مطالعه هر درس از جلد اول، می‌تواند تست‌های همان درس از جلد دوم را پاسخ دهد.

جلد دوم این کتاب، دانش‌آموز را از هر کتاب تست دیگری بی‌نیاز می‌کند.

جلد سوم (کتاب امتحان): در این جلد بانک کاملی از سؤالات امتحانی آورده شده است.

ویژگی‌های کتاب امتحان

- ۱- سؤالات امتحانی هر درس، در قالب «واژگان»، «مکالمه»، «گرامر»، «نگارش»، «تلفظ»، «معنی Cloze» و «معنی Reading Comprehension» منظور شده است و انواع سؤالات تستی و تشریحی را پوشش می‌دهد که دارای پاسخ‌های کاملاً تشریحی است.
- ۲- سؤالات هر درس همه مطالب کتاب درسی را پوشش می‌دهد.
- ۳- این سؤالات دانش‌آموزان را برای امتحان‌های مدرسه آماده می‌کند.
- ۴- این سؤالات می‌تواند منبع مناسبی برای ارزشیابی دبیران محترم باشد.
- ۵- در انتهای هر درس یک آزمون یا پاسخ کاملاً تشریحی وجود دارد.

جلد سوم همچنین می‌تواند به عنوان جمع‌بندی برای شب امتحان استفاده گردد.

جلد سوم این کتاب، دانش‌آموز را از هر کتاب امتحان دیگری بی‌نیاز می‌کند.

امیدوارم از مطالعه این کتاب لذت ببرید.

سعید ابراهیمی

سپس فرعون...؟

مدیریت استشارات

مهندس ابوالفضل جوکار

مدیریت پروژه و نظارت بر تألیف

مهندس احمد علی نژاد

معاونت واحد تألیف

مهین افشار

مسئول درس

آلهه بختیاری

ویراستاران

حسن بلند - پداله حیدری

سرپرست واحد فنی

ژاله ترابی نژاد

صفحه‌آرا

نازنین ملکی

اجرا

فاطمه یآوری - شیرین عیده

طراح گرافیک

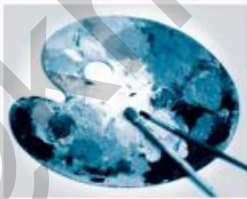
رعنا جمالی

تصویرسازی روی جلد

حسین صافی

فہرست مطالب

CONTENTS



جلد اول آموزش

Lesson 1: Understanding People

Part 1: (Pages: 15-20)	10
Part 2: (Pages: 21-23)	14
Part 3: (Pages: 24-27)	15
Part 4: (Pages: 28-47)	19

Lesson 2: A Healthy Lifestyle

Part 1: (Pages: 49-54)	29
Part 2: (Pages: 55-57)	31
Part 3: (Pages: 58-63)	32
Part 4: (Pages: 64-79)	39

Lesson 3: Art and Culture

Part 1: (Pages: 81-86)	51
Part 2: (Pages: 87-89)	54
Part 3: (Pages: 90-94)	55
Part 4: (Pages: 95-107)	57

Irregular Verbs	67
------------------------	----

A-Z Vocabulary	71
-----------------------	----

جلد دوم کنکور

Lesson ①: Understanding People

Part 1: (Pages: 15-20)	82
Part 2: (Pages: 21-23)	83
Part 3: (Pages: 24-27)	84
Part 4: (Pages: 28-47)	85
Exam 1	90
Exam 2 (Advanced)	93

Lesson ②: A Healthy Lifestyle

Part 1: (Pages: 49-54)	111
Part 2: (Pages: 55-57)	112
Part 3: (Pages: 58-63)	113
Part 4: (Pages: 64-79)	115
Exam 1	119
Exam 2 (Advanced)	122

Lesson ③: Art and Culture

Part 1: (Pages: 81-86)	138
Part 2: (Pages: 87-89)	139
Part 3: (Pages: 90-94)	140
Part 4: (Pages: 95-107)	142
Exam 1	146
Exam 2 (Advanced)	150

Cloze Tests & Reading Passages 167

Tests (Lessons 1 - 3) 178

جلد سوم امتحان

Lesson ①: Understanding People

Part 1: (Pages: 15-20)	210
Part 2: (Pages: 21-23)	211
Part 3: (Pages: 24-27)	213
Part 4: (Pages: 28-47)	214
Exam	225

Lesson ②: A Healthy Lifestyle

Part 1: (Pages: 49-54)	230
Part 2: (Pages: 55-57)	231
Part 3: (Pages: 58-63)	233
Part 4: (Pages: 64-79)	234
Exam	245

Lesson ③: Art and Culture

Part 1: (Pages: 81-86)	251
Part 2: (Pages: 87-89)	252
Part 3: (Pages: 90-94)	254
Part 4: (Pages: 95-107)	255
Exam	266

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنانده مهربان

«اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ»

پروردگارا! خارج کن مرا از تاریکی های فکر

«وَأَكْرِفْنِي بِنُورِ الْفَقْهِمِ»

و به نور فهم مرا گرمی یدار

«اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ»

پروردگارا! بر ما درهای رحمت را بگشای

«وَأَنْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ»

و گنج های دانشت را بر ما بگستران

«بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

به امید رحمت تو ای مهربان ترین مهربانان



آموزش

جلد اول:

الکلیسی یازدهم

English 11

سیرتاپار



درس اول

Lesson 1

Understanding
People

Lesson 1

PART 1

(Pages 15 - 20)

Title Page - Get Ready - Conversation

Vocabulary

واژگان درس

written (adj.) نوشته، نوشتاری، نوشته شده، کتبیThe **written** exam is on Friday.

«آزمون نوشتاری (کتبی) در روز جمعه است.»

form (n.) شکلSome languages have no written **form**.

«بعضی از زبان‌ها هیچ شکل نوشتاری ندارند.»

available (adj.) قابل دسترس، در دسترسI'm sorry, the doctor is not **available** this afternoon.

«متأسفم، پزشک امروز بعد از ظهر در دسترس نیست.»

deaf (adj.) ناشنواShe spoke loudly because her mother was a little **deaf**.

«او با صدای بلند صحبت کرد زیرا مادرش کمی ناشنوا بود.»

sign language (n.) زبان اشارهDeaf people use **sign language** to communicate.

«افراد ناشنوا از زبان اشاره برای ارتباط برقرار کردن استفاده می‌کنند.»

communicate (v.) ارتباط برقرار کردنPeople use language to **communicate** with each other.

«مردم از زبان استفاده می‌کنند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.»

parking lot (n.) پارکینگThey are going to build a new **parking lot** downtown.

«آن‌ها قصد دارند در مرکز شهر یک پارکینگ جدید بسازند.»

turn off (phr. v.) خاموش کردنYou must **turn off** your cell phone. It's a rule.

«شما باید تلفن همراهتان را خاموش کنید. این یک قانون است.»

keep off (phr. v.) وارد نشدن**Keep off** the grass.

«وارد چمن نشوید.»

grass (n.) چمنDon't walk across the **grass**.

«روی چمن راه نروید.»

storybook (n.) کتاب داستانHe wrote many **storybooks** for children.

«او کتاب‌های داستان زیادی برای کودکان نوشت.»

foreigner (n.) (فرد) خارجیI saw two **foreigners** in the museum.

«من در موزه دو (فرد) خارجی دیدم.»

besides (adv., prep.) علاوه بر، در کنار**Besides** my mother tongue, Persian, I speak English,

French and Russian well.

«من علاوه بر زبان مادری فارسی، انگلیسی، فرانسوی و روسی را خوب صحبت می‌کنم.»

mother tongue (n.) زبان مادریShe felt more comfortable talking in her **mother tongue**.

«او با صحبت کردن به زبان مادری‌اش احساس راحت‌تری داشت.»

experience (n.) تجربهDo you have much **experience** of working with children?

«آیا شما تجربه زیادی از کار کردن با کودکان دارید؟»

absolutely (adv.) قطعاً، حتماً، مطلقاًShe did **absolutely** no work.

«او مطلقاً هیچ کاری انجام نداد.»

fluently (adv.) به طور روان، سلیسJohn spoke French **fluently**.

«جان فرانسوی را سلیس صحبت می‌کرد.»

to be honest (بگویم)**To be honest**, I don't know where your money is.

«صادقانه (بگویم)، من نمی‌دانم پول شما کجا است.»

point (n.) نکتهYou made some interesting **points** in your book.

«شما در کتابتان به چند نکته جالب اشاره کردید.»

IRIB

صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران

Ahmad is a translator who works for **IRIB**.

«احمد مترجمی است که برای صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران کار می‌کند.»

high school (n.) دبیرستان

Tom and I went to the same high school.
«تام و من به یک دبیرستان رفتیم.»

project (n.) پروژه

They are working on a project to build a new airport.
«آن‌ها بر روی یک پروژه برای ساختن یک فرودگاه جدید کار می‌کنند.»

You're welcome! خواهش می‌کنم!

"Thank you for your help." "You're welcome."
«از کمک شما متشکرم.» «خواهش می‌کنم.»

Russian (adj.) روسی، اهل روسیه

Is your language teacher Russian?
«آیا معلم زبان شما روسی است؟»

begin (v.) شروع شدن، شروع کردن

The movie begins at 7:30.
«فیلم ساعت ۷:۳۰ شروع می‌شود.»

institute (n.) مؤسسه

My father works for the Institute of Science.
«پدر من برای مؤسسه علوم کار می‌کند.»

Moscow (n.) مسکو

Is Moscow the capital of Russia?
«آیا مسکو پایتخت روسیه است؟»

ترجمه متن کتاب درسی

مکالمه "Conversation"

Babak Saberian is a translator who works for IRIB¹. Today, he is hosting Meysam in his office. Meysam is a high school student. He is interviewing Mr. Saberian for his school project.

میثم: بابک صابریان یک مترجم است که برای صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران کار می‌کند. امروز او در دفتر کارش میزبان میثم است. میثم دانش‌آموز دبیرستان است. او در حال مصاحبه با آقای صابریان برای پروژه مدرسه‌اش است.

Meysam: Thank you Mr. Saberian for inviting me to your office. میثم: آقای صابریان از دعوت من به دفتر کارتون متشکرم.

Mr. Saberian: You're welcome! آقای صابریان: خواهش می‌کنم!

Meysam: I heard you know three languages. Is that right? میثم: من شنیدم شما سه زبان می‌دانید. این درست است؟

Mr. Saberian: Well, actually four languages. آقای صابریان: خوب، راستش چهار زبان.

Meysam: Four! Really? What languages do you know? میثم: چهار! واقعاً؟ چه زبان‌هایی رو می‌دانید؟

Mr. Saberian: Besides my mother tongue, Persian, I know English, French and Russian well.

آقای صابریان: من علاوه بر زبان مادری‌ام فارسی، انگلیسی، فرانسوی و روسی رو خوب می‌دانم.

Meysam: Interesting! And when did you learn them? میثم: جالبه! و شما چه موقع اون‌ها رو یاد گرفتید؟

Mr. Saberian: I began learning English at school when I was thirteen. Then I began learning French in a language institute when I was fifteen. And I learned Russian when I was a university student in Moscow.

آقای صابریان: من در مدرسه وقتی سیزده ساله بودم شروع به یادگیری انگلیسی کردم. بعد، وقتی پانزده ساله بودم در یک مؤسسه زبان شروع به یادگیری فرانسوی کردم. و هنگامی که در مسکو دانشجویم روسی یاد گرفتم.

Meysam: Can you use all of them fluently? میثم: آیا شما می‌توانید اون‌ها رو روان استفاده کنید؟

Mr. Saberian: I know all of them well, but I use English more.

آقای صابریان: من همه اون‌ها رو خوب بلدم، اما از انگلیسی بیش‌تر استفاده می‌کنم.

1. Islamic Republic of Iran Broadcasting: صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران

Meysam: OK. Do you think language learning should start as early as possible?

میثم: بسیار حُب. آیا شما فکر می‌کنید یادگیری زبان باید تا حد امکان زود شروع بشه؟

Mr. Saberian: My experience says interest and hard work are really more important than age.

آقای صابریان: تجربه من می‌گه علاقه و سخت‌کوشی واقعاً مهم‌تر از سن هستن.

Meysam: Hmm ... that's an important point. May I know what your favorite language is? English, French, or Russian?

میثم: هووووم ... این نکته مهمیه. آیا ممکنه بدونم زبان مورد علاقه شما چیه؟ انگلیسی، فرانسوی یا روسی؟

Mr. Saberian: To be honest, I enjoy using them all, but my favorite language is absolutely my mother tongue!

آقای صابریان: صادقانه (بگم)، من از به کار بردن همه اونا لذت می‌برم، اما زبان مورد علاقه من قطعاً زبان مادریمه!

درسنامه

زبان‌ها و ملیت‌ها "Languages and Nationalities"

برای بیان ملیت‌ها هیچ قانون و قاعده خاصی وجود ندارد. برای این کار معمولاً به آخر نام کشورها، پسوند هایی مانند -an، -ese، -i، -sh اضافه می‌شود. دقت داشته باشید که بعضی از ملیت‌ها نام زبان آن کشور نیز هستند. شروع آن‌ها نیز با حرف بزرگ است.

Italy → Italian

China → Chinese

Iraq → Iraqi

England → English

* جدول زیر را به خاطر بسپارید:

Country	Nationality	Language	معادل فارسی
Afghanistan	Afghan	Dari Persian, Pashtu	افغانستان
Armenia	Arminian	Arminian	ارمنستان
Azerbaijan	Azerbaijani	Azerbaijani Turkic	آذربایجان
Bangladesh	Bangladeshi	Bangla	بنگلادش
Bhutan	Bhutanese	Dzongkha	بوتان
Bulgaria	Bulgarian	Bulgarian	بلغارستان
China	Chinese	Standard Chinese (Mandarin/Putonghua)	چین
Czech Republic	Czech	Czech	جمهوری چک
France	French	French	فرانسه
Georgia	Georgian	Georgian; Russian	گرجستان
Germany	German	German	آلمان
Greece	Greek	Greek	یونان
India	Indian	Hindi; English; Bengali	هندوستان

Country	Nationality	Language	معادل فارسی
Iran	Iranian	Persian = Farsi	ایران
Iraq	Iraqi	Arabic; Kurdish	عراق
Italy	Italian	Italian	ایتالیا
Japan	Japanese	Japanese	ژاپن
Kazakhstan	Kazakhstani	Kazak; Russian	قزاقستان
Korea	Korean	Korean	کره
Laos	Laotian	Lao; French; English	لائوس
Myanmar	Burmese	Burmese	میانمار = برمه
Nepal	Nepalese	Nepali; Maithali	نپال
Oman	Omani	Arabic	عمان
Pakistan	Pakistani	Urdu; Punjabi	پاکستان
Poland	Polish	Polish	لهستان
Portugal	Portuguese	Portuguese; Mirandese	پرتغال
Russia	Russian	Russian	روسیه
Saudi Arabia	Saudi Arabian	Arabic	عربستان سعودی
Sweden	Swedish	Swedish	سوئد
Syria	Syrian	Arabic	سوریه
Tajikistan	Tajikistani	Tajik; Russian	تاجیکستان
Thailand	Thai	Thai (Siamese)	تایلند
Turkey	Turk	Turkish	ترکیه
United Arab Emirates	Emirati	Arabic	امارات متحده عربی
Uzbekistan	Uzbekistani	Uzbek; Russian	ازبکستان
Vietnam	Vietnamese	Vietnamese	ویتنام

تمرین جدول زیر را کامل کنید.

Country	Iran	Pakistan	Italy
Nationality	Spanish
Language	Turkish

Lesson 1

PART 2

(Pages 21 - 23)

New Words & Expressions

واژگان درس Vocabulary

farming (n.) کشاورزی
Mazandran is one of the best **farming** regions of Iran.
«مازندران یکی از بهترین منطقه‌های کشاورزی ایران است.»

region (n.) منطقه، ناحیه
You can find this animal in the northern **regions** of Sweden.
«شما می‌توانید این حیوان را در منطقه‌های شمالی سوئد پیدا کنید.»

continent (n.) قاره
Africa is the poorest **continent**.
«آفریقا فقیرترین قاره است.»

exist (v.) وجود داشتن
Does life **exist** on the other planets?
«آیا زندگی در سیاره‌های دیگر وجود دارد؟»

native (adj.) بومی، محلی
I went back to my **native** country in 1993.
«من در سال ۱۹۹۳ به کشور بومی‌ام (زادگاهم) برگشتم.»

speaker (n.) گویش‌ور
Native **speakers** of different languages range in number.
«گویش‌وران بومی زبان‌های مختلف از نظر تعداد با هم متفاوت هستند.»

price (n.) قیمت
Prices in this country are high.
«قیمت‌ها در این کشور بالا هستند.»

range (v.) فرق کردن، تغییر کردن، متغیر بودن
The ages of the students in the class **ranges** from 18 to \$0.
«سن دانش‌آموزان در کلاس از ۱۸ تا ۵۰ متغیر است.»

popular (adj.) محبوب، پرطرفدار
Baseball is a **popular** sport in the US.
«بیسبال یک ورزش محبوب در آمریکا است.»

percent (n.) درصد
Ten **percent** of the people who work here are men.
«ده درصد از افرادی که این‌جا کار می‌کنند مرد هستند.»

imagine (v.) تصور کردن، فرض کردن
Can you **imagine** life without electricity?
«آیا شما می‌توانید زندگی را بدون الکتریسیته تصور کنید؟»

space (n.) فضا
Imagine you are traveling in **space**.
«فرض کنید که شما در حال سفر در فضا هستید.»

by (prep.) تا، تا قبل از
I must finish this work **by** ten o'clock.
«من باید این کار را تا (قبل از) ساعت ده تمام کنم.»

meet the needs of برآورده کردن نیازهای
How can we **meet the needs of** all the different groups?
«ما چگونه می‌توانیم نیازهای همه گروه‌های مختلف را برآورده کنیم؟»

century (n.) قرن، سده
We are living at the beginning of the twenty-first **century**.
«ما در ابتدای قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم.»

explain (v.) توضیح دادن، شرح دادن
The teacher usually **explains** the new words to us.
«معلم معمولاً کلمه‌های جدید را برای ما توضیح می‌دهد.»

word (n.) کلمه، لغت
What's the Italian **word** for "cat"?
«کلمه "cat" به زبان ایتالیایی چیست؟»

by means of توسط، با استفاده از
They traveled to London **by means of** train.
«آن‌ها با استفاده از قطار به لندن رفتند.»

society (n.) جامعه
We live in an Islamic **society**.
«ما در یک جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم.»

ability (n.) توانایی
She has the **ability** to do the job, but she must work harder.
«او توانایی انجام آن کار را دارد، اما باید سخت‌تر کار کند.»

physical (adj.) فیزیکی، جسمی، جسمانی

I do some **physical** exercise every morning.

«من هر روز صبح ورزش فیزیکی انجام می‌دهم.»

mental (adj.) ذهنی، فکری

Do you have a **mental** picture of the accident?

«آیا تصویر ذهنی از تصادف دارید؟»

vary (v.) فرق داشتن، تغییر کردن، متغیر بودن

Class sizes **vary** from 8 to 15.

«اندازهٔ کلاس‌ها از ۸ تا ۱۵ (نفر) متغیر است.»

each other (pron.) یکدیگر، همدیگر

Tom and John looked at **each other** angrily.

«تام و جان با عصبانیت به یکدیگر نگاه کردند.»

make up (phr. v.) تشکیل دادن

Women **make up** 56% of the student numbers.

«زن‌ها ۵۶٪ تعداد دانشجویها را تشکیل می‌دهند.»

amount (n.) مقدار، میزان

He spent a large **amount** of money yesterday.

«او دیروز مقدار زیادی پول خرج کرد.»

population (n.) جمعیت

China makes up 18% of the world's **population**.

«چین ۱۸٪ جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهد.»

despite (prep.) علی‌رغم، برخلاف

We are going out **despite** the bad weather.

«ما علی‌رغم هوای بد بیرون می‌رویم.»

take notice of توجه کردن به، توجه داشتن به

I didn't **take any notice of** what she said.

«من هیچ توجهی به آن‌چه او گفت نکردم.»

Lesson 1

PART 3

(Pages 24 - 27)

Reading - Reading Comprehension - Vocabulary Development

Vocabulary

واژگان درس

communication (n.) ارتباط

Parents need to have good **communication** with their children.

«والدین باید ارتباط خوبی با فرزندانشان داشته باشند.»

spoken (adj.) گفتاری، شفاهی

The **spoken** language is different from the written language.

«زبان گفتاری با زبان نوشتاری تفاوت دارد.»

wish (n., v.) آرزو، آرزو کردن

I'm sure that you will get your **wishes**.

«من مطمئن هستم که تو به آرزوهایت خواهی رسید.»

feeling (n.) احساس

He likes to talk about his **feelings**.

«او دوست دارد در مورد احساساتش صحبت کند.»

through (prep.) از طریق، توسط

The little boy got in **through** the window.

«آن پسر کوچک از طریق پنجره به داخل رفت.»

greatly (adv.) زیاد، بسیار، تا حد زیادی

The quality of health care varies **greatly**.

«کیفیت مراقبت‌های سلامت تا حد زیادی متفاوت است.»

so (conj.) بنابراین

There are no chairs available, **so** you must stand.

«هیچ صندلی‌ای در دسترس نیست، بنابراین شما باید بایستید.»

surprising (adj.) شگفت‌آور

It's not **surprising** that they lost.

«شگفت‌آور (تعجب‌آور) نیست که آن‌ها باختند.»

Oceania (n.) اقیانوسیه
Oceania is made up of Australia, New Zealand and some other countries.
«اقیانوسیه از استرالیا، نیوزلند و چند کشور دیگر تشکیل شده است.»

around (adv.) حدود، اطراف
They went **around** five o'clock.
«آن‌ها حدود ساعت پنج رفتند.»

learner (n.) فراگیر، یادگیرنده، شاگرد
My brother is a fast **learner**.
«برادر من یادگیرندهٔ سریعی است.»

interestingly (adv.) به طور جالب توجه، جالب این‌که
Interestingly, nobody could speak Chinese there.
«جالب این‌که در آن جا هیچ‌کس نمی‌توانست چینی صحبت کند.»

beginning (n.) ابتدا
We're going to Japan at the **beginning** of July.
«ما در ابتدای جولای به ژاپن می‌رویم.»

nearly (adv.) تقریباً
Nearly 100 people attended the ceremony.
«تقریباً ۱۰۰ نفر در آن مراسم حضور پیدا کردند.»

such (det., pron.) چنین، این‌چنین
As the speakers of **such** languages grow old and die, their languages will die.
«هم‌چنان که گویش‌وران چنین زبان‌هایی پیر می‌شوند و می‌میرند، زبان‌شان (هم) خواهد مرد.»

grow (v.) شدن
Children **grow** fat because they eat fast food.
«کودکان چاق می‌شوند زیرا فست فود می‌خورند.»

valuable (adj.) با ارزش، ارزشمند
You can find a lot of **valuable** information in this book.
«شما می‌توانید در این کتاب اطلاعات ارزشمند زیادی را بیابید.»

difference (n.) تفاوت، اختلاف
There's no **difference** between the two houses. They look exactly the same.
«هیچ تفاوتی بین این دو خانه نیست. آن‌ها دقیقاً شبیه به نظر می‌رسند.»

means (n.) وسیله، روش، شیوه
Television is a **means** of communication.
«تلویزیون یک وسیلهٔ برقراری ارتباط است.»

impossible (adj.) غیرممکن
It is **impossible** to imagine the world without language.
«غیرممکن است که دنیا را بدون زبان تصور کرد.»

therefore (adv.) بنابراین، پس
It was late, **therefore** I didn't stay long.
«دیر بود، بنابراین من به مدت طولانی نماندم.»

no matter مهم نیست
Call me when you get there, **no matter** what the time is.
«هر موقع به آن جا رسیدی با من تماس بگیر، مهم نیست که ساعت چند است.»

synonym (n.) مترادف
Synonyms are words with similar meanings.
«مترادف‌ها کلمه‌هایی با معنی مشابه هستند.»

tiny (adj.) خیلی کوچک، ریز
He's from a **tiny** town that you've never heard of.
«او اهل یک شهر خیلی کوچک است که شما هرگز از آن نشنیده‌اید.»

simple (adj.) ساده، آسان
The camera is **simple** to use.
«استفاده کردن از این دوربین ساده است.»

seek (v.) جست‌وجو کردن، به دنبال ... گشتن
Some animals **seek** the sun to warm their bodies.
«بعضی از حیوانات به دنبال آفتاب می‌گردند تا بدنشان را گرم کنند.»

search for جست‌وجو کردن، در جست‌وجوی ... بودن
They're **searching for** the lost child.
«آن‌ها در جست‌وجوی بچهٔ گم‌شده هستند.»

luckily (adv.) خوشبختانه
There was an accident, **luckily**, no one was hurt.
«تصادفی رخ داد، خوشبختانه هیچ‌کس صدمه ندید.»

largely (adv.) زیاد، بسیار، تا حد زیادی
This story is **largely** true.
«این داستان تا حد زیادی واقعی است.»

form (v.) تشکیل دادن، تشکیل شدن
This project **forms** part of a larger project.
«این پروژه بخشی از یک پروژهٔ بزرگ‌تر را تشکیل می‌دهد.»

ترجمه متن کتاب درسی

زبان‌های دنیا "Languages of the World"

Language is a system of communication.⁽¹⁾ It uses written and spoken forms.⁽²⁾ People use language to communicate with each other in a society.⁽³⁾ They exchange knowledge, beliefs, wishes, and feelings through it.⁽⁴⁾ زبان سیستم برقراری ارتباط است.⁽¹⁾ آن از شکل‌های نوشتاری و گفتاری استفاده می‌کند.⁽²⁾ مردم در جامعه از زبان استفاده می‌کنند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.⁽³⁾ آن‌ها از طریق آن (زبان) تبادل دانش، عقاید، آرزوها و احساسات می‌کنند.⁽⁴⁾

Languages vary greatly from region to region.⁽¹⁾ They are so different that a person may not understand the language of someone from another region, country or continent.⁽²⁾ It is not surprising to hear that today about 7000 languages exist in the world.⁽³⁾ There are more than 2000 languages in Africa, 1000 in the Americas, more than 2250 in Asia, about 230 in Europe, and more than 1300 in Oceania.⁽⁴⁾

زبان‌ها از یک منطقه به منطقه دیگر خیلی فرق می‌کنند.⁽¹⁾ آن‌ها آن قدر متفاوت هستند که یک شخص ممکن است زبان یک نفر از یک منطقه، کشور یا قاره دیگر را درک نکند.⁽²⁾ جای تعجب نیست که بشنویم امروزه حدود ۷۰۰۰ زبان در دنیا وجود دارند.⁽³⁾ در آفریقا بیش از ۲۰۰۰ (زبان)، در آمریکا ۱۰۰۰ (زبان)، در آسیا بیش از ۲۲۵۰ (زبان)، در اروپا حدود ۲۳۰ (زبان) و در اقیانوسیه بیش از ۱۳۰۰ زبان وجود دارند.⁽⁴⁾

Native speakers of these languages range in number from very large, with hundreds of millions of speakers, to very small, with fewer than 10 speakers.⁽¹⁾ The most popular language in the world is Chinese.⁽²⁾ More than one billion people in the world speak Chinese.⁽³⁾

گویش‌ورهای بومی این زبان‌ها از نظر تعداد از خیلی زیاد، با صدها میلیون گویش‌ور، تا خیلی کم، با کم‌تر از ۱۰ گویش‌ور متغیر هستند.⁽¹⁾ پرطرفدارترین زبان دنیا چینی است.⁽²⁾ بیش از یک میلیارد نفر در دنیا چینی صحبت می‌کنند.⁽³⁾

Interestingly, English has fewer native speakers than Chinese, but there are about one billion learners of English all around the world.⁽¹⁾ They learn English as an international language.⁽²⁾

جالب این‌که انگلیسی گویش‌ورهای بومی کم‌تری از چینی دارد اما در سرتاسر جهان حدود یک میلیارد فراگیر انگلیسی وجود دارد.⁽¹⁾ آن‌ها زبان انگلیسی را به عنوان زبان بین‌المللی یاد می‌گیرند.⁽²⁾

About fifty percent of the world's languages have fewer than 5000 speakers.⁽¹⁾ In the beginning of this century, 204 languages had fewer than 10 speakers and 344 languages had between 10 and 99 speakers.⁽²⁾ The 548 languages with fewer than 99 speakers make up nearly 8 percent of the world's languages.⁽³⁾ We call them "endangered languages". As the speakers of such languages grow old and die, their languages will die, too.⁽⁴⁾

حدود پنجاه درصد از زبان‌های دنیا کم‌تر از ۵۰۰۰ گویش‌ور دارند.⁽¹⁾ در ابتدای این قرن، ۲۰۴ زبان کم‌تر از ۱۰ گویش‌ور و ۳۴۴ زبان بین ۱۰ تا ۹۹ گویش‌ور داشتند.⁽²⁾ ۵۴۸ زبان با کم‌تر از ۹۹ گویش‌ور حدود ۸ درصد زبان‌های دنیا را تشکیل می‌دهند.⁽³⁾ ما آن‌ها را «زبان‌های در معرض خطر» می‌نامیم. هم‌چنان‌که گویش‌ورهای چنین زبان‌هایی پیر می‌شوند و می‌میرند، زبان‌هایشان نیز خواهند مرد.⁽⁴⁾

All languages are really valuable, despite their differences.⁽¹⁾ Every language is an amazing means of communication that meets the needs of its speakers.⁽²⁾ It is impossible to imagine the world without language.⁽³⁾ Therefore, we should respect all languages, no matter how different they are and how many speakers they have.⁽⁴⁾

همه زبان‌ها علی‌رغم اختلاف‌هایشان واقعاً با ارزش هستند.⁽¹⁾ هر زبانی یک وسیله ارتباطی شگفت‌انگیز است که نیازهای گویش‌ورهایش را برآورده می‌کند.⁽²⁾ غیرممکن است که دنیا را بدون زبان تصور کرد.⁽³⁾ بنابراین، ما باید به همه زبان‌ها احترام بگذاریم، مهم نیست که آن‌ها چقدر متفاوت هستند و چند گویش‌ور دارند.⁽⁴⁾

درسنامه

Reading Strategy

Scanning

شما می‌توانید یک متن را برای پیدا کردن سریع اطلاعات خاص مانند عدد، نام، کلمه یا عبارت scan کنید.

برای scan کردن مرحله‌های زیر را انجام دهید:

۱- از اطلاعاتی که به دنبال آن هستید یک تصویر شفاف در ذهن خود بسازید.

۲- آن اطلاعات را جست‌وجو کنید.

۳- چشم‌های خود را به سرعت روی متن حرکت دهید. همه کلمه‌ها را نخوانید. هر موقع اطلاعات را پیدا کردید، متوقف شوید، جمله را بخوانید و اطلاعات را علامت بزنید.

تمرین بدون این‌که متن را بخوانید، به سؤالات زیر پاسخ دهید.

The Giant Panda is a superstar in the animal kingdom. The forests where pandas live are becoming smaller and smaller, so they may not be able to find mates or food anymore. They only live in the forests of China. The Giant Pandas' favorite food is bamboo. Sometimes they also eat small animals and insects, as well as fruits. Giant Pandas are part of the bear family. When awake, they are almost always eating bamboo. They just love to eat!

(a) Find TWO 'proper nouns'.

①

②

(b) Find TWO 'adverbs of frequency'.

①

②

(c) What do pandas eat?

.....



(a) همان‌طور که می‌دانید «Proper noun» یا اسم خاص، اسمی است که با حرف بزرگ شروع می‌شود، پس به دنبال کلمه‌هایی باشید که با حرف بزرگ شروع شده و اسم یک «چیز خاص» هستند. پس پاسخ سؤال (a) دو کلمه Giant Panda و China هستند.

(b) قبلاً آموختید که adverbs of frequency (قیده‌های تکرار) کلمه‌های always, usually, sometimes, often, never هستند، در نتیجه با حرکت سریع چشم به دنبال آن‌ها باشید. پس پاسخ سؤال (b) sometimes و always هستند.

(c) برای پاسخ به این سؤال دنبال کلمه‌های کلیدی eat و food باشید. با توجه به این، پاسخ سؤال (c) به صورت زیر است: bamboo, small animals, insects, fruits

Lesson 1

PART 4

(Pages 28 - 47)

Grammar - Listening & Speaking - Pronunciation - Writing - What You Learned

Vocabulary

واژگان درس

disappear (v.)

ناپدید شدن

My keys disappeared again.

«کلیدهای من دوباره ناپدید شدند.»

live (adj.)

زنده

We watched a live television program.

«ما یک برنامه تلویزیونی زنده تماشا کردیم.»

uncountable (adj.)

غیر قابل شمارش

I saw an uncountable number of people near the building.

«من تعداد غیر قابل شمارشی از افراد را نزدیک ساختمان دیدم.»

bag (n.)

کیسه، گونی، کیف

She packed her lunch in a paper bag.

«او ناهارش را در یک کیسه کاغذی بسته بندی کرد.»

slice (n.)

تکه، برش

I took a slice of bread and ate it.

«من یک تکه نان برداشتم و آن را خوردم.»

piece (n.)

قطعه، تکه

She wrote something on a small piece of paper.

«او روی یک تکه کوچک کاغذ چیزی نوشت.»

bottle (n.)

بطری

Can I open another bottle of milk?

«آیا من می توانم یک بطری شیر دیگر باز کنم.»

sugar (n.)

شکر، قند

Do you take sugar in your coffee?

«آیا تو در قهوهات شکر می ریزی؟»

loaf (n.)

قرص (نان)

There's a loaf of bread on the table.

«یک قرص نان روی میز است.»

kilo (n.)

کیلو

My father bought ten kilos of rice.

«پدرم ده کیلو برنج خرید.»

meat (n.)

گوشت

I gave up eating meat a few months ago.

«من چند ماه پیش خوردن گوشت را ترک کردم.»

coffee shop (n.)

کافی شاپ

We bought the cake at the hotel's coffee shop.

«ما آن کیک را در کافی شاپ هتل خریدیم.»

order (v.)

سفارش دادن

I'd like to order a large cheese pizza.

«من تمایل دارم یک پیتزای پنیر بزرگ سفارش بدهم.»

glass (n.)

لیوان

She put the glass of water on the table.

«او لیوان آب را روی میز قرار داد.»

wrongly (adv.)

به طور اشتباه، اشتباهاً

The student translated the text wrongly.

«آن دانشجو (دانش آموز) متن را به طور اشتباه ترجمه کرد.»

traffic (n.)

ترافیک، رفت و آمد

There's always a lot of traffic at this time of day.

«همیشه در این وقت از روز ترافیک زیادی است.»

soup (n.)

سوپ

Do you like chicken soup?

«آیا تو سوپ مرغ دوست داری؟»

melon (n.)

هندوانه، خربزه

I ate a slice of melon.

«من یک برش از هندوانه خوردم.»

dollar (n.)

دلار

They will pay you in American dollars.

«آنها به دلار آمریکا به شما پرداخت خواهند کرد.»

Canadian (adj.)

کانادایی، اهل کانادا

We watched a Canadian movie last September.

«ما در سپتامبر گذشته یک فیلم کانادایی دیدیم.»

candle (n.) شمع
How many **candles** do you need?
«شما چه تعداد شمع احتیاج دارید؟»

cost (v.) ارزش دادن، قیمت داشتن
How much does this bag **cost**?
«این کیف چقدر می‌ارزد؟»

pencil-sharpener (n.) مدادتراش
My new **pencil-sharpener** is on the desk.
«مدادتراش جدید من روی میز است.»

ruler (n.) خطکش
This **ruler** shows only centimeters.
«این خطکش فقط سانتی‌متر را نشان می‌دهد.»

notebook (n.) دفتر
Take out your **notebook** and write down some of your ideas.
«دفترت را بیرون بیاور و تعدادی از ایده‌های خود را بنویس.»

almost (adv.) تقریباً
Dinner is **almost** ready.
«شام تقریباً آماده است.»

first (adv., det.) اول، اولین، ابتدا
English is not my **first** language.
«انگلیسی زبان اول (مادری) من نیست.»

second (adv., det.) دوم، دومین
That's the **second** time I've seen him today.
«این دومین بار است که او را امروز دیده‌ام.»

third (adv., det.) سوم، سومین
'C' is the **third** letter in the alphabet.
«حرف C سومین حرف الفبا است.»

fourth (adv., det.) چهارم، چهارمین
I finally saw him on the **fourth** day.
«من سرانجام او را در چهارمین روز دیدم.»

smart (adj.) باهوش، هوشمند، زرنگ
Tom is a **smart** boy.
«تام پسری باهوش است.»

borrow (v.) قرض کردن، قرض گرفتن
Can I **borrow** your camera?
«آیا می‌توانم دوربین شما را قرض کنم؟»

turn on (phr. v.) روشن کردن
She **turned on** the computer a few minutes ago.
«او رایانه را چند دقیقه پیش روشن کرد.»

song (n.) آواز، شعر، سرود
My grandfather sang an old **song**.
«پدربزرگم یک آواز قدیمی خواند.»

grade (n.) نمره، امتیاز
I got a good **grade** on the math test.
«من در آزمون ریاضی نمره خوبی گرفتم.»

photograph (n.) عکس
I always take a lot of **photographs** when I travel.
«من همیشه وقتی مسافرت می‌کنم تعداد زیادی عکس می‌گیرم.»

pick (v.) برداشتن، بلند کردن
I **picked up** the bags and read the explanations.
«من آن کیسه‌ها را برداشتم و توضیحات را خواندم.»

explanation (n.) توضیح، شرح
The teacher's **explanation** was very clear.
«توضیح معلم خیلی واضح بود.»

honestly (adv.) صادقانه
I can **honestly** say that I have never seen that man before.
«من می‌توانم صادقانه بگویم که هرگز آن مرد را قبلاً ندیده‌ام.»

somewhere (adv.) جایی
She lives **somewhere** in this city.
«او جایی در این شهر زندگی می‌کند.»

at last سرانجام، بالاخره
At **last** it was time to leave the hotel.
«سرانجام وقت آن بود که هتل را ترک کنیم.»

Workbook Vocabulary

واژگان کتاب کار

Belgium (n.)

بلژیک

My uncle lives in **Belgium**.

«عموی من در بلژیک زندگی می‌کند.»

hint (n.)

نکته

He wrote some helpful **hints** about how to improve speaking skills.

«او نکته‌های مفیدی در مورد چگونگی بهبود بخشیدن مهارت‌های صحبت کردن نوشت.»

suggest (v.)

پیشنهاد کردن

Simon **suggested** going for a walk.

«سایمون پیشنهاد کرد به پیاده‌روی برویم.»

plenty (of) (pron.)

مقدار زیاد، فراوان، بسیار

We have **plenty of** time to get there.

«ما وقت زیادی داریم تا به آن جا برسیم.»

extra (adj.)

اضافه، اضافی

She had to work on weekends to get some **extra** money.

«او مجبور بود در تعطیلات آخر هفته کار کند تا مقداری پول اضافی بگیرد.»

improve (v.)

بهبود بخشیدن، بهبود یافتن

I need to **improve** my French.

«من باید (زبان) فرانسوی‌ام را بهبود بخشم.»

consider (v.)

در نظر گرفتن، در نظر داشتن

We must **consider** what to do next.

«ما باید در نظر بگیریم که بعداً می‌خواهیم چه کار بکنیم.»

add (v.)

اضافه کردن

Please **add** your name to the list.

«لطفاً نام خود را به لیست اضافه کن.»

day-to-day (adj.)

روزانه، روز به روز

This is a part of our **day-to-day** work.

«این بخشی از کار روزانه ما است.»

certainly (adv.)

قطعاً، حتماً

Mike is **certainly** the best swimmer.

«مایک قطعاً بهترین شناگر است.»

improvement (n.)

بهبود، پیشرفت

He's made great **improvement** in tennis.

«او در تنیس پیشرفتی عالی داشته است.»

label (v. n.)

برچسب زدن، برچسب

I **labeled** all the boxes with my name.

«من جعبه‌ها را با نام خودم برچسب زدم.»

pack (n.)

بسته

I bought a **pack** of chocolate yesterday.

«من دیروز یک بسته شکلات خریدم.»

item (n.)

مورد، چیز

What's the next **item** on the list?

«مورد بعدی در لیست چه چیزی است؟»

etc. (abbr.)

و غیره

Remember to take some paper, a pen, **etc.**

«به خاطر داشته باش مقداری کاغذ، یک خودکار و غیره برداری.»

beginner (n.)

مبتدی، تازه‌کار

This class is suitable for **beginners**.

«این کلاس برای مبتدی‌ها مناسب است.»

make sure

اطمینان حاصل کردن

Make sure you don't leave your phone on the bus.

«اطمینان حاصل کن که تلفنت را در اتوبوس جا نگذاری.»

escape (v.)

قرار کردن

The two men **escaped** into the forest.

«آن دو مرد به داخل جنگل فرار کردند.»

grammar (n.)

دستور زبان، گرامر

Is **grammar** very important?

«آیا دستور زبان خیلی مهم است؟»

program (n.)

برنامه

Did you watch the **program** on TV last night?

«آیا دیشب آن برنامه را در تلویزیون تماشا کردی؟»

decide (v.)

تصمیم گرفتن

She **decided** that she didn't want to come.

«او تصمیم گرفت که نمی‌خواهد بیاید.»

afraid (adj.)

ترسیده

Don't be **afraid** to open the door.

«از باز کردن در ترسید.»

mistake (n.)

اشتباه

Don't worry, we all make **mistakes**.

«نگران نباش، همه ما اشتباه می‌کنیم.»

confident (adj.)

مطمئن، دارای اعتماد به نفس

I'm **confident** that our team will win.

«من مطمئن هستم که تیم ما برنده خواهد شد.»

mention (v.) ذکر کردن، نام بردن، اشاره کردن

She didn't **mention** your name.

«او نام تو را ذکر نکرد.»

appear (v.) ظاهر شدن

This word **appeared** in the text three times.

«این کلمه در متن سه بار ظاهر شد (آمد).»

artist (n.) هنرمند

Andy Warhol was a famous American **artist**.

«آندی وار هول یک هنرمند معروف آمریکایی بود.»

quite (adv.) کاملاً، واقعاً

I went to bed **quite** late last night.

«من دیشب واقعاً دیر خوابیدم.»

access (n., v.) دسترسی، دسترسی داشتن

Do you have **access** to a computer at home?

«آیا تو در خانه به کامپیوتر دسترسی داری؟»

ترجمه متن کتاب درسی

An endangered language is a language that has very few speakers.⁽¹⁾ Nowadays, many languages are losing their native speakers.⁽²⁾ When a language dies, the knowledge and culture disappear with it.⁽³⁾ A lot of endangered languages are in Australia and South America.⁽⁴⁾ Some of them are in Asia and Africa.⁽⁵⁾ The number of live languages of the world is around 7000, and many of them may not exist in the future.⁽⁶⁾ Many researchers are now trying to protect endangered languages.⁽⁷⁾ This can save lots of information and cultural values of people all around the world.⁽⁸⁾

یک زبان در معرض خطر، زبانی است که تعداد خیلی کمی گویش‌ور دارد.⁽¹⁾ امروزه، تعداد زیادی از زبان‌ها در حال از دست دادن گویش‌ورهای بومی‌شان هستند.⁽²⁾ وقتی یک زبان می‌میرد، دانش و فرهنگ با آن ناپدید می‌شوند.⁽³⁾ تعداد زیادی از زبان‌های در معرض خطر در استرالیا و آمریکای جنوبی هستند.⁽⁴⁾ بعضی از آن‌ها در آسیا و آفریقا هستند.⁽⁵⁾ تعداد زبان‌های زنده دنیا در حدود ۷۰۰۰ است و تعداد بسیاری از آن‌ها ممکن است در آینده وجود نداشته باشند.⁽⁶⁾ حالا تعداد زیادی از محققین در حال تلاش هستند تا از زبان‌های در معرض خطر محافظت کنند.⁽⁷⁾ این می‌تواند مقدار زیادی از اطلاعات و ارزش‌های فرهنگی مردم در سرتاسر دنیا را نجات دهد.⁽⁸⁾

...

There are many uncountable words for food in English.⁽¹⁾ Native speakers often use words such as 'a bag of', 'two slices of', or 'a piece of' with uncountable nouns.⁽²⁾ This usually happens when they go shopping.⁽³⁾ They may ask for two bottles of water, a bag of sugar, a loaf of bread, or two kilos of meat.⁽⁴⁾ In a coffee shop, they may order a cup of tea, a piece of cake, or a glass of juice.⁽⁵⁾ If a foreign learner uses uncountable words wrongly, English speakers may not understand them well.⁽⁶⁾ So when you learn English, be very careful about this important point.⁽⁷⁾

در (زبان) انگلیسی تعداد زیادی کلمه غیرقابل شمارش برای غذا وجود دارند.⁽¹⁾ گویش‌ورهای بومی اغلب کلمه‌هایی مانند «یک کیسه از»، «دو برش (تکه) از» یا «یک تکه از» را همراه اسم‌های غیرقابل شمارش استفاده می‌کنند.⁽²⁾ این معمولاً موقعی اتفاق می‌افتد که آن‌ها به خرید می‌روند.⁽³⁾ آن‌ها ممکن است دو بطری آب، یک کیسه شکر، یک قرص نان یا دو کیلو گوشت درخواست کنند.⁽⁴⁾ در یک کافی‌شاپ، آن‌ها ممکن است یک فنجان چای، یک تکه کیک یا یک لیوان آبمیوه سفارش دهند.⁽⁵⁾ اگر یک فراگیر، اسم‌های غیرقابل شمارش را به طور اشتباه مورد استفاده قرار دهد، ممکن است گویش‌ورهای انگلیسی آن‌ها را به خوبی درک نکنند.⁽⁶⁾ بنابراین وقتی شما انگلیسی یاد می‌گیرید، در مورد این نکته مهم خیلی مراقب باشید.⁽⁷⁾

درسنامه

اسم‌های قابل شمارش و غیرقابل شمارش "Countable and Uncountable Nouns"

در زبان انگلیسی اسم‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

(۱) اسم قابل شمارش: اسمی است که شمرده می‌شود، تعداد دارد و قابل جمع بستن است. مانند اسم‌های زیر:

car → cars book → books watch → watches child → children

(۲) اسم غیرقابل شمارش: اسمی است که شمرده نمی‌شود، مقدار دارد و جمع بسته نمی‌شود. بعضی از اسم‌های غیرقابل شمارش که تا کنون خوانده‌اید، اسم‌های زیر هستند:

advice	توصیه	help	کمک	rice	برنج
air	هوا	honey	عسل	salad	سالاد
attention	توجه	ice cream	بستی	seafood	غذای دریایی
baggage	بار سفر	information	اطلاعات	sleep	خواب
blood	خون	jelly	ژله	snow	برف
bread	نان	juice	آبمیوه	sport	ورزش
communication	ارتباط	knowledge	دانش	sugar	شکر، قند
carbon	کربن	love	عشق	tea	چای
cheese	پنیر	meat	گوشت	tennis	تنیس
chess	شطرنج	metal	فلز	time	زمان
coffee	قهوه	milk	شیر	today	امروز، امروزه
danger	خطر	money	پول	traffic	ترافیک
energy	انرژی	news	خبر	travel	سفر
food	غذا	oxygen	اکسیژن	water	آب
fruit	میوه	paper	کاغذ	weather	آب‌وهوا
fun	تفریح	power	قدرت	wildlife	حیات وحش
gold	طلا	rain	باران	wood	چوب
health	سلامتی	research	تحقیق	work	کار

کلمه‌ها یا عبارت‌هایی (صفت‌های کئی) که قبل از اسم‌های قابل شمارش و غیرقابل شمارش به کار می‌روند به صورت جدول زیر هستند:

قبل از اسم‌های قابل شمارش	قبل از اسم‌های غیرقابل شمارش
one, two, three, ..., several	یک، دو، سه،، چندین
few, a few	تعداد خیلی کم، تعداد کم
some	تعدادی
many	تعداد زیادی
lots of, a lot of	تعداد زیادی
plenty of	تعداد زیادی
How many ...?	چه تعدادی ...؟
	اعداد به کار نمی‌روند.
	مقدار خیلی کم، مقدار کم
	مقداری
	مقدار زیادی
	مقدار زیادی
	مقدار زیادی
	چه مقداری ...؟

درسنامه

There is bread in this basket.

① a few

② a little

③ many

④ three

«در این سبد مقدار کمی نان وجود دارد.»



از آن جا که اسم bread (نان) غیر قابل شمارش است، دارای «تعداد» نیست بلکه «مقدار» دارد. در بین گزینه ها فقط گزینه (۲) که به معنی «مقدار کمی» است، درست می باشد.

نکته طلایی

a few از وقتی استفاده می کنیم، کمیتی را بیان می کنیم که تعداد آن مثبت است و تقریباً هم معنی با some (تعدادی کافی) است، اما few بیانگر کمیتی است که تعداد آن منفی است و تقریباً هم معنی با no (هیچ) است.

a few = two or three / a couple اما few = not many / almost none

⇒ I have a few friends who speak Japanese.

«من تعداد کمی دوست دارم که ژاپنی صحبت می کنند.» (+)

⇒ Mary has made few mistakes in her life.

«مری در زندگی اش اشتباهات خیلی کمی انجام داده است.» (-)

در مورد a little و a little نیز به همین ترتیب است. a little تقریباً هم معنی some (مقداری کافی) بوده و مقدار آن مثبت است، اما a little مقدار کمی (ناکافی) است که منفی است و تقریباً هم معنی not much (نه مقداری زیاد) است.

a little = less than some but more than none اما little = not much

⇒ He put a little sugar in his coffee.

«او مقدار کمی شکر در قهوه اش ریخت.» (+)

⇒ He had little experience working with children, so he was not hired.

«او تجربه خیلی کمی در کار کردن با بچه ها داشت، بنابراین او استخدام نشد.» (-)

I have money. I need to take out some money from an ATM now.

① a few

② a little

③ little

④ many

«من پول خیلی کمی دارم (من پول خیلی زیادی ندارم). من الآن باید از خودپرداز پول برداشت کنم.»



از آن جا که اسم money (پول) غیر قابل شمارش است، دارای «مقدار» است در نتیجه گزینه های (۱) و (۴) نمی توانند درست باشند. با توجه به معنی جمله دوم متوجه می شویم که پول من «ناکافی» است، پس گزینه (۳) درست است.

نکته

بعد از How many حتماً یک اسم قابل شمارش و جمع به کار می رود و بعد از How much یک اسم غیر قابل شمارش به کار می رود.

⇒ How many horses do you see in the zoo?

⇒ How much milk do you drink every day?

گزینه (۳) درست را انتخاب کنید.

How many did you see in the room last night?

① apple

② tea

③ child

④ women

«شب گذشته در اتاق چه تعداد زن دیدی؟»



از آن جا که بعد از How many اسم قابل شمارش جمع می آید فقط گزینه (۴) درست است. دقت داشته باشید که women شکل جمع woman است. بقیه گزینه ها اسم مفرد هستند.

نکته طلایی دقت داشته باشید که a lot و lots of در وسط جمله می آیند و بعد از آن ها اسم به کار می رود اما بعد از a lot اسم به کار نمی رود و معمولاً در آخر جمله می آید.

A: How much money do you have? B: I have **a lot of** money.
I have **lots of** money.
I have **a lot**.

نکته برای اسم های غیر قابل شمارش از واحدهای شمارش مختلفی استفاده می شود که برخی از آن ها به صورت زیر هستند:

a bottle of (یک بطری ...) ⇒ a bottle of water / milk / juice / tea

a cup of (یک فنجان ...) ⇒ a cup of tea / coffee / juice

a glass of (یک لیوان ...) ⇒ a glass of water / juice / milk

a bag of (یک کیسه ...) ⇒ a bag of rice / sugar / salt

a piece of (یک تکه ...) ⇒ a piece of cake / fruit / bread

a slice of (یک برش ...) ⇒ a slice of pizza / banana / apple

a kilo of (یک کیلو ...) ⇒ a kilo of cheese / rice / meat / fruit

a loaf of (یک قرص ...) ⇒ a loaf of bread



See Also

کاربرد اعداد در جمله "Numbers"

نکته ۱ سؤالی که با How many ...? (چه تعداد) پرسیده می شود همیشه اسم جمع دارد، حتی اگر پاسخ مفرد باشد.

A: How many children are there in the room? B: There is one child in the room.

نکته ۲ اعداد قبل از اسم های قابل شمارش به کار می روند. دقت داشته باشید که بعد از one اسم مفرد به کار می رود و بعد از اعداد two, three, ... اسم جمع به کار می رود.

نکته ۳ اگر تأکیدی بر عدد وجود نداشته باشد می توان به جای one از a / an نیز استفاده کرد. به خاطر داشته باشید که اگر اسم مفردی با حروف صدادار «a, o, u, i, e» به کار برود، قبل از آن به جای a از an استفاده می کنیم.

به مثال های زیر دقت کنید:

⇒ This is an apple.

«بیان این که این سیب است.»

⇒ I have a brother.

«بیان این که من برادر دارم.»

⇒ I have one brother and two sisters.

«بیان این که من فقط یک برادر و دو خواهر دارم.»

⇒ My cousin has two brothers and three sisters.

«به اسم های جمع بعد از اعداد دقت کنید.»

درسنامه

❖ اگر قبل از اسمی، یک صفت قرار بگیرد، عدد یا شمارنده را قبل از صفت می‌نویسیم.

- ❖ a big apple «یک سیب بزرگ»
- ❖ an easy book «یک کتاب آسان»
- ❖ one hundred foreign students «یک صد دانشجوی خارجی»
- ❖ some endangered languages «تعدادی زبان در معرض خطر»

❖ برای پرسیدن در مورد قیمت چیزی از ? How much ... استفاده می‌کنیم.

A: How much are those pants? B: They are \$100. «آن شلوار چه قیمتی است؟» «آن ۱۰۰ دلار است.»

❖ اعداد ... hundred, thousand, million جمع بسته نمی‌شوند مگر این‌که بخواهیم به «تعداد خیلی زیادی» اشاره کنیم که معمولاً به صورت "hundreds of" یا "thousands of" و ... به کار می‌روند.

❖ I have two hundred students. «من دویست دانش آموز دارم.»

❖ There are hundreds of thousands of birds in the sky. «صدها هزار پرنده در آسمان وجود دارند.»

Pronunciation

تکیه صوتی "Stress"

در زبان انگلیسی برای بیان کلمه‌هایی که دارای دو بخش یا بیش‌تر هستند، باید یک بخش را با تکیه صوتی (stress) بیش‌تری بیان کرد. مطمئن‌ترین روش برای اطلاع از این‌که بدانیم یک کلمه، چند بخشی است و stress آن روی کدام بخش است، مراجعه به فرهنگ لغت است. به کلمه‌های زیر دقت کنید:

• • before (دو بخشی با تکیه بر روی بخش دوم)

• • • computer (سه بخشی با تکیه بر روی بخش دوم)

• • added (دو بخشی با تکیه بر روی بخش اول)

❖ اعداد زیر که به «-ty» ختم می‌شوند، همه دوبخشی می‌باشند و stress روی بخش اول آن‌ها است.

• • • • • twenty / thirty / forty / fifty / sixty / seventy / eighty / ninety

❖ در اعدادی که به «-teen» ختم می‌شوند، stress روی بخش آخر، یعنی «-teen» است.

• • • • • thirteen / fourteen / fifteen / sixteen / seventeen / eighteen / nineteen

Writing

جمله‌های ساده "Simple Sentences"

تعریف جمله ساده: در زبان انگلیسی هر جمله باید حداقل یک فاعل و یک فعل داشته باشد. چنین جمله‌ای را جمله ساده می‌نامند.

❖ کسی یا چیزی را که جمله، در مورد آن صحبت می‌کند، فاعل می‌نامند. به خاطر داشته باشید که فاعل یک جمله یک اسم (شخص، جا، چیز) یا یک ضمیر است. ضمیر کلمه‌ای مانند I, he, she, we, you, they است که به جای اسم به کار رفته است.

❖ آن چه که درباره فاعل صحبت می‌کند، فعل است.

درسنامه

• یک جمله ساده می‌تواند مفعول نیز داشته باشد. **مفعول** اسمی است که پذیری یک عمل است. برای پیدا کردن مفعول می‌توانید از خود پرسید «چه کسی» یا «چه چیزی» را.

⇒ My brother is driving the car.

مفعول فعل فاعل

«برادرم در حال راندن اتومبیل است.»

⇒ We studied English.

مفعول فعل فاعل

«ما انگلیسی خواندیم.»

نکته ۱ همان‌طورکه می‌بینید، یک جمله با حرف بزرگ شروع می‌شود و به نقطه ختم می‌شود.

نکته ۲ یک جمله ساده هم چنین می‌تواند اطلاعات اضافی (تکمیلی)، پیش‌تر به شکل **قیدهای مکان، زمان و حالت** داشته باشد.

⇒ My brother is driving the car fast now.

قید قید مفعول فعل فاعل
زمان حالت

«برادرم الان در حال سریع راندن اتومبیل است.»

⇒ We studied English carefully in the library.

قید مکان قید حالت مفعول فعل فاعل

«ما در کتابخانه با دقت انگلیسی خواندیم.»

تمرین ۴ در جمله زیر مفعول کدام است؟

The young man was eating lunch in the restaurant last Monday.

① man

② lunch

③ restaurant

④ Monday

«آن مرد جوان دوشنبه گذشته در حال خوردن شام در رستوران بود.»



برای پیدا کردن «مفعول» می‌پرسیم: «چه چیزی را» یا «چه کسی را». بنابراین گزینه (۲) صحیح است.

نکته طلایی معمولاً یک جمله خبری ساختار زیر را دارد:

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل اصلی + قید تکرار + (not) + فعل کمکی + فاعل

– فاعل: انجام‌دهنده کار است. مانند: my father (پدر من)، he (او)، that boy (آن پسر) و ...

– فعل کمکی: کلمه‌های زیر فعل کمکی هستند:

am, is, are / was, were / do, does, did / can, could, may, might, should, must, will, would

– فعل اصلی: خود انجام کار است. مانند: go (رفتن)، play (بازی کردن) و ...

– قید تکرار: بعضی از قیدهای تکرار عبارتند از:

never (هرگز)، hardly ever (به ندرت)، sometimes (بعضی اوقات)، often (اغلب)، usually (معمولاً)، always (همیشه)

– مفعول: برای پیدا کردن مفعول می‌پرسیم «چه چیزی را» یا «چه کسی را».

– قید حالت: اکثر قیدهای حالت با اضافه کردن -ly به آخر بعضی از صفت‌ها ساخته می‌شوند. مانند: quickly (به سرعت)،

angrily (با عصبانیت) و ...

– قید مکان: کلمه یا عبارتی است که در اصل اسم یک مکان را بیان می‌کند. مانند: at school (در مدرسه)، library (کتابخانه) و ...

– قید زمان: کلمه یا عبارتی است که یک زمان را بیان می‌کند. مانند: today (امروز)، in the morning (در صبح) و ...

آموزش

جلد اول:

الکلیسی یازدهم
English 11

سیرت پنا



درس دوم

Lesson 2

A Healthy Lifestyle

Lesson 2

PART 1

(Pages 49 - 54)

Title Page - Get Ready - Conversation

Vocabulary

واژگان درس

lifestyle (n.)

سبک زندگی

Many people are trying to have a healthy **lifestyle** these days.

«این روزها بسیاری از مردم سعی می‌کنند **سبک زندگی** سالمی داشته باشند.»

education (n.)

تحصیل، تعلیم و تربیت، آموزش

Early **education** for children usually begins at home.

«آموزش اولیه کودکان معمولاً در خانه شروع می‌شود.»

laughter (n.)

خنده

I heard sounds of **laughter** in the room.

«من از داخل اتاق صداهای **خنده** شنیدم.»

jog (v.)

آهسته دویدن

She usually **jogs** around the local park.

«او معمولاً به دور پارک محلی **آهسته** می‌دود.»

hang out (phr. v.)

وقت زیادی را در جایی سپری کردن

The local kids **hang out** in this big park.

«بچه‌های محل در این پارک بزرگ وقت زیادی را **سپری** می‌کنند.»

Mount (Mt) (n.)

کوه

Is **Mount Everest** the highest in the world?

«آیا **کوه اورست** بلندترین (کوه) در دنیا است؟»

oil (n.)

روغن

Omega-3 fish **oil** will help children grow better.

«**روغن ماهی** امگا ۳ به کودکان کمک می‌کند بهتر رشد کنند.»

candy (n.)

آبنبات

Who wants the last piece of **candy**?

«چه کسی آخرین دانه **آبنبات** را می‌خواهد؟»

tomato (n.)

گوجه‌فرنگی

Can I have a bottle of **tomato** juice?

«آیا می‌توانم یک بطری آب **گوجه‌فرنگی** بدارم؟»

carrot (n.)

هویج

Have you ever drunk **carrot** juice?

«آیا تا کنون آب **هویج** نوشیده‌ای؟»

onion (n.)

پیاز

He is growing **onions** in the garden this year.

«او امسال در باغ **پیاز** پرورش می‌دهد.»

quince (n.)

پِه

Would you like some **quince** jelly?

«آیا مقداری **ژله پِه** می‌خواهید؟»

diet (n.)

رژیم غذایی

I think it's time to go on a **diet**.

«فکر می‌کنم وقت این است که **رژیم** بگیرم.»

rarely (adv.)

به ندرت

We **rarely** see this kind of weather in our area.

«ما **به ندرت** این نوع آب‌وهوا را در منطقه‌مان می‌بینیم.»

couch potato (n.)

مستاد پِه تلویزیون، خورۀ تلویزیون

I never do exercise. I am a **couch potato**.

«من هرگز ورزش نمی‌کنم. من **خورۀ تلویزیون** هستم.»

gain weight

وزن اضافه کردن، چاق شدن

I think I have **gained weight** recently.

«من فکر می‌کنم اخیراً **چاق** شده‌ام.»

depressed (adj.)

افسرده

She felt very **depressed** about the future.

«او در مورد آینده خیلی **افسرده** بود.»

win (v.)

برنده شدن، بُردن

They played well, but they didn't **win**.

«آن‌ها خوب بازی کردند، اما **برنده** نشدند.»

How is it going?

حالت چگونه؟

«Great. thanks.» «**How's it going?**»

«حالت **چگونه**؟» «عالی، ممنون.»

since (adv., prep.)

از ... تا حالا

I haven't seen David **since** yesterday.

«من دیوید را از دیروز تا حالا ندیده‌ام.»

nope (adv., excl.)

نه (غیر رسمی)

"Have you finished the book yet?" "Nope."

«آیا هنوز کتاب را تمام نکرده‌ای؟» «نه.»

prefer (v.)

ترجیح دادن

I **prefer** this dictionary because of its helpful examples.

«من این فرهنگ لغت را به خاطر مثال‌های مفیدش ترجیح می‌دهم.»

Come on!

برو بابا، بی خیال!

Oh, **come on**, you know that isn't true!

«اوه، برو بابا! تو می‌دانی که این درست نیست!»

fat (adj.)

چاق

You'll get **fat** if you eat so much chocolate.

«اگر خیلی زیاد شکلات بخوری چاق می‌شوی.»

gain (v.)

به‌دست آوردن، سود کردن

I took the job to **gain** experience.

«من آن شغل را گرفتم (قبول کردم) تا تجربه به‌دست بیاورم.»

move (v.)

حرکت کردن، حرکت دادن

Can you **move** your car, please?

«آیا می‌توانید اتومبیلتان را حرکت بدهید، لطفاً؟»

sports person (n.)

ورزشکار

It's clear that he's a **sports person**.

«این واضح است که او یک ورزشکار است.»

ترجمه متن کتاب درسی

مکالمه "Conversation"

Sina and Behzad are old friends. They have not seen each other for about three months. Behzad has called Sina.

سینا و بهزاد دوستان قدیمی هستند. آن‌ها حدود سه ماه است که یکدیگر را ندیده‌اند. بهزاد به سینا زنگ زده است.

Behzad: Hi Sina. How is it going? I haven't seen you since Norooz.**Sina:** Hi, Behzad. Thanks for calling. I am home most of the time. I do different things like surfing the Net and playing computer games.

سینا: سلام بهزاد. از تماس تو متشکرم. من بیش تر اوقات خونه هستم. من چیزهای مختلفی انجام می‌دم مثل گشت وگذار در اینترنت و انجام بازی‌های کامپیوتری.

Behzad: How about your free time? Going out, jogging, playing football, ...?**بهزاد:** در اوقات فراغت چطور؟ بیرون می‌ری، می‌دوی، فوتبال بازی می‌کنی، ...؟**Sina:** Nope. I rarely go out and hang out with my friends.

سینا: نه، من به ندرت بیرون می‌رم و با دوستانم وقت می‌گذروم.

Behzad: I see. Reza and I are going to Darband for climbing and walking this Thursday. We really like to see you. Will you come with us?**بهزاد:** متوجه شدم. رضا و من این پنجشنبه قصد داریم برای کوهنوردی و پیاده‌روی به دربند برویم. ما واقعاً دوست داریم تو رو ببینیم. آیا با ما خواهی اومد؟**Sina:** What?! Oh, no. I haven't been there for a long time. I prefer to stay home and watch my movies on the weekend. I've bought lots of things to eat, too.

سینا: چی؟! اوه، نه، من برای مدتی طولانی که اون‌جا نرفته‌ام. من ترجیح می‌دم در آخر هفته در خونه بمونم و فیلم‌هام رو تماشا کنم. من هم چیزهای زیادی برای خوردن خریده‌ام.

Behzad: Come on! Stop being a couch potato! I guess you haven't exercised for a long time. I think you are a bit fat now.**بهزاد:** برو بابا! این قدر خورده تلویزیون نباش! من حدس می‌زنم تو برای مدتی طولانی ورزش نکرده‌ای. من فکر می‌کنم الان کمی چاق هستی.**Sina:** Um ... actually, you're right. I've gained five kilos in three months. I really do not like to move!

سینا: اوم ... راستش رو بخوای، تو درست می‌گی. من در سه ماه پنج کیلو چاق شده‌ام. من واقعاً دوست ندارم تحرک داشته باشم!

Behzad: See? I told you. Working with computers for a long time makes people sick and depressed. I've read about this somewhere.**بهزاد:** می‌بینی؟ من به تو گفته‌م. کار کردن با کامپیوتر برای مدت طولانی افراد رو بیمار و افسرده می‌کنه. من در این باره در جایی (مطلبی) خونده‌ام.**Sina:** All right. You won! ... When and where should we meet?

سینا: بسیار خب. تو بردی! ... چه موقع و کجا باید (یکدیگر رو) ملاقات کنیم؟

Lesson 2

PART 2

(Pages 55 - 57)

New Words & Expressions

Vocabulary

واژگان درس

pressure (n.)

فشار

She's experienced a lot of **pressure** at work recently.
«او اخیراً در سرکار فشار زیادی را تجربه کرده است.»

measure (v.)

اندازه گرفتن، اندازه‌گیری کردن

I used a ruler to **measure** a piece of paper.
«من برای اندازه‌گیری کردن یک تکه کاغذ از خطکش استفاده کردم.»

heart attack (n.)

حمله قلبی، سکته قلبی

The old woman died of a **heart attack**.
«آن پیرزن از سکته قلبی مُرد.»

serving (n.)

پُرس (غذا)

This is my third **serving** of potatoes.
«این سومین پُرس سیب‌زمینی من است.»

harmful (adj.)

مضری

Smoking is **harmful** to everyone.
«سیگار کشیدن برای همه مضر است.»

habit (n.)

عادت

It's important that parents teach their children good eating **habits**.
«این مهم است که والدین به کودکان‌شان عادت‌های خوب (غذا) خوردن را یاد بدهند.»

addiction (n.)

اعتیاد

Today, **addiction** to technology is a big problem.
«امروزه، اعتیاد به فناوری یک مشکل بزرگ است.»

physical (adj.)

فیزیکی، جسمی، جسمانی

My father is in good **physical** condition.
«پدر من در وضعیت جسمانی خوبی است.»

calm (adj.)

خونسرد، آرام

It is important to keep **calm** in an emergency.
«خونسرد ماندن در شرایط اضطراری مهم است.»

manner (n.)

رفتار، روش، سبک

His children have excellent **manners**.
«بچه‌های او رفتاری عالی دارند.»

balanced (adj.)

متعادل

Every day, she eats a **balanced** meal of bread, yogurt, and a glass of orange juice.
«او هر روز وعده غذایی متعادلی از نان، ماست و یک لیوان آب پرتقال می‌خورد.»

contain (v.)

شامل شدن، شامل بودن

This drink **contains** sugar.
«این نوشیدنی شامل شکر است.»

recent (adj.)

اخیر

Prices have increased in **recent** years.
«قیمت‌ها در سال‌های اخیر افزایش یافته‌اند.»

emotional (adj.)

احساسی، عاطفی

He's a very **emotional** person.
«او یک فرد خیلی عاطفی است.»

emotion (n.)

احساس، عاطفه

The woman's face showed no **emotion**.
«چهره آن زن هیچ احساسی را نشان نداد.»

prevent (v.)

پیشگیری کردن، جلوگیری کردن، مانع شدن

Can exercise and a healthy diet **prevent** heart disease?
«آیا ورزش و رژیم سالم می‌توانند از بیماری قلبی پیشگیری کنند؟»

relationship (n.)

ارتباط، رابطه

Mary has a close **relationship** with her sister.
«میری ارتباط نزدیکی با خواهرش دارد.»

towards /prep./

به، به سمت، نسبت به

Our mother has been very kind **towards** us.
«مادر ما نسبت به ما خیلی مهربان بوده است.»

Lesson 2

PART 3

(Pages 58 - 63)

Reading - Reading Comprehension - Vocabulary Development

Vocabulary

واژگان درس

ever (adv.) تا حالا، تا کنونHave you **ever** thought of changing jobs?

«آیا شما تا کنون به تغییر شغل فکر کرده‌اید؟»

certain (adj.) خاص، ویژه، مطمئنShe's allergic to **certain** foods.

«او نسبت به غذاهای خاصی حساسیت دارد.»

however (adv.) به هر حال، اماThat job wasn't very interesting. **However**, the pay was good.

«آن شغل خیلی جالب نبود. اما پرداختی (حقوق) خوب بود.»

general (adj.) عمومیThe patient's **general** health is good.

«سلامت عمومی آن بیمار خوب است.»

history (n.) تاریخ، تاریخچه، سابقهThe patient has no **history** of heart problems.

«این بیمار هیچ سابقه مشکلات قلبی ندارد.»

anyone (pron.) (در جمله مثبت) هر کس1- An accident like that can happen to **anyone**.

«تصادفی مانند آن می‌تواند برای هر کسی اتفاق بیفتد.»

2- There wasn't **anyone** in the room.

«در اتاق هیچ‌کس نبود.»

make (v.) باعث شدنThe shirt **makes** me look fat.

«این پیراهن باعث می‌شود من چاق به نظر برسم.»

protein (n.) پروتئینYou need more **protein** in your daily diet.

«تو در رژیم روزانه‌ات پروتئین بیش‌تری نیاز داری.»

necessary (adj.) لازم، واجب، ضروریIs it absolutely **necessary** for me to go on a diet?

«آیا برای من کاملاً ضروری است که رژیم بگیرم؟»

improve (v.) بهبود بخشیدن، پیشرفت کردنI hope my French will **improve** when I go to France.

«من امیدوارم وقتی به فرانسه می‌روم، زبان فرانسوی‌ام بهبود یابد.»

condition (n.) شرایط، وضعیتThis old car is in excellent physical **condition**.

«این اتومبیل قدیمی در وضعیت فیزیکی خوبی است.»

effective (adj.) مؤثر، کارآمدThis way is simple but highly **effective**.

«این روش ساده اما خیلی مؤثر است.»

social (adj.) اجتماعیI joined the sports club to improve my **social** life.

«من به آن باشگاه ورزشی ملحق شدم تا زندگی اجتماعی‌ام را بهبود بخشم.»

decrease (v.) کاهش یافتن، کاهش دادنBy exercising, you can **decrease** your chance of developing heart disease.

«با ورزش، شما می‌توانید شانس پیشرفت بیماری قلبیتان را کاهش دهید.»

death (n.) مرگThe newspaper did not report the cause of **death**.

«روزنامه دلیل مرگ را گزارش نکرد.»

above all مهم‌تر از همه**Above all**, we must know what is best for the children.

«مهم‌تر از همه، ما باید بدانیم چه چیزی برای کودکان بهترین است.»

pray (v.) نماز خواندن، دعا کردنWe are **praying** for good weather on Saturday.

«ما داریم برای هوای خوب در روز یکشنبه دعا می‌کنیم.»

stress (n.) استرس، اضطرابPraying decreases **stress**.

«دعا کردن اضطراب را کاهش می‌دهد.»

factor (n.) عاملSmoking is a risk **factor** for cancer.

«سیگار کشیدن عامل خطر (ابتلا به) سرطان است.»

opposite (n., adv., adj.) متضاد
The **opposite** of "bad" is "good".
«متضاد «بد» «خوب» است.»

dislike (v.) دوست نداشتن
Most people **dislike** going to the dentist.
«بیشتر مردم رفتن به دندانپزشک را دوست ندارند.»

middle (n.) وسط، میان
He stood exactly in the **middle** of the room.
«او دقیقاً در وسط اتاق ایستاد.»

disagree (v.) موافق نبودن، مخالفت کردن، مخالف بودن
Jack and Robert **disagree** about everything.
«جک و رابرت در مورد همه چیز با هم مخالف هستند.»

midterm (adj.) میان‌ترم، میان‌نوبت
We will have a **midterm** exam next week.
«ما هفته آینده آزمون میان‌ترم خواهیم داشت.»

unsafe (adj.) نا امن، خطرناک
Driving while talking on a cell phone is **unsafe**.
«رانندگی در حالی که با تلفن همراه صحبت می‌کنید خطرناک است.»

reality (n.) واقعیت
The **reality** is that we can't buy that house.
«واقعیت این است که ما نمی‌توانیم آن خانه را بخریم.»

incomplete (adj.) ناقص، ناتمام
Spoken language contains many **incomplete** sentences.
«زبان گفتاری شامل تعداد زیادی جمله‌های ناقص است.»

disorder (n.) اختلال، بی‌نظمی، ناهنجاری
This is a **disorder** of the heart.
«این یک (نوع) اختلال قلب است.»

scanner (n.) اسکنر
Can I use your photo **scanner**?
«آیا من می‌توانم از اسکنر عکس شما استفاده کنم؟»

homeless (adj.) بی‌خانمان
This is the building where **homeless** people can sleep and get food.
«این همان ساختمانی است که افراد بی‌خانمان می‌توانند بخوابند و غذا بگیرند.»

replay (v., n.) دوباره اجرا کردن، دوباره انجام دادن، بازبینی
They will **replay** the game on Thursday.
«آن‌ها بازی را در روز پنجشنبه دوباره انجام خواهند داد.»

invitation (n.) دعوت، دعوتنامه
We got an **invitation** from Laura and Jennifer.
«ما از طرف لارا و جنیفر دعوتنامه دریافت کردیم.»

cultural (adj.) فرهنگی
There are a few **cultural** differences between us.
«بین ما اختلاف‌های فرهنگی کمی وجود دارد.»

ترجمه متن کتاب درسی

«زندگی سالم‌تر و طولانی‌تر داشتن» "Having a Healthier and Longer Life"

Have you ever thought of a healthy lifestyle to live longer? ⁽¹⁾ People can do many things to have a healthier life. ⁽²⁾ Most people have a special diet or do lots of exercise; however without a careful plan, they may hurt themselves. ⁽³⁾

آیا تا کنون به یک سبک زندگی سالم برای بیش‌تر زندگی کردن فکر کرده‌اید؟ ⁽¹⁾ مردم می‌توانند چیزهای زیادی انجام دهند تا زندگی سالم‌تری داشته باشند. ⁽²⁾ بیش‌تر مردم رژیم خاصی دارند یا زیاد ورزش می‌کنند؛ اما بدون یک برنامه دقیق، آن‌ها ممکن است به خودشان صدمه بزنند. ⁽³⁾

To have a healthier lifestyle, people need to do certain things.⁽¹⁾ First, they should check their general health.⁽²⁾ Measuring blood pressure and heartbeat is the most important thing to do.⁽³⁾ They also need to check their family health history.⁽⁴⁾ In this way, they understand if anyone in the family has had a special illness.⁽⁵⁾

برای داشتن یک سبک زندگی سالم‌تر، مردم باید چیزهای خاصی را انجام دهند.⁽¹⁾ ابتدا، آن‌ها باید سلامتی عمومی‌شان را چک کنند.⁽²⁾ اندازه‌گیری فشار خون و ضربان قلب مهم‌ترین چیز برای انجام دادن است.⁽³⁾ آن‌ها هم چنین باید سابقه سلامت خانواده خود را بررسی کنند.⁽⁴⁾ به این طریق، آن‌ها می‌فهمند که آیا هیچ‌کسی در خانواده، بیماری خاصی داشته است (یا نه).⁽⁵⁾

Another thing is paying attention to physical health.⁽¹⁾ For example, eating healthy food helps people live longer and prevents diseases.⁽²⁾ Eating junk food makes people gain weight and increases the risk of heart attack.⁽³⁾ Eating balanced servings of bread, vegetables, fruits, protein, and oil is necessary for everyone.⁽⁴⁾ Also, daily exercises improve people's health condition.⁽⁵⁾

مطلب دیگر توجه کردن به سلامت جسمی است.⁽¹⁾ برای مثال، خوردن غذای سالم به مردم کمک می‌کند طولانی‌تر عمر کنند و از بیماری‌ها پیشگیری می‌کنند.⁽²⁾ خوردن غذاهای بی‌ارزش (هله‌هوله) باعث چاقی افراد می‌شود و خطر سکته قلبی را افزایش می‌دهد.⁽³⁾ خوردن پُرس‌های متعادل از نان، سبزی، میوه، پروتئین و روغن برای همه ضروری است.⁽⁴⁾ هم چنین، ورزش روزانه وضعیت سلامت افراد را بهبود می‌بخشد.⁽⁵⁾

An effective way to enjoy a better lifestyle is having healthy relationships with others.⁽¹⁾ Recent research has shown that a good social life decreases the risk of death.⁽²⁾ Sadly, some people do not visit their relatives very often these days.⁽³⁾ They are so busy with their work and usually use technology to communicate.⁽⁴⁾

یک روش مؤثر برای لذت بردن از سبک زندگی بهتر، داشتن روابط سالم با دیگران است.⁽¹⁾ تحقیق اخیر نشان داده است که زندگی اجتماعی خوب خطر مرگ را کاهش می‌دهد.⁽²⁾ متأسفانه این روزها بعضی از مردم خیلی اوقات خوشاوندان‌شان را ملاقات نمی‌کنند.⁽³⁾ آن‌ها خیلی مشغول کارشان هستند و معمولاً برای ارتباط برقرار کردن از فناوری استفاده می‌کنند.⁽⁴⁾

Bad habits and addiction can be harmful to health.⁽¹⁾ One day of smoking can take around 5 hours away from the smoker's life.⁽²⁾ Addiction to technology such as using computers for a long time is also dangerous.⁽³⁾

عادات‌های بد و اعتیاد می‌تواند برای سلامتی مضر باشد.⁽¹⁾ یک روز سیگار کشیدن می‌تواند ۵ ساعت از عمر فردی که سیگار می‌کشد را بگیرد.⁽²⁾ اعتیاد به فناوری مانند استفاده از رایانه به مدت طولانی نیز خطرناک است.⁽³⁾

Above all, the most important thing for having a good life is having emotional health.⁽¹⁾ Praying decreases stress and gives people a calm and balanced life.⁽²⁾ People with this lifestyle have had a better life.⁽³⁾ There are many other things people can do to live healthier and longer.⁽⁴⁾ The key point, however, is to have a plan for the way they want to live and take care of their physical and emotional health.⁽⁵⁾

مهم‌تر از همه، مهم‌ترین چیز برای داشتن یک زندگی خوب، داشتن سلامت عاطفی است.⁽¹⁾ نماز خواندن (دعا کردن) اضطراب را کاهش می‌دهد و به افراد یک زندگی آرام و متعادل می‌دهد.⁽²⁾ افراد با این سبک زندگی، زندگی بهتری داشته‌اند.⁽³⁾ چیزهای بیشتری دیگری وجود دارند که مردم می‌توانند انجام دهند تا زندگی سالم‌تر و طولانی‌تر داشته باشند.⁽⁴⁾ نکته کلیدی، به هر حال، داشتن یک برنامه برای روش زندگی‌ای است که می‌خواهند داشته باشند و مراقبت از سلامت جسمی و عاطفی‌شان است.⁽⁵⁾

درسنامه

Reading Strategy

Skimming

شما می‌توانید یک متن را برای تشخیص موضوع (topic) و فهمیدن ایده اصلی (main idea) نویسنده skim کنید. وقتی که این کار را انجام می‌دهید، می‌توانید حدس بزنید و پیش‌بینی کنید که متن در مورد چه چیزی است. skim کردن یک متن، قبل از خواندن کامل و دقیق آن می‌تواند به شما کمک کند تا آن را بهتر بفهمید.

برای skim کردن این مراحل را انجام دهید:

- ۱- عنوان را بخوانید.
- ۲- به تصاویر نگاه کنید.
- ۳- خط‌های اول و آخر هر بند (پاراگراف) را بخوانید.
- ۴- به سرعت بخوانید. همه کلمات را نخوانید. جزئیات مهم نیستند. (از کلماتی که معنی آن‌ها را نمی‌دانید به سرعت عبور کنید.)
- ۵- ایده اصلی (main idea) را پیدا کنید و بنویسید.
- ۶- برای تشخیص موضوع (topic) یک متن بپرسید: متن در مورد چیست؟
- ۷- برای تشخیص ایده اصلی (main idea) یک متن بپرسید: مهم‌ترین چیزهایی که نویسنده در مورد موضوع می‌گوید چیست؟

تمرین ۱ به روش skimming متن زیر را بخوانید و به سؤالات زیر پاسخ دهید. (در صورت لزوم از Scanning هم استفاده کنید.)

Why do you need a job?

These people need jobs. Read about their schedules, experiences and why they need a job.

Eddie Chen

I'm 16 now, and my parents don't give me an allowance anymore. I want to earn money because I like to go out with my friends on the weekend. I go to school at 8:00 and get home at 4:30. My parents own a restaurant, so I know a little about restaurant work.

Julia Brown

I study French and want to be a teacher someday. I have classes all day on Monday, Tuesday, and Thursday, and on Wednesday and Friday afternoons. I usually study on weekends. I need a job because college is really expensive. I don't have any experience, but I'm a fast learner.

Denise Parker

My husband is an accountant and makes good money, but we don't save very much. We live in a small apartment, and we have a new baby. We want to save money because we want to buy a new house. I take care of my baby, so I need a job I can do at home. I can type well, and I have a new computer.

۱- متن در مورد چیست؟

- a) Having a job b) Three Classmates c) Money

۲- با توجه به متن، بگویید چرا این افراد به داشتن یک شغل نیاز دارند. پاسخ را در جدول زیر علامت بزنید.

	Julia	Denise	Eddie
1. To pay for college	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
2. To go out with friends	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
3. To buy a house	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

درسنامه

۳- با توجه به متن، پاسخ را در جدول زیر علامت بزنید.

Who ...?	Julia	Denise	Eddie
1. has a baby	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
2. has no experience	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
3. can type	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
4. wants to be a teacher	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
5. knows about restaurant work	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

پاسخ:

۱- با توجه به تکنیک شماره (۱)، عنوان متن را بخوانید، پس پاسخ درست گزینه (a) است.

۲- با توجه به تکنیک شماره (۴)، همه کلمه‌ها را نخوانید. وقتی می‌پرسند «Why» (چرا) دنبال «because» (زیرا) باشید. (در این جا از تکنیک Scanning کمک بگیرید.) پس جدول به صورت زیر کامل می‌شود:

	Julia	Denise	Eddie
1. To pay for college	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
2. To go out with friends	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
3. To buy a house	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

۳- با توجه به تکنیک شماره (۴) و تکنیک Scanning، همه کلمه‌ها را نخوانید. دنبال کلمه‌های کلیدی و اصلی باشید. در این جا دنبال کلمه‌های اصلی داخل جدول باشید:

baby, experience, type, teacher, restaurant

پس جدول به شکل زیر کامل می‌شود:

Who ...?	Julia	Denise	Eddie
1. has a baby	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
2. has no experience	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
3. can type	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
4. wants to be a teacher	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
5. knows about restaurant work	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>

Vocabulary Development

پیشوندها و پسوندها Prefixes and Suffixes

• **پیشوندها (prefix)** یک حرف یا گروهی از حرف‌ها هستند که در ابتدای یک کلمه می‌آیند. برخی از کلمه‌های جدید با اضافه کردن پیشوندها به کلمه‌ها ساخته می‌شوند. در حقیقت این کلمه جدید، شکل مشتقی از کلمه‌های دیگر است. این پیشوندها معمولاً معنی دارند و دانستن معنی‌ها به شما کمک می‌کند دایره لغت خود را گسترش دهید.

پیشوند	معنی	مثال	
re-	again (دوباره)	rewrite: write again redo: do again	دوباره نوشتن دوباره انجام دادن
un-	not (منفی‌ساز)	unimportant: not important unhappy: not happy	غیرمهم ناخوش، بدبخت

پیشوند	معنی	مثال	
im- in-	not (منفی ساز)	impossible: not possible impatient: not patient incorrect: not correct incomplete: not complete	غیر ممکن بی صبر، ناشکیبا نادرست ناتمام، ناقص
dis-	not / opposite of (منفی ساز / مخالف)	dislike: not like dishonest: not honest	دوست نداشتن نادرست، متقلب
mid-	middle (وسط، میان)	midday: middle of the day midterm: middle of the term	وسط روز، نیمروز وسط ترم، میان ترم

• **پسوندها (suffix)** گروهی از حرف‌ها هستند که به انتهای یک کلمه اضافه می‌شوند و یک کلمه جدید دیگر می‌سازند که نقش دیگری دارد. بعضی از پسوندها عبارتند از:

پسوند	عملکرد	مثال	
-er / -or / -ar	اسم ساز	write ⇒ writer translate ⇒ translator lie ⇒ liar	نویسنده مترجم دروغگو
-ness	اسم ساز	happy ⇒ happiness kind ⇒ kindness	خوشحالی مهربانی
-ion / -tion / -sion	اسم ساز	create ⇒ creation explain ⇒ explanation comprehend ⇒ comprehension	خلاقیت توضیح درک
-ty / -ity	اسم ساز	diverse ⇒ diversity cruel ⇒ cruelty	تنوع ظلم
-ful	صفت ساز	care ⇒ careful hope ⇒ hopeful	دقیق امیدوار
-ous	صفت ساز	danger ⇒ dangerous nerve ⇒ nervous	خطرناک عصبی
-y	صفت ساز	rain ⇒ rainy snow ⇒ snowy	بارانی برفی
-al	صفت ساز	nature ⇒ natural mechanic ⇒ mechanical	طبیعی مکانیکی
-ly	قید ساز	slow ⇒ slowly quickly ⇒ quickly	به آهستگی به سرعت

درسنامه

تمرین ۲ با اضافه کردن پیشوند به کلمه‌های زیر کلمه‌ای متضاد بنویسید.

1. happy ⇒ 2. important ⇒ 3. honest ⇒
4. connect ⇒ 5. active ⇒ 6. mobile ⇒

پاسخ

1. unhappy 2. unimportant 3. dishonest
4. disconnect 5. inactive 6. immobile

تمرین ۳ با اضافه کردن پسوند به کلمه‌های زیر، اسم یا صفت بسازید.

1. invite ⇒ 2. use ⇒ 3. wind ⇒
4. fame ⇒ 5. ill ⇒ 6. drive ⇒

پاسخ

1. invitation 2. useful 3. windy
4. famous 5. illness 6. driver

نکته طلایی پسوند‌های زیر را نیز به خاطر بسپارید:

پسوند	عملکرد	مثال
-ment	اسم ساز	improvement development
-ist	اسم ساز	artist pianist
-ship	اسم ساز	friendship relationship
-ian	صفت ساز	Italian Iranian
-ese	صفت ساز	Chinese Japanese
-less	صفت ساز	hopeless homeless
-ic	صفت ساز	Islamic Arabic
-fy	فعل ساز	identify satisfy
-ise	فعل ساز	realise / realize
-ize	فعل ساز	finalise / finalize

Lesson 2

PART 4

(Pages 64 - 79)

Grammar - Listening & Speaking - Pronunciation - Writing - What You Learned

Vocabulary

واژگان درس

influence (v.)

تأثیر گذاشتن، اثر گذاشتن

Her parents tried to **influence** her in her choice of university.

«والدین او سعی کردند در انتخاب دانشگاه او تأثیر بگذارند.»

reason (n.)

دلیل

Give me one good **reason** why I should help you.

«یک دلیل خوب برای من بیاور که چرا باید به تو کمک کنم.»

for no good reason

بدون هیچ دلیل خاصی

Some people use their mobile phones everywhere **for no good reason**.

«بعضی از مردم از تلفن همراهشان بدون هیچ دلیل خاصی در همه جا استفاده می‌کنند.»

even (adv.)

حتی

It was cold there **even** in summer.

«آن‌جا هوا حتی در تابستان سرد بود.»

properly (adv.)

به طور مناسب، درست

When will these kids learn to behave **properly**?

«این بچه‌ها چه موقع یاد می‌گیرند به طور مناسب (درست) رفتار کنند؟»

choose (v.)

انتخاب کردن

There are several books available to **choose** from.

«چندین کتاب برای انتخاب کردن قابل دسترس هستند.»

medical (adj.)

پزشکی، دارویی، طبی

He has a dangerous **medical** condition.

«او وضعیت پزشکی خطرناکی دارد.»

anti-cancer (adj.)

ضد سرطان

They have made an **anti-cancer** drug recently.

«آن‌ها اخیراً داروی ضدسرطان ساخته‌اند.»

drug (n.)

دارو

I believe more in diet than in **drugs**.

«من بیش‌تر از دارو به رژیم غذایی اعتقاد دارم.»

cure (n., v.)

درمان، درمان کردن

It is better to prevent rather than **cure** diseases.

«بهتر است پیشگیری کرد تا بیماری‌ها را درمان کرد.»

technological (adj.)

مربوط به فناوری

We need some **technological** changes.

«ما به تغییرات مربوط به فناوری نیاز داریم.»

secret (adj., n.)

رمز، راز، مخفی

I don't know the **secret** password.

«من آن رمز عبور مخفی را نمی‌دانم.»

stage (n.)

مرحله

This technology is still in its early **stages**.

«این فناوری هنوز در مراحل اولیه‌اش است.»

produce (v.)

تولید کردن

They **produce** a lot of cars every year.

«آن‌ها هر سال تعداد زیادی اتومبیل تولید می‌کنند.»

retire (v.)

بازنشسته شدن

I want to be healthy when I **retire**.

«من می‌خواهم وقتی بازنشسته شدم سالم باشم.»

be born

متولد شدن

He **was born** in a small village in northern Spain.

«او در یک روستای کوچک در شمال اسپانیا متولد شد.»

normal (adj.)

نرمال، عادی، معمولی

They had a **normal**, healthy baby.

«آن‌ها یک بچهٔ نرمال سالم دارند.»

join (v.)

پیوستن، ملحق شدن

She **joined** the company three months ago.

«او سه ماه پیش به شرکت پیوست.»

exciting (adj.)

مهیج، هیجان‌آور

We took an **exciting** trip to Africa.

«ما سفری مهیج به آفریقا داشتیم.»

mission (n.) مأموریت

He was often out of the office on different **missions**.
«او اغلب در بیرون اداره در مأموریت‌های مختلف بود.»

honestly (adv.) صادقانه

I can **honestly** say that I have never seen that man before.
«من می‌توانم صادقانه بگویم که هرگز آن مرد را قبلاً ندیده‌ام.»

for sure از روی اطمینان، مطمئناً

No one knows **for sure** what happened.
«هیچ‌کس مطمئناً نمی‌داند چه اتفاقی افتاد.»

yet (adv.) هنوز

Hasn't she called **yet**?
«آیا او هنوز تماس نگرفته است؟»

call back (phr. v.) دوباره تماس گرفتن

She said she'd **call back**.
«او گفت که دوباره تماس خواهد گرفت.»

Hurry up! (phr. v.) عجله کن!

Hurry up! We're late.
«عجله کن! دیرمان شده است.»

look after (phr. v.) مراقبت کردن از

Don't worry about me. I can **look after** myself.
«دردمرد من نگران نباش، من می‌توانم از خودم مراقبت کنم.»

washing machine (n.) ماشین لباسشویی

Your shirt is in the **washing machine**.
«پیراهن شما در ماشین لباسشویی است.»

asleep (adj.) خواب

She was still **asleep** at noon.
«او هنوز در ظهر خواب بود.»

once (adv.) یک بار، یک دفعه

I will ask the question **once**.
«من سؤال را یک بار خواهم پرسید.»

maybe (adv.) شاید

I thought **maybe** we could go together.
«من فکر کردم شاید ما بتوانیم با هم برویم.»

series (n.) سریال

We are watching a popular television **series**.
«ما در حال تماشا کردن یک سریال محبوب تلویزیونی هستیم.»

boat (n.) قایق

My father has an old fishing **boat**.
«پدر من یک قایق ماهی‌گیری قدیمی دارد.»

golf (n.) گلف

She decided to join a **golf** club.
«او تصمیم گرفت به باشگاه گلف بپیوندد.»

the Olympics (n.) المپیک، بازی‌های المپیک

They held **the Olympics** in London.
«آن‌ها بازی‌های المپیک را در لندن برگزار کردند.»

take part in شرکت کردن در

How many countries **took part in** the last Olympic Games?
«چه تعداد کشور در آخرین بازی‌های المپیک شرکت کردند؟»

Watch out! (phr. v.) مراقب باش!

Watch out! There's a car coming!
«مراقب باش! یک اتومبیل دارد می‌آید!»

Go away! (phr. v.) دور شو! برو!

Go away and think about it, then let me know.
«برو و درباره‌اش آن فکر کن، سپس به من اطلاع بده.»

Take care! (phr. v.) مراقب باش!

Take care that you don't eat too much!
«مراقب باش که بیش از حد نخوری!»

Get away! (phr. v.) دور شو!

Get away! I need to be alone.
«دور شو! من باید تنها باشم.»

Turn round! (phr. v.) بچرخ!

Turn around and let me look at your back.
«بچرخ و اجازه بده من کمرت را نگاه کنم.»

cycling (n.) دوچرخه‌سواری

Cycling is Europe's second most popular sport.
«دوچرخه‌سواری دومین ورزش محبوب اروپا است.»

take time وقت گرفتن، وقت بردن

It **takes** a long **time** to master a language.
«زمان زیادی طول می‌کشد تا به یک زبان مسلط شویم.»

goal (n.) هدف

Speaking English well is one of my **goals**.
«خوب انگلیسی صحبت کردن یکی از هدف‌های من است.»

regular (adj.) **منظم**
Doing **regular** exercise is useful for everyone.
«انجام ورزش منظم برای همه مفید است.»

fishing (n.) **ماهیگیری**
I'm going **fishing** this weekend.
«من این هفته به ماهیگیری خواهم رفت.»

forbidden (adj.) **ممنوع، قدغن**
Smoking is **forbidden** in this room.
«در این اتاق سیگار کشیدن ممنوع است.»

park (v.) **پارک کردن**
I **parked** the car in the street.
«من اتومبیل را در خیابان پارک کردم.»

keep on (phr. v.) **ادامه دادن، ادامه داشتن**
The rain **kept on** all night.
«باران تمام شب ادامه داشت.»

practice (v., n.) **تمرین، تمرین کردن**
The team is **practicing** for their big game on Friday.
«تیم در حال تمرین کردن برای بازی بزرگ روز جمعه است.»

biking (n.) **دوچرخهسواری**
Biking is a great form of exercise.
«دوچرخهسواری شکلی عالی از ورزش است.»

skating (n.) **اسکیت کردن**
Skating is forbidden in the parking lot.
«در پارکینگ اسکیت کردن ممنوع است.»

sailing (n.) **قایقرانی**
Sailing is my favorite kind of sport.
«قایقرانی نوع ورزش مورد علاقه من است.»

right now **همین حالا، الآن**
Do you need me **right now**?
«آیا همین حالا به من احتیاج دارید؟»

scientific (adj.) **علمی**
There must be a **scientific** explanation for this.
«باید برای این یک توضیح علمی وجود داشته باشد.»

hiking (n.) **پیاده‌روی**
We spent the afternoon **hiking** around the lake.
«ما بعد از ظهر را با پیاده‌روی به دور دریاچه گذرانیدیم.»

tired (adj.) **خسته**
I was really **tired** after the long trip.
«من بعد از آن سفر طولانی واقعاً خسته بودم.»

rush (v.) **عجله کردن، با عجله رفتن، هجوم بردن**
I **rushed** home from work to get ready for the ceremony.
«من از سرکار با عجله به خانه رفتم تا برای مراسم آماده شوم.»

active (adj.) **فعال**
We are **active** members of our team.
«ما اعضای فعال تیم‌مان هستیم.»

snack (n.) **غذای سریایی**
I only have time for a **snack** at lunchtime.
«من در وقت ناهار فقط برای (خوردن) غذای سریایی وقت دارم.»

taste (n.) **سلیقه، ذوق**
This type of diet has changed people's **taste**.
«این نوع رژیم غذایی سلیقه مردم را تغییر داده است.»

dish (n.) **غذا**
She cooked us a delicious French **dish**.
«او برای ما یک غذای فرانسوی خوشمزه پخت.»

risk (v.) **به خطر انداختن، ریسک کردن**
He **risked** his life helping others.
«او با کمک کردن به دیگران زندگی‌اش را به خطر انداخت.»

cause (v., n.) **سبب شدن، سبب، دلیل**
Will it **cause** any difficulties if I go early?
«آیا اگر من زود بروم سبب هیچ مشکلی خواهد شد؟»

name (v.) **نام بردن، نامیدن**
Can you **name** some countries in Asia?
«آیا شما می‌توانید چند کشور را در آسیا نام ببرید؟»

have to (modal v.) **مجبور بودن**
Sorry, I **have to** go.
«متأسفم، من مجبورم بروم.»

Workbook Vocabulary

واژگان کتاب کار

proportion (n.)

مقدار، نسبت، سهم

Eat balanced proportion of food.

«مقدار متعادلی از غذا بخورید.»

positive (adj.)

مثبت

What are some of the positive things about your job?

«چند چیز مثبت در مورد شغل تو چیست؟»

negative (adj.)

منفی

What are the negative effects of this drug?

«تأثیرات منفی این دارو چه چیزهایی هستند؟»

effect (n.)

اثر، تأثیر

The experience has had a bad effect on him.

«آن تجربه تأثیر بدی روی او داشته است.»

enable (v.)

قادر ساختن

This new program will enable everyone to study at college.

«این برنامه جدید همه را قادر خواهد ساخت تا در دانشگاه درس بخوانند.»

creative (adj.)

خلاق، خلاقانه

She's a very creative artist.

«او هنرمند خیلی خلاق است.»

vacuum cleaner (n.)

جارو برقی

My father bought a new vacuum cleaner last week.

«پدر من هفته گذشته یک جارو برقی جدید خرید.»

as (conj.)

زیرا، از آنجایی که

As you were out, I left a message.

«از آنجایی که تو بیرون بودی، من پیغام گذاشتم.»

miracle (n.)

معجزه

It's a miracle that nobody was hurt!

«این یک معجزه است که هیچکس صدمه ندید!»

as well

همچنین، هم

Is your uncle coming as well?

«آیا عموی تو هم می‌آید؟»

harm (v.)

آسیب رساندن، صدمه زدن

She'd never harm her children.

«او هرگز به فرزندانش آسیب نمی‌رساند.»

nervous system (n.)

سیستم عصبی

Playing video games harms your nervous system.

«انجام دادن بازی‌های کامپیوتری به سیستم عصبی شما آسیب می‌زند.»

headset (n.)

هدست

Listening to music by headsets can be harmful to your ears.

«گوش دادن به موسیقی با هدست می‌تواند برای گوش‌های شما مضر باشد.»

addict (n.)

معتاد

My little brother is a computer game addict.

«برادر کوچک من معتاد بازی‌های کامپیوتری است.»

various (adj.)

متنوع، مختلف

There are various ways of doing this.

«برای انجام این (کار) روش‌هایی متنوع وجود دارد.»

in particular

به خصوص، به ویژه

Are you looking for anything in particular?

«آیا دنبال چیزی به خصوص می‌گردید؟»

smartphone (n.)

تلفن هوشمند

She never goes anywhere without her smartphone.

«او هرگز بدون تلفن هوشمندش جایی نمی‌رود.»

socialize (v.)

معاشرت کردن، اجتماعی کردن

Does he socialize with the other players on the team?

«آیا او با دیگر بازیکنان تیم معاشرت می‌کند؟»

device (n.)

دستگاه، وسیله

Where can I buy electronic devices?

«من کجا می‌توانم دستگاه‌های الکترونیک بخرم؟»

impatient (adj.)

ناشکیبا، بی‌صبر و حوصله

Sometimes he is very impatient with his wife.

«او گاهی اوقات با همسرش خیلی ناشکیبایی می‌کند.»

specialist (n.)

متخصص

Mr. Tanaka is a specialist in Japanese history.

«آقای تاناکا متخصص تاریخ ژاپن است.»

avoid (v.)	پرهیز کردن، اجتناب کردن، ممانعت کردن
He tried hard to avoid accidents.	«او به سختی تلاش کرد تا از تصادف ممانعت کند.»
limit (adj.)	محدود کردن
The hospital limited visits to 30 minutes.	«بیمارستان ملاقات‌ها را به ۳۰ دقیقه محدود کرد.»
depression (n.)	افسردگی
Technology may cause depression .	«فناوری ممکن است باعث افسردگی شود.»
worthy (adj.)	شایسته، لایق، درخور
Very few of his ideas are worthy of attention.	«آیده‌های خیلی کمی از او درخور توجه هستند.»
disable (v.)	از کار انداختن، ناتوان کردن
Can you disable this anti-virus program?	«آیا شما می‌توانید این برنامه آنتی ویروس را از کار بیاندازید؟»
vitamin (n.)	ویتامین
Milk contains vitamin D .	«شیر شامل ویتامین D است.»
mineral (n.)	(ماده) معدنی
I usually drink mineral water.	«من معمولاً آب معدنی می‌نوشم.»
calorie (n.)	کالری
You need to exercise more to burn off the calories .	«شما باید بیشتر ورزش کنید تا کالری بسوزانید.»
per (prep.)	در، در هر، برای هر
The tickets are \$25 per person.	«بلیط‌ها برای هر نفر ۲۵ دلار هستند.»
thought (adj.)	فکر، اندیشه، افکار
My first thought was that something must have changed.	«اولین فکر من این بود که چیزی باید عوض می‌شد.»
ahead (adv.)	پیش رو، جلو
We've got a lot of hard work ahead .	«ما کار سخت زیادی در پیش رو داریم.»

factory (n.)	کارخانه
Our father works in a car factory .	«پدر ما در یک کارخانه اتومبیل (سازی) کار می‌کند.»
press (v.)	اتو کردن
He pressed his shirt and pants.	«او پیراهن و شلوارش را اتو کرد.»
grocery (n.)	ماده غذایی، خواربار
She stopped to pick up some groceries for dinner.	«او توقف کرد تا برای شام مقداری مواد غذایی بخرد.»
exercise (n.)	تمرین
Do exercise one for homework.	«تمرین یک را برای تکلیف منزل انجام دهید.»
flat tire	چرخ پنچر شده، پنچر
I drove over some pieces of glass and got a flat tire .	«من روی تکه‌های شیشه رانندگی کردم و پنچر شدم.»
every other (week)	یک (هفته) در میان
We visit our grandmother every other week.	«ما یک هفته در میان مادریزگمان را ملاقات می‌کنیم.»
note (n.)	یادداشت
After class, I usually study my notes .	«بعد از کلاس من معمولاً یادداشت‌هایم را می‌خوانم.»
shut (v.)	بستن
He shut his eyes and went to sleep.	«او چشم‌هایش را بست و به خواب رفت.»
Do you mind ...?	آیا مشکلی نیست ...؟
Do you mind if I open the window?	«آیا مشکلی نیست اگر من پنجره را باز کنم؟»
mile (n.)	مایل (۱۶۰۹ متر)
How many miles is it from here to New York?	«از این جا تا نیویورک چند مایل است؟»

ترجمه متن کتاب درسی

Technology **has influenced** the lives of people in this century.⁽¹⁾ Working with computers and mobile phones **has changed** people's habits and lifestyle.⁽²⁾ Some people use their laptops and especially their mobile phones everywhere for no good reason.⁽³⁾ Some of them **have not read** a book for some months.⁽⁴⁾ Some **have not visited** their relatives for a long time.⁽⁵⁾ Some even **have not slept** well or **have not eaten** properly for a long time.⁽⁶⁾ Some of these people **have quitted** good habits like doing daily exercises or attending social events.⁽⁷⁾ They **have chosen** an unhealthy lifestyle.⁽⁸⁾ To live longer, they need to rethink the way they live, work, and use technology.⁽⁹⁾

فناوری در این قرن بر زندگی‌های مردم اثر گذاشته است.⁽¹⁾ کار کردن با رایانه‌ها و تلفن‌های همراه عادت‌ها و سبک زندگی مردم را تغییر داده است.⁽²⁾ بعضی مردم بدون هیچ دلیل خاصی از لپ‌تاپ و به خصوص تلفن همراهشان در هر جا استفاده می‌کنند.⁽³⁾ بعضی از آن‌ها برای ماه‌ها است که کتاب نخوانده‌اند.⁽⁴⁾ بعضی خویشاوندانشان را برای مدتی طولانی است که ملاقات نکرده‌اند.⁽⁵⁾ بعضی حتی برای مدتی طولانی است خوب نخوابیده‌اند یا به طور مناسب غذا نخورده‌اند.⁽⁶⁾ بعضی از این مردم عادت‌های خوب مثل ورزش روزانه یا حضور در رویدادهای اجتماعی را ترک کرده‌اند.⁽⁷⁾ آن‌ها سبک زندگی ناسالمی را انتخاب کرده‌اند.⁽⁸⁾ برای طولانی زندگی کردن، آن‌ها باید در مورد روشی که زندگی می‌کنند، کار می‌کنند و از فناوری استفاده می‌کنند دوباره فکر کنند (تجدید نظر کنند).⁽⁹⁾

Technology **has helped** the researchers and scientists of our time.⁽¹⁾ New medicine and medical inventions **have saved** lives of many people.⁽²⁾ They **have let** people have a happy life and live longer.⁽³⁾ New medicines such as anti-cancer drugs and new antibiotics **have cured** many patients.⁽⁴⁾ Some technological inventions **have helped** doctors to check people's health condition.⁽⁵⁾ They **have found** keys to the secrets of the human body.⁽⁶⁾ New technologies **have helped** doctors to understand how diseases develop.⁽⁷⁾ They **have found** ways to fight and stop diseases in the early stages.⁽⁸⁾ Technology, as some people may think, is not a bad thing at all.⁽⁹⁾ The way we use technology, is important.⁽¹⁰⁾

فناوری به محققین و دانشمندان زمان ما کمک کرده است.⁽¹⁾ داروها و اختراعات پزشکی جدید زندگی بسیاری از مردم را نجات داده است.⁽²⁾ آن‌ها به افراد اجازه (امکان) داده‌اند زندگی شادی داشته باشند و طولانی‌تر زندگی کنند.⁽³⁾ داروهای جدید مانند داروهای ضد سرطان و آنتی‌بیوتیک‌های جدید بسیاری از بیمارها را درمان کرده‌اند.⁽⁴⁾ بعضی از اختراعات مرتبط با فناوری به پزشکان کمک کرده است وضعیت سلامت افراد را بررسی کنند.⁽⁵⁾ آن‌ها کلیدهای اسرار بدن انسان را پیدا کرده‌اند.⁽⁶⁾ فناوری‌های جدید به پزشکان کمک کرده است که بفهمند بیماری‌ها چگونه گسترش پیدا می‌کنند.⁽⁷⁾ آن‌ها روش‌هایی را برای مبارزه و متوقف کردن بیماری‌ها در مراحل اولیه یافته‌اند.⁽⁸⁾ فناوری، همان‌گونه که بعضی از مردم ممکن است فکر کنند، اصلاً چیز بدی نیست.⁽⁹⁾ روشی که ما از فناوری استفاده می‌کنیم مهم است.⁽¹⁰⁾

درسنامه

زمان ماضی نقلی (حال کامل) "Present Perfect Tense"

عملی است که در گذشته‌ای که زمان آن دقیقاً مشخص نیست شروع شده و اثر آن تا کنون باقی مانده است.

"Present Perfect Tense"

("has" or "have") + (Past Participle)

Activity started in the past and continues to the present

Past

Present

Future

نکته ۱ برای ساختن جمله‌های این زمان از فعل‌های کمکی have/has در ساختار زیر استفاده می‌کنیم. دقت داشته باشید که در این ساختار have/has معنی ندارند.

ادامه جمله + قسمت سوم فعل + have / has + فاعل

کاربرد زمان حال کامل

از زمان حال کامل در موقعیت‌های زیر استفاده می‌شود:

- * عملی که در گذشته شروع شده است و تا کنون ادامه دارد.
» او برای پنج سال در این بانک کار کرده است.»
- * عملی که از زمان گذشته تا کنون، در زمانی نامعلوم، چندین بار تکرار شده است.
» من آن فیلم را شش بار دیده‌ام.»
- * عملی که در یک گذشته خیلی نزدیک (تازه = just) تمام شده است.
» او تازه رفته است.»
- * عملی که زمان انجام آن در گذشته معلوم نبوده یا مهم نبوده است.
» شخصی کیک من را خورده است.»

⇒ She **has worked** in the bank for five years.

⇒ I **have seen** that movie six times.

⇒ She **has just left**.

⇒ Someone **has eaten** my cake.

نکته ۲ شکل کوتاه‌شده have در این جمله‌ها به صورت (ve) و has به صورت (s) است.

مفرد

I've = I have

you've = you have

he's = he has

she's = she has

it's = it has

جمع

we've = we have

you've = you have

they've = they have

نکته ۳ از مهم‌ترین نشانه‌های این زمان که معمولاً در انتهای جمله می‌آیند since (از ... تا حالا) و for (برای ...) هستند. فقط «ابتدای زمان» را نشان می‌دهد. اما «کل مدت زمان» را نشان می‌دهد.

⇒ I have lived in London **since** 1990.

» من از سال ۱۹۹۰ (تا حالا) در لندن زندگی کرده‌ام.

⇒ Jack has watched TV **for** three hours.

» جک برای سه ساعت تلویزیون تماشا کرده است.

درسنامه

نکته طلایی این نشانه‌ها نیز در «زمان حال کامل» کاربرد دارند:

so far (تا حالا)، recently (اخیراً)، lately (اخیراً)، up to now (تا حالا)، until now (تا حالا)

⇒ I have had four quizzes and five tests **so far** this term.

«من در این ترم تا حالا چهار کوئیز و پنج آزمون داشته‌ام.»

⇒ We haven't seen a movie **recently**.

«ما اخیراً فیلم ندیده‌ایم.»

یادآوری فعل کمکی has برای سوم شخص مفرد و have برای غیر سوم شخص مفرد است.

تذکر اگر فعلی با قاعده باشد یعنی در گذشته ساده ed بگیرد، شکل قسمت سوم آن نیز ed دارد، ولی اگر فعلی بی قاعده باشد باید شکل گذشته و قسمت سوم آن را مانند یک کلمه جدید حفظ کرد (به انتهای کتاب مراجعه کنید).

تمرین در جای خالی جمله‌های زیر since یا for بنویسید.

1. We have worked 5 o'clock.

2. They have studied three years.

3. Tom has been here yesterday.

4. The girl's listened to music one hour.

1. since

2. for

3. since

4. for

پاسخ

نکته طلایی تفاوت زمان گذشته ساده با ماضی نقلی

در گذشته ساده با استفاده از قیدهای زمان دقیقاً زمان انجام کار را بیان می‌کنیم، مثلاً می‌گوییم yesterday (دیروز)، last week (هفته گذشته)، in September (در سپتامبر) و ... اما در ماضی نقلی زمان دقیق را مشخص نمی‌کنیم و می‌گوییم since September (از سپتامبر = فقط شروع انجام عمل)، for two years (برای دو سال = فقط طول مدت زمان انجام عمل).

My father has worked for them 1980.

سنت ۱ پاسخ درست را انتخاب کنید.

① for

② from

③ since

④ of

پاسخ از آنجایی که ساختار جمله مربوط به ماضی نقلی است، یکی از گزینه‌های (۱) یا (۳) درست می‌باشند. چون سال ۱۹۸۰ شروع انجام عمل را نشان می‌دهد، پاسخ درست گزینه (۳) است.

The children all day long yesterday.

سنت ۲ پاسخ درست را انتخاب کنید.

① will play

② play

③ have played

④ played

پاسخ از آنجا که در انتهای جمله قید زمان «yesterday» به کار رفته است، این جمله زمان گذشته ساده است، زیرا زمان «دقیق» در گذشته مشخص شده است، در نتیجه پاسخ درست گزینه (۴) است.

نکته ۴ برای سوالاتی کردن جمله‌های حال کامل فقط have / has را به اول جمله می‌آوریم.

Have / Has + فاعل + قسمت سوم فعل + ادامه جمله ؟

⇒ Have you **eaten** lunch?

«آیا تو ناهار خورده‌ای؟»

⇒ Has your brother **studied** for two hours?

«آیا برادرت دو ساعت درس خوانده است؟»

نکته ۵ در زمان ماضی نقلی معمولاً از **ever** (تا کنون، تا حالا) در سؤال استفاده می‌شود تا بیانگر تأکید باشد. جای ever در جمله

قبل از قسمت سوم فعل است.

⇒ Have you **ever** ridden a camel?

«آیا تو تا حالا سوار شده‌ای؟»

۶ برای منفی کردن جمله‌های حال کامل فقط بعد از **have / has** قید منفی **not** را اضافه می‌کنیم.

• ادامه جمله + قسمت سوم فعل + **have not / has not** + فاعل

۷ شکل کوتاه‌شده **have not** به صورت **haven't** و **has not** به صورت **hasn't** است.

⇒ We **have not (haven't)** seen Ali since yesterday.

«ما علی را از دیروز ندیده‌ایم.»

⇒ She **has not (hasn't)** called me.

«او با من تماس نگرفته است.»

تک‌طایی می‌توان از «yet» (هنوز) و «already» (قبلاً) در جمله‌های زمان حال کامل استفاده کرد. به این صورت که «yet» در جمله‌های سؤالی و منفی و معمولاً در آخرین جمله‌ها می‌آید، اما «already» بین **have/has** و قسمت سوم فعل می‌آید.

سؤال: Have you called her **yet**?

«آیا هنوز با او تماس نگرفته‌ای؟»

پاسخ منفی: No, I **haven't** called her **yet**.

«نه، هنوز با او تماس نگرفته‌ام.»

پاسخ مثبت: Yes, I **have already** called her.

«بله، قبلاً با او تماس گرفته‌ام.»

تک‌طایی در زمان حال کامل می‌توان از کلمه پرسشی «How long ...?» (برای چه مدت ...؟) استفاده کرد و سؤال پرسید.

A: **How long** have you studied English?

B: I have studied English for three years.
I have studied English since 1390.

See Also

فعل‌های مرکب (دوکلمه‌ای) "Phrasal Verbs"

فعل‌های مرکب معمولاً شامل دو قسمت هستند:

قسمت اول: فعل اصلی قسمت دوم: حرف اضافه یا قید

قسمت دوم این فعل‌ها می‌تواند کاملاً معنی کل فعل را تغییر دهد. به این مثال‌ها دقت کنید:

look = نگاه کردن

look after = مراقبت کردن

look forward to = مشتاقانه منتظر بودن

look for = جست‌وجو کردن

look up = به کتاب مرجع رجوع کردن

بعضی از این فعل‌ها عبارتند از:

call back (خاموش کردن), turn off (تسویه حساب کردن), check out (پذیرش شدن), check in (دوباره تماس گرفتن), get up (بیدار شدن), wake up (متصرف شدن, تسلیم شدن), give up (عجله کردن), hurry up (رشد کردن), grow up (بلند شدن), put out (برگشتن), come back (اهل ... بودن), come from (مراقب بودن), watch out (جست‌وجو کردن), look for (خاموش کردن), sit down (چرخیدن, برگشتن), turn round (مراقب بودن), take care (دور شدن), go away (فوت کردن, درگذشتن), pass away (نشستن),

درسنامه

My mother is ill. I must look her.

① for

② after

③ up

④ at

پاسخ درست را انتخاب کنید.

پاسخ: با توجه به معنی جمله، گزینه (۲) درست است. معنی جمله: «مادر من بیمار است. من باید از او مراقبت کنم.»

معنی گزینه‌های دیگر:

look for = جست‌وجو کردن

look up = رجوع کردن به کتاب مرجع

look at = نگاه کردن به

Pronunciation

تلفظ فعل‌های مرکب "Phrasal Verbs"

از آن جایی که در فعل‌های مرکب، هر دو کلمه به یک اندازه مهم هستند، هر دو، تکیه صوتی (stress) دارند. برای تمرین این کلمه‌ها به فایل صوتی بخش Pronunciation کتاب درسی مراجعه کنید.

Writing

اسم مصدر "Gerund"

اسم مصدر یک + ing فعل است که نقش اسم را در جمله دارد. اسم مصدر می‌تواند فاعل یا مفعول یا بعد از حرف اضافه باشد.

① اسم مصدر به عنوان فاعل

⇒ Swimming is useful for everyone.

«شنا برای همه مفید است.»

⇒ Reading helps us learn English.

«خواندن به ما کمک می‌کند انگلیسی یاد بگیریم.»

② اسم مصدر همیشه مفرد است، پس فعل جمله باید با آن مطابقت داشته و مفرد باشد.

⇒ Walking makes me happy.

«پیاده‌روی من را خوشحال می‌کند.»

اما وقتی دو اسم مصدر، فاعل جمله را تشکیل می‌دهند، باید فعل جمع به کار برود.

⇒ Cycling and walking are my favorite sports.

«دوچرخه سواری و پیاده‌روی ورزش‌های مورد علاقه من هستند.»

بعضی اوقات بعد از اسم مصدر یک اسم به کار می‌رود.

⇒ Playing football is his fun.

«فوتبال بازی کردن سرگرمی او است.»

⇒ Learning a language takes time.

«یادگیری یک زبان طول می‌کشد.»

② اسم مصدر به عنوان مفعول

بعد از فعل‌های زیر اسم مصدر به عنوان مفعول به کار می‌رود:

mind (تصور کردن), imagine (متصور شدن, تسلیم شدن), give up (تمام کردن, تمام شدن), finish (لذت بردن), enjoy (اهمیت دادن), keep on (خطر کردن), risk (دوست داشتن, عاشقی بودن), love (متصرف شدن, دست کشیدن), quit (تمرین کردن), practice (ادامه دادن), start (اجتناب کردن), avoid (شروع کردن), start (شروع شدن)

⇒ We finished working.

«ما کار کردن را تمام کردیم.»

⇒ Imagine traveling in space.

«سفر در فضا را تصور کن.»

درسنامه

۲ اسم مصدر بعد از حرف اضافه

بعضی از حروف اضافه عبارت هستند از: at, by, against, after, about, for, on, in, with, without, before, from, of, ...
در جمله‌های انگلیسی بعد از حروف اضافه نیز اسم مصدر به کار می‌رود.
چند مثال:

- ⇒ Parastoo is good **at** speaking and writing German. «پرستو در صحبت کردن و نوشتن زبان آلمانی مهارت دارد.»
- ⇒ Alice is interested **in** playing tennis. «الیز به تنیس بازی کردن علاقمند است.»
- ⇒ What do you think **about** living in a village? «تو در مورد زندگی کردن در روستا چه فکر می‌کنی؟»

۳ گاهی اوقات از ساختار (اسم مصدر + go)

استفاده می‌کنیم تا تفریحات (فعالیت‌ها یا ورزش‌هایی که انتهای نام آن‌ها به -ing ختم می‌شود) را بیان کنیم.

- ⇒ We went **biking**. «ما به دوچرخه سواری رفتیم.»
 - ⇒ Let's go **skiing**. «بیا به اسکی برویم.»
- چند مثال دیگر عبارتند از:

go fishing (به ماهی‌گیری رفتن), go skating (به اسکیت بازی رفتن), go sailing (به قایقرانی رفتن), go skiing (به اسکی رفتن), go jogging (به شنا رفتن), go running (به دویدن رفتن), go swimming (به شنا رفتن)

اغلب در تابلوها کلمه No را قبل از یک اسم مصدر می‌بینیم. این یعنی آن کار ممنوع است. مثلاً «No Fishing» یعنی «ماهی‌گیری ممنوع».



نکته طلایی

اسم مصدر بعد از فعل to be نیز به کار می‌رود پس باید توجه داشته باشید که آن را با فعل استمراری اشتباه نگیرید.

- ⇒ Maryam's favorite hobby is **writing** poems. (اسم مصدر) «سرگرمی مورد علاقه مریم نوشتن شعر است.»
- ⇒ Maryam **is writing** an email now. (فعل استمراری) «مریم الان در حال نوشتن ایمیل است.»

I believe is good for everyone.

- ① swim ② swims ③ swam ④ swimming

این جمله یک جمله مرکب است و از دو جمله ساخته شده است. جمله اول «I believe...» و جمله دوم «swimming is good for everyone» می‌باشند. همان‌طور که اشاره شد اسم مصدر می‌تواند به عنوان فاعل جمله به کار برود. در این جا «swimming» فاعل جمله دوم است. بنابراین گزینه (۴) صحیح است.

The man left the room without anything.

- ① saying ② say ③ to say ④ says

بعد از حرف‌های اضافه (در این جا without) اسم مصدر به کار می‌رود. بنابراین گزینه (۱) صحیح است.

نکته طلایی

برای این‌که بخواهیم «اسم مصدر» را منفی کنیم قبل از آن «not» اضافه می‌کنیم. به این مثال‌ها دقت کنید.

- ⇒ **Not going** to the party seemed like a good idea. «رفتن به آن میهمانی ایده خوبی به نظر می‌رسید.»
- ⇒ We talked about **not eating** fast food. «ما در مورد فست فود نخوردن صحبت کردیم.»

آموزش

جلد اول:

انگلیسی یازدهم

English 11

سپرتاپ



درس سوم

Lesson 3

Art and Culture

Lesson 3

PART 1

(Pages 81 - 86)

Title Page - Get Ready - Conversation

Vocabulary

واژگان درس

art (n.)

هنر

I've never learned the **art** of making bread.

«من هرگز هنر نان درست کردن را یاد نگرفته‌ام.»

creative (adj.)

خلاق، خلاقانه

They wanted to find a **creative** way to solve the problem.

«آن‌ها می‌خواستند یک روش **خلاقانه** برای حل مسئله پیدا کنند.»

sociable (adj.)

اجتماعی، خوش‌مشرب

She's a **sociable** child who'll talk to anyone.

«او یک بچه **خوش‌مشرب** است که با هر کسی صحبت خواهد کرد.»

at least

حداقل

Cut the grass **at least** once a week in summer.

«در تابستان **حداقل** هفته‌ای یک بار چمن را کوتاه کنید.»

meaning (n.)

معنی، معنا

What is the exact **meaning** of this word?

«معنی دقیق این کلمه چیست؟»

carpet (n.)

فرش

I have to buy a new **carpet** for this room.

«من مجبورم برای این اتاق یک **فرش** جدید بخرم.»

pottery (n.)

سفالگری، سفال

My sister likes to learn **pottery** in her free time.

«خواهرم دوست دارد در وقت آزادش **سفالگری** یاد بگیرد.»

tile (n.)

کاشی

We installed new **tiles** in the kitchen.

«ما در آشپزخانه **کاشی** جدید نصب کردیم.»

work (n.)

اثر

A local painter was selling her **works** on the street.

«یک نقاش محلی در حال فروختن **اثرهایش** در خیابان بود.»

painting (n.)

نقاشی رنگ روغن، تابلو نقاشی

She collects **paintings** by 19th-century Australian artists.

«او **نقاشی‌های** هنرمندان استرالیایی قرن نوزدهم را جمع‌آوری می‌کند.»

calligraphy (n.)

خطاطی، خوش‌نویسی

The art of making beautiful handwriting is "**calligraphy**".

«هنر ایجاد دست‌خط زیبا "**خطاطی**" است.»

soft (adj.)

نرم، لطیف

This chair is **soft** and comfortable.

«این صندلی **نرم** و راحت است.»

collection (n.)

کُلکسیون، مجموعه

She made a **collection** of old paintings.

«او **کُلکسیون** از تابلوهای نقاشی قدیمی درست کرد.»

cheerful (adj.)

خوشحال، خوش، خوش‌رو

Cheerful people make you feel good.

«**افراد خوش‌رو** باعث می‌شوند شما احساس خوبی داشته باشید.»

uncertain (adj.)

نامطمئن، مشکوک

I feel **uncertain** about the future.

«من در مورد آینده احساسی **مشکوک** دارم.»

worried (adj.)

نگران

I got **worried** when they didn't arrive home.

«وقتی آن‌ها به خانه نرسیدند من **نگران** شدم.»

bored (adj.)

کسل‌شده، کسل

He was **bored** with their conversation.

«او از مکالمه آن‌ها **کسل** شد.»

tired (adj.)

خسته

I was really **tired** after the long trip.

«من بعد از آن سفر طولانی واقعاً **خسته** بودم.»

proud (adj.)

مغرور، مفتخر، سربلند

She was **proud** that her daughter was very clever.

«او **مفتخر** بود (از این) که دخترش خیلی باهوش بود.»

depend (on) (v.)

بستگی داشتن (به)

Does the quality of teaching **depend on** class size?

«آیا کیفیت تدریس به اندازه کلاس (تعداد دانش‌آموزان) **بستگی** دارد؟»

touching (adj.) متاثر کننده، تأثیرگذار، تکان دهنده

He wrote me a **touching** letter of thanks.
«او برای من یک نامهٔ تشکر تأثیرگذار نوشت.»

discount (n.) تخفیف

Tickets are available to members at a **discount**.
«بلیط برای اعضا یا تخفیف قابل دسترسی است.»

product (n.) محصول

The company's newest **product** is selling well.
«جدیدترین محصول شرکت خوب به فروش می‌رود.»

pack (v.) بسته‌بندی کردن

Please **pack** these shoes for me.
«لطفاً این کفش‌ها را برای من بسته‌بندی کنید.»

handicraft (n.) صنعت دست، صنایع دستی

Her hobbies are music, reading and **handicraft**.
«سرگرمی‌های او موسیقی، مطالعه و صنایع دستی است.»

handmade (adj.) دست‌ساز

All our products are **handmade**, and we use only natural materials.
«همهٔ محصولات‌های ما دست‌ساز هستند، و ما فقط از مواد طبیعی استفاده می‌کنیم.»

metalwork (n.) کار فلزی، اثر فلزی

We don't sell **metalwork** in our shop.
«ما در فروشگاه‌مان کار فلزی نمی‌فروشیم.»

Wow! (int.) وای

Oh, **wow!** I can't believe you came!
«اُهِ، وای! من نمی‌توانم باور کنم تو آمدی!»

calligraphic (adj.) مربوط به خطاطی، خطاطی‌شده

You can take this **calligraphic** tile for only 30 dollars.
«شما می‌توانید این کاشی خطاطی‌شده را فقط به ۳۰ دلار بردارید.»

item (n.) مورد، فقره، چیز

He always orders the most expensive **item** on the menu.
«او همیشه گران‌ترین مورد در منو را سفارش می‌دهد.»

workshop (n.) کارگاه

He's making a table in that small **workshop**.
«او در آن کارگاه کوچک در حال ساختن میز است.»

store (n.) فروشگاه، مغازه

The company plans to open two new **stores** in Dublin.
«شرکت برنامه دارد دو فروشگاه جدید در دوبلین باز کند.»

business (n.) تجارت، کسب‌وکار، حرفه

She works in the computer **business**.
«او در حرفهٔ کامپیوتر کار می‌کند.»

Well done! آفرین

A: I did the job myself. B: **Well done!**
«من خودم کار را انجام دادم.» «آفرین!»

lucky (adj.) خوش شانس

I feel **lucky** to be your friend.
«من خوش شانس هستم که دوست تو می‌باشم.»

lovely (adj.) دوست‌داشتنی، زیبا، خوب

She was wearing a **lovely** dress.
«او یک لباس زیبا به تن داشت.»

appreciate (v.) قدر دانی کردن، قدر چیزی را دانستن

We really **appreciate** your help.
«ما از کمک شما واقعاً قدر دانی می‌کنیم.»

ترجمه متن کتاب درسی

مکالمه "Conversation"

Listen to the conversation between Reza and a tourist.

به مکالمه بین رضا و یک گردشگر گوش کنید.

Reza: How can I help you, sir?

رضا: چطور می‌تونم به شما کمک کنم، آقا؟

Tourist: I am looking for some Iranian handicrafts.

توریست: من به دنبال تعدادی از صنایع دستی ایرانی هستم.

Reza: Here you can find a range of Iranian hand-made products, from carpets to pottery and tilework, but we don't sell metalwork.

رضا: این جا می‌تونید طیفی از محصولات دست‌ساز ایرانی رو پیدا کنید، از فرش (گرفته) تا سفال و کاشی کارشده، اما کارهای فلزی نمی‌فروشیم.

Tourist: I'd like to buy a Persian carpet, but it seems too expensive.

توریست: من دوست دارم فرش ایرانی بخرم، اما به نظر می‌رسه بیش از حد گرون باشه.

Reza: The price depends on its size. Instead, you can take an Isfahan Termeh or a Qashqai Gabbeh.

رضا: قیمت بستگی به اندازه‌اش داره. به جاش، می‌تونید ترمه اصفهان یا گبه قشقایی بردارید.

Tourist: Wow! How touching this Gabbeh is! How much is it?

توریست: وای! این گبه چقدر تأثیرگذاره! قیمت اون چقدره؟

Reza: It is 85 dollars. If you buy more than 100 dollars, you'll get a 20 percent discount. You can take this calligraphic tile for only 30 dollars.

رضا: اون ۸۵ دلار. اگر بیش‌تر از ۱۰۰ دلار بخرید، ۲۰ درصد تخفیف خواهید گرفت. شما می‌تونید این کاشی خوش‌نویسی شده رو فقط ۳۰ دلار بردارید.

Tourist: Well, I'll take both. Please pack them for me.

توریست: خوب، من هر دو رو برمی‌دارم. لطفاً اونا رو برای من بسته‌بندی کنید.

Reza: Yes, sure.

رضا: بله، حتماً.

Tourist: Do you work for this shop? Who has made these beautiful items?

توریست: آیا شما برای این فروشگاه کار می‌کنید؟ چه کسی این چیزهای زیبا رو ساخته؟

Reza: Actually, it is my father's workshop and store. I work here after school. All my family members work here to help our family business.

رضا: درواقع، این جا کارگاه و فروشگاه پدر منه. من بعد از مدرسه این جا کار می‌کنم. همه اعضای خانواده من برای کمک به کسب و کار خانواده این جا کار می‌کنن.

Tourist: Well done! How lucky you are to work in such a lovely shop. I really appreciate the culture and art of Iran.

توریست: آفرین! شما چقدر خوش‌شانس هستید که در چنین فروشگاه قشنگی کار می‌کنید. من واقعاً از فرهنگ و هنر ایران قدردانی می‌کنم.

Reza: Thank you very much. If you are interested in knowing more about our products, you can check this booklet.

رضا: بسیار ممنونم. اگر علاقه‌مندید درباره محصولات ما بیش‌تر بدونید، می‌تونید این کتابچه رو بررسی کنید.

Lesson 3

PART 2

(Pages 87 - 89)

New Words & Expressions

Vocabulary
واژگان درس

decorative (adj.)

تزیینی، دکوری

The items he makes are decorative.

«چیزهایی که او می‌سازد تزیینی هستند.»

clock (n.)

ساعت (رومیزی/ دیواری)

The clock told her it was time to get up.

«ساعت به او گفت که وقت بلند شدن است.»

vast (adj.)

پهنای، گسترده، فراوان

There is a vast amount of information available online.

«اطلاعات فراوانی به صورت آنلاین قابل دسترسی است.»

craftsman (n.)

صنعتگر، استادکار (مرد)

He is a craftsman who works with metal.

«او استادکاری است که با فلز کار می‌کند.»

craftswoman (n.)

صنعتگر، استادکار (زن)

Iranian craftswomen are famous in the world.

«استادکاران زن ایرانی در دنیا معروف هستند.»

weave (v.)

بافتن، بافتندگی کردن

Only a few of the women still weave.

«فقط تعداد کمی از زن‌ها هنوز بافتندگی می‌کنند.»

rug (n.)

قالیچه

You can tell that he is weaving a rug.

«شما می‌توانید بگویید او در حال بافتن یک قالیچه است.»

fingerprint (n.)

اثر انگشت

Everyone has a unique fingerprint.

«هر کسی اثر انگشت منحصر به فرد دارد.»

unique (adj.)

بی‌همتای، بی‌مثال، منحصر به فرد

Every website has a unique address.

«هر وب‌سایتی آدرس منحصر به فرد دارد.»

diversity (n.)

تنوع

The area has a great diversity of birds.

«این ناحیه تنوع زیادی از پرندگان را دارد.»

custom (n.)

رسم، عرق، آداب و رسوم

Is it the custom here to put flowers on the graves?

«آیا در این جا رسم است که روی قبرها گل بگذارند؟»

area (n.)

ناحیه، محله

This area is famous for its beautiful jungles.

«این ناحیه به خاطر جنگل‌های زیبایش معروف است.»

identity (n.)

هویت

His art reflects his cultural identity.

«هنر او هویت فرهنگی او را منعکس می‌کند.»

reflect (v.)

منعکس کردن، انعکاس دادن

The mirror reflects light from the sun.

«آینه نور خورشید را منعکس می‌کند.»

poet (n.)

شاعر

He was a famous poet and a great writer.

«او یک شاعر معروف و یک نویسنده برجسته بود.»

humankind (n.)

بشر، بشریت

The World Wars have been really bad for humankind.

«جنگ‌های جهانی برای بشریت واقعاً بد بوده‌اند.»

value (v.)

ارزش قائل شدن، بها دادن

She values the time she spends with her family.

«او برای زمانی که با خانواده‌اش سپری می‌کند ارزش قائل است.»

artist (n.)

هنرمند

I can't draw at all, but both of my children are good artists.

«من اصلاً نمی‌توانم طراحی کنم، اما هر دو فرزندم هنرمندهای خوبی هستند.»

Lesson 3

PART 3

(Pages 90 - 94)

Reading - Reading Comprehension - Vocabulary Development

Vocabulary

واژگان درس

imagination (n.)

تخیل، تصور

His paintings show his great **imagination**.

«نقاشی‌های او (قدرت) تخیل عالی او را نشان می‌دهند.»

skillful (adj.)

ماهر، حاذق

Joe is an artist **skillful** in the use of color.

«جو یک هنرمند ماهر در استفاده از رنگ است.»

economy (n.)

اقتصاد

What will the Japanese **economy** be like next year?

«سال بعد اقتصاد ژاپنی چه ویژگی‌هایی خواهد داشت؟»

introduce (v.)

معرفی کردن

Can I **introduce** myself? I'm Helen Robins.

«آیا من می‌توانم خودم را معرفی کنم؟ من هلن رابینز هستم.»

income (n.)

درآمد

He earns a good **income** as a doctor.

«او به عنوان یک پزشک درآمد خوبی کسب می‌کند.»

artistic (adj.)

هنری، مربوط به هنر

She comes from a very **artistic** family.

«او از یک خانواده خیلی هنری است.»

include (v.)

شامل شدن، شامل کردن

The price of dinner **includes** salad.

«قیمت شام شامل سالاد (نیز) است.»

etc. (the abbreviation for 'et cetera')

و غیره

Remember to take some paper a pen, **etc.**

«به خاطر داشته باشید مقداری کاغذ، یک مداد و غیره بردارید.»

get back /phr. v./

برگشتن

What time did you **get back** last night?

«تو دیشب چه ساعتی برگشتی؟»

excellent (adj.)

عالی

These potatoes are **excellent** for baking.

«این سیب‌زمینی‌ها برای پختن عالی هستند.»

souvenir (n.)

سوغاتی

I bought the shirt as a **souvenir** of Italy.

«من آن پیراهن را به عنوان یک **سوغاتی** از ایتالیا خریدم.»

quite (adv.)

کاملاً، واقعاً

It took **quite** a long time to answer the questions.

«پاسخ دادن به سوال‌ها زمان واقعاً زیادی طول کشید.»

rich (adj.)

ثروتمند، غنی

Nobody gets **rich** from writing nowadays.

«امروزه هیچ‌کس از نوشتن ثروتمند نمی‌شود.»

moral (adj.)

اخلاقی، معنوی

Each story teaches an important **moral** lesson.

«هر داستانی یک درس اخلاقی مهم آموزش می‌دهد.»

beauty (n.)

زیبایی

The **beauty** of the city amazed her.

«زیبایی شهر او را شگفت زده کرد.»

artwork (n.)

اثر هنری

We have collected all the **artwork** together.

«ما تمام **اثرهای هنری** را با هم جمع‌آوری کرده‌ایم.»

material (n.)

جنس، ماده

They make artworks from **materials** like wood and metal.

«آن‌ها **اثرهای هنری** را از **مواد**ی مانند چوب و فلز می‌سازند.»

silk (n.)

ابریشم

This beautiful dress is made of **silk**.

«این **پیراهن زیبا** از **ابریشم** درست می‌شود.»

homeland (n.)

وطن، میهن

He wants his children to grow up in his **homeland**.

«او می‌خواهد فرزندانش در **میهن** خودش رشد کنند (بزرگ شوند).»

antonym (n.)

متضاد

Antonyms are words that have opposite meanings.

«**متضادها** کلمه‌هایی هستند که معنی‌های مخالف دارند.»

rise (v.)

بالا آمدن، بالا رفتن، ترقی کردن، برخاستن

Smoke was **rising** into the air.

«دود به هوا **برمی‌خاست**.»

well-known (adj.)

معروف، مشهور

Mark Twain is a **well-known** writer.

«مارک توین یک نویسنده **معروف** است.»

ترجمه متن کتاب درسی

هنر، فرهنگ و جامعه "Art, Culture and Society"

Art is what people create with imagination and skill.⁽¹⁾ As a part of culture, it shows the way of life and identity of a nation and reflects the history of a society.⁽²⁾ In fact, the history of humankind is the history of art.⁽³⁾ If we want to know a country or a nation well, we should study its art.⁽⁴⁾

هنر چیزی است که افراد با تخیل و مهارت خلق می‌کنند.⁽¹⁾ آن، به عنوان بخشی از فرهنگ، روش زندگی و هویت یک ملت را نشان می‌دهد و تاریخ جامعه را منعکس می‌کند.⁽²⁾ در حقیقت، تاریخ بشریت تاریخ هنر است.⁽³⁾ اگر ما بخواهیم یک کشور یا یک ملت را به خوبی بشناسیم، باید هنر آن را مطالعه کنیم.⁽⁴⁾

Handicrafts are good examples of the art and culture of a country.⁽¹⁾ By handicraft, we mean making decorative items in a skillful way using our hands.⁽²⁾ Each country and culture has its own handicrafts.⁽³⁾

صنایع دستی مثال‌هایی خوب از هنر و فرهنگ یک کشور هستند.⁽¹⁾ منظور از صنایع دستی، ساختن اشیاء تزئینی به روشی ماهرانه با استفاده از دستهایمان است.⁽²⁾ هر کشور و فرهنگ صنایع دستی خودش را دارد.⁽³⁾

Making and selling handicrafts are good ways to help a country's economy and introduce its culture to other nations.⁽¹⁾ Many people of the world produce handicrafts and sell them to tourists.⁽²⁾ In some Asian countries, a part of the country's income comes from making and selling handicrafts.⁽³⁾

ساختن و فروختن صنایع دستی روش‌های خوبی برای کمک کردن به اقتصاد کشور و معرفی کردن فرهنگش به ملت‌های دیگر هستند.⁽¹⁾ بسیاری از مردم دنیا صنایع دستی تولید می‌کنند و آن‌ها را به گردشگرها می‌فروشند.⁽²⁾ در بعضی از کشورهای آسیایی بخشی از درآمد یک کشور از درست کردن و فروختن صنایع دستی (به‌دست) می‌آید.⁽³⁾

Iran has a five-thousand-year-old history of artistic works and handicrafts including pottery, painting, calligraphy, rugs and carpets, etc.⁽¹⁾ If you travel across Iran, you'll get back home with excellent handicrafts as souvenirs for your family and friends.⁽²⁾

ایران تاریخ پنج هزار ساله آثار هنری و صنایع دستی شامل سفال، نقاشی، خطاطی، قالیچه، فرش و غیره دارد.⁽¹⁾ اگر در سراسر ایران سفر کنید، با صنایع دستی عالی به عنوان سوغاتی برای خانواده و دوستانتان به خانه برمی‌گردید.⁽²⁾

Iranian art is also quite famous all around the world.⁽¹⁾ There are very excellent collections of Persian art in many important museums of the world.⁽²⁾ If we want to name the countries with richest art and cultural diversity, Iran is among them.⁽³⁾ Persian art is famous in the world for reflecting moral and social values of Iranian people and the natural beauty of this vast country.⁽⁴⁾

هنر ایرانی هم چنین در سرتاسر دنیا کاملاً معروف است.⁽¹⁾ در تعداد زیادی از موزه‌های مهم دنیا کلکسون‌هایی خیلی عالی از هنر ایرانی وجود دارد.⁽²⁾ اگر بخواهیم کشورهایی با غنی‌ترین تنوع هنر و فرهنگ را نام ببریم، ایران از جمله آن‌ها است.⁽³⁾ هنر ایرانی به خاطر منعکس کردن ارزش‌های معنوی و اجتماعی مردم ایران و زیبایی طبیعی این کشور پهناور، در دنیا معروف است.⁽⁴⁾

Iranian craftsmen and craftswomen are famous for producing very unique artworks from wood, metal and other simple materials around them.⁽¹⁾ Many people of the world appreciate the art and skill of a young Iranian girl who weaves a beautiful silk carpet in a small village of Azarbaijan or Kordestan.⁽²⁾ When tourists buy Persian rugs or carpets, they take a part of Iranian art and culture to their homelands.⁽³⁾

استادکاران مرد و زن ایرانی به خاطر تولید کردن آثار هنری خیلی منحصر به فرد از چوب، فلز و مواد ساده دیگر در دور و اطرافشان، معروف هستند.⁽¹⁾ بسیاری از مردم دنیا قدر هنر و مهارت یک دختر جوان ایرانی که یک فرش ابریشمی زیبا را در یک روستای کوچک در آذربایجان یا کردستان می‌بافد، را می‌دانند.⁽²⁾ وقتی گردشگرها قالیچه یا فرش‌های ایرانی را می‌خرند، بخشی از هنر و فرهنگ ایرانی را به میهن‌شان می‌برند.⁽³⁾

درسنامه

Reading Strategy

Recognizing Reference Words

تشخیص مرجع کلمه‌ها:

از کلمه‌های مرجع برای جلوگیری کردن از تکرار اسم افراد، مکان‌ها، ایده‌ها و یا چیزهای دیگر استفاده می‌کنیم. این کلمه‌ها هم چنین برای ارتباط بین ایده‌ها، ایجاد انسجام و شفاف‌سازی جمله‌ها به کار می‌روند. برای پیدا کردن این کلمه‌های مرجع مراحل زیر را دنبال کنید:

- ۱- متن را بخوانید.
- ۲- دنبال کلمه‌های مرجع، که معمولاً ضمیر هستند، مانند *that, those, they, him, she, it* باشید.
- ۳- به جمله‌های نزدیک آن‌ها مخصوصاً جمله‌های قبلی نگاه کنید تا ببینید آن‌ها به چه چیزی اشاره می‌کنند.
- ۴- در انتها کلمه‌ای را که پیدا کردید به جای ضمیر قرار دهید و جمله را معنی کنید تا مطمئن شوید پاسخ شما درست است.

تمرین ۱ پاسخ درست را انتخاب کنید.

Iranian art is also quite famous all around the world. There are very excellent collections of Persian art in many important museums of the world. If we want to name the countries with richest art and cultural diversity, Iran is among them.

The underlined word 'them' refers to

- 1) collections 2) museums 3) countries

پاسخ: هنر ایرانی هم چنین در سرتاسر دنیا کاملاً معروف است. در تعداد زیادی از موزه‌های مهم دنیا کلکسیون‌هایی خیلی عالی از هنر ایرانی وجود دارد. اگر بخواهیم کشورهایی با غنی‌ترین تنوع هنر و فرهنگ را نام ببریم، ایران از جمله آن‌ها است. همان‌طور که گفته شد، به جمله‌های قبل رجوع می‌کنیم. کلمه «them» (آن‌ها) جمع است و مرجع آن با توجه به معنی جمله‌ها، «countries» است. پس گزینه (۳) صحیح می‌باشد.

Lesson 3

PART 4

(Pages 95-107)

Grammar - Listening & Speaking - Pronunciation - Writing - What You Learned

واژگان درس

whenever (adv., conj.)

هر وقت که

You can ask for help **whenever** you need it.

«تو می‌توانی هر وقت که لازم داری درخواست کمک کنی.»

pass (v.)

عبور دادن، عبور کردن، قبول شدن

Did you **pass** your driving test?

«آیا تو در امتحان رانندگی‌ات قبول شدی؟»

phone (v.)

تلفن زدن به

Why didn't they **phone** the police?

«چرا آن‌ها به پلیس تلفن نکردند؟»

into /prep./

به، به داخل

There must be another way **into** the building.

«باید راه دیگری به (داخل) ساختمان وجود داشته باشد.»

prize (n.)

جایزه

He won the Nobel **Prize** for physics.

«او جایزه نوبل فیزیک را بُرد.»

correctly (adv.)

به درستی، درست

Did I spell your name **correctly**?

«آیا من اسم تو را درست هجی کردم؟»

satisfied (adj.) خشنود، راضی
I'm **satisfied** that they're telling the truth.
«من خشنود هستم که آن‌ها حقیقت را می‌گویند.»

mark (n.) نمره
What's the pass **mark** in chemistry?
«نمره قبولی در شیمی چیست؟»

present (adj.) کنونی
We can't use the car in its **present** condition.
«ما نمی‌توانیم از اتومبیل در وضعیت کنونی‌اش استفاده کنیم.»

amused (adj.) سرگرم‌شده، خوشحال، سرگرم
The children were very **amused** with the writer's new book.
«بچه‌ها با کتاب جدید آن نویسنده خیلی سرگرم شدند.»

totally (adv.) کاملاً، تماماً، چها
They come from **totally** different families.
«آن‌ها از خانواده‌های کاملاً متفاوت هستند.»

confused (adv.) گیج، سردرگم
I'm **confused**, say all that again.
«من گیج شدم، تمام آن را دوباره بگو.»

Would you please ...? آیا می‌شود لطفاً ...?
Would you please give me your pen?
«آیا می‌شود لطفاً خودکارت را به من بدهی؟»

get (v.) شدن
They **got** amused by the story.
«آن‌ها با آن داستان سرگرم شدند.»

excited (adj.) هیجان‌زده
He was **excited** about his new car.
«او از (داشتن) اتومبیل جدیدش هیجان‌زده بود.»

truth (n.) حقیقت
Do you think she's telling the **truth**?
«آیا تو فکر می‌کنی او حقیقت را می‌گوید؟»

frightened (adj.) ترسیده
The child was badly **frightened** by the dog.
«آن بچه از آن سگ خیلی ترسیده بود.»

surprised (adj.) متعجب، مهووت
I am **surprised** to hear about the accident.
«من از شنیدن در مورد آن تصادف متعجب شدم.»

go well به خوبی پیش رفتن
If everything **goes well**, I will win the prize.
«اگر همه چیز خوب پیش برود، من جایزه را خواهم برد.»

physics (n.) فیزیک
Physics is not easy to learn.
«یادگرفتن فیزیک آسان نیست.»

on time سر وقت، به موقع
The plane arrived **on time**.
«هواپیما به موقع رسید.»

earn (v.) به‌دست آوردن، کسب کردن، درآمد داشتن
Tom changed jobs to **earn** more money.
«تام شغل عوض کرد تا پول بیشتری کسب کند.»

catch (v.) گرفتن، رسیدن
If you miss the first bus, you can **catch** the next one in 15 minutes.
«اگر اتوبوس اول را از دست بدهی، می‌توانی تا ۱۵ دقیقه (دیگر) به بعدی برسی.»

decide (v.) تصمیم گرفتن
I **decided** not to go back to Boston.
«من تصمیم گرفتم به بوستون برنگردم.»

promise (v.) قول دادن
He **promised** to buy his son a new bicycle.
«او قول داد برای پسرش یک دوچرخه جدید بخرد.»

expect (v.) توقع داشتن
Do you really **expect** me to believe you?
«آیا تو از من توقع داری (حرف‌های) تو را باور کنم؟»

attempt (v.) تلاش کردن، سعی کردن
They **have attempted** a climb up Mount Everest once before.
«آن‌ها قبلاً یک بار تلاش کرده‌اند از کوه اورست بالا بروند.»

agree (v.) موافقت کردن، موافق بودن
I **agree** with what you have said.
«من با آن چه که شما گفتید موافقت می‌کنم.»

mistake (n.) اشتباه
You must try to learn from your **mistakes**.
«شما باید سعی کنید از اشتباهاتان یاد بگیرید.»

certain (adj.)	مطمئن
Are you certain you want to leave today?	«آیا مطمئن هستی می خواهی امروز بروی؟»
glad (adj.)	خوشحال
I was glad to hear the news.	«من از شنیدن خبر خوشحال بودم.»
shocked (adj.)	شوکه، شوکه شده
We were quite shocked by her sudden death.	«ما از مرگ ناگهانی او کاملاً شوکه شدیم.»
amazed (adj.)	متعجب، متحیر
I was amazed at her knowledge of French.	«من از دانش زبان فرانسوی او متحیر شدم.»
ashamed (adj.)	شرمسار، خجالت زده
He was ashamed of the bad grades he got at school.	«او از نمره های بدی که در مدرسه گرفت شرمند بود.»
fortunate (adj.)	خوش بخت، خوش شانس
How fortunate we were to find that restaurant!	«ما چقدر خوش شانس بودیم که آن رستوران را پیدا کردیم!»

wellness (n.)	سلامتی
Daily exercise improves your wellness .	«ورزش روزانه شما را بهبود می بخشد.»
be able to	قادر بودن
Now I am able to speak French well.	«حالا من قادر هستم زبان فرانسوی را به خوبی صحبت کنم.»
get along with /phr. v./	کنار آمدن با، سازش کردن با
My brother and my uncle don't really get along with each other.	«برادر و عموی من واقعاً با یکدیگر کنار نمی آیند.»
pleasure (n.)	لذت، خوشی
She enjoys the simple pleasures of life.	«او از خوشی های ساده زندگی لذت می برد.»
object (n.)	شیء، چیز، کانا
There were three objects in the box: a comb, a pen, and a key.	«سه چیز در آن جعبه بودند: یک شانه، یک خودکار و یک کلید.»
gallery (n.)	گالری، نمایشگاه
The students visited the art gallery last month.	«ماه گذشته دانش آموزان از یک نمایشگاه هنری بازدید کردند.»

Workbook Vocabulary

واژگان کتاب کار

handshake (n.)	دست دادن
She greeted him with a handshake .	«او با دست دادن با او سلام و احوالپرسی کرد.»
bow (v.)	تعظیم کردن
He bowed politely and introduced himself to us.	«او مؤدبانه تعظیم کرد و خودش را به ما معرفی کرد.»
hug (v.)	در آغوش گرفتن، بغل کردن
They hugged each other.	«آن ها یکدیگر را در آغوش گرفتند.»
press (v.)	فشردن، فشار دادن
Press any key to restart your computer.	«هر کلیدی را فشار دهید تا کامپیوترتان دوباره شروع به کار کند.»
palm (n.)	کف (دست)
He held the bird in the palm of his hand.	«او آن پرنده را در کف دستش نگه داشت.»

shared (adj.)	مشترک، به اشتراک گذاشته شده
Culture is a system of shared beliefs.	«فرهنگ سیستمی از باورهای مشترک است.»
common (adj.)	رایج، متداول
Jackson is a common English name.	«جکسون یک نام انگلیسی رایج است.»
clothing (n.)	پوشاک، لباس
Please make sure you bring warm clothing .	«لطفاً مطمئن شوید که لباس گرم می آورید.»
element (n.)	عنصر
Water is composed of the elements hydrogen and oxygen.	«آب از عناصر هیدروژن و اکسیژن تشکیل می شود.»
artifact (n.)	اشیاء دست ساز قدیمی
The museum has a collection of artifacts from Egypt.	«موزه کلکسیونی از اشیاء دست ساز قدیمی از مصر دارد.»

combination (n.) ترکیب، ادغام

Water is a **combination** of hydrogen and oxygen.

«آب ترکیب هیدروژن و اکسیژن است.»

attitude (n.) نگرش

He has a positive **attitude** about the changes.

«او در مورد تغییرات نگرش مثبتی دارد.»

face (v.) روبه‌رو شدن، مواجه شدن

You must stand and **face** the danger.

«تو باید بایستی و با خطر روبه‌رو شوی.»

according to (prep.) بر اساس، بر طبق

Everything went **according to** the plan.

«همه چیز بر طبق برنامه پیش رفت.»

step (n.) مرحله

If you follow all the **steps**, nothing will go wrong.

«اگر تو همه مرحله‌ها را دنبال کنی، هیچ اشتباهی پیش نخواهد آمد.»

accept (v.) قبول کردن، پذیرفتن

She's decided to **accept** the job.

«او تصمیم گرفته است که آن شغل را بپذیرد.»

other than به غیر از، به جز

I don't know any French people **other than** you.

«من به غیر از تو هیچ فرد فرانسوی را نمی‌شناسم.»

respectful (adj.) با احترام، محترم، محترمانه

Children should be **respectful** of their parents.

«بچه‌ها باید نسبت به والدینشان با احترام باشند (رفتار کنند).»

interest (v.) علاقه‌مند کردن

Ancient history really **interested** me.

«تاریخ باستان واقعاً من را علاقه‌مند کرد.»

miss (v.) از دست دادن، ترسیدن (به اتوبوس، قطار ...)

If I don't leave now, I'll **miss** my flight.

«اگر من الآن نروم، پروازم را از دست خواهم داد.»

public transportation (n.) وسایل نقلیه عمومی

Most of us use **public transportation** to get to work.

«بیشتر ما برای رسیدن به سرکار از وسایل نقلیه عمومی استفاده می‌کنیم.»

lend (v.) قرض دادن

Can you **lend** me your car this evening?

«آیا شما می‌توانید امروز عصر اتومبیلتان را به من قرض بدهید؟»

pool (n.) استخر

Does the hotel have a **pool**?

«آیا هتل استخر دارد؟»

machine (n.) دستگاه، ماشین

How does this **machine** work?

«این دستگاه چگونه کار می‌کند؟»

essay (n.) مقاله

I finished my **essay** about 10 o'clock last night!

«من دیشب حدود ساعت ۱۰ مقاله‌ام را تمام کردم!»

market (n.) بازار

We buy our fruit and vegetables at the **market**.

«ما میوه و سبزی‌هایمان را از بازار می‌خریم.»

advise (v.) توصیه کردن، نصیحت کردن

I strongly **advise** you not to accept the job.

«من شدیداً به تو توصیه می‌کنم آن شغل را قبول نکنی.»

ترجمه متن کتاب درسی

Our neighbor is a craftsman.⁽¹⁾ I love his beautiful artworks. Whenever I see his works, I say to myself: "When I grow up, I will become an artist like him."⁽²⁾ One day he told me: "Amir, are you really interested in art?"⁽³⁾ If you enjoy art, you will become a good artist.⁽⁴⁾ Most people like art, but some do not understand it.⁽⁵⁾ If you do not see any special thing in a pottery, you won't appreciate its value.⁽⁶⁾ If you do not appreciate the value of art, you cannot become a successful artist.⁽⁷⁾ You will just make things.⁽⁸⁾ If you really like art, you will need two things in the future: education and experience.⁽⁹⁾ Study hard, work hard, and make things to make people happy."⁽¹⁰⁾

همسایه ما یک صنعتگر (استادکار) است.⁽¹⁾ من آثار هنری زیبای او را دوست دارم. هر موقع من کارهای او را می بینم، به خودم می گویم: «وقتی من بزرگ شوم، یک هنرمند مثل او خواهم شد.»⁽²⁾ یک روز او به من گفت: «امیر، آیا تو واقعاً به هنر علاقمندی؟»⁽³⁾ اگر از هنر لذت می ببری، یک هنرمند خوب خواهی شد.⁽⁴⁾ بیشتر مردم هنر را دوست دارند، اما بعضی ها آن را درک نمی کنند.⁽⁵⁾ اگر تو هیچ چیز خاصی در یک سفال نمی بینی، ارزش آن را احساس نخواهی کرد.⁽⁶⁾ اگر ارزش هنر را احساس نکنی، نمی توانی هنرمند موفق بشوی.⁽⁷⁾ فقط اشیاء خواهی ساخت.⁽⁸⁾ اگر واقعاً هنر را دوست داری، در آینده دو چیز لازم خواهی داشت: تحصیل و تجربه.⁽⁹⁾ سخت درس بخوان، سخت کار کن و چیزهایی بساز که مردم را خوشحال می کند.⁽¹⁰⁾

درسنامه

جمله های شرطی (نوع اول) "Conditional Sentences (Type I)"

جمله های شرطی از ترکیب دو جمله تشکیل شده اند، جمله شرط که با if (اگر) شروع می شود، و جمله نتیجه شرط که در اصل نتیجه آن شرط است. ساختار جمله شرطی نوع اول به صورت زیر است:

ادامه جمله + فعل ساده + will / can / may + فاعل ، جمله زمان حال ساده + If

If my friends come here , we will play football.

مثال های دیگر:

❖ If you eat fast food, you will gain weight.

❖ اگر فست فود بخورید، چاق خواهید شد.

❖ If it is sunny, we can play football.

❖ اگر آفتابی باشد، می توانیم فوتبال بازی کنیم.

نکته 1 در جمله های شرطی، بدون این که در معنی جمله تغییری حاصل شود، می توان جای دو جمله را با هم عوض کرد. در این صورت علامت کاما (,) از بین دو جمله حذف می شود.

❖ You will gain weight if you eat fast food.

❖ اگر فست فود بخورید، چاق خواهید شد.

درسنامه

نکته ۲ برای سؤالی کردن این جمله‌ها فقط will, can, may را به اول جمله می‌آوریم.

⇒ Will you gain weight if you eat fast food?

«آیا چاق خواهید شد اگر فست‌فود بخورید؟»

نکته ۳ در جمله‌های شرطی می‌توان هر طرف جمله را منفی کرد.

⇒ If you don't study, you will not pass.

«اگر درس نخوانی، قبول نخواهی شد.»

⇒ If they don't come, we will stay at home.

«اگر آن‌ها نیایند، ما در خانه خواهیم ماند.»

⇒ If Tom comes, we cannot go out.

«اگر تام بیاید، ما نمی‌توانیم بیرون برویم.»

نکته ۴ دقت کنید که اگر فاعل جمله شرط، سوم شخص مفرد باشد باید به فعل جمله «s» سوم شخص مفرد اضافه کنیم.

تست ۱ پاسخ درست را انتخاب کنید.

If the teacher lesson three, we'll do our homework.

① teach

② teaches

③ will teach

④ taught

«اگر معلم درس سه را تدریس کند، ما تکلیف‌مان را انجام خواهیم داد.»

پاسخ: این جمله با «if» شروع شده است، پس یک جمله شرطی است. جمله شرط، یعنی جمله اول باید حال ساده باشد و چون فاعل آن یعنی «the teacher» سوم شخص مفرد است، باید به آخر آن «s» سوم شخص مفرد اضافه شده باشد. در نتیجه گزینه (۲) درست است.

See Also

قسمت سوم فعل "Past Participles" به عنوان صفت

باید بدانید که شکل قسمت سوم فعل‌ها که برای فعل‌های باقاعده با اضافه کردن «d / ed» به آخر فعل ساخته می‌شود و برای فعل‌های بی‌قاعده باید مانند یک کلمه جدید آن را حفظ کرد (به انتهای کتاب درسی مراجعه کنید)، می‌تواند به عنوان صفت در جمله به کار رود و جای آن معمولاً بعد از فعل to be یعنی (am, is, are, was, were) یا بعد از get (شدن) است. البته این صفت‌ها می‌توانند قبل از اسم نیز به کار بروند. به مثال‌های زیر دقت کنید:

⇒ Amir is bored with his present job.

«امیر از شغل کنونی‌اش کسل شده است.»

⇒ Mina got amused by the story.

«مینا با داستان سرگرم شد.»

نکته طلایی معمولاً بعد از این نوع صفت‌ها در جمله، حرف‌های اضافه خاصی به کار می‌رود که باید آن‌ها را حفظ کرد. به عنوان مثال:

be tired of
be frightened of
be ashamed of

be confused about / by
be depressed about / by
be worried about / by

be interested in
be bored with
be satisfied with

be shocked at / by
be surprised at / by
be amused at / by
be amazed at / by

be excited at / about

درسنامه

مثال:

- ⇒ I was amazed **at** her knowledge.
- ⇒ I was amazed **by** her kindness.
- ⇒ We are worried **about** her.
- ⇒ We are worried **by** the rise in prices.
- ⇒ Alice is bored **with** his job.
- ⇒ The children were frightened **of** the dog.

- «من از دانش او شگفت زده شدم.»
- «من از مهربانی او شگفت زده شدم.»
- «ما در مورد او نگران هستیم.»
- «ما از بالا رفتن قیمت ها نگران هستیم.»
- «آلیس از کارش کسل شده است.»
- «آن بچه ها از آن سگ ترسیدند.»

نکته مهم: صفت های زیر past participle نیستند، اما توصیه می شود حرف اضافه بعد از آن ها را نیز به خاطر بسپارید.

be proud **of**
be uncertain **of / about**
be hopeful **of / about**

be careful **of / about / with**
be sorry **about**
be good **at**

1. My mother is interested cooking.
2. I'm sorry being late.
3. The boys got excited the football match.

تربیت: جای خالی هر جمله را با یک حرف اضافه مناسب پر کنید.

1. in
2. about
3. at / about

تایید:

Pronunciation

آهنگ جمله در جمله های شرطی

در جمله های شرطی هر دو آهنگ افغان و خیزان به کار می روند.

1. If I get the money — I will buy a new cellphone. — «اگر من آن پول را بگیرم، یک تلفن همراه جدید خواهم خرید.»
 2. We'll get to school late — if the bus does not come on time. — «ما دیر به مدرسه خواهیم رسید اگر اتوبوس سر وقت نیاید.»
- همان طور که می بینید جمله اول آهنگ خیزان و جمله دوم آهنگ افغان دارد.

Writing

مصدر "Infinitive"

مصدر در زبان انگلیسی به صورت زیر ساخته می شود:

فعل ساده + to

⇒

to do

درسنامه

موارد استفاده از مصدر:

① مصدر به عنوان فاعل: مصدر می‌تواند به عنوان فاعل در اول جمله به کار برود.

⇒ To smoke is bad for everyone.

«سیگار کشیدن برای همه بد است.»

اما در این حالت معمولاً از اسم مصدر (ing + فعل) استفاده می‌شود.

⇒ Smoking is bad for everyone.

«سیگار کشیدن برای همه بد است.»

② مصدر به عنوان مفعول: مصدر می‌تواند به عنوان مفعول نیز در جمله به کار برود.

⇒ I like to watch the movie.

«من دوست دارم آن فیلم را تماشا کنم.»

⇒ She wanted to buy a car.

«او می‌خواست یک اتومبیل بخرد.»

نکته ۱

بعد از بعضی از فعل‌ها حتماً مصدر با to به عنوان مفعول به کار می‌رود. این فعل‌ها عبارتند از:

want (خواستن), choose (انتخاب کردن), expect (توقع داشتن), decide (تصمیم گرفتن), remember (به خاطر داشتن), agree (موافق بودن), try (سعی کردن), attempt (تلاش کردن), promise (قول دادن), learn (یاد گرفتن), tell (گفتن), ask (خواستن), advise (توصیه کردن), plan (آرزو کردن), wish (منتظر ماندن), wait (یاد گرفتن), tell (گفتن), ask (خواستن).

نکته ۲

برای منفی کردن مصدرها قبل از to قید منفی not را اضافه می‌کنیم.

⇒ I told the children not to make so much noise.

«من به بچه‌ها گفتم که زیاد سروصدا نکنند.»

⇒ My dad tries not to forget the phone numbers.

«پدر من سعی می‌کند شماره تلفن‌ها را فراموش نکند.»

نکته طلایی

دقت داشته باشید که گاهی اوقات بعد از فعل اول یک مفعول قرار می‌گیرد و سپس مصدر با to به کار می‌رود. در این صورت بین فعل و مصدر با to فاصله می‌افتد.

⇒ The man promised all the people to attend the meeting again.

«آن مرد به همه افراد قول داد که دوباره در جلسه حضور یابد.»

⇒ We want your brother not to play that game.

«ما می‌خواهیم برادر شما آن بازی را انجام ندهد.»

تمرین ۴

پاسخ درست را انتخاب کنید.

We finally decided the old car.

① don't sell

② not sell

③ not to sell

④ to not sell

«ما سرانجام تصمیم گرفتیم که آن اتومبیل قدیمی را نفروشیم.»

پسند بعد از فعل «decide» مصدر با to به کار می‌رود و اگر آن مصدر منفی باشد باید قبل از آن مصدر قید منفی «not» اضافه کنیم. بنابراین گزینه (۳) درست است.

نکته طلایی

برای بیان «هدف از انجام یک عمل» از مصدر با to استفاده می‌شود.

⇒ A: Why did you go to the library? B: To study.

«تو چرا به کتابخانه رفتی؟» «که درس بخوانم.»

⇒ We called Mr. Jones to borrow some money.

«ما به آقای جونز تلفن زدیم تا مقداری پول قرض کنیم.»

درسنامه

پاسخ درست را انتخاب کنید. (۳)

My father left early the bus.

- ① catching ② catches ③ catch ④ to catch

«پدرم زود رفت تا به اتوبوس برسد.»

پاسخ: برای بیان هدف (این‌که چرا کاری را انجام می‌دهیم) از مصدر با to استفاده می‌شود. بنابراین گزینه (۴) درست است.

نکته ۳

بعد از بعضی از صفت‌ها نیز مصدر با to به کار می‌رود.

⇒ She became happy to see her classmate after ten years «او خوشحال شد که هم‌کلاسی‌اش را بعد از ده سال دید.»

⇒ They were amazed to hear the sound. «آن‌ها از شنیدن آن صدا شگفت زده شدند.»

نکته ۴

بعضی از این صفت‌ها عبارتند از:

glad (خوشحال), ashamed (شرمند), certain (مطمئن), amazed (شگفت زده), careful (با احتیاط),

surprised (خوش‌اقبال), fortunate (شوکه‌شده), shocked (خوش‌شانس), lucky (متأسف), sorry (غافلگیر)

در این حالت می‌توان از ساختار زیر استفاده کرد که (It) در آن معنای خاصی ندارد.

It is / was + صفت + (for somebody) + to + مصدر با

به این مثال‌ها دقت کنید:

⇒ It is easy for me to speak English.

«انگلیسی صحبت کردن برای من آسان است.»

⇒ It was necessary to call them.

«تماس گرفتن با آن‌ها لازم بود.»

پاسخ درست را انتخاب کنید. (۴)

It's nice you again.

- ① see ② sees ③ saw ④ to see

«از دیدن مجدد شما خوش‌وقتم.»

پاسخ: بعد از صفت‌ها (در این‌جا nice) مصدر با to به کار می‌رود. بنابراین گزینه (۴) درست است.

لیست علائم اختصاری قسمت واژگان		
abbr.	abbreviation	اختصار
adj.	adjective	صفت
adv.	adverb	قید
conj.	conjunction	حرف ربط
det.	determiner	معرفه تعیین کننده
excl.	exclamation	حرف ندا
interj.	interjection	حرف ندا، صوت
modal v.	modal verb	فعل کمکی وجهی
n.	noun	اسم
phr. v.	phrasal verb	فعل دو کلمه‌ای (مرکب)
pl.	plural	جمع
prep.	preposition	حرف اضافه
pron.	pronoun	ضمیر
v.	verb	فعل

فعل‌های بی‌قاعده

لیست فعل‌های بی‌قاعده

Base Form	Past Simple	Past Participle	Meaning
be	was / were	been	بودن
become	became	become	شدن
begin	began	begun	شروع کردن
bite	bit	bitten	گاز گرفتن، نیش زدن
bleed	bled	bled	خون‌ریزی کردن
blow	blew	blown	۱- (باد) وزیدن، ۲- ضربه زدن
break	broke	broken	شکستن
bring	brought	brought	آوردن
broadcast	broadcast	broadcast	(رادیو - تلویزیون) پخش کردن
build	built	built	(ساختمان، جاده و ...) ساختن
burn	burned / burnt	burned / burnt	۱- سوختن، ۲- سوزاندن
buy	bought	bought	خریدن
catch	caught	caught	۱- گرفتن، ۲- رسیدن
choose	chose	chosen	انتخاب کردن
come	came	come	آمدن
cost	cost	cost	ارزیدن، قیمت داشتن
cut	cut	cut	بریدن
do	did	done	انجام دادن
draw	drew	drawn	رسم کردن، نقاشی کشیدن
dream	dreamed / dreamt	dreamed / dreamt	خواب دیدن
drive	drove	driven	رانندگی کردن
drink	drank	drunk	نوشیدن
eat	ate	eaten	خوردن
fall	fell	fallen	افتادن
feed	fed	fed	به ... غذا دادن
feel	felt	felt	احساس کردن
fight	fought	fought	جنگیدن، مبارزه کردن
find	found	found	پیدا کردن

لیست فعل‌های بی‌قاعده

Base Form	Past Simple	Past Participle	Meaning
fly	flew	flown	پرواز کردن
forget	forgot	forgotten	فراموش کردن
forgive	forgave	forgiven	بخشیدن، آمرزیدن
freeze	froze	frozen	یخ زدن
get	got	gotten	۱- رسیدن، ۲- شدن، ۳- گرفتن
give	gave	given	دادن
go	went	gone	رفتن
grow	grew	grown	۱- شدن، ۲- رشد کردن، پرورش دادن
hang	hung	hung	آویختن، آویزان کردن
hear	heard	heard	شنیدن
hide	hid	hidden	مخفی شدن، مخفی کردن
hit	hit	hit	ضربه زدن، برخورد کردن
hold	held	held	۱- نگه داشتن، ۲- برگزار کردن
hurt	hurt	hurt	صدمه دیدن، صدمه زدن
keep	kept	kept	نگه داشتن
know	knew	known	دانستن، شناختن
learn	learned / learnt	learned / learnt	یاد گرفتن، آموختن
leave	left	left	ترک کردن، خارج شدن
lend	lent	lent	قرض دادن
let	let	let	به ... اجازه دادن
lie	lay	lain	دراز کشیدن
lose	lost	lost	۱- گم کردن، ۲- باختن، ۳- از دست دادن
make	made	made	۱- درست کردن، ۲- باعث شدن
mean	meant	meant	۱- معنی دادن، ۲- منظور داشتن
meet	met	met	ملاقات کردن
pay	paid	paid	(پول) پرداخت کردن
put	put	put	قرار دادن، گذاشتن
read	read	read	خواندن
ride	rode	ridden	سوار شدن، راندن
ring	rang	rung	زنگ (تلفن) زدن

لیست فعل‌های بی‌قاعده

Base Form	Past Simple	Past Participle	Meaning
rise	rose	risen	۱- بالا آمدن، ۲- طلوع کردن
run	ran	run	دویدن
say	said	said	گفتن
see	saw	seen	دیدن
seek	sought	sought	جست‌وجو کردن
sell	sold	sold	فروختن
send	sent	sent	فرستادن، ارسال کردن
set	set	set	۱- چیدن، ۲- غروب کردن
shoot	shot	shot	پرتاب کردن، شلیک کردن
show	showed	showed / shown	نشان دادن
shut	shut	shut	بستن
sing	sang	sung	خواندن (آواز)
sink	sank	sunk	غرق شدن
sit	sat	sat	نشستن
sleep	slept	slept	خوابیدن
speak	spoke	spoken	صحبت کردن
spend	spent	spent	۱- صرف کردن، ۲- خرج کردن
stand	stood	stood	ایستادن
steal	stole	stolen	دزدیدن
swim	swam	swum	شنا کردن
swing	swung	swung	تاب خوردن
take	took	taken	۱- برداشتن، ۲- بردن، ۳- گرفتن
teach	taught	taught	درس دادن، یاد دادن
tell	told	told	به ... گفتن
think	thought	thought	فکر کردن
throw	threw	thrown	پرتاب کردن
understand	understood	understood	فهمیدن، درک کردن
wake	woke	woken	بیدار شدن، بیدار کردن
win	won	won	برنده شدن
write	wrote	written	نوشتن

انگلیسی یازدهم

English 11

سیر کتاب

واژگان الفبایی

واژگان الفبایی

A	
ability (n.) (1)	توانایی
above all (2)	مهم‌تر از همه
absolutely (adv.) (1)	قطعا، حتماً، مطلقاً
accept (v.) (3)*	قبول کردن، پذیرفتن
access (n.) (1)*	دسترسی
according to (prep.) (3)*	بر اساس، بر طبق
active (adj.) (2)	فعال
add (v.) (1)*	اضافه کردن
addict (n.) (2)*	معتاد
addiction (n.) (2)	اعتیاد
advise (v.) (3)*	توصیه کردن، نصیحت کردن
afraid (adj.) (1)*	ترسیده
agree (v.) (3)	موافقت کردن، موافق بودن
ahead (adv.) (2)*	پیش رو، جلو
almost (adv.) (1)	تقریباً
amazed (adj.) (3)	متعجب، متحیر
amount (n.) (1)	مقدار، میزان
amused (adj.) (3)	سرگرم‌شده، خوشحال، سرگرم
anti-cancer (adj.) (2)	ضد سرطان
antonym (n.) (3)	متضاد
anyone (pron.) (2)	در جمله منفی هیچ‌کس، در جمله مثبتاً هرکس
appear (v.) (1)*	ظاهر شدن
appreciate (v.) (3)	قدردانی کردن، قدر چیزی را دانستن
area (n.) (3)	ناحیه، محله
around (adv.) (1)	حدود، اطراف
art (n.) (3)	هنر
artifact (n.) (3)*	اشیاء دست ساز قدیمی
artist (n.) (1)*, (3)	هنرمند
artistic (adj.) (3)	هنری، مربوط به هنر
artwork (n.) (3)	اثر هنری
as (conj.) (2)*	زیرا، از آنجایی که
ashamed (adj.) (3)	شرمسار، خجالت‌زده
asleep (adj.) (2)	خواب
as well (2)*	همچنین، هم
at last (1)	سرانجام، بالاخره

at least (3)	حداقل
attempt (v.) (3)	تلاش کردن، سعی کردن
attitude (n.) (3)*	نگرش
available (adj.) (1)	قابل دسترس، در دسترس
avoid (v.) (2)*	پرهیز کردن، اجتناب کردن، ممانعت کردن

B	
bag (n.) (1)	کیسه، گونی، کیف
balanced (adj.) (2)	متعادل
be able to (3)	قادر بودن
beauty (n.) (3)	زیبایی
be born (2)	متولد شدن
begin (v.) (1)	شروع شدن، شروع کردن
beginner (n.) (1)*	مبتدی، تازه‌کار
beginning (n.) (1)	ابتدا
Belgium (n.) (1)*	بلژیک
besides (adv., prep.) (1)	علاوه بر، در کنار
biking (n.) (2)	دوچرخه‌سواری
boat (n.) (2)	قایق
bored (adj.) (3)	کسل‌شده، کسل
borrow (v.) (1)	قرض کردن، قرض گرفتن
bottle (n.) (1)	بطری
bow (v.) (3)*	تعظیم کردن
business (n.) (3)	تجارت، کسب‌وکار، حرفه
by (prep.) (1)	تا، تا قبل از
by means of (1)	توسط، با استفاده از

C	
call back (phr. v.) (2)	دوباره تماس گرفتن
calligraphic (adj.) (3)	مربوط به خطاطی، خطاطی‌شده
calligraphy (n.) (3)	خطاطی، خوش‌نویسی
calm (adj.) (2)	خونسرد، آرام
calorie (n.) (2)*	کالری
Canadian (adj.) (1)	کانادایی، اهل کانادا
candle (n.) (1)	شمع
candy (n.) (2)	آبنبات
carpet (n.) (3)	فرش
carrot (n.) (2)	هویج

catch (v.) (3)	گرفتن، رسیدن
cause (v., n.) (2)	سبب شدن، سبب، دلیل
century (n.) (1)	قرن، سده
certain (adj.) (2)	خاص، ویژه، مطمئن
certainly (adv.) (1)*	قطعاً، حتماً
cheerful (adj.) (3)	خوشحال، خوش، خوش‌رو
choose (v.) (2)	انتخاب کردن
clock (n.) (3)	ساعت (رومیزی / دیواری)
clothing (n.) (3)*	پوشاک، لباس
coffee shop (n.) (1)	کافی‌شاپ
collection (n.) (3)	کلیکسیون، مجموعه
combination (n.) (3)*	ترکیب، ادغام
come on! (2)	برو بابا، بی خیال!
common (adj.) (3)*	رایج، متداول
communicate (v.) (1)	ارتباط برقرار کردن
communication (n.) (1)	ارتباط
condition (n.) (2)	شرایط، وضعیت
confident (adj.) (1)*	مطمئن، دارای اعتماد به نفس
confused (adv.) (3)	گیج، سردرگم
consider (v.) (1)*	در نظر گرفتن، در نظر داشتن
contain (v.) (2)	شامل شدن، شامل بودن
continent (n.) (1)	قاره
correctly (adv.) (3)	به درستی، درست
cost (v.) (1)	ارزیدن، قیمت داشتن
couch potato (n.) (2)	معتاد به تلویزیون، خوره تلویزیون
craftsman (n.) (3)	صنعتگر، استادکار (مرد)
craftswoman (n.) (3)	صنعتگر، استادکار (زن)
creative (adj.) (2)*, (3)	خلاق، خلاقانه
cultural (adj.) (2)	فرهنگی
cure (n., v.) (2)	درمان، درمان کردن
custom (n.) (3)	رسم، عَرَف، آداب و رسوم
cycling (n.) (2)	دوچرخه‌سواری

D

day-to-day (adj.) (1)*	روزانه، روز به روز
deaf (adj.) (1)	ناشنوا
death (n.) (2)	مرگ

decide (v.) (1)*, (3)	تصمیم گرفتن
decorative (adj.) (3)	تزیینی، دکوری
decrease (v.) (2)	کاهش یافتن، کاهش دادن
depend (on) (v.) (3)	بستگی داشتن (به)
depressed (adj.) (2)	افسرده
depression (n.) (2)*	افسردگی
despite (prep.) (1)	علی‌رغم، برخلاف
device (n.) (2)*	دستگاه، وسیله
diet (n.) (2)	رژیم
difference (n.) (1)	تفاوت، اختلاف
disable (v.) (2)*	از کار انداختن، ناتوان کردن
disagree (v.) (2)	موافق نبودن، مخالفت کردن، مخالف بودن
disappear (v.) (1)	ناپدید شدن
discount (n.) (3)	تخفیف
dish (n.) (2)	غذا
dislike (v.) (2)	دوست نداشتن
disorder (n.) (2)	اختلال، بی‌نظمی، ناهنجاری
diversity (n.) (3)	تنوع
dollar (n.) (1)	دلار
Do you mind ...? (2)*	آیا مشکلی نیست ...؟
drug (n.) (2)	دارو

E

each other (pron.) (1)	یکدیگر، همدیگر
earn (v.) (3)	به‌دست آوردن، کسب کردن، درآمد داشتن
economy (n.) (3)	اقتصاد
education (n.) (2)	تحصیل، تعلیم و تربیت، آموزش
effect (n.) (2)*	اثر، تاثیر
effective (adj.) (2)	موثر، کارآمد
element (n.) (3)*	عنصر
emotion (n.) (2)	احساس، عاطفه
emotional (adj.) (2)	احساسی، عاطفی
enable (v.) (2)*	قادر ساختن
escape (v.) (1)*	فرار کردن
essay (n.) (3)*	مقاله
etc. (the abbreviation for 'et cetera') (1)*, (3)	و غیره
even (adv.) (2)	حتی

ever (adv.) (2)	تا حالا، تا کنون
every other (week) (2)*	یک (هفته) در میان
excellent (adj.) (3)	عالی
excited (adj.) (3)	هیجان زده
exciting (adj.) (2)	مهیج، هیجان آور
exercise (n.) (2)*	تمرین
exist (v.) (1)	وجود داشتن
expect (v.) (3)	توقع داشتن
experience (n.) (1)	تجربه
explain (v.) (1)	توضیح دادن، شرح دادن
explanation (n.) (1)	توضیح، شرح
extra (adj.) (1)*	اضافه، اضافی

F

face (v.) (3)*	روبرو و شدن، مواجه شدن
factor (n.) (2)	عامل
factory (n.) (2)*	کارخانه
farming (n.) (1)	کشاورزی
fat (adj.) (2)	چاق
feeling (n.) (1)	احساس
fingerprint (n.) (3)	اثر انگشت
first (adv., det.) (1)	اول، اولین، ابتدا
fishing (n.) (2)	ماهی گیری
flat tire (2)*	چرخ پنجر شده، پنجر
fluently (adv.) (1)	به طور روان، سلیس
forbidden (adj.) (2)	ممنوع، قدغن
foreigner (n.) (1)	(فرد) خارجی
form (n.) (1)	شکل
form (v.) (1)	تشکیل دادن، تشکیل شدن
for no good reason (2)	بدون هیچ دلیل خاصی
for sure (2)	از روی اطمینان، مطمئناً
fortunate (adj.) (3)	خوش بخت، خوش شانس
fourth (adv., det.) (1)	چهارم، چهارمین
frightened (adj.) (3)	ترسیده

G

gain (v.) (2)	به دست آوردن، سود کردن
gain weight (2)	وزن اضافه کردن، چاق شدن

gallery (n.) (3)	گالری، نمایشگاه
general (adj.) (2)	عمومی
get (v.) (3)	شدن
get along with /phr. v./ (3)	کنار آمدن با، سازش کردن با
Get away! (phr. v.) (2)	دور شو!
get back /phr. v./ (3)	برگشتن
glad (adj.) (3)	خوشحال
glass (n.) (1)	لیوان
goal (n.) (2)	هدف
Go away! (phr. v.) (2)	دور شو! برو!
golf (n.) (2)	گلف
go well (3)	به خوبی پیش رفتن
grade (n.) (1)	نمره، امتیاز
grammar (n.) (1)*	دستور زبان، گرامر
grass (n.) (1)	چمن
greatly (adv.) (1)	زیاد، بسیار، تا حد زیادی
grocery (n.) (2)*	ماده غذایی، خواربار
grow (v.) (1)	شدن

H

habit (n.) (2)	عادت
handicraft (n.) (3)	صنعت دست، صنایع دستی
handmade (adj.) (3)	دست ساز
handshake (n.) (3)*	دست دادن
hang out (phr. v.) (2)	وقت زیادی را در جایی سپری کردن
harm (v.) (2)*	آسیب رساندن، صدمه زدن
harmful (adj.) (2)	مضر
have to (modal v.) (2)	مجبور بودن
headset (n.) (2)*	هدست
heart attack (n.) (2)	حمله قلبی، سکته قلبی
high school (n.) (1)	دبیرستان
hiking (n.) (2)	پیاده روی
hint (n.) (1)*	نکته
history (n.) (2)	تاریخ، تاریخچه، سابقه
homeland (n.) (3)	وطن، میهن
homeless (adj.) (2)	بی خانمان
honestly (adv.) (1)	مصادفانه

however (<i>adv.</i>) (2)	به هر حال، اما
How is it going? (2)	حالت چطوره؟
hug (<i>v.</i>) (3)*	در آغوش گرفتن، بغل کردن
humankind (<i>n.</i>) (3)	بشر، بشریت
Hurry up! (<i>phr. v.</i>) (2)	عجله کن!

I

identity (<i>n.</i>) (3)	هویت
imagination (<i>n.</i>) (3)	تخیل، تصور
imagine (<i>v.</i>) (1)	تصور کردن، فرض کردن
impatient (<i>adj.</i>) (2)*	ناشکیبا، بی‌صبر و حوصله
impossible (<i>adj.</i>) (1)	غیرممکن
improve (<i>v.</i>) (2)	بهبود بخشیدن، بهبود یافتن، پیشرفت کردن
include (<i>v.</i>) (3)	شامل شدن، شامل کردن
income (<i>n.</i>) (3)	درآمد
incomplete (<i>adj.</i>) (2)	ناقص، ناتمام
influence (<i>v.</i>) (2)	تأثیر گذاشتن، اثر گذاشتن
in particular (2)*	به خصوص، به ویژه
institute (<i>n.</i>) (1)	مؤسسه
interest (<i>v.</i>) (3)*	علاقه‌مند کردن
interestingly (<i>adv.</i>) (1)	به طور جالب توجه، جالب این‌که
into / <i>prep.</i> / (3)	به، به داخل
introduce (<i>v.</i>) (3)	معرفی کردن
invitation (<i>n.</i>) (2)	دعوت، دعوت‌نامه
IRIB (1)	صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران
item (<i>n.</i>) (1)*, (3)	مورد، فقره، چیز

J

jog (<i>v.</i>) (2)	آهسته دویدن
join (<i>v.</i>) (2)	پیوستن، ملحق شدن

K

keep off (<i>phr. v.</i>) (1)	وارد نشدن
keep on (<i>phr. v.</i>) (2)	ادامه دادن
kilo (<i>n.</i>) (1)	کیلو

L

label (<i>v., n.</i>) (1)*	برچسب زدن، برچسب
largely (<i>adv.</i>) (1)	زیاد، بسیار، تا حد زیادی
laughter (<i>n.</i>) (2)	خنده

learner (<i>n.</i>) (1)	فراگیر، یادگیرنده، شاگرد
lend (<i>v.</i>) (3)*	قرض دادن
lifestyle (<i>n.</i>) (2)	سبک زندگی
limit (<i>adj.</i>) (2)*	محدود کردن
live (<i>adj.</i>) (1)	زنده
loaf (<i>n.</i>) (1)	قرص (نان)
look after (<i>phr. v.</i>) (2)	مراقبت کردن از
lovely (<i>adj.</i>) (3)	دوست‌داشتنی، زیبا، خوب
luckily (<i>adv.</i>) (1)	خوشبختانه
lucky (<i>adj.</i>) (3)	خوش‌شانس

M

machine (<i>n.</i>) (3)*	دستگاه، ماشین
make (<i>v.</i>) (2)	باعث شدن
make sure (1)*	اطمینان حاصل کردن
make up (<i>phr. v.</i>) (1)	تشکیل دادن
manner (<i>n.</i>) (2)	رفتار، روش، سبک
mark (<i>n.</i>) (3)	نمره
market (<i>n.</i>) (3)*	بازار
material (<i>n.</i>) (3)	جنس، ماده
maybe (<i>adv.</i>) (2)	شاید
meaning (<i>n.</i>) (3)	معنی، معنا
means (<i>n.</i>) (1)	وسیله، روش، شیوه
measure (<i>v.</i>) (2)	اندازه گرفتن، اندازه‌گیری کردن
meat (<i>n.</i>) (1)	گوشت
medical (<i>adj.</i>) (2)	پزشکی، دارویی، طبی
meet the needs of (1)	برآورده کردن نیازهای
melon (<i>n.</i>) (1)	هندوانه، خربزه
mental (<i>adj.</i>) (1)	ذهنی، فکری
mention (<i>v.</i>) (1)*	ذکر کردن، نام بردن، اشاره کردن
metalwork (<i>n.</i>) (3)	کار فلزی، اثر فلزی
middle (<i>n.</i>) (2)	وسط، میان
midterm (<i>adj.</i>) (2)	میان‌ترم، میان‌نوبت
mile (<i>n.</i>) (2)*	مایل (۱۶۰۹ متر)
mineral (<i>n.</i>) (2)*	(ماده) معدنی
miracle (<i>n.</i>) (2)*	معجزه

miss (v.) (3)*	از دست دادن، نرسیدن (به اتوبوس، قطار ...)
mission (n.) (2)	ماموریت
mistake (n.) (1)*, (3)	اشتباه
moral (adj.) (3)	اخلاقی، معنوی
Moscow (n.) (1)	مسکو
mother tongue (n.) (1)	زبان مادری
Mount (Mt) (n.) (2)	کوه
move (v.) (2)	حرکت کردن، حرکت دادن

N

name (v.) (2)	نام بردن، نامیدن
native (adj.) (1)	بومی، محلی
nearly (adv.) (1)	تقریباً
necessary (adj.) (2)	لازم، واجب، ضروری
negative (adj.) (2)*	منفی
nervous system (n.) (2)*	سیستم عصبی
no matter (1)	مهم نیست
nope (adv., excl.) (2)	نه (غیر رسمی)
normal (adj.) (2)	نرمال، عادی، معمولی
note (n.) (2)*	یادداشت
notebook (n.) (1)	دفتر

O

object (n.) (3)	شیء، چیز، کالا
Oceania (n.) (1)	اقیانوسیه
oil (n.) (2)	روغن
once (adv.) (2)	یک بار، یک دفعه
onion (n.) (2)	پیاز
on time (3)	سر وقت، به موقع
opposite (n., adv., adj.) (2)	مخالف، متضاد
order (v.) (1)	سفارش دادن
other than (3)*	به غیر از، به جز

P

pack (n.) (1)*	بسته
pack (v.) (3)	بسته‌بندی کردن
painting (n.) (3)	نقاشی رنگ روغن، تابلو نقاشی
palm (n.) (3)*	کف (دست)
park (v.) (2)	پارک کردن

parking lot (n.) (1)	پارکینگ
pass (v.) (3)	عبور دادن، عبور کردن، قبول شدن
pencil-sharpener (n.) (1)	مدادتراش
per (prep.) (2)*	در، در هر، برای هر
percent (n.) (1)	درصد
phone (v.) (3)	تلفن زدن به
photograph (n.) (1)	عکس
physical (adj.) (1)	فیزیکی، جسمی، جسمانی
physics (n.) (3)	فیزیک
pick (v.) (1)	برداشتن، بلند کردن
piece (n.) (1)	قطعه، تکه
pleasure (n.) (3)	لذت، خوشی
plenty (of) (pron.) (1)*	مقدار زیاد، فراوان، بسیار
poet (n.) (3)	شاعر
point (n.) (1)	نکته
pool (n.) (3)*	استخر
popular (adj.) (1)	محبوب، پرطرفدار
population (n.) (1)	جمعیت
positive (adj.) (2)*	مثبت
pottery (n.) (3)	سفالگری، سفال
practice (v., n.) (2)	تمرین، تمرین کردن
pray (v.) (2)	نماز خواندن، دعا کردن
prefer (v.) (2)	ترجیح دادن
present (adj.) (3)	کنونی
press (v.) (2)*	اتو کردن
press (v.) (3)*	فشردن، فشار دادن
pressure (n.) (2)	فشار
prevent (v.) (2)	پیشگیری کردن، جلوگیری کردن، مانع شدن
price (n.) (1)	قیمت
prize (n.) (3)	جایزه
produce (v.) (2)	تولید کردن
product (n.) (3)	محصول
program (n.) (1)*	برنامه
project (n.) (1)	پروژه
promise (v.) (3)	قول دادن
properly (adv.) (2)	به طور مناسب، درست

proportion (n.) (2)*	مقدار، نسبت، سهم
protein (n.) (2)	پروتئین
proud (adj.) (3)	مغرور، مفتخر، سربلند
public transportation (n.) (3)*	وسایل نقلیه عمومی

Q

quince (n.) (2)	به
quite (adv.) (1)*, (3)	کاملاً، واقعاً

R

range (v.) (1)	فرق کردن، تغییر کردن، متغیر بودن
rarely (adv.) (2)	به ندرت
reality (n.) (2)	واقعیت
reason (n.) (2)	دلیل
recent (adj.) (2)	اخیر
reflect (v.) (3)	متعکس کردن، انعکاس دادن
region (n.) (1)	منطقه، ناحیه
regular (adj.) (2)	منظم
relationship (n.) (2)	ارتباط، رابطه
replay (v., n.) (2)	دوباره اجرا کردن، دوباره انجام دادن، بازیخش
respectful (adj.) (3)*	با احترام، محترم، محترمانه
retire (v.) (2)	بازنشسته شدن
rich (adj.) (3)	ثروتمند، غنی
right now (2)	همین حالا، الآن
rise (v.) (3)	بالا آمدن، بالا رفتن، ترقی کردن، برخاستن
risk (v.) (2)	به خطر انداختن، ریسک کردن
rug (n.) (3)	قالیچه
ruler (n.) (1)	خطکش
rush (v.) (2)	عجله کردن، با عجله رفتن، هجوم بردن
Russian (adj.) (1)	روسی، اهل روسیه

S

sailing (n.) (2)	قایقرانی
satisfied (adj.) (3)	خشنود، راضی
scanner (n.) (2)	اسکنر
scientific (adj.) (2)	علمی
search for (1)	جستوجو کردن، در جستوجوی ... بودن
second (adv., det.) (1)	دوم، دومین
secret (adj., n.) (2)	رمز، راز، مخفی

seek (v.) (1)	جستوجو کردن، به دنبال ... گشتن
series (n.) (2)	سریال
serving (n.) (2)	پُرس (غذا)
shared (adj.) (3)*	مشترک، به اشتراک گذاشته شده
shocked (adj.) (3)	شوکه، شوکه شده
shut (v.) (2)*	بستن
sign language (n.) (1)	زبان اشاره
silk (n.) (3)	ابریشم
simple (adj.) (1)	ساده، آسان
since (adv., prep.) (2)	از ... تا حالا
skating (n.) (2)	اسکیت کردن
skillful (adj.) (3)	ماهر، حاذق
slice (n.) (1)	تکه، برش
smart (adj.) (1)	باهوش، هوشمند، زرتنگ
smartphone (n.) (2)*	تلفن هوشمند
snack (n.) (2)	غذای سرپایی
so (conj.) (1)	بنابراین
sociable (adj.) (3)	اجتماعی، خوش مشرب
social (adj.) (2)	اجتماعی
socialize (v.) (2)*	معاشرت کردن، اجتماعی کردن
society (n.) (1)	جامعه
soft (adj.) (3)	نرم، لطیف
somewhere (adv.) (1)	جایی
song (n.) (1)	آواز، شعر، سرود
soup (n.) (1)	سوپ
souvenir (n.) (3)	سوغاتی
space (n.) (1)	فضا
speaker (n.) (1)	گویشور
specialist (n.) (2)*	متخصص
spoken (adj.) (1)	گفتاری، شفاهی
sportsperson (n.) (2)	ورزشکار
stage (n.) (2)	مرحله
step (n.) (3)*	مرحله
store (n.) (3)	فروشگاه، مغازه
storybook (n.) (1)	کتاب داستان
stress (n.) (2)	استرس، اضطراب

such (<i>det., pron.</i>) (1)	چنین، این‌چنین
sugar (<i>n.</i>) (1)	شکر، قند
suggest (<i>v.</i>) (1)*	پیشنهاد کردن
surprised (<i>adj.</i>) (3)	متعجب، میوهت
surprising (<i>adj.</i>) (1)	شگفت‌آور
synonym (<i>n.</i>) (1)	مترادف

T

Take care! (<i>phr. v.</i>) (2)	مراقب باش!
take notice of (1)	توجه کردن به، توجه داشتن به
take part in (2)	شرکت کردن در
take time (2)	وقت گرفتن، وقت بردن
taste (<i>n.</i>) (2)	سلیقه، ذوق
technological (<i>adj.</i>) (2)	مربوط به فناوری
the Olympics (<i>n.</i>) (2)	المپیک، بازی‌های المپیک
therefore (<i>adv.</i>) (1)	بنابراین، پس
third (<i>adv., det.</i>) (1)	سوم، سومین
thought (<i>adj.</i>) (2)*	فکر، اندیشه، افکار
through (<i>prep.</i>) (1)	از طریق، توسط
tile (<i>n.</i>) (3)	کاشی
tiny (<i>adj.</i>) (1)	خیلی کوچک، ریز
tired (<i>adj.</i>) (2)	خسته
to be honest (1)	صادقانه (بگویم)
tomato (<i>n.</i>) (2)	گوجه‌فرنگی
totally (<i>adv.</i>) (3)	کاملاً، تماماً، جمعاً
touching (<i>adj.</i>) (3)	متاثرکننده، تأثیرگذار، تکان‌دهنده
towards (<i>prep.</i>) (2)	به، به سمت، نسبت به
traffic (<i>n.</i>) (1)	ترافیک، رفت‌وآمد
truth (<i>n.</i>) (3)	حقیقت
turn off (<i>phr. v.</i>) (1)	خاموش کردن
turn on (<i>phr. v.</i>) (1)	روشن کردن
Turn round! (<i>phr. v.</i>) (2)	بچرخ!

U

uncertain (<i>adj.</i>) (3)	نامطمئن، مشکوک
uncountable (<i>adj.</i>) (1)	غیر قابل‌شمارش

unique (<i>adj.</i>) (3)	بی‌همتا، بی‌مثال، منحصر به فرد
unsafe (<i>adj.</i>) (2)	نا امن، خطرناک

V

vacuum cleaner (<i>n.</i>) (2)*	جارو برقی
valuable (<i>adj.</i>) (1)	با ارزش، ارزشمند
value (<i>v.</i>) (3)	ارزش قائل شدن، بها دادن
various (<i>adj.</i>) (2)*	متنوع، مختلف
vary (<i>v.</i>) (1)	فرق داشتن، تغییر کردن، متغیر بودن
vast (<i>adj.</i>) (3)	پهنوار، گسترده، فراوان
vitamin (<i>n.</i>) (2)*	ویتامین

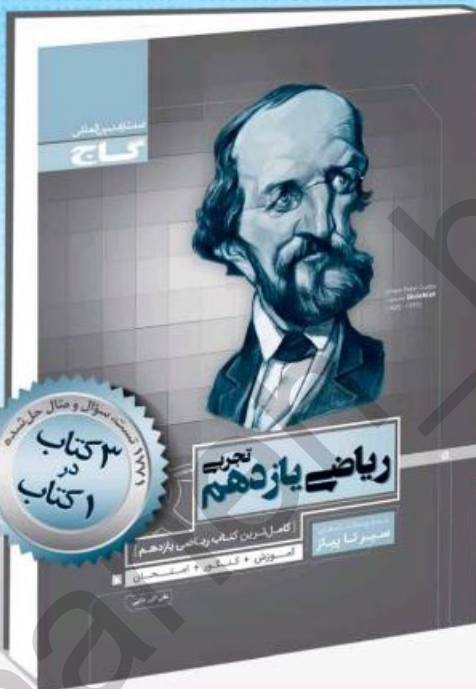
W

washing machine (<i>n.</i>) (2)	ماشین لباس‌شویی
Watch out! (<i>phr. v.</i>) (2)	مراقب باش!
weave (<i>v.</i>) (3)	بافتن، بافندگی کردن
well-known (<i>adj.</i>) (3)	معروف، مشهور
Well done! (3)	آفرین!
wellness (<i>n.</i>) (3)	سلامتی
whenever (<i>adv., conj.</i>) (3)	هر وقت‌که
win (<i>v.</i>) (2)	برنده شدن، بُردن
wish (<i>n., v.</i>) (1)	آرزو، آرزو کردن
word (<i>n.</i>) (1)	کلمه، لغت
work (<i>n.</i>) (3)	اثر
workshop (<i>n.</i>) (3)	کارگاه
worried (<i>adj.</i>) (3)	نگران
worthy (<i>adj.</i>) (2)*	شایسته، لایق، درخور
Would you please ...? (3)	آیا می‌شود لطفاً ...؟
Wow! (<i>interj.</i>) (3)	وای!
written (<i>adj.</i>) (1)	نوشته، نوشتاری، نوشته شده، کتبی
wrongly (<i>adv.</i>) (1)	به طور اشتباه، اشتبهاً

Y

yet (<i>adv.</i>) (2)	هنوز
You're welcome! (1)	خواهش می‌کنم!

منتشر کرد:



آموزش کامل مفاهیم کتاب درسی در ۲۷ قسمت
ارائه نکات STP و ویژه دانش‌آموزان برتر
ارائه ۴۴۸ مثال و تست آموزشی با پاسخ تشریحی
ارائه ۱۰۰۶ پرسش چهار گزینه‌ای طبقه‌بندی شده با پاسخ تشریحی
ارائه پرسش‌های کنکورهای سراسری داخل و خارج کشور
مشخص نمودن تست‌های واجب و دشوار
ارائه ۳۱۷ پرسش امتحانی چند قسمتی طبقه‌بندی شده با پاسخ تشریحی

۰۶۴۲۰-۰۲۱

اطلاع رسانی و فروش www.gaj.ir

گاج

منتشر کرد:

از مجموعه کتاب‌های پُرسِمان



بیست
پُرسِمان
کافیست!

دین و زندگی یا زهد

رشته‌های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک

آموزش کامل کتاب درسی
ارائه پیام آیات و معانی آن
پاسخ به سؤالات اندیشه و تحقیق
ارائه بانک سؤالات امتحانی
همراه با پاسخ‌های کاملاً تشریحی
* برای بیست پرسِمان کافیست *



۰۲۱-۶۴۲۰



gajmarket.com

اطلاع‌رسانی و فروش

استشارات بین‌المللی

گاج

مجموعه کتاب‌های سیرت‌اپاز



انگلیسی^{۱۰} فارسی^{۱۰} عربی^{۱۰} دین و زندگی^{۱۰} زیست^{۱۰} هندسه^{۱۰} فیزیک^{۱۰} فیزیک^{۱۰} ریاضیات^{۱۰} کتاب انسانی^{۱۰}

اطلاع‌رسانی و فروش

۰۲۱-۶۴۲۰

www.gaj.ir

کنکور

جلد دوم:

درس اوّل

Lesson 1

انگلیسی یازدهم
English 11

سر کتاب

Understanding
People

Lesson 1

PART 1

(Pages 15 - 20)

Title Page - Get Ready - Conversation

Vocabulary

- 1 The exam was not very difficult, but the oral exam was.
 ① written ② deaf ③ familiar ④ honest
- 2 Do you think that train tickets are online tonight?
 ① familiar ② pleasant ③ hospitable ④ available
- 3 Do you have any of this type of work?
 ① language ② experience ③ institute ④ vacation
- 4 I enjoy reading in my free time.
 ① foreigners ② tongues ③ worlds ④ storybooks
- 5 Do you think that dolphins can with each other?
 ① commemorate ② communicate ③ interview ④ celebrate
- 6 If you want to get the job, you should learn new
 ① ages ② hosts ③ skills ④ tongues
- 7 What the doctor said is right. Take his advice.
 ① absolutely ② angrily ③ recently ④ loudly
- 8 What do you plan to do after?
 ① guidebook ② timetable ③ classmate ④ high school
- 9 Dr. Smith was doing the experiment in a research during 1995.
 ① institute ② language ③ culture ④ translation
- 10 People who come from a different country are
 ① interviewers ② foreigners ③ translators ④ speakers
- 11 We are going to come back early tonight. The opposite of 'early' is
 ① late ② selfish ③ good ④ quiet
- 12 It is winter and the water is cold. You shouldn't here.
 ① swim ② park ③ listen ④ learn
- 13 This says people must turn off their cell phones.
 ① half ② grass ③ sign ④ tongue
- 14 She is in a meeting at present, but I will let you know when she becomes
 ① available ② possible ③ suitable ④ hospitable
- 15 Help in the of money will be very welcome.
 ① letter ② news ③ sign ④ form
- 16 She has a job in Paris next week. She's a bit nervous.
 ① interest ② interview ③ university ④ institute

- 17 A book of stories for children is called a
 ① booklet ② storybook ③ notebook ④ booking
- 18 He's going a little, so you must speak up.
 ① shy ② clear ③ deaf ④ live
- 19 You must your cell phone here. It's a rule.
 ① put out ② check in ③ fill out ④ turn off
- 20 The pilot with the airport just before the crash.
 ① participated ② communicated ③ commemorated ④ attended

Lesson 1

PART 2

(Pages 21 - 23)

New Words & Expressions

Vocabulary

- 21 My little brother learned English in a/an just round the corner.
 ① foreigner ② region ③ continent ④ institute
- 22 How much are these? They don't have a on them.
 ① society ② space ③ range ④ price
- 23 One of the large land masses of the earth such as Europe, Asia or Africa is a
 ① continent ② region ③ country ④ town
- 24 This is one of the most popular of South America.
 ① prices ② populations ③ regions ④ notices
- 25 In today's, attending a good university is very important for people.
 ① ability ② society ③ nationality ④ possibility
- 26 The fruit boxes in size from small to very large.
 ① vary ② worry ③ know ④ host
- 27 Scientists say that we use only ten of our brain.
 ① village ② century ③ percent ④ organ
- 28 Skiing is one of the most sports in cold countries.
 ① popular ② native ③ honest ④ hospitable
- 29 We can solve the problem by of research.
 ① means ② needs ③ prices ④ points
- 30 Did you know that oxygen 20% of the atmosphere?
 ① takes off ② makes up ③ fills out ④ puts out
- 31 The man the plan to all the students very carefully.
 ① existed ② explained ③ visited ④ imagined
- 32 The doctor told me to be careful about my and physical health.
 ① foreign ② popular ③ native ④ mental

- 33) Everyone knows that Africa is the poorest in the world.
 ① interest ② tongue ③ continent ④ percent
- 34) I can't life without my children now.
 ① invite ② exist ③ solve ④ imagine
- 35) Don't take any of what you read in the newspapers.
 ① notice ② price ③ skill ④ power
- 36) In the 19th, the number of people who left their countries grew rapidly.
 ① institute ② language ③ movie ④ century
- 37) This online course the needs of young learners.
 ① speaks ② works ③ meets ④ has
- 38) China is a big country. It 18% of the world's population.
 ① checks out ② makes up ③ takes off ④ wakes up
- 39) Can you how this kind of microscope works?
 ① explain ② solve ③ save ④ destroy
- 40) I'm happy that we live in an Islamic
 ① ability ② nationality ③ society ④ activity

Lesson ①

PART ③

(Pages 24 - 27)

Reading - Reading Comprehension - Vocabulary Development

Vocabulary

- 41) Can you help me? Can you think of a for "original"?
 ① speaker ② language ③ synonym ④ learner
- 42) People their feelings and thoughts through language.
 ① exchange ② wish ③ exist ④ keep
- 43) It's that you are studying for the math test!
 ① modern ② surprising ③ popular ④ quiet
- 44) This kind of bird comes back to this every year.
 ① percent ② number ③ need ④ region
- 45) Do you know that man who is from a village in the north?
 ① simple ② tiny ③ quick ④ clever
- 46) We will begin a for a new employee this week.
 ① search ② language ③ society ④ price
- 47) She likes to with her sister by e-mail.
 ① explain ② communicate ③ range ④ commemorate

- 48 He spoke too fast. I didn't what he told me.
 ① celebrate ② imagine ③ understand ④ publish
- 49 Do you know what the most language is?
 ① popular ② native ③ ashamed ④ dangerous
- 50 I'd like to travel to the of Africa some day in the future.
 ① speaker ② means ③ belief ④ continent
- 51 Scientists can solve difficult problems by of hard work.
 ① means ② works ③ needs ④ signs
- 52 I am going to get the job, no what my parents say.
 ① number ② matter ③ percent ④ price
- 53 My old grandfather has a reading of French. He lived in France many years ago.
 ① century ② society ③ knowledge ④ world
- 54 You can find some information about the historical sites in this booklet.
 ① valuable ② nervous ③ powerful ④ beautiful
- 55 You are fat because you don't do any daily exercise.
 ① giving ② growing ③ meeting ④ respecting
- 56 Jack went against his parents' and studied medicine.
 ① wishes ② amounts ③ learners ④ rulers
- 57 It is to imagine the world without language.
 ① suitable ② pleasant ③ impossible ④ generous
- 58 We addresses and promised we'd write each other often.
 ① pumped ② defended ③ farmed ④ exchanged
- 59 Those are great stories no how you look at them.
 ① speaker ② feeling ③ matter ④ knowledge
- 60 The house is cheap and nice, I'm going to buy it.
 ① before ② therefore ③ because ④ instead

Lesson ①

PART 4

(Pages 28 - 47)

Grammar - Listening & Speaking - Pronunciation - Writing - What You Learned

Vocabulary

- 61 He cut the meat into and put it aside.
 ① slices ② loaves ③ bags ④ prices
- 62 There is a restaurant with music around here.
 ① alike ② neat ③ live ④ small

63. Are you ready to your food, sir?
 ① cost ② order ③ exist ④ add
64. The old man took two of bread and left the shop.
 ① bottles ② glasses ③ loaves ④ cups
65. The students need to find some about blood cells.
 ① bread ② traffic ③ money ④ information
66. Members can up to ten books from the library at any one time.
 ① borrow ② grow ③ meet ④ respect
67. She didn't give us an for her being late.
 ① event ② explanation ③ emergency ④ institute
68. The students the teacher for his being polite.
 ① solve ② learn ③ listen ④ respect
69. I do not want you doing that again. Do you?
 ① borrow ② range ③ understand ④ defend
70. She taught us the words of a French
 ① plaster ② century ③ candle ④ song
71. She is always honest with me, and I her for that.
 ① pick ② respect ③ explain ④ disappear
72. Swimming is my favorite kind of
 ① exercise ② mistake ③ learner ④ library
73. Don't make a noise, please. The is sleeping.
 ① ceremony ② accident ③ song ④ baby
74. A piece of paper that lets you see a show, participate in an event, or travel on a vehicle is a
 ① candle ② booklet ③ ticket ④ notebook
75. A: What nationality are you? B: We're
 ① England ② Brazil ③ Canadian ④ Persian
76. I need to take some photos. Can I your camera?
 ① borrow ② respect ③ study ④ invent
77. It's dark in here. Let me light the now.
 ① grades ② songs ③ candles ④ rulers
78. You're the only one here who drinks coffee without
 ① half ② crash ③ sugar ④ camera
79. If you use a word, they may laugh at you.
 ① hopefully ② wrongly ③ nearly ④ greatly
80. She was nervous about being interviewed on radio.
 ① extra ② alive ③ live ④ fresh

Grammar & Writing

- 81) There's traffic on the roads today.
 ① few ② little ③ a lot ④ many
- 82) How many do you see at work every day?
 ① person ② children ③ man ④ woman
- 83) We have water. We must buy some this afternoon.
 ① a few ② many ③ much ④ little
- 84) A: What did you buy? B: I bought some
 ① orange ② soup ③ banana ④ vegetable
- 85) Did you know that there's a lot of in the shop?
 ① people ② meat ③ man ④ dress
- 86) Do you remember money I paid the man to wash my car?
 ① how many ② how old ③ how much ④ how long
- 87) There were on the table when I left.
 ① a box of fruit ② three bags of rice ③ only one ruler ④ a big bottle
- 88) Excuse me. Can I take a piece of?
 ① bread ② a bread ③ breads ④ one bread
- 89) There isn't money in my bag. Let's take out some from an ATM.
 ① many ② a lot ③ much ④ few
- 90) You can find many different foreign in our school.
 ① student ② people ③ teacher ④ book
- 91) This book gives you advice on traveling abroad.
 ① many ② a lot ③ much ④ plenty
- 92) He had experience working with children, so we didn't hire him.
 ① very ② little ③ few ④ a little
- 93) A: How was your trip? B: I enjoyed it
 ① a lot ② lots of ③ many ④ a few
- 94) There must be police officers on the road. Don't drive too fast.
 ① a few ② lots of ③ a lot ④ much
- 95) There are many over there. You see?
 ① piece of cake ② rice and meat ③ loaves of bread ④ a bottle of milk
- 96) We saw in the room last night. Where is it now?
 ① two bags ② some sugar ③ many apples ④ a lot of people

97 Our teacher has He loves it a lot.

- ① old dictionary ② a red car ③ modern a house ④ two children

98 How many men in the library last Monday?

- ① are there ② is there ③ was there ④ were there

99 You can see hundreds of thousands of in the village every year!

- ① tourist ② person ③ sheep ④ farmer

100 The old woman picked up the and then put it on the desk.

- ① bananas ② bread ③ children ④ cakes

101 In which one the 'number' has the primary stress on the first syllable?

- ① twenty ② fifteen ③ thirteen ④ eighteen

102 How many do you want to buy for dinner?

- ① slices of pizza ② bread ③ meat ④ bottle of water

103 Which one is NOT a 'complete simple sentence'?

- ① Let's communicate with them. ② Father's fixing the old car.
③ The man saw yesterday morning. ④ How did she come here?

104 Which one is the subject of this sentence? "Last month, our teacher was traveling in Brazil."

- ① Last month ② Brazil ③ our teacher ④ traveling

105 Which one is the object of this sentence? "The young men were eating their lunch in the room."

- ① The young men ② were eating ③ their lunch ④ in the room

106 Which one is a 'complete simple sentence'?

- ① Last night, we in the library. ② My cousin loves.
③ I'm working hard. ④ Some boys at the bank.

107 Which sentence is NOT grammatically correct?

- ① My friends play always old games. ② We communicate through language.
③ Last month, we watched a movie. ④ The Persian lion died out years ago.

108 Which sentence is grammatically correct?

- ① That little bird is singing beautifully now. ② That beautifully little bird is singing now.
③ Now that little bird beautifully is singing. ④ That bird little is singing beautifully now.

109 Which sentence does not have an 'object'?

- ① Last night, I did my homework. ② How many sandwiches did you eat?
③ We are going to watch a movie. ④ We go to school every weekday.

110 Which sentence is NOT grammatically correct?

- ① The smart boy answered all the questions. ② They were working in the garden.
③ We usually are at home before six. ④ Let's give the written test tomorrow.

Cloze Test

Chamicuro is a really endangered (111) with only 8 people known to speak the language. The Chamicuro tribe, which is a (112) tribe in South America, has a population of 10 to 20 people who live (113) the Huallaga River in a beautiful plain called Pampa Hermosa in Peru. To (114) the language, some scientists have (115) a Chamicuro dictionary, but no children can speak the language because they all shifted to Spanish.

- | | | | |
|---------------|-----------|-----------|------------|
| 111 ① century | ② orbit | ③ slice | ④ language |
| 112 ① native | ② selfish | ③ quick | ④ simple |
| 113 ① in | ② at | ③ near | ④ inside |
| 114 ① solve | ② save | ③ say | ④ sell |
| 115 ① bought | ② cleaned | ③ created | ④ spoken |

Reading Comprehension

Do animals have their own language? Scientists are still unsure about this question. Researchers say that animals, non-humans, do not have a true language like humans. However, they do communicate with each other through sounds and gestures. Animals have a number of in-born qualities they use to signal their feelings, but these are not like the formed words we see in the human language. Human children show these same forms of communication as babies when crying. But they slowly learn the words of the language and use this as form of communication.

If human children were kept at birth away from humans, they would not learn the words of the language and would not be able to communicate with other humans. However, if you keep animals alone from birth, they can behave and communicate in the same way as other species of their kind.

- 116 According to the passage,
 ① animals communicate the same as humans ② babies can't learn the language easily
 ③ babies communicate when they cry ④ non-humans have a true language
- 117 Scientists say
 ① animals cannot communicate at all ② people should learn a new language
 ③ animals communicate through sounds ④ human language is the same as animals'
- 118 The underlined word 'these' in the first paragraph refers to
 ① animals ② qualities ③ sounds ④ feelings
- 119 What is the best title for the passage?
 ① Humans are able to communicate ② How non-humans communicate
 ③ Our feelings are very important ④ Babies do not communicate at all
- 120 Which sentence is NOT true according to the passage?
 ① Scientists are not sure about animals' language.
 ② When babies cry, they try to communicate with us.
 ③ As babies grow up in a family, they learn the language.
 ④ All living things communicate in the same way.

آزمون جامع درس ۱

Vocabulary

- 121 This is a good dictionary for of English.
 ① centuries ② tongues ③ learners ④ candles
- 122 The book has information on recent technology.
 ① valuable ② selfish ③ nervous ④ spoken
- 123 They were talking about the problems of young people in the
 ① ability ② invention ③ success ④ society
- 124 Television is a great means of nowadays.
 ① question ② communication ③ vacation ④ destination
- 125 How much did you to pay for this expensive car?
 ① borrow ② solve ③ hunt ④ invite
- 126 Mary is a smart student. She gets good in her exams.
 ① rulers ② songs ③ grades ④ glasses
- 127 All the cakes were delicious, but he the best cake for himself.
 ① painted ② escaped ③ prayed ④ picked
- 128 The boy didn't give a good for his being late.
 ① suggestion ② explanation ③ station ④ creation
- 129 My best friend is from England. He is
 ① French ② Spanish ③ British ④ Greek
- 130 A person who is from a country that is not your own is a/an
 ① foreigner ② pilgrim ③ attraction ④ matter
- 131 Rose is planning to the project later this week.
 ① grow ② know ③ begin ④ prefer
- 132 My father could speak French in college.
 ① suddenly ② fluently ③ sadly ④ neatly
- 133 To be with you, I don't think he's the right person for the job.
 ① nervous ② patient ③ afraid ④ honest
- 134 This beautiful plant grows only in the of North America.
 ① palaces ② pieces ③ regions ④ ranges
- 135 It's amazing how much computers have come down in over the past few years.
 ① price ② matter ③ means ④ percent
- 136 He writes good books. His to interest readers is great.
 ① society ② family ③ ability ④ nationality
- 137 The danger of a heart attack with age.
 ① exists ② works ③ dies ④ varies
- 138 Good bye and give my best to your parents.
 ① prices ② cities ③ wishes ④ bottles

139 There is still much to talk about. We will,, come back soon.

- ① therefore ② because ③ after ④ when

140 A: Is everything OK? B: Yes, there's only one little problem with the booking.

- ① quiet ② tiny ③ busy ④ clever

Grammar & Writing

141 How much are you going to buy for the ceremony?

- ① apple ② sugar ③ oranges ④ clothes

142 There's cup of tea on desk.

- ① a / those ② one / the ③ an / this ④ some / that

143 You can see a lot of in that photo.

- ① person ② man ③ children ④ flower

144 There are some in the kitchen now.

- ① meat ② woman ③ people ④ rice

145 I can see in front of the door.

- ① tall boys ② brave soldier ③ a woman old ④ two child

146 These wolves dangerous, but the is not.

- ① is / cat ② are / bears ③ was / dog ④ are / lion

147 A: Did you listen to the news? B: Yes, I listened to

- ① those ② them ③ they ④ it

148 Did you find any information about the event? B: Yes, I found

- ① many ② a little ③ a few ④ three

149 The little girl is taking photos in that beautiful

- ① a / park ② some / village ③ many / mountains ④ - / cities

150 Do they know how many I need to talk to?

- ① person ② children ③ parent ④ man

151 There a lot of traffic on the road today.

- ① is ② were ③ are ④ be

152 A: How much milk did you buy? B: I bought

- ① a few ② a lot of ③ many ④ a lot

153 The men talking but the child not listening.

- ① is / is ② were / was ③ are / are ④ was / were

154 A: How are these? B: They're \$90 .

- ① old ② many ③ long ④ much

155 A: Is there any in that room? B: Absolutely.

- ① people ② money ③ mice ④ erasers

156 Mr. Manson is talking to and they are listening carefully.

- ① that man ② Ali's teacher ③ the postmen ④ my father

157 When did you buy ? It is really nice.

- ① those gloves ② your pants ③ the dress ④ the shoes

158 A lot of is needed to install this kind of program.

- ① skills ② information ③ people ④ scientists

159 A: Do you need any money, Sam? B: No, thank you. I have

- ① a lot of ② little ③ some ④ many

160 There's an in this old photo.

- ① young woman ② old men ③ orange car ④ wild animal

Cloze Test

American Sign Language (ASL) was developed by American (161) people to communicate with each other and has (162) for a long time. When Laurent Clerc and Thomas H. Gallaudet started the first school for the deaf in the U.S. in 1817, they (163) to make it standard. After that, students spread the use of ASL to other (164) of the U.S. and Canada. Traditionally, the language passed from one generation to the next and nowadays, deaf people (165) it all over the U.S.

- 161 ① ugly ② shy ③ smart ④ deaf
 162 ① cleared ② existed ③ saved ④ tried
 163 ① began ② wrote ③ spoke ④ learnt
 164 ① prices ② regions ③ farms ④ needs
 165 ① buy ② put ③ use ④ say

Reading Comprehension

Although a child communicates from birth, at first he does not get what he is doing. He moves his body, makes sounds, or changes the look on his face because of the way he feels. For example, he may cry because he feels hungry or wet. Slowly, he sees that his messages make things happen. When he cries, someone comes to see what is wrong. When he smiles, people smile back. So he begins to send messages to make things happen. You can help a child begin to communicate by responding to his movements, sounds, and looks on the face. This helps him learn that his actions have an effect on others.

166 Children communicate

- ① because they get really wet ② from the beginning of their lives
 ③ when they make sounds ④ to know what to do at first

167 According to the passage,

- ① crying is a way of communication ② a child can't communicate at all
 ③ we shouldn't pay attention to a child ④ a child smiles when he's hungry

168 The underlined word 'responding' is closest in meaning to

- ① doing ② answering ③ knowing ④ coming

169 We infer from the passage that

- ① sending messages by a child is not useful at all
 ② the first thing a child does after he's born is crying
 ③ a child's action is not what we call communication
 ④ a child uses different ways to communicate with us

آزمون جامع پیشرفته درس ۱

Vocabulary

- 170 The weather is more changeable in mountain than in any other districts.
 ① prices ② jobs ③ regions ④ offices
- 171 You don't need to memorize a dictionary to have good of a language.
 ① program ② knowledge ③ institute ④ point
- 172 Eighty of all information on computers around the world is in English.
 ① foreigner ② university ③ patient ④ percent
- 173 It's a fact that the amount of time spent asleep can from person to person.
 ① exist ② vary ③ add ④ pack
- 174 The young men said that they would do it all of the difficulties.
 ① against ② before ③ despite ④ from
- 175 I don't need to sound like a native speaker, I just want to be able to speak
 ① fluently ② suddenly ③ hopefully ④ recently
- 176 I never for a moment that I'd be able to meet so many famous people.
 ① exchanged ② participated ③ imagined ④ celebrated
- 177 My cousin didn't have enough in dealing with that kind of problem.
 ① vacation ② experiment ③ master ④ experience
- 178 Tom and Mary were very generous and made us feel right at home at their place.
 ① hosts ② ranges ③ abilities ④ loaves
- 179 Every student who has graduated from our university has studied English with a/an speaker for at least two years.
 ① extra ② afraid ③ native ④ hospitable
- 180 The user you want to send this message to does not Please try with another username.
 ① want ② exist ③ range ④ open
- 181 I had to cancel that because we didn't have enough money to pay for it.
 ① grade ② sign ③ order ④ history
- 182 Is there some reason you're saving these old plastic of juice?
 ① values ② bottles ③ phrases ④ matters
- 183 Tracy stayed in the car while Julia ran into the supermarket for a of bread.
 ① can ② glass ③ pinch ④ loaf
- 184 Thousands of lit up the church during the ceremony.
 ① people ② speakers ③ series ④ candles

- 185 People have eaten with their fingers from the beginning of
 ① story ② history ③ century ④ knowledge
- 186 The policeman didn't seem to be at all interested in the woman's about what had happened.
 ① destination ② participation ③ explanation ④ explosion
- 187 Last year, I spent so much time by myself that I almost forgot how to effectively with others.
 ① communicate ② consider ③ increase ④ commemorate
- 188 One thing I don't like about the iPad is that you can't easily install apps that aren't through Apple's App Store.
 ① available ② changeable ③ possible ④ valuable
- 189 My grandmother is hard of hearing. In other words she is a little
 ① afraid ② worried ③ various ④ deaf
- 190 Many doctors look at your first when they begin an examination.
 ① tongue ② neck ③ watch ④ clothes
- 191 The fact that he did not accept any money for helping us shows that he is a/an man.
 ① native ② pleasant ③ honest ④ angry
- 192 lending books, many libraries usually offer various other services.
 ① Besides ② Against ③ Across ④ Behind
- 193 The professor certainly had a when he said we should allow more time to complete the project.
 ① time ② point ③ work ④ form
- 194 "John Wayne was one of the most popular movie stars of this, " he said proudly.
 ① century ② belief ③ label ④ appearance
- 195 The two little children looked at each other the window and laughed.
 ① among ② during ③ without ④ through
- 196 Do you know the between a microscope and a telescope?
 ① science ② continent ③ difference ④ device
- 197 John and his wife more than 200 text messages every day.
 ① escape ② mention ③ exchange ④ promise
- 198 In the summer, the temperature from thirty to forty degrees Celsius.
 ① ranges ② respects ③ improves ④ travels
- 199 Because this storybook is written in English even a child can understand it.
 ① quick ② strong ③ various ④ simple

Grammar & Writing

- 200 The woman had in one hand and in the other she had a
 ① knives / piece of cake ② knife / cake
 ③ a knife / pieces of cake ④ a knife / cakes

- 201 This city is one of the oldest in Iran. There are modern buildings in the city, as you see.
 ① many ② very few ③ plenty of ④ a little
- 202 Which answer shows the number 3752 correctly written in words?
 ① Three thousands seven hundreds and fifty-two
 ② Three thousand seventy hundred fifty-two
 ③ Three thousand seven hundred fifty-two
 ④ Three thousand seven hundreds fifty-two
- 203 Did you listen to on the radio hour ago?
 ① news / a ② some news / two ③ the news / — ④ the news / an
- 204 You can find useful information on Internet.
 ① many / — ② more / the ③ a lot / an ④ a little / the
- 205 A: How photos did you take last month?
 B: Actually, I didn't have cameras so I took photos.
 ① many / any / no ② much / any / any ③ many / a / some ④ much / — / no
- 206 There was some on the round desk, therefore I took
 ① apples / some ② money / a little ③ potato / many ④ pens / one
- 207 My brother works for company and earns money.
 ① big / many ② a big / lot of ③ a big / lots of ④ big / a little
- 208 We visited the Holy Shrine several and did shopping.
 ① times / a lot of ② time / much ③ one time / many ④ times / plenty
- 209 Bhutan has tourist attractions but tourists visit that historical country each year.
 ① a few / few ② lot of / a little ③ many / few ④ lots of / many
- 210 My mom bought some and onions from that shopping center.
 ① meat / many ② potato / much ③ fruit / an ④ food / a lot
- 211 There's water in the fridge, so we have to buy tonight.
 ① much / a lot ② little / a bottle ③ a lot of / few ④ lot / some
- 212 Mr. Prince took salt and added it to a of rice.
 ① a loaf of / bowls ② a pinch of / bowl
 ③ a hand of / bowl ④ a bag of / one bowl
- 213 I usually eat boiled egg and quince jam every morning.
 ① an / a lot of ② — / a ③ two / little ④ a / some
- 214 Which of the following has the correct word order?
 ① The old man went into the room slowly.
 ② Slowly, the man old went into the room.
 ③ The old man went slowly into the room.
 ④ Went into the room the old man slowly.

215 Which of the following contains 'an object'?

- ① There are many people in the restaurant.
- ② Sometimes the small boy walks to school.
- ③ People use language to communicate.
- ④ She was not all right, so she left early.

216 Which of the following is grammatically WRONG?

- ① There were some beautiful birds in the tree.
- ② We bought a glasses of juice for the poor man.
- ③ How many slices of pizza would you like?
- ④ Let's cross the river by means of the bridge.

217 Which of the following sentences is grammatically correct?

- ① The woman took many money with her and left.
- ② There are many traffic on the roads today.
- ③ You can find only two pieces of information.
- ④ That tourist can speak three languages fluent.

218 Which of the following has the correct word order?

- ① I and my wife many years ago began to learn French.
- ② I began and my wife to learn French many years ago.
- ③ To learn French many years ago began my wife and I.
- ④ My wife and I began to learn French many years ago.

219 Which of the following sentences contains 'an adverb of manner'?

- ① The students usually use a bilingual dictionary.
- ② The fast Italian car is very expensive.
- ③ Languages vary greatly from region to region.
- ④ She was not all right, so she left early.

پاسخ تشریحی درس ۱

۱۱. گزینه (۱) - "late" «ما قصد داریم امشب زود برگردیم. متضاد کلمه «زود»، «دیر» است.»
 (۱) دیر (۲) خودخواه
 (۳) خوب (۴) ساکت
۱۲. گزینه (۱) - "swim" «زمستان است و آب سرد است. تو نباید این جا شنا کنی.»
 (۱) شنا کردن (۲) پارک کردن
 (۳) گوش دادن (۴) یاد گرفتن
۱۳. گزینه (۳) - "sign" «این علامت می‌گوید مردم باید تلفن همراهشان را خاموش کنند.»
 (۱) نیم، نصف (۲) چمن، علف
 (۳) علامت، نشانه (۴) زبان
۱۴. گزینه (۱) - "available" «او در حال حاضر در جلسه است، اما وقتی قابل دسترس شد به شما خبر خواهم داد.»
 (۱) قابل دسترس (۲) ممکن
 (۳) مناسب (۴) مهمان‌نواز
۱۵. گزینه (۴) - "form" «ما خوشحال خواهیم شد که کمک به شکل پول (کمک نقدی) باشد.»
 (۱) نامه (۲) خبر
 (۳) علامت (۴) شکل
۱۶. گزینه (۲) - "interview" «او هفته آینده در پاریس مصاحبه شغلی دارد. او کمی عصبی است.»
 (۱) علاقه (۲) مصاحبه
 (۳) دانشگاه (۴) مؤسسه
۱۷. گزینه (۲) - "storybook" «کتابی از داستان‌هایی برای کودکان، کتاب داستان نامیده می‌شود.»
 (۱) کتابچه (۲) کتاب داستان
 (۳) دفتر (۴) رزرو
۱۸. گزینه (۳) - "deaf" «او دارد کمی ناشنوا می‌شود، بنابراین شما باید بلند صحبت کنید.»
 (۱) خجالتی (۲) شفاف
 (۳) ناشنوا (۴) زنده
۱۹. گزینه (۴) - "turn off" «شما باید این جا تلفن همراهتان را خاموش کنید. این قانون است.»
 (۱) خاموش کردن (آتش) (۲) پذیرش شدن (هتل)
 (۳) پر کردن (فرم) (۴) خاموش کردن

۱. گزینه (۱) - "written" «آزمون نوشتاری خیلی سخت نبود، اما آزمون شفاهی بود.»
 (۱) نوشتاری (۲) ناشنوا
 (۳) آشنا (۴) راستگو
۲. گزینه (۴) - "available" «آیا تو فکر می‌کنی بلیط قطار، امشب به صورت آنلاین قابل دسترس است؟»
 (۱) آشنا (۲) دلپذیر
 (۳) مهمان‌نواز (۴) قابل دسترس
۳. گزینه (۲) - "experience" «آیا شما هیچ تجربه‌ای از این نوع کار دارید؟»
 (۱) زبان (۲) تجربه
 (۳) مؤسسه (۴) تعطیلی
۴. گزینه (۴) - "storybooks" «من از خواندن کتاب داستان در وقت آزاد لذت می‌برم.»
 (۱) (فرد) خارجی (۲) زبان
 (۳) کتاب داستان (۴) دنیا
۵. گزینه (۲) - "communicate" «آیا تو فکر می‌کنی دلفین‌ها می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند؟»
 (۱) گرامی داشتن (۲) ارتباط برقرار کردن
 (۳) مصاحبه کردن (۴) جشن گرفتن
۶. گزینه (۳) - "skills" «اگر می‌خواهی آن شغل جدید را به دست بیاوری، باید مهارت‌های جدیدی یاد بگیری.»
 (۱) سن‌ها (۲) میزان‌ها
 (۳) مهارت‌ها (۴) زبان‌ها
۷. گزینه (۱) - "absolutely" «آن چه که پزشک گفت کاملاً درست است. به توصیه او عمل کن.»
 (۱) دقیقاً، کاملاً (۲) با عصبانیت
 (۳) اخیراً (۴) با صدای بلند
۸. گزینه (۴) - "high school" «تو چه برنامه‌ریزی می‌کنی تا بعد از دبیرستان انجام بدهی؟»
 (۱) کتاب راهنما (۲) جدول زمان‌بندی
 (۳) همکلاسی (۴) دبیرستان
۹. گزینه (۱) - "institute" «دکتر اسمیت در طی سال ۱۹۹۵ در حال انجام دادن آن آزمایش در مؤسسه تحقیقاتی بود.»
 (۱) مؤسسه (۲) زبان
 (۳) فرهنگ (۴) ترجمه
۱۰. گزینه (۲) - "foreigner" «مردمی که از کشورهای مختلف (دیگر) می‌آیند خارجی هستند.»
 (۱) مصاحبه‌گر (۲) خارجی
 (۳) مترجم (۴) گویش‌ور

۲۰. گزینه (۲) - "communicated" «آن خلبان درست قبل از حادثه با فرودگاه ارتباط برقرار کرد.»

- ۱) شرکت کردن (۲) ارتباط برقرار کردن
۳) گرمی داشتن (۴) حضور پیدا کردن

۲۱. گزینه (۴) - "institute" «برادر کوچک من زبان انگلیسی را در مؤسسه‌ای در همین نزدیکی آموخت.»

- ۱) خارجی (۲) منطقه
۳) قاره (۴) مؤسسه

۲۲. گزینه (۴) - "price" «این‌ها چه قیمت هستند؟ روی این‌ها قیمت ندارد.»

- ۱) جامعه (۲) فضا
۳) دامنه، طیف (۴) قیمت

۲۳. گزینه (۱) - "continent" «یکی از توده‌های بزرگ خشک زمین مانند اروپا، آسیا یا آفریقا قاره است.»

- ۱) قاره (۲) منطقه
۳) کشور (۴) شهر

۲۴. گزینه (۳) - "regions" «این یکی از محبوب‌ترین منطقه‌های آمریکای جنوبی است.»

- ۱) قیمت‌ها (۲) جمعیت‌ها
۳) منطقه‌ها (۴) یادداشت‌ها

۲۵. گزینه (۲) - "society" «در جامعه امروز، حضور یافتن در یک دانشگاه خوب برای مردم خیلی مهم است.»

- ۱) توانایی (۲) جامعه
۳) ملیت (۴) امکان

۲۶. گزینه (۱) - "vary" «جعبه‌های میوه در اندازه متغیر هستند، از کوچک تا خیلی بزرگ.»

- ۱) تغییر کردن، متغیر بودن (۲) نگران شدن
۳) دانستن (۴) میزبانی کردن

۲۷. گزینه (۳) - "percent" «دانشمندان می‌گویند که ما فقط از ده درصد مخزمن استفاده می‌کنیم.»

- ۱) روستا (۲) قرن
۳) درصد (۴) عضو

۲۸. گزینه (۱) - "popular" «اسکی یکی از محبوب‌ترین ورزش‌ها در کشورهای سردسیر است.»

- ۱) محبوب (۲) یومی
۳) درستکار (۴) مهمان‌نواز

۲۹. گزینه (۱) - "means" «ما می‌توانیم مسئله را به وسیله تحقیق حل کنیم.»

- ۱) وسیله (۲) احتیاج‌ها
۳) قیمت‌ها (۴) نکته‌ها

۳۰. گزینه (۲) - "makes up" «آیا می‌دانستید اکسیژن ۲۰٪ از اتمسفر را تشکیل می‌دهد؟»

- ۱) بلند شدن (هوابیما) (۲) تشکیل دادن
۳) پر کردن (۴) خاموش کردن

۳۱. گزینه (۲) - "explained" «آن مرد برنامه را خیلی با دقت به همه دانش‌آموزان توضیح داد.»

- ۱) وجود داشتن (۲) توضیح دادن
۳) ملاقات کردن (۴) تصور کردن

۳۲. گزینه (۴) - "mental" «پریشک به من گفت در مورد سلامت جسمانی و عاطفی خود احتیاط کنم.»

- ۱) خارجی (۲) محبوب
۳) یومی (۴) عاطفی

۳۳. گزینه (۳) - "continent" «همه می‌دانند آفریقا فقیرترین قاره در دنیا است.»

- ۱) علاقه (۲) ریان
۳) قاره (۴) درسد

۳۴. گزینه (۴) - "imagine" «من حالا نمی‌توانم زندگی را بدون فرزندانم تصور کنم.»

- ۱) دعوت کردن (۲) وجود داشتن
۳) حل کردن (۴) تصور کردن

۳۵. گزینه (۱) - "notice" «به آن چه که در روزنامه‌ها می‌خوانید هیچ توجهی نکنید.»

- ۱) توجه (۲) قیمت
۳) مهارت (۴) قدرت

۳۶. گزینه (۴) - "century" «در قرن نوزدهم، تعداد افرادی که کشورشان را ترک کردند به سرعت افزایش یافت.»

- ۱) مؤسسه (۲) ریان
۳) فیلم (۴) قرن

۳۷. گزینه (۳) - "meets" «این دوره آنلاین نیازهای فراگیران جوان را برآورده می‌کند.»

- ۱) صحبت کردن (۲) کار کردن
۳) برآورده کردن (۴) داشتن

۳۸. گزینه (۲) - "makes up" «چین یک کشور بزرگ است. آن ۱۸٪ جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد.»

- ۱) تسویه حساب کردن (۲) تشکیل دادن
۳) بلند شدن (هوابیما) (۴) بیدار شدن

۳۹. گزینه (۱) - "explain" «آیا می‌توانید توضیح دهید این نوع میکروسکوپ چطور کار می‌کند؟»

- ۱) توضیح دادن (۲) حل کردن
۳) نجات دادن (۴) نابود کردن

۴۰. گزینه (۳) - "society" «من خوشحال هستم که ما در یک جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم.»

- ۱ توانایی (۲) ملیت
۳ جامعه (۴) فعالیت

۴۱. گزینه (۳) - "synonym" «آیا می‌توانید به من کمک کنید؟ آیا می‌توانید به یک مترادف برای "original" فکر کنید؟»

- ۱ گویش‌ور (۲) زبان
۳ مترادف (۴) فراگیر

۴۲. گزینه (۱) - "exchange" «مردم از طریق زبان، احساسات و افکارشان را تبادل می‌کنند.»

- ۱ تبادل کردن (۲) آرزو کردن
۳ وجود داشتن (۴) نگه داشتن

۴۳. گزینه (۲) - "surprising" «شگفت‌انگیز است که تو داری برای آزمون ریاضی درس می‌خوانی!»

- ۱ مُدرن (۲) شگفت‌انگیز
۳ محبوب (۴) ساکت

۴۴. گزینه (۴) - "region" «این نوع پرنده هر سال به این منطقه بازمی‌گردد.»

- ۱ درصد (۲) تعداد
۳ نیاز (۴) منطقه

۴۵. گزینه (۲) - "tiny" «آیا آن مرد را که اهل یک روستای خیلی کوچک در شمال است می‌شناسی؟»

- ۱ ساده (۲) خیلی کوچک
۳ سریع (۴) باهوش

۴۶. گزینه (۱) - "search" «ما این هفته جست‌وجو برای یک کارمند جدید را شروع خواهیم کرد.»

- ۱ جست‌وجو (۲) زبان
۳ جامعه (۴) قیمت

۴۷. گزینه (۲) - "communicate" «او دوست دارد با خواهرش از طریق ایمیل ارتباط برقرار کند.»

- ۱ توضیح دادن (۲) ارتباط برقرار کردن
۳ تغییر کردن (۴) گرامی داشتن

۴۸. گزینه (۳) - "understand" «او بیش از حد سریع حرف زد. من متوجه نشدم او به من چه گفت.»

- ۱ جشن گرفتن (۲) تصور کردن
۳ متوجه شدن (۴) منتشر کردن

۴۹. گزینه (۱) - "popular" «آیا شما می‌دانید محبوب‌ترین زبان چیست؟»

- ۱ محبوب (۲) بومی
۳ شرمنده (۴) خطرناک

۵۰. گزینه (۴) - "continent" «من تمایل دارم یک روزی در آینده به قاره آفریقا سفر کنم.»

- ۱ گویش‌ور (۲) وسیله
۳ باور (۴) قاره

۵۱. گزینه (۱) - "means" «دانشمندان می‌توانند به وسیله کار سخت مسائل سخت را حل کنند.»

- ۱ وسیله (۲) کار
۳ نیاز (۴) علامت

۵۲. گزینه (۲) - "matter" «من قصد دارم آن شغل را بگیرم. مهم نیست که والدینم چه می‌گویند.»

- ۱ عدد (۲) موضوع
۳ درصد (۴) قیمت

(توضیح: عبارت no matter یعنی «مهم نیست».)

۵۳. گزینه (۳) - "knowledge" «بدر بزرگ پیرم دانش خواندن زبان فرانسوی را دارد. او سال‌ها پیش در فرانسه زندگی می‌کرد.»

- ۱ قرن (۲) جامعه
۳ دانش (۴) جهان

۵۴. گزینه (۱) - "valuable" «شما می‌توانید در این کتابچه اطلاعات با ارزشی در مورد مکان‌های تاریخی پیدا کنید.»

- ۱ با ارزش (۲) عصبی
۳ قوی (۴) زیبا

۵۵. گزینه (۲) - "growing" «تو داری چاق می‌شوی زیرا هیچ ورزش روزانه‌ای نمی‌کنی.»

- ۱ دادن (۲) شدن
۳ ملاقات کردن (۴) احترام گذاشتن

۵۶. گزینه (۱) - "wishes" «چک بر خلاف آرزوهای والدینش حرکت کرد و پزشکی خواند.»

- ۱ آرزوها (۲) مقدارها
۳ فراگیرها (۴) خط‌کش‌ها

۵۷. گزینه (۳) - "impossible" «غیرممکن است که دنیا را بدون زبان تصور کرد.»

- ۱ مناسب (۲) دلپذیر
۳ غیرممکن (۴) سخاوتمند

۵۸. گزینه (۴) - "exchanged" «ما آدرس تبادل کردیم و قول دادیم اغلب به یکدیگر (نامه) بنویسیم.»

- ۱ بمپاز کردن (۲) دفاع کردن
۳ کشاورزی کردن (۴) تبادل کردن

۵۹. گزینه (۳) - "matter" «آن‌ها داستان‌هایی عالی هستند. مهم نیست که تو چطور به آن‌ها نگاه می‌کنی.»

- ۱ گویش‌ور (۲) احساس
۳ موضوع (۴) دانش

(توضیح: عبارت no matter یعنی «مهم نیست».)

۶۰. گزینه (۲) - "therefore" «آن خانه ارزان و قشنگ است بنابراین من قصد دارم آن را بخرم.»

۱ قبل از (۲) بنابراین

۲ زیرا (۳) به جای

۶۱. گزینه (۱) - "slices" «او گوشت را به تکه‌هایی برید و آن را کنار گذاشت.»

۱ تکه‌ها

۲ قرص‌ها (نان)

۳ کیسه‌ها

۶۲. گزینه (۳) - "live" «اطراف این‌جا یک رستوران با موزیک زنده وجود دارد.»

۱ شبیه

۲ مرتب

۳ زنده

۶۳. گزینه (۲) - "order" «آیا آماده‌اید غذای خود را سفارش دهید، آقا؟»

۱ قیمت داشتن

۲ سفارش دادن

۳ وجود داشتن

۶۴. گزینه (۳) - "loaves" «آن پیرمرد دو قرص نان برداشت و فروشگاه را ترک کرد.»

۱ بطری

۲ لیوان

۳ قرص

۶۵. گزینه (۴) - "information" «دانشی‌آموزان باید مقداری اطلاعات در مورد گلوبول‌های خون پیدا کنند.»

۱ نان

۲ ترافیک

۳ پول

۶۶. گزینه (۱) - "borrow" «اعضا می‌توانند در هر دفعه تا ده کتاب از کتابخانه قرض بگیرند.»

۱ قرض گرفتن

۲ رشد کردن

۳ برآورده کردن

۶۷. گزینه (۲) - "explanation" «او برای دیرکردنش توضیحی به ما نداد.»

۱ رویداد

۲ توضیح

۳ اورژانس

۶۸. گزینه (۴) - "respect" «دانش‌آموزان به معلم برای مؤدب بودنش احترام می‌گذارند.»

۱ حل کردن

۲ یاد گرفتن

۳ گوش دادن

۶۹. گزینه (۳) - "understand" «من نمی‌خواهم تو دوباره آن را انجام دهی. می‌فهمی؟»

۱ قرض گرفتن

۲ متغیر بودن

۳ فهمیدن

۷۰. گزینه (۴) - "song" «او به ما کلمه‌های یک آهنگ (آواز) فرانسوی را یاد داد.»

۱ چسب زخم

۲ قرن

۳ آهنگ (آواز)

۷۱. گزینه (۲) - "respect" «او همیشه با من صادق است و من به خاطر آن به او احترام می‌گذارم.»

۱ برداشتن

۲ احترام گذاشتن

۳ توضیح دادن

۷۲. گزینه (۱) - "exercise" «شنا نوع ورزش مورد علاقه من است.»

۱ ورزش

۲ اشتباه

۳ فراموش کردن

۷۳. گزینه (۴) - "baby" «لطفاً سروصدای نکنید. بچه خوابیده است.»

۱ مراسم

۲ تصادف

۳ آواز

۷۴. گزینه (۳) - "ticket" «یک تکه کاغذ که به شما اجازه (امکان) می‌دهد یک نمایش ببینید، در یک رویداد شرکت کنید یا با یک وسیله نقلیه مسافرت کنید بلیط است.»

۱ شمع

۲ کتابچه

۳ بلیط

۷۵. گزینه (۳) - "Canadian" «ملیت شما چیست؟» «ما کانادایی هستیم.»

۱ انگلیس

۲ برزیل

۳ کانادایی

۷۶. گزینه (۱) - "borrow" «من باید تعدادی عکس بگیرم. آیا می‌توانم دوربین شما را قرض بگیرم؟»

۱ قرض گرفتن

۲ احترام گذاشتن

۳ درس خواندن

۷۷. گزینه (۳) - "candles" «این داخل تاریک است. اجازه بده آلن شمع‌ها را روشن کنم.»

۱ نمره‌ها

۲ آوازها

۳ شمع‌ها

۷۸. گزینه (۳) - "sugar" «تو در این‌جا تنها کسی هستی که قهوه را بدون شکر می‌نوشی.»

۱ نیم

۲ حادثه

۳ شکر

۷۹. گزینه (۲) - "wrongly" «اگر کلمه‌ای را به صورت اشتباه استفاده کنی، آن‌ها ممکن است به تو بخندند.»

۱ امیدوارانه

۲ به صورت اشتباه

۳ تقریباً

۸۰. گزینه (۳) - "live" «او از این‌که در رادیو (به طور) زنده مورد مصاحبه قرار می‌گرفت عصبی بود.»

۱ اضافی

۲ زنده

۳ تازه

توضیح: صفت alive قبل از اسم به کار نمی‌رود.

گزینه (۲) - "meat" آیا می دانستی در فروشگاه مقدار زیادی گوشت وجود دارد؟

توضیح: چون فعل جمله "is" است، پاسخ نمی تواند اسم جمع یعنی "people" (مردم) باشد. پس گزینه (۱) نادرست است. در ضمن بعد از "a lot of" اگر اسم قابل شمارش به کار رود، باید حتماً جمع باشد، پس گزینه های (۳) و (۴) نیز نادرست هستند.

گزینه (۳) - "how much" آیا تو به خاطر می آوری من برای شستن اتومبیل چه مقدار پول به آن مرد پرداخت کردم؟

توضیح: کلمه "money" (پول)، اسم غیرقابل شمارش است و با "how much" سوالی می شود.

گزینه (۲) - "three bags of rice" وقتی من خارج شدم، سه کیسه برنج روی میز بود.

توضیح: فعل جمله یعنی "were" همراه اسم ها یا عبارت های اسمی «جمع» به کار می رود، و در بین گزینه ها فقط گزینه (۲) جمع است.

گزینه (۱) - "bread" بیخشید، آیا می توانم یک تکه نان بردارم؟
توضیح: کلمه "bread" (نان)، اسم غیرقابل شمارش است و قبل از آن نمی توان از an / a یا اعداد (در این جا one) استفاده کرد، در ضمن نمی توان اسم های غیرقابل شمارش را جمع بست و به آخر آن ها «s» اضافه کرد، در نتیجه تنها گزینه درست (۱) است.

گزینه (۳) - "much" در کیف من مقدار زیادی پول نیست. بیا از خودپرداز مقداری بگیریم.

توضیح: کلمه "money" (پول)، اسم غیرقابل شمارش است و «مقدار» دارد، پس گزینه های (۱) و (۴) نادرست هستند. بعد از "a lot" نیز اسم به کار نمی رود.

گزینه (۲) - "people" شما می توانید در مدرسه ما تعداد زیادی فرد خارجی مختلف پیدا کنید.

توضیح: بعد از "many" (تعداد زیاد) اسم قابل شمارش جمع به کار می رود. در بین گزینه ها فقط "people" (مردم، افراد) جمع است.

گزینه (۳) - "much" این کتاب به شما توصیه های زیادی در مورد مسافرت به خارج ارائه می دهد.

توضیح: کلمه "advice" (توصیه)، اسم غیرقابل شمارش است و «مقدار» دارد، پس گزینه (۱) نادرست است. بعد از "plenty" و "a lot" نیز اسم نمی آید.

گزینه (۲) - "little" او تجربه خیلی کمی در مورد کار کردن با کودکان داشت، پس ما او را استخدام نکردیم.

توضیح: کلمه "experience" (تجربه)، اسم غیرقابل شمارش است و «مقدار» دارد، پس گزینه (۳) نادرست است. در ضمن دقت داشته باشید که "very" (خیلی) قبل از صفت ها و قیده ها می آید، نه قبل از اسم ها. تفاوت "little" و "a little" نیز در این است که "little" بار منفی دارد و در حقیقت به معنی «تقریباً هیچ» است که در این جمله نیز معنا پیدا می کند.

تذکره در پاسخ به سؤال های بخش گرامر، این جدول برای جلوگیری از توضیحات تکراری درج شده است. در صورت لزوم به این جدول مراجعه کنید.

قبل از اسم های قابل شمارش	
one, two, three, ..., several	یک، دوسه، ...، چندین
few, a few	تعداد خیلی کم، تعداد کم
some	تعدادی
many	تعداد زیادی
lots of, a lot of	تعداد زیادی
plenty of	تعداد زیادی
How many ...?	چه تعدادی ...؟
قبل از اسم های غیرقابل شمارش	
x	اعداد به کار نمی روند.
little, a little	مقدار خیلی کم، مقدار کم
some	مقداری
much	مقدار زیادی
lots of, a lot of	مقدار زیادی
plenty of	مقدار زیادی
How much ...?	چه مقداری ...؟

گزینه (۲) - "little" امروز در جاده ها ترافیک خیلی کمی وجود دارد.
توضیح: کلمه "traffic" (ترافیک)، اسم غیر قابل شمارش است و «مقدار» دارد. "few" به معنی «تعداد کم»، "many" به معنی «تعداد زیاد» و "a lot" به معنی «تعداد زیاد، مقدار زیاد» است. در نتیجه گزینه های (۱) و (۴) نادرست هستند. دلیل نادرستی گزینه (۳) این است که بعد از "a lot" اسم به کار نمی رود.

گزینه (۲) - "children" تو هر روز در سر کار چه تعداد بچه می بینی؟
توضیح: بعد از "How many" اسم جمع به کار می رود. از بین گزینه ها فقط گزینه (۲) یعنی "children" به معنی «بچه ها» جمع است. "children" جمع "child" است.

گزینه (۴) - "little" ما مقدار خیلی کمی آب داریم. ما باید امروز بعد از ظهر مقداری بخریم.

توضیح: کلمه "water" (آب)، اسم غیرقابل شمارش است و مقدار دارد. از معنی جمله نیز متوجه می شویم این «مقدار» زیاد نیست.

گزینه (۲) - "soup" تو چه چیزی خریدی؟ «من مقداری سوپ خریدم».

توضیح: بعد از "some" اگر اسم قابل شمارش به کار رود حتماً باید جمع باشد، پس گزینه های (۱)، (۳) و (۴) نادرست هستند.

۱۰۰. گزینه (۲) - «bread» «آن زن نان را برداشت و آن را روی میز گذاشت.»

توضیح: چون در جمله دوم ضمیر مفرد «it» (آن) به کار رفته است، پس اسم موجود در جمله اول باید مفرد باشد، در نتیجه فقط گزینه (۲) درست است.

۱۰۱. گزینه (۱) - «twenty» «در کدام یک، «عدد» تکیه صوتی را روی بخش اول خود دارد؟»

توضیح: در اعدادی که به «-ty» ختم می‌شوند، تکیه صوتی روی بخش اول است.

۱۰۲. گزینه (۱) - «slices of pizza» «تو می‌خواهی برای شام چند برش پیتزا بگیری؟»

توضیح: بعد از «How many» اسم جمع به کار می‌رود. از بین گزینه‌ها فقط گزینه (۱) جمع است.

۱۰۳. گزینه (۳) - «کدام یک جمله ساده کامل نیست؟»

توضیح: جمله (۳) به مفعول نیاز دارد. به عنوان مثال می‌توان گفت: The man saw me yesterday morning.

۱۰۴. گزینه (۳) - «our teacher» «کدام یک «فاعل» این جمله است؟ «ما» گذشته، معلم ما در حال سفر کردن در برزیل بود.»

توضیح: شخصی که جمله در مورد آن صحبت می‌کند «فاعل» است، در نتیجه «معلم ما» فاعل جمله است.

۱۰۵. گزینه (۳) - «their lunch» «کدام یک «مفعول» این جمله است؟ «آن مردهای جوان در اتاق در حال خوردن ناهارشان بودند.»

توضیح: برای پیدا کردن مفعول می‌پرسیم: «چه چیزی را؟» یا «چه کسی را؟». یعنی می‌پرسیم «چه چیزی را؟» می‌خوردند؟ «ناهارشان» را می‌خوردند. پس گزینه (۳) درست است.

۱۰۶. گزینه (۳) - «کدام یک جمله ساده کامل است؟»

توضیح: جمله‌های دیگر را می‌توان به صورت زیر کامل کرد:

① Last night, we were in the library.

② My cousin loves football.

③ Some boys are at the bank.

۱۰۷. گزینه (۱) - «کدام جمله از نظر گرامری درست نیست؟»

توضیح: قید تکرار (در این جا always) باید قبل از فعل اصلی (در این جا play) قرار بگیرد.

۱۰۸. گزینه (۱) - «کدام جمله از نظر گرامری درست است؟»

توضیح: با توجه به ساختار زیر فقط گزینه (۱) درست است:

قید حالت + مفعول + فعل اصلی + قید تکرار (not) + فعل کمکی + فاعل + قید زمان + قید مکان +

۹۳. گزینه (۱) - «a lot» «سفر تو چطور بود؟» «من از آن زیاد لذت بردم.» توضیح: عبارت «lots of» در انتهای جمله به کار نمی‌رود، پس گزینه (۲) نادرست است. «لذت بردن» نیز تعداد ندارد و قابل شمارش نیست، در نتیجه گزینه‌های (۳) و (۴) نادرست هستند.

۹۴. گزینه (۲) - «lots of» «باید تعداد زیادی پلیس در جاده باشند. بیش از حد سریع رانندگی نکن.»

توضیح: در این جمله «police officers» (افسرهای پلیس) جمع و قابل شمارش است، پس «تعداد» دارد. با توجه به معنی جمله، «a few» نیز نادرست است.

۹۵. گزینه (۳) - «loaves of bread» «تعداد زیادی قرص نان آن جا است. می‌بینی؟»

توضیح: بعد از «many» (تعداد زیاد)، اسم قابل شمارش جمع به کار می‌رود. در بین گزینه‌ها فقط «loaves of bread» (قرص‌های نان) جمع است.

۹۶. گزینه (۲) - «some sugar» «ما شب گذشته در اتاق مقداری شکر دیدیم. آن الان کجاست؟»

توضیح: چون در جمله دوم ضمیر مفرد «it» (آن) به کار رفته است، پس اسم موجود در جمله اول باید مفرد باشد، در نتیجه فقط گزینه (۲) درست است.

۹۷. گزینه (۲) - «a red car» «معلم ما یک اتومبیل قرمز دارد. او آن را خیلی دوست دارد.»

توضیح: چون در جمله دوم ضمیر مفرد «it» (آن) به کار رفته است، پس اسم موجود در جمله اول باید مفرد باشد، در نتیجه گزینه (۲) درست است. در گزینه (۱) نیز قبل از «old» باید «an» به کار برود تا عبارت کامل شود، شکل درست گزینه (۳) نیز باید به صورت «a modern house» باشد.

۹۸. گزینه (۴) - «were there» «دوشنبه گذشته چه تعداد مرد در کتابخانه بودند؟»

توضیح: قید زمان «last Monday» در انتهای جمله نشان می‌دهد که جمله زمان گذشته است. پس گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست هستند. کلمه «men» (مردها) نیز جمع است، پس باید از فعل «were» استفاده کنیم.

۹۹. گزینه (۳) - «sheep» «شما می‌توانید هر سال صدها هزار گوسفند را در این روستا ببینید.»

توضیح: بعد از عبارت «hundreds of thousands»، اسم جمع می‌آید، و در بین گزینه‌ها فقط «sheep» می‌تواند جمع باشد. (یادآوری: همان‌طور که سال گذشته آموختید شکل جمع و مفرد بعضی از اسم‌ها یکسان است که «sheep» یکی از آن‌ها است.)

اما، آن‌ها حتماً از طریق صداها و حرکت‌ها (رفتار) با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. حیوان‌ها تعدادی ویژگی ذاتی دارند که از آن‌ها استفاده می‌کنند تا احساساتشان را با علامت ابلاغ کنند، اما این‌ها مانند کلمه‌های شکل‌گرفته‌ای نیستند که ما در زبان انسان می‌بینیم. بچه انسان این شکل از ارتباط را وقتی نوزاد است هنگامی که گریه می‌کند نشان می‌دهد. اما به زودی کلمه‌های زبان را یاد می‌گیرد و از این (روش) به عنوان شکلی از ارتباط استفاده می‌کند. اگر بچه‌های انسان هنگام تولد از انسان دور نگه داشته شوند، کلمه‌های زبان را یاد نخواهند گرفت و قادر به برقراری ارتباط با دیگر انسان‌ها نخواهند بود. اما اگر حیوان‌ها را از زمان تولد تنها نگه دارید، می‌توانند به روش مشابه دیگر گونه‌های هم‌نوعشان رفتار کرده و ارتباط برقرار کنند.

۱۱۶. گزینه (۳) - «بر اساس متن وقتی بچه‌ها گریه می‌کنند، ارتباط برقرار می‌کنند.»

- ۱) حیوان‌ها مشابه انسان‌ها ارتباط برقرار می‌کنند
- ۲) بچه‌ها نمی‌توانند به آسانی زبان یاد بگیرند
- ۳) بچه‌ها وقتی گریه می‌کنند ارتباط برقرار می‌کنند
- ۴) غیر انسان‌ها یک زبان واقعی دارند

۱۱۷. گزینه (۲) - «دانشمندان می‌گویند حیوان‌ها از طریق صداها ارتباط برقرار می‌کنند.»

- ۱) حیوان‌ها اصلاً نمی‌توانند ارتباط قرار دهند
- ۲) مردم باید یک زبان جدید یاد بگیرند
- ۳) حیوان‌ها از طریق صداها ارتباط برقرار می‌کنند
- ۴) زبان انسان مشابه زبان حیوان‌ها است

۱۱۸. گزینه (۲) - «کلمه these که در پاراگراف اول زیرش خط کشیده شده است به «ویژگی‌ها» اشاره دارد.»

- | | |
|-------------|-------------|
| ۱) حیوان‌ها | ۲) ویژگی‌ها |
| ۳) صداها | ۴) احساس‌ها |

۱۱۹. گزینه (۲) - «بهترین عنوان برای متن کدام است؟»

- ۱) انسان‌ها قادر به برقرار کردن ارتباط هستند
- ۲) غیر انسان‌ها چطور ارتباط برقرار می‌کنند
- ۳) احساسات ما خیلی مهم هستند
- ۴) بچه‌ها اصلاً ارتباط برقرار نمی‌کنند

۱۲۰. گزینه (۴) - «بر اساس متن کدام جمله درست نیست؟»

- ۱) دانشمندان در مورد زبان حیوان‌ها مطمئن نیستند.
- ۲) وقتی بچه‌ها گریه می‌کنند، سعی می‌کنند با ما ارتباط برقرار کنند.
- ۳) بچه‌ها در حالی که در خانواده رشد می‌کنند، زبان را یاد می‌گیرند.
- ۴) همه موجودات زنده به یک روش مشابه ارتباط برقرار می‌کنند.

۱۰۹. گزینه (۴) - «کدام جمله «مفعول» ندارد؟»

توضیح: با توجه به معنی جمله‌ها گزینه (۴) «چه چیزی را» یا «چه کسی را» ندارد. معنی جمله‌ها:

- ۱) شب گذشته، من تکلیفم را انجام دادم. (مفعول = تکلیفم)
- ۲) تو چند ساندویچ خوردی؟ (مفعول = ساندویچ)
- ۳) ما قصد داریم یک فیلم تماشا کنیم. (مفعول = فیلم)
- ۴) ما هر روز (کاری) هفته به مدرسه می‌رویم.

۱۱۰. گزینه (۳) - «کدام جمله از نظر گرامری درست نیست؟»

توضیح: قید تکرار (در این جا usually) باید بعد از فعل to be (در این جا are) قرار بگیرد.

ترجمه متن Cloze Test

چامیکورو یک زبان واقعاً در معرض خطر است با فقط ۸ نفر شناخته شده که به آن زبان صحبت می‌کنند. قبیله چامیکورو که یک قبیله بومی در آمریکای جنوبی هستند، جمعیتی بین ۱۰ تا ۲۰ نفر دارد که نزدیک رودخانه هوالاگا در یک دشت زیبا که هرموسا نامیده می‌شود، در پرو زندگی می‌کنند. برای نجات دادن این زبان، بعضی از دانشمندان، یک فرهنگ لغت چامیکورو خلق کرده‌اند (نوشته‌اند)، اما هیچ کودکی نمی‌تواند به این زبان صحبت کند زیرا همه به سمت اسپانیایی تغییر (زبان) داده‌اند.

۱۱۱. گزینه (۴) - "language"

- | | |
|--------|---------|
| ۱) قرن | ۲) مدار |
| ۳) تکه | ۴) زبان |

۱۱۲. گزینه (۱) - "native"

- | | |
|---------|------------|
| ۱) بومی | ۲) خودخواه |
| ۳) سریع | ۴) ساده |

۱۱۳. گزینه (۳) - "near"

- | | |
|----------|---------|
| ۱) در | ۲) در |
| ۳) نزدیک | ۴) درون |

۱۱۴. گزینه (۲) - "save"

- | | |
|------------|--------------|
| ۱) حل کردن | ۲) نجات دادن |
| ۳) گفتن | ۴) فروختن |

۱۱۵. گزینه (۳) - "created"

- | | |
|-------------|--------------|
| ۱) خریدن | ۲) تمیز کردن |
| ۳) خلق کردن | ۴) نوشتن |

ترجمه متن Reading Comprehension

آیا حیوان‌ها زبان خودشان را دارند؟ دانشمندان هنوز در مورد این سوال نامطمئن هستند. محققین می‌گویند که حیوان‌ها، غیر انسان‌ها، یک زبان واقعی مانند انسان‌ها ندارند.

۱۳۱. گزینه (۳) - "begin" «رژ در حال برنامه‌ریزی کردن است تا پروژه را بعداً در (اواخر) این هفته شروع کند.»

- ۱ شدن (۱)
۲ زبان‌ها (۲)
۳ شروع کردن (۳)
۴ ترجیح دادن (۴)

۱۳۲. گزینه (۲) - "fluently" «پدر من می‌توانست در دانشکده به زبان فرانسوی به طور سلیس صحبت کند.»

- ۱ به طور ناگهانی (۱)
۲ به طور سلیس (۲)
۳ متأسفانه (۳)
۴ به طور مرتب (۴)

۱۳۳. گزینه (۴) - "honest" «صادقانه به شما بگویم، من فکر نمی‌کنم او شخص مناسبی برای این شغل باشد.»

- ۱ عصبی (۱)
۲ صبور (۲)
۳ ترسیده (۳)
۴ صادق (۴)

۱۳۴. گزینه (۳) - "regions" «این گیاه زیبا فقط در منطقه‌های آمریکای شمالی رشد می‌کند.»

- ۱ کاخ‌ها (۱)
۲ تنگه‌ها (۲)
۳ منطقه‌ها (۳)
۴ طیف‌ها (۴)

۱۳۵. گزینه (۱) - "price" «شگفت‌انگیز است که کامپیوترها چقدر از نظر قیمت در سال‌های اخیر پایین آمده‌اند.»

- ۱ قیمت (۱)
۲ موضوع (۲)
۳ وسیله (۳)
۴ درصد (۴)

۱۳۶. گزینه (۳) - "ability" «او کتاب‌های خوبی می‌نویسد. توانایی او برای علاقه‌مند کردن خواننده‌ها عالی است.»

- ۱ جامعه (۱)
۲ خانواده (۲)
۳ توانایی (۳)
۴ ملیت (۴)

۱۳۷. گزینه (۴) - "varies" «خطر سکته قلبی با سن تغییر می‌کند.»

- ۱ وجود داشتن (۱)
۲ کار کردن (۲)
۳ مردن (۳)
۴ تغییر کردن (۴)

۱۳۸. گزینه (۳) - "wishes" «خدا حافظ و بهترین آرزوهای من را به والدینت بده (برسان).»

- ۱ قیمت‌ها (۱)
۲ شهرها (۲)
۳ آرزوها (۳)
۴ بطری‌ها (۴)

۱۳۹. گزینه (۱) - "therefore" «هنوز زیاد مانده است تا در مورد آن بحث کنیم. بنابراین به زودی بخواهیم گشت.»

- ۱ بنابراین (۱)
۲ زیرا (۲)
۳ بعد از (۳)
۴ وقتی‌که (۴)

۱۴۰. گزینه (۲) - "tiny" «آیا همه چیز خوب است؟» «بله، فقط یک مشکل خیلی کوچک در مورد رزرو وجود دارد.»

- ۱ ساکت (۱)
۲ خیلی کوچک (۲)
۳ مشغول (۳)
۴ باهوش (۴)

۱۴۱. گزینه (۳) - "learners" «این یک فرهنگ لغت خوب برای فراگیرهای زبان انگلیسی است.»

- ۱ قرن‌ها (۱)
۲ زبان‌ها (۲)
۳ فراگیرها (۳)
۴ شمع‌ها (۴)

۱۴۲. گزینه (۱) - "valuable" «این کتاب اطلاعات یا ارزشی در مورد فناوری اخیر دارد.»

- ۱ با ارزش (۱)
۲ خودخواه (۲)
۳ عصبی (۳)
۴ گفتاری (۴)

۱۴۳. گزینه (۴) - "society" «آن‌ها در مورد مشکلات افراد جوان در جامعه صحبت می‌کردند.»

- ۱ توانایی (۱)
۲ اختراع (۲)
۳ موفقیت (۳)
۴ جامعه (۴)

۱۴۴. گزینه (۲) - "communication" «امروزه تلویزیون یک وسیله ارتباطی عالی است.»

- ۱ سوال (۱)
۲ ارتباط (۲)
۳ تعطیلات (۳)
۴ مقصد (۴)

۱۴۵. گزینه (۱) - "borrow" «چه مقدار (پول) قرض کردی تا برای این اتومبیل گران پرداخت کنی؟»

- ۱ قرض کردن (۱)
۲ حل کردن (۲)
۳ شکار کردن (۳)
۴ دعوت کردن (۴)

۱۴۶. گزینه (۳) - "grades" «مری دانش‌آموز باهوشی است. او در امتحان‌هایش نمره‌های خوب می‌گیرد.»

- ۱ خط‌کش‌ها (۱)
۲ آوازاها (۲)
۳ نمره‌ها (۳)
۴ لیوان‌ها (۴)

۱۴۷. گزینه (۴) - "picked" «همه کیک‌ها خوشمزه بودند، اما او بهترین کیک را برای خودش برداشت.»

- ۱ رنگ زدن (۱)
۲ فرار کردن (۲)
۳ دعا کردن (۳)
۴ برداشتن (۴)

۱۴۸. گزینه (۲) - "explanation" «آن پسر برای دیر کردنش توضیح خوبی نداد.»

- ۱ پیشنهاد (۱)
۲ توضیح (۲)
۳ ایستگاه (۳)
۴ خلقت (۴)

۱۴۹. گزینه (۳) - "British" «بهترین دوست من اهل انگلستان است. او بریتانیایی است.»

- ۱ فرانسوی (۱)
۲ اسپانیایی (۲)
۳ بریتانیایی (۳)
۴ یونانی (۴)

۱۵۰. گزینه (۱) - "foreigner" «یک شخص که اهل کشوری است که کشور خود نیست، یک خارجی است.»

- ۱ خارجی (۱)
۲ رانر (۲)
۳ جاذبه (۳)
۴ موضوع (۴)

توضیح: بعد از «how many» اسم قابل شمارش جمع به کار می‌رود. در بین گزینه‌ها فقط «children» (بچه‌ها) جمع است و مفرد آن «child» است.

۱۵۱. گزینه (۱) - «امروز در جاده ترافیک زیادی است.»

توضیح: کلمه «traffic» اسم غیرقابل شمارش است و فعل آن باید مفرد باشد.

۱۵۲. گزینه (۴) - «تو چه مقدار شیر خریدی؟» «من مقدار زیادی خریدم.»

توضیح: کلمه «milk» (شیر) اسم غیرقابل شمارش است. پس گزینه‌های (۱) و (۳) نمی‌توانند درست باشند. در ضمن «a lot of» در انتهای جمله به کار نمی‌رود.

۱۵۳. گزینه (۲) - «مردها در حال صحبت کردن بودند اما بچه در حال گوش دادن نبود.»

توضیح: فاعل جمله اول یعنی «The men» (مردها) جمع است و به فعل جمع نیاز دارد. فاعل جمله دوم یعنی «the child» (بچه) نیز مفرد است و به فعل مفرد نیاز دارد.

۱۵۴. گزینه (۴) - «این‌ها چه قیمتی هستند؟» «آن‌ها ۹۰ دلار هستند.»

توضیح: برای پرسیدن قیمت از «How much» استفاده می‌کنیم.

۱۵۵. گزینه (۲) - «آیا در آن اتاق هیچ پولی وجود دارد؟» «قطعاً.»

توضیح: چون سوال یا «Is» شروع شده است، اسم مورد نظر باید یا قابل شمارشی مفرد باشد و یا غیرقابل شمارش. در بین گزینه‌ها فقط «money» (پول) غیرقابل شمارش است، بقیه قابل شمارش و جمع هستند.

۱۵۶. گزینه (۳) - «آقای مانسون در حال صحبت کردن با آن پستی‌چی‌ها است و آن‌ها با دقت در حال گوش دادن هستند.»

توضیح: چون ضمیر جمله دوم «they» (آن‌ها) است، پس اسم مورد نظر باید جمع باشد. دقت داشته باشید که «postmen» شکل جمع «postman» است.

۱۵۷. گزینه (۳) - «چه موقع آن لباس را خریدی؟ آن واقعاً قشنگ است.»

توضیح: چون در جمله دوم ضمیر «it» به کار رفته است، اسم مورد نظر باید مفرد باشد. بقیه گزینه‌ها جمع هستند.

۱۵۸. گزینه (۲) - «برای نصب کردن این نوع برنامه اطلاعات زیادی لازم است.»

توضیح: چون فعل جمله «is» است، اسم مورد نظر باید یا قابل شمارشی مفرد باشد یا غیرقابل شمارش. گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) جمع هستند.

۱۵۹. گزینه (۳) - «سام، آیا پولی نیاز داری؟» «نه، متشکرم. من مقداری دارم.»

توضیح: کلمه «money» (پول) غیرقابل شمارش است، پس گزینه (۴) نادرست است. از طرفی «a lot of» در انتهای جمله به کار نمی‌رود، در نتیجه گزینه (۱) نیز نادرست است. با توجه به معنی جمله «little» (مقدار خیلی کم) نیز نمی‌تواند پاسخ درست باشد.

۱۴۱. گزینه (۲) - «تو قصد داری چه مقدار شکر برای مراسم بختی؟»
توضیح: بعد از «How much» (چه مقدار) اسم غیرقابل شمارش به کار می‌رود.

۱۴۲. گزینه (۲) - «یک فنجان چای روی میز است.»

توضیح: عبارت «cup of tea» مفرد و قابل شمارش است و با حرف «C» شروع شده است، پس گزینه‌های (۳) و (۴) نادرست هستند. در ضمن کلمه «desk» نیز مفرد است و نمی‌توان قبل از آن از «those» (آن‌ها) استفاده کرد، در نتیجه گزینه (۱) نیز نادرست است.

۱۴۳. گزینه (۳) - «شما می‌توانید در آن عکس تعداد زیادی بچه ببینید.»
توضیح: بعد از «a lot of» اگر اسم قابل شمارش بیاید حتماً باید جمع باشد. در بین گزینه‌ها فقط «children» جمع است و مفرد آن «child» است.

۱۴۴. گزینه (۳) - «الآن تعدادی از مردم در آشپزخانه هستند.»

توضیح: چون فعل جمله «are» است، اسم مورد نظر باید جمع باشد. در بین گزینه‌ها فقط «people» (مردم) جمع است و مفرد آن «person» است.

۱۴۵. گزینه (۱) - «من می‌توانم در جلوی در پسرهای قدبلند را ببینم.»
توضیح: گزینه‌های دیگر از نظر گرامری اشتباه هستند و شکل درست آن‌ها به صورت زیر است:

brave soldiers (۴)

an old woman (۳)

two children (۴)

۱۴۶. گزینه (۴) - «این گرگ‌ها خطرناک هستند. اما شیر نیست.»

توضیح: کلمه «wolves» اسم جمع است، پس در بین گزینه‌ها فعل آن «are» است. در ضمن فعل جمله دوم «is» است پس فاعل آن باید مفرد باشد، در نتیجه فقط گزینه (۴) درست است.

۱۴۷. گزینه (۴) - «آیا تو به خبر گوش دادی؟» «بله، من به آن گوش دادم.»
توضیح: کلمه «news» (خبر) اسم غیرقابل شمارش است و ضمیر آن «it» است.

۱۴۸. گزینه (۲) - «آیا اطلاعاتی در مورد رویداد پیدا کردی؟» «بله، مقدار کمی پیدا کردم.»

توضیح: کلمه «information» (اطلاعات) اسم غیرقابل شمارش است و دارای «مقدار» است.

۱۴۹. گزینه (۲) - «آن دختر کوچک در حال گرفتن تعدادی عکس در آن روستای زیبا است.»

توضیح: بعد از جای خالی اول کلمه «photos» جمع است، پس یکی از گزینه‌های (۲) یا (۳) درست هستند. قبل از جای خالی دوم نیز «that» (آن) به کار رفته است، پس اسم بعد از آن باید مفرد باشد، در نتیجه فقط گزینه (۲) درست است.

۱۵۰. گزینه (۲) - «آیا آن‌ها می‌دانند من باید با چه تعداد دانش‌آموز صحبت کنم؟»

۱۶۰. گزینه (۳) - «در این عکس قدیمی یک اتومبیل نارنجی وجود دارد.»

توضیح: قبل از جای خالی «an» به کار رفته است، پس اسم یا عبارت اسمی بعد از آن باید مفرد باشد و با یکی از حروف صدادار «a, e, i, o, u» شروع شود. دقت داشته باشید که در گزینه (۲) کلمه «men» (مردها) شکل جمع «men» است.

ترجمه متن Cloze Test

زبان اشاره آمریکایی توسط افراد ناشنای آمریکایی برای ارتباط برقرار کردن با یکدیگر ایجاد شد و برای مدتی طولانی وجود داشته است. وقتی لاورنت کلرک و توماس ایچ گالدوت در سال ۱۸۱۷ در آمریکا اولین مدرسه برای ناشنوایان را شروع کردند، آن‌ها شروع به استاندارد کردن آن کردند. بعد از آن دانش‌آموزان استفاده از ASL را به منطقه‌های دیگر آمریکا و کانادا بسط دادند. به طور سنتی، این زبان از یک نسل به بعدی منتقل شد و امروزه افراد ناشنوا از آن در سرتاسر آمریکا استفاده می‌کنند.

۱۶۱. گزینه (۴) - «deaf»

- ۱ زشت
۲ خجالتی
۳ باهوش
۴ ناشنوا

۱۶۲. گزینه (۲) - «existed»

- ۱ تمیز کردن
۲ وجود داشتن
۳ نجات دادن
۴ سعی کردن

۱۶۳. گزینه (۱) - «began»

- ۱ شروع کردن
۲ نوشتن
۳ صحبت کردن
۴ یاد گرفتن

۱۶۴. گزینه (۲) - «regions»

- ۱ قیمت‌ها
۲ منطقه‌ها
۳ مزرعه‌ها
۴ نیازها

۱۶۵. گزینه (۳) - «use»

- ۱ خریدن
۲ قرار دادن
۳ استفاده کردن
۴ گفتن

ترجمه متن Reading Comprehension

اگر چه یک کودک از تولد ارتباط برقرار می‌کند، (اما) در ابتدا متوجه نمی‌شود چه کار می‌کند. او بدنش را حرکت می‌دهد، صدا تولید می‌کند یا (حالت) چهره‌اش را به علت احساسی که می‌کند تغییر می‌دهد. به عنوان مثال، او ممکن است وقتی احساس گرسنگی یا خستگی می‌کند گریه کند. او به آرامی می‌بیند که پیام‌هایش باعث می‌شود چیزها اتفاق بیافتد. وقتی او گریه می‌کند، کسی می‌آید تا ببیند مشکل چیست، وقتی او لبخند می‌زند، مردم (به او) لبخند می‌زنند. بنابراین او شروع به پیام فرستادن می‌کند تا چیزها اتفاق بیافتد. شما می‌توانید با پاسخ دادن به حرکات، صداها و ظاهر صورتش به یک کودک کمک کنید تا ارتباط برقرار کند. این (کار) به او کمک می‌کند تا یاد بگیرد اعمال او بر دیگران تأثیر دارد.

۱۶۶. گزینه (۲) - «کودکان از ابتدای زندگی‌شان ارتباط برقرار می‌کنند.»

- ۱ زیرا واقعاً خیس می‌شوند

۲ از ابتدای زندگی‌شان

- ۳ وقتی صدا ایجاد می‌کنند

۴ تا بدانند در ابتدا چه کار کنند

۱۶۷. گزینه (۱) - «بر اساس متن، گریه کردن روشی برای برقراری ارتباط است.»

- ۱ گریه کردن روشی برای برقراری ارتباط است

۲ یک کودک اصلاً نمی‌تواند ارتباط برقرار کند

۳ ما نباید به یک کودک توجه کنیم

۴ یک کودک وقتی که گرسنه است می‌خندد

۱۶۸. گزینه (۲) - «کلمه responding که زیر خط کشیده شده نزدیک‌ترین معنی با answering (پاسخ دادن) را دارد.»

- ۱ انجام دادن
۲ پاسخ دادن
۳ دانستن
۴ آمدن

۱۶۹. گزینه (۴) - «ما از این متن استنباط می‌کنیم که یک کودک از روش‌های مختلف استفاده می‌کند تا با ما ارتباط برقرار کند.»

- ۱ پیام فرستادن توسط یک کودک اصلاً مفید نیست

۲ اولین چیزی که یک کودک بعد از این‌که متولد شد انجام می‌دهد گریه کردن است

۳ عمل یک کودک چیزی نیست که ما آن را برقراری ارتباط می‌نامیم

۴ یک کودک از روش‌های مختلف استفاده می‌کند تا با ما ارتباط برقرار کند

۱۷۰. گزینه (۳) - «regions» آب و هوا در منطقه‌های کوهستانی بیش‌تر از مناطقی دیگر متغیر است.»

- ۱ قیمت‌ها
۲ شغل‌ها
۳ منطقه‌ها
۴ اداره‌ها

۱۷۱. گزینه (۲) - «knowledge» «شما برای این‌که دانش خوبی از یک زبان داشته باشید، لازم نیست فرهنگ لغت را حفظ کنید.»

- ۱ برنامه
۲ دانش
۳ مؤسسه
۴ نکته

۱۷۲. گزینه (۴) - «percent» «هشتاد درصد تمام اطلاعات موجود در کامپیوترهای سراسر دنیا به (زبان) انگلیسی هستند.»

- ۱ خارجی
۲ دانشگاه
۳ بیمار
۴ درصد

۱۷۳. گزینه (۲) - «vary» «این یک حقیقت است که میزان زمان صرف‌شده برای خواب از یک فرد به فرد دیگر متغیر است.»

- ۱ وجود داشتن
۲ متغیر بودن
۳ اضافه کردن
۴ بسته‌بندی کردن

۱۸۳. گزینه (۴) - "loaf" «وقتی جولیا برای (خریدن) یک قرص نان به داخل سوپرمارکت دوید تریسی در اتومبیل ماند.»

- ① قوطی فلزی ② لیوان
③ مقدار کم ④ قرص (نان)

۱۸۴. گزینه (۴) - "candles" «هزاران شمع در طول مراسم، کلیسا را نورانی کردند.»

- ① نفر ② گویش ور
③ سریال ④ شمع

۱۸۵. گزینه (۲) - "history" «از ابتدای تاریخ مردم با انگشتان شان (غذا) خورده اند.»

- ① داستان ② تاریخ
③ قرن ④ دانش

۱۸۶. گزینه (۳) - "explanation" «به نظر نمی رسید آن مرد پلیس اصلاً به توضیح آن زن در مورد چیزی که اتفاق افتاده بود علاقه مند باشد.»

- ① مقصد ② مشارکت
③ توضیح ④ انفجار

۱۸۷. گزینه (۱) - "communicate" «سال گذشته، من آن قدر وقتم را به تنهایی گذراندم که تقریباً فراموش کردم چطور به طور مؤثر با دیگران ارتباط برقرار کنم.»

- ① ارتباط برقرار کردن ② در نظر داشتن
③ افزایش دادن ④ گرمی داشتن

۱۸۸. گزینه (۱) - "available" «چیزی که من در مورد آی پد دوست ندارم این است که شما نمی توانید برنامه هایی را که از طریق فروشگاه اپل در دسترس نیستند به راحتی نصب کنید.»

- ① در دسترس ② قابل تغییر
③ ممکن ④ با ارزش

۱۸۹. گزینه (۴) - "deaf" «گوش مادر بزرگ من سنگین است. به عبارت دیگر او کمی ناشنوا است.»

- ① ترسیده ② نگران
③ متنوع ④ ناشنوا

۱۹۰. گزینه (۱) - "tongue" «تعداد زیادی از پزشکان وقتی شروع به معاینه می کنند به زبان شما نگاه می کنند.»

- ① زبان ② گردن
③ ساعت ④ لباس

۱۹۱. گزینه (۳) - "honest" «حقیقت این که او برای کمک به ما هیچ پولی را قبول نکرد نشان می دهد او مردی درستکار است.»

- ① بومی ② دلپذیر
③ درستکار ④ عصبانی

۱۹۲. گزینه (۳) - "despite" «آن مردهای جوان گفتند که آن را علی رغم تمام سختی ها انجام خواهند داد.»

- ① در برابر ② قبل از
③ علی رغم ④ از

۱۹۳. گزینه (۱) - "fluently" «لازم نیست من مثل یک گویش ور بومی به نظر برسم، من فقط می خواهم قادر باشم روان صحبت کنم.»

- ① روان ② ناگهان
③ امیدوارانه ④ اخیراً

۱۹۴. گزینه (۲) - "imagined" «من هرگز برای یک لحظه تصور نمی کردم که بتوانم تعداد زیادی افراد معروف را ملاقات کنم.»

- ① تبادل کردن ② شرکت کردن
③ تصور کردن ④ جشن گرفتن

۱۹۷. گزینه (۴) - "experience" «عمو اراده من برای مواجهه با آن نوع مشکل تجربه کافی نداشت.»

- ① تعطیلات ② آزمایش
③ استاد ④ تجربه

۱۹۸. گزینه (۱) - "hosts" «تام و مری میزبان های سخاوتمندی بودند و باعث شدند ما در خانه شان احساس راحتی داشته باشیم.»

- ① میزبان ها ② دامنه ها
③ توانایی ها ④ قرص ها (نان)

۱۹۹. گزینه (۳) - "native" «هر دانشجویی که از دانشگاه ما فارغ التحصیل شده است حداقل برای دو سال با یک گویش ور بومی، انگلیسی خوانده است.»

- ① اضافی ② ترسیده
③ بومی ④ مهمان نواز

۱۸۰. گزینه (۲) - "exist" «کاربری که شما می خواهید به او این پیام را بفراستید وجود ندارد. لطفاً با یک نام کاربری دیگر سعی کنید.»

- ① خواستن ② وجود داشتن
③ تغییر کردن ④ باز کردن

۱۸۱. گزینه (۳) - "order" «من مجبور شدم آن سفارش را کنسل کنم، زیرا ما پول کافی نداشتیم که برای آن پرداخت کنیم.»

- ① نمره ② علامت، نشانه
③ سفارش ④ تاریخ

۱۸۲. گزینه (۲) - "bottles" «آیا دلیلی وجود دارد که شما این بطری های پلاستیکی آب میوه را جمع می کنید؟»

- ① ارزش ها ② بطری ها
③ عبارت ها ④ ماده ها

۱۹۲. گزینه (۱) - "Besides" «خیلی از کتابخانه‌ها، علاوه بر قرض دادن کتاب، معمولاً خدمات متنوع دیگری ارائه می‌دهند.»

- ۱) علاوه بر ۲) در برابر
۳) در عرض ۴) در پشت

۱۹۳. گزینه (۲) - "point" «وقتی که آن پروفیسور گفت ما باید برای کامل کردن پروژه وقت بیش‌تری بدهیم، قطعاً نکته‌ای داشت.»

- ۱) وقت ۲) نکته
۳) کار ۴) فرم

۱۹۴. گزینه (۱) - "century" «او با افتخار گفت: جان وین یکی از محبوب‌ترین ستاره‌های سینما در این قرن بود.»

- ۱) قرن ۲) یاور
۳) برجسب ۴) ظاهر

۱۹۵. گزینه (۴) - "through" «آن دو بچه کوچک از طریق پنجره به یکدیگر نگاه کردند و خندیدند.»

- ۱) در بین ۲) در طی
۳) بدون ۴) از طریق

۱۹۶. گزینه (۳) - "difference" «آیا تو تفاوت بین میکروسکوپ و تلسکوپ را می‌دانی؟»

- ۱) علم ۲) قاره
۳) تفاوت ۴) وسیله

۱۹۷. گزینه (۳) - "exchange" «جان و همسرش هر روز بیش از ۴۰۰ پیامک مبادله می‌کنند.»

- ۱) فرار کردن ۲) ذکر کردن
۳) مبادله کردن ۴) قول دادن

۱۹۸. گزینه (۱) - "ranges" «در تابستان، دما از سی تا چهل درجه سلسیوس متغیر است.»

- ۱) متغیر بودن ۲) احترام گذاشتن
۳) بهبود یافتن ۴) مسافرت کردن

۱۹۹. گزینه (۴) - "simple" «از آن‌جایی‌که این کتاب به زبان ساده انگلیسی نوشته شده است، حتی یک کودک آن را متوجه می‌شود.»

- ۱) سریع ۲) قوی
۳) متنوع ۴) ساده

۲۰۰. گزینه (۱) - «آن زن در یک دشتن چاقوها و در (دست) دیگر یک تگه کیک داشت.»

توضیح: از آن‌جایی‌که قبل از جای خالی دوم حرف تعریف "a" به کار رفته است، اسم بعد از آن باید مفرد باشد. در نتیجه گزینه‌های (۳) و (۴) نادرست هستند. گزینه (۲) نیز نادرست است، زیرا باید قبل از اسم مفرد "knife" حرف تعریف "a" به کار رود.

۲۰۱. گزینه (۲) - «این شهر یکی از قدیمی‌ترین‌ها در ایران است. همان‌طور که می‌بینید در شهر تعداد خیلی کمی ساختمان مدرن وجود دارد.»

توضیح: با توجه به معنی جمله، درمی‌یابیم که تعداد ساختمان‌های مدرن باید خیلی کم باشد. در ضمن "a little" نمی‌تواند پاسخ درست باشد، زیرا همراه اسم‌های غیر قابل شمارش به کار می‌رود.

۲۰۲. گزینه (۳) - «کدام پاسخ عدد ۳۷۵۲ را به عدد به درستی نشان می‌دهد.»

توضیح: در بیان عددها نمی‌توان آن‌ها را به صورت جمع بیان کرد. گزینه (۴) - «آیا شما یک ساعت پیش به خبر رادیو گوش کردید؟»

توضیح: برای اسم غیر قابل شمارش "news" همیشه از "the" استفاده می‌کنیم. در ضمن قبل از اسم مفرد "hour" از "an" استفاده می‌شود، زیرا حرف "h" در ابتدای آن تلفظ نمی‌شود.

۲۰۳. گزینه (۴) - «شما می‌توانید در اینترنت اطلاعات مفید کمی پیدا کنید.»

توضیح: کلمه "information" اسم غیر قابل شمارش است، و قبل از "Internet" نیز همیشه از حرف تعریف "the" استفاده می‌شود، پس تنها گزینه درست گزینه (۴) است.

۲۰۴. گزینه (۱) - «تو ماه گذشته چه تعداد عکس گرفتی؟» «راستش، من هیچ دوربینی نداشتم پس هیچ عکس نگرفتم.»

توضیح: در سوال کلمه "photos" اسم قابل شمارش است، در نتیجه برای سوال ساختن از "How many" استفاده می‌کنیم. پس یکی از گزینه‌های (۱) یا (۳) درست هستند. گزینه (۲) نادرست است زیرا قبل از "cameras" که اسم جمع است، نمی‌توان از حرف تعریف "a" استفاده کرد.

۲۰۵. گزینه (۲) - «مقداری پول روی آن میز گرد بود، بنابراین من مقدار کمی برداشتم.»

توضیح: فعل جمله "was" است، پس بعد از آن نمی‌توان اسم جمع به کار برد. در نتیجه گزینه‌های (۱) و (۴) نمی‌توانند پاسخ درست باشند. در ضمن اگر بعد از "some" اسم قابل شمارش به کار رود، باید حتماً جمع باشد، پس گزینه (۳) هم نادرست است.

۲۰۶. گزینه (۳) - «برادرم برای یک شرکت بزرگ کار می‌کند و پول زیادی به دست می‌آورد.»

توضیح: کلمه "company" اسم قابل شمارش مفرد است، در نتیجه قبل از آن باید حرف تعریف "a" به کار برود، پس یکی از گزینه‌های (۲) یا (۳) درست هستند. گزینه (۲) نمی‌تواند درست باشد، زیرا "lot of" ناقص است و باید به صورت "a lot of" باشد.

۲۰۷. گزینه (۱) - «ما از زیارتگاه مقدس چندین بار بازدید کردیم و خرید زیادی انجام دادیم.»

توضیح: بعد از "several" به معنی «چندین» اسم قابل شمارش جمع به کار می‌رود، پس یا گزینه (۱) درست است، یا گزینه (۴). گزینه (۴) نمی‌تواند درست باشد زیرا "plenty" قبل از اسم به کار نمی‌رود و باید به صورت کامل یعنی "plenty of" باشد.

۲۱۵. گزینه (۳) - کدام یک از (جمله‌های) زیر شامل «مفعول» است؟
«مردم برای ارتباط برقرار کردن از زبان استفاده می‌کنند.»
توضیح: برای پیدا کردن «مفعول» می‌پرسیم: «چه کسی را؟ یا «چه چیزی را؟».

۲۱۶. گزینه (۲) - کدام یک از (جمله‌های) زیر از نظر گرامری غلط است؟ ما برای آن مرد فقیر یک لیوان آبی‌مویه خریدیم.»
توضیح: بعد از حرف تعریف «a» باید اسم مفرد به کار برود، پس در گزینه (۲) اسم جمع «glasses» باید «glass» باشد.

۲۱۷. گزینه (۳) - کدام یک از جمله‌های زیر از نظر گرامری درست است؟
«شما فقط می‌توانید دو مورد اطلاعات پیدا کنید.»
توضیح: شکل درست جمله‌های دیگر به صورت زیر است:

- 1) The woman took some money with her and left.
- 2) There is a lot of traffic on the roads today.
- 4) That tourist can speak three languages fluently.

۲۱۸. گزینه (۴) - کدام یک از (جمله‌های) زیر ترتیب درست کلمه‌ها را دارد؟
«من و همسر من سال‌ها پیش شروع به یادگیری زبان فرانسوی کردیم.»
توضیح: با توجه به ساختار جمله‌های خبری فقط گزینه (۱) درست است.
+ فعل اصلی + قید تکرار + فعل کمکی + فاعل = جمله خبری
. قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول
۲۱۹. گزینه (۳) - کدام یک از جمله‌های زیر شامل «قید حالت» است؟
«زبان‌ها تا حد زیادی از یک منطقه به منطقه دیگر متفاوت هستند.»
توضیح: قید حالت با اضافه کردن «-ly» به انتهای بعضی از صفت‌ها ساخته می‌شود.

۲۰۹. گزینه (۳) - «کشور بوتان تعداد زیادی جاذبه گردشگری دارد، اما هر سال تعداد خیلی کمی گردشگر از آن کشور تاریخی دیدن می‌کنند.»
توضیح: با توجه به معنی جمله و کلمه ربط «but» به معنی «اما» بهترین پاسخ گزینه (۳) است.

۲۱۰. گزینه (۱) - «مامانم از آن مرکز خرید مقداری گوشت و تعداد زیادی پیاز خرید.»
توضیح: کلمه «onions» اسم جمع است، در نتیجه نمی‌توان قبل از آن از «much» به معنی «مقدار زیادی» یا «an» به معنی «یک» استفاده کرد، یعنی گزینه‌های (۲) و (۳) نادرست هستند. در گزینه (۴) نیز «a lot» ناقص است و برای صحیح بودن باید به صورت «a lot of» باشد.

۲۱۱. گزینه (۲) - «در یخچال مقدار خیلی کمی آب وجود دارد، بنابراین مجبوریم امشب یک بطری بخریم.»
توضیح: با توجه به معنی جمله متوجه می‌شویم که مقدار آب داخل یخچال ناکافی است، پس گزینه (۲) پاسخ درست است.

۲۱۲. گزینه (۲) - «آقای پرینس مقدار کمی نمک برداشت و آن را به یک کاسه برنج اضافه کرد.»
توضیح: واحد شمارش «نمک» کلمه «pinch» به معنی «مقداری که بین دو انگشت دست جا می‌گیرد» است.

۲۱۳. گزینه (۴) - «من معمولاً هر روز صبح یک تخم مرغ آب‌پز و مقداری مربای به می‌خورم.»
توضیح: عبارت «boiled egg» مفرد است و با حرف «b» شروع شده است، در نتیجه باید قبل از آن از حرف تعریف «a» استفاده کرد، پس فقط گزینه (۴) می‌تواند پاسخ درست باشد.

۲۱۴. گزینه (۱) - کدام یک از (جمله‌های) زیر ترتیب درست کلمه‌ها را دارد؟ «آن مرد پیر به آرامی به داخل اتاق رفت.»
توضیح: با توجه به ساختار جمله‌های خبری فقط گزینه (۱) درست است.
+ فعل اصلی + قید تکرار + فعل کمکی + فاعل = جمله خبری
. قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول

کنکور

جلد دوم:

درس دوم

Lesson 2

انگلیسی یازدهم
English 11

سر کتاب

A Healthy Lifestyle

Lesson 2

PART 1

(Pages 49 - 54)

Title Page - Get Ready - Conversation

Vocabulary

- 220 The project seeks to improve for students.
 ① invention ② education ③ destination ④ vacation
- 221 Doctors believe that is good for your health.
 ① smoking ② stress ③ fast food ④ laughter
- 222 I loved trees when I was a kid.
 ① eating ② surfing ③ climbing ④ solving
- 223 You must go on a because you are too fat.
 ① diet ② food ③ potato ④ trip
- 224 too much weight is not good for your health.
 ① Working ② Gaining ③ Jogging ④ Giving
- 225 Why do you think Kevin living in that small village?
 ① exists ② calls ③ prefers ④ pays
- 226 Family should respect each other all the time.
 ① months ② games ③ sports ④ members
- 227 Food made of sugar or chocolate, eaten between meals is
 ① bread ② cheese ③ quince ④ candy
- 228 She became after her mother's death.
 ① depressed ② happy ③ young ④ tiny
- 229 The reason Mike is is that he eats too much and doesn't get enough exercise.
 ① fat ② clever ③ simple ④ fast
- 230 Mark and his wife decided to go in the park each morning.
 ① climbing ② jogging ③ cooking ④ laughing
- 231 I was the Net looking for information on Indian music.
 ① working ② helping ③ surfing ④ trying
- 232 Most of the time, I buy sunflower to cook food.
 ① field ② price ③ oil ④ carrot
- 233 My aunt grows in her garden. She really enjoys it.
 ① milk ② tomatoes ③ meat ④ candy
- 234 A person who spends a lot of time sitting and watching television is called a
 ① couch potato ② tour guide ③ travel agent ④ sportsperson

235 Many people are trying to have a healthy these days.

- ① computer ② explanation ③ lifestyle ④ grade

236 is a kind of vegetable that is good for your eyes.

- ① Orange ② Rice ③ Carrot ④ Candy

237 Do you think that Everest is the highest in the world?

- ① Move ② Mount ③ Moon ④ Month

238 I attracted the mice with a piece of

- ① cheese ② metal ③ site ④ ticket

239 I know that is running slowly for a long time, especially for exercise.

- ① climbing ② jogging ③ swimming ④ walking

Lesson 2

PART 2

(Pages 55 - 57)

New Words & Expressions

Vocabulary

240 My mother cut the big chocolate cake into three

- ① factors ② attacks ③ images ④ parts

241 How can anyone enjoy the of city life?

- ① pressures ② servings ③ centuries ④ candles

242 We need to the room up for a new carpet.

- ① exist ② look ③ measure ④ prevent

243 Let's ask the to look after the dog while we're on vacation.

- ① neighbors ② conditions ③ factors ④ opposites

244 Not all bacteria are to your body.

- ① sick ② clever ③ quiet ④ harmful

245 You should check your blood regularly.

- ① price ② region ③ pressure ④ oil

246 My father has a of reading the newspaper before breakfast.

- ① serving ② paper ③ middle ④ habit

247 Old words often take on new meanings because of inventions and

- ① percent ② technology ③ emotion ④ pressure

248 The golden rule of first aid is to stay

- ① calm ② harmful ③ quiet ④ lazy

- 249 The movie something for both children and parents.
 ① attacks ② contains ③ prefers ④ recites
- 250 We got to know each other well on our trip.
 ① weak ② oral ③ recent ④ modern
- 251 Can exercise and a healthy diet heart disease?
 ① exist ② prevent ③ behave ④ surf
- 252 They have had a very healthy father-son for a long time.
 ① weight ② neighbor ③ knowledge ④ relationship
- 253 He was warm and kind all his family members.
 ① before ② without ③ towards ④ about
- 254 Parents should pay attention to both and mental needs of their children.
 ① physical ② expensive ③ golden ④ recent
- 255 People especially children should know the importance of a diet.
 ① wooden ② balanced ③ boring ④ careless
- 256 Alice has a of playing with her ear when she's nervous.
 ① guess ② habit ③ kilo ④ slice
- 257 We have three guests. You should make enough for five
 ① servings ② bottles ③ risks ④ exercises
- 258 My uncle is in hospital. He had a heart last night.
 ① weight ② space ③ attack ④ ability
- 259 The doctor is listening to the patient's now.
 ① guidebook ② parking lot ③ blood cell ④ heartbeat

Lesson 2

PART 3

(Pages 58 - 63)

Reading - Reading Comprehension - Vocabulary Development

Vocabulary

- 260 You may find it to call them for help again.
 ① general ② necessary ③ medium ④ rainy
- 261 If you want to your French, you should move to a country where it's spoken.
 ① improve ② decrease ③ order ④ imagine
- 262 People talk a lot about networks these days.
 ① happy ② emotional ③ social ④ homeless
- 263 Do you believe in life after?
 ① history ② stress ③ factor ④ death

- 264 Go to church with your parents and for her.
 ① pray ② prevent ③ climb ④ contain
- 265 The phone rang in the of the night, when I was sleeping.
 ① century ② middle ③ emotion ④ protein
- 266 Have you received your to the ceremony?
 ① emotion ② vacation ③ invitation ④ creation
- 267 There are very few foods that I really I almost eat all kinds of food.
 ① believe ② dislike ③ order ④ improve
- 268 The population of that village is every year. Few people live there now.
 ① increasing ② replaying ③ decreasing ④ beginning
- 269 Many people feel walking alone at night.
 ① famous ② cultural ③ incomplete ④ unsafe
- 270 The weather can be an important in tomorrow's game.
 ① factor ② replay ③ translation ④ history
- 271 Janet has been under a lot of since her mother's illness.
 ① stress ② rain ③ lifestyle ④ disease
- 272 House prices by 13% last year. Now we can buy a new flat.
 ① communicated ② climbed ③ decreased ④ prevented
- 273 There are many simple ways to improve your health.
 ① general ② mineral ③ national ④ harmful
- 274 Doctors always ask for your medical when you visit them.
 ① family ② ability ③ history ④ nationality
- 275 People who have nowhere to live and often sleep on the street are called
 ① unsafe ② homeless ③ harmful ④ patient
- 276 'Powerful' and 'weak' are two words.
 ① healthy ② brave ③ opposite ④ pleasant
- 277 Unfortunately, we do not know what has happened exactly because our information is
 ① natural ② lucky ③ powerful ④ incomplete
- 278 In the evening, my parents usually go to the mosque to
 ① pray ② replay ③ pay ④ say
- 279 We are going to talk about the country's serious problems.
 ① useful ② social ③ careful ④ nervous

Lesson 2

PART 4

(Pages 64 - 79)

Grammar - Listening & Speaking - Pronunciation - Writing - What You Learned

Vocabulary

- 280 Scientists are doing research in the building laboratory.
 ① afraid ② scientific ③ tired ④ cultural
- 281 Many TV programs have a bad on children.
 ① goal ② stage ③ invitation ④ influence
- 282 The young man attacked me for no good
 ① reason ② mistake ③ image ④ middle
- 283 How much money and time do we need to do the job?
 ① fluently ② properly ③ actually ④ loudly
- 284 It is not necessary to tell you about my sister's problems.
 ① medical ② honest ③ depressed ④ healthy
- 285 The doctor put the patient on some anti-cancer
 ① servings ② drugs ③ disease ④ regions
- 286 My father is next year after 30 years with that company.
 ① praying ② laughing ③ retiring ④ producing
- 287 Listen and me in singing the French song.
 ① limit ② name ③ give ④ join
- 288 "It was a really boring movie. I didn't like it." The opposite of 'boring' is
 ① interesting ② social ③ unsafe ④ cultural
- 289 The smart agent was sent on a secret by the Pentagon.
 ① mission ② drug ③ disorder ④ condition
- 290 I don't watch that late show because I always fall while watching TV at night.
 ① worried ② certain ③ asleep ④ active
- 291 The doctor told us to do activities like running,, and jogging.
 ① cycling ② going ③ living ④ doing
- 292 I think making money is my friend's only in life.
 ① drug ② match ③ goal ④ exercise
- 293 Don't take the camera. Photography is in the museum.
 ① forbidden ② active ③ asleep ④ normal
- 294 It's important to remain mentally after you retire.
 ① particular ② scientific ③ active ④ depressed

- 295 We have a lot of time; there's no need to Be calm!
 ① sing ② live ③ rush ④ paint
- 296 Sushi is my favorite It is a kind of Japanese food.
 ① habit ② dish ③ stress ④ activity
- 297 If you have eating, Dr. Kleve can help you.
 ① farmers ② conditions ③ practices ④ disorders
- 298 My children were after the hike, so they went to bed early.
 ① tired ② active ③ unsafe ④ possible
- 299 If you want to win, you should playing regularly.
 ① imagine ② practice ③ call ④ pray

Grammar & Writing

- 300 The boys have to go mountain climbing.
 ① decide ② decided ③ decides ④ deciding
- 301 Mr. Mayson in this tiny town since 1980.
 ① lives ② lived ③ will live ④ has lived
- 302 Are you going to on a diet because you are fat?
 ① going ② went ③ gone ④ go
- 303 A: Would you like to leave a message? B: No, I'll call later.
 ① back ② off ③ after ④ of
- 304 I think a healthy life is very important.
 ① have ② having ③ has ④ had
- 305 We've to communicate with them, but they are not available.
 ① trying ② tries ③ tried ④ to try
- 306 The old man a heart attack last Wednesday.
 ① had ② has had ③ have ④ having
- 307 I haven't met my friends September.
 ① for ② since ③ from ④ of
- 308 Did you part in your cousin's birthday celebration?
 ① took ② taken ③ takes ④ take
- 309 A: Can I talk to Mary, please? B: She's not here. She shopping.
 ① will go ② has gone ③ is going ④ goes
- 310 My sister's a lot of money.
 ① lose ② lost ③ loses ④ to lose
- 311 My friends and I at that fast food restaurant many times.
 ① were ② has been ③ have been ④ are

- 312 Joe, that interesting book yet?
 ① Did you read ② Are you reading ③ Do you read ④ Have you read
- 313 A: Has your little sister done her homework? B: Yes, she
 ① does ② has ③ done ④ did
- 314 My English since I moved to Australia.
 ① has improved ② improves ③ have improved ④ improves
- 315 My father to that beautiful city two times.
 ① was ② is ③ were ④ has been
- 316 A: Did you like the movie "Star Wars"? B: I don't know. I it yet.
 ① won't see ② don't see ③ haven't seen ④ didn't see
- 317 The children two cups of milk this morning.
 ① drank ② have drunk ③ drinking ④ drinks
- 318 Those old women taken part in the celebration.
 ① didn't ② don't ③ haven't ④ won't
- 319 Our mother the room when we came back home.
 ① measured ② was measuring ③ measures ④ has measured
- 320 My mom is ill and I'm looking her these days.
 ① after ② at ③ for ④ into
- 321 My mom thinks that on a diet is very harmful.
 ① go ② goes ③ went ④ going
- 322 Preparing homemade food a lot of time.
 ① takes ② taking ③ take ④ are taking
- 323 The angry man left the room without anything.
 ① say ② to say ③ said ④ saying
- 324 Retiring at the age of 50 and a healthy life are two of my goals.
 ① have ② having ③ had ④ has
- 325 Did you enjoy that high mountain?
 ① to climb ② climb ③ climbed ④ climbing
- 326 Don't be depressed and never give Keep on practicing.
 ① back ② off ③ up ④ to
- 327 I'm free tomorrow morning. Let's go together.
 ① skiing ② ski ③ skies ④ to ski
- 328 One of my goals in life was a foreign language fluently.
 ① speak ② speaks ③ speaking ④ spoke
- 329 A: What does the sign say? B: It says "No".
 ① swimming ② to swim ③ swim ④ swims

Cloze Test

Diet and exercise are two of the most important (330) of living a healthy life. There is an old saying that states, "You are what you eat." It (331) that your health and appearance are greatly affected by what you eat. If you eat high calorie (332) foods, then you may gain weight at one time or another. If, however, you eat (333) green vegetables and little fat, your chances of being fit are (334) better.

- | | | | |
|---------------|-----------|------------|------------|
| 330 ① addicts | ② factors | ③ missions | ④ drugs |
| 331 ① makes | ② risks | ③ avoids | ④ means |
| 332 ① fatty | ② healthy | ③ smart | ④ safe |
| 333 ① little | ② few | ③ a lot of | ④ a lot |
| 334 ① much | ② many | ③ a few | ④ a lot of |

Reading Comprehension

When an accident happens and someone gets hurt, you can take the injured person to an emergency room (ER), or an urgent care center. An urgent care center provides¹ medical services to those that are in need of medical care that is not very serious. Very serious injuries or illnesses should always be treated at an ER. For example, if you are in a car accident and suffer great injuries, or if you think you are having a heart attack, it is best to go directly to an emergency room, not an urgent care center.

Another difference between the two is that emergency rooms are open 24 hours a day, seven days a week, whereas urgent care centers are open and available during the center's regular working hours. Most medical centers offer urgent care services. If you visit a medical center regularly, it would be a good idea to check to see if it provides urgent care or not.

- 335 The passage says,
 ① injured people help care centers ② accidents happen regularly
 ③ care centers provide services ④ working hours are different
- 336 When your injuries are very serious,
 ① you should go to an emergency room ② you are having a heart attack
 ③ an urgent care center is the best choice ④ no one can help you directly
- 337 Which one is TRUE according to the passage?
 ① An emergency room provides the same services as an urgent care center.
 ② When you get hurt, you must not go to the ER because they can't help.
 ③ An Emergency room and an urgent care center vary in providing services.
 ④ If you go to a medical center regularly, you should be available all the time.
- 338 This passage is mainly about
 ① providing medical service ② very serious injuries
 ③ care centers working hours ④ emergency rooms only
- 339 The underlined word 'it' in the last line refers to
 ① medical center ② available service ③ every week ④ working hour

1. provide: فراهم کردن

آزمون جامع درس ۲

Vocabulary

- 340 Put on the wound to stop the bleeding.
 ① program ② disorder ③ pressure ④ factor
- 341 This kind of food is very to you. Stop eating it.
 ① harmful ② worthy ③ homeless ④ physical
- 342 You should try to form the of using your dictionaries.
 ① reason ② habit ③ snack ④ stage
- 343 It is important to keep in an emergency.
 ① calm ② secret ③ regular ④ flat
- 344 Carrots a lot of vitamin A.
 ① disagree ② decrease ③ mention ④ contain
- 345 The noise outside his window him from sleeping.
 ① practiced ② prevented ③ measured ④ preferred
- 346 I would like to my English pronunciation. What can I do?
 ① improve ② replay ③ increase ④ retire
- 347 My parents always before and after eating.
 ① prefer ② plan ③ pray ④ pack
- 348 Everyone can attend the meeting in October.
 ① harmful ② depressed ③ unsafe ④ general
- 349 You can't leave in the of the meeting!
 ① death ② middle ③ thought ④ habit
- 350 The medicine kills and dangerous bacteria.
 ① homeless ② cultural ③ harmful ④ smart
- 351 I have a/an to visit my friend in Japan.
 ① laughter ② invitation ③ manner ④ event
- 352 He looks young, but in he is about forty.
 ① ability ② activity ③ reality ④ nationality
- 353 Students are usually under a lot of during their final exams.
 ① access ② stress ③ series ④ scanner
- 354 You can borrow this book on that you give it back soon.
 ① condition ② serving ③ stage ④ pressure
- 355 The teacher was warm and kind his students.
 ① on ② by ③ towards ④ with
- 356 Many children have a/an to TV game shows.
 ① addiction ② depression ③ mission ④ information
- 357 The use of new is attracting more and more people.
 ① technology ② heartbeat ③ invitation ④ pressure
- 358 Let's ask the to look after the dog while we're on vacation.
 ① realities ② neighbors ③ missions ④ emotions
- 359 The kind nurse is the ill boy patiently.
 ① giving up ② putting out ③ looking after ④ checking in

Grammar & Writing

- 360 Those women are talking about regular exercise.
 ① do ② to do ③ doing ④ did
- 361 Have your friends you to their ceremony?
 ① inviting ② invited ③ invite ④ invites
- 362 Our teacher the new lesson many times.
 ① explained ② has explained ③ explains ④ have explained
- 363 A: Have you ever had an exciting job like this? B: No, I
 ① didn't ② hadn't ③ haven't ④ don't
- 364 The boy was practicing the piano all day long.
 ① playing ② to play ③ plays ④ play
- 365 Our neighbors have lived here I was a child.
 ① from ② for ③ of ④ since
- 366 The doctor my general health last month.
 ① has checked ② checking ③ checked ④ checks
- 367 A: Where's the money? B: I don't know. I looked the money, but didn't find it.
 ① up ② for ③ at ④ after
- 368 Climbing high mountains my favorite kind of sport.
 ① are ② is ③ be ④ were
- 369 A: Have you ever eaten Chinese food? B: Yes, I Chinese food last night.
 ① ate ② eat ③ have eaten ④ will eat
- 370 They've their speaking skill by part in classes.
 ① improve / take ② improving / taking ③ improved / to take ④ improved / taking
- 371 Those students the size of the classroom yet.
 ① didn't measure ② don't measure ③ hasn't measured ④ haven't measured
- 372 One of my favorite activities is in the local park.
 ① jogging ② jog ③ jogs ④ jogged
- 373 That famous doctor many books on having a happy life so far.
 ① wrote ② has written ③ writes ④ was writing
- 374 Eating fast food and late are my bad habits.
 ① sleep ② sleeps ③ to sleep ④ sleeping
- 375 Has your father ever any emotional problems?
 ① have ② had ③ having ④ has
- 376 We not to gain weight many times but we couldn't.
 ① have tried ② tries ③ try ④ are trying
- 377 Don't stop. Keep driving until six a.m.
 ① to ② on ③ out ④ for
- 378 My grandfather has lived in that beautiful village many years.
 ① for ② since ③ from ④ to
- 379 Imagine on a secret mission in a foreign country!
 ① being ② to be ③ be ④ been

Cloze Test

A new study has shown the importance of exercise for teenage¹ girls. Researchers analyzed data from a study (380) Shanghai on 75000 women aged between 40 to 70. The team found that women who exercised (381) as a teenager were healthier than those who hadn't. The (382) concluded that teenage girls who did a maximum of 80 minutes exercise a week had a 16 percent lower (383) of dying from cancer and other diseases. This percentage went down to 13 for women who exercised more than 80 minutes a week as teenagers. The researchers said that in general, women would live longer if they did just 15 minutes of (384) a day in their teens.

- | | | | |
|------------------|---------------|-------------|-----------------|
| 380 ① in | ② on | ③ at | ④ to |
| 381 ① fluently | ② dangerously | ③ regularly | ④ unfortunately |
| 382 ① conditions | ② researchers | ③ accidents | ④ machines |
| 383 ① death | ② diet | ③ habit | ④ risk |
| 384 ① exercise | ② emotion | ③ relation | ④ history |

Reading Comprehension

Researchers say people who sit down a lot must exercise for one hour a day. In this way, they can live longer. Doctors keep telling us that sitting down a lot makes our life shorter. Sitting in a chair all day is as dangerous as smoking or being fat. Sitting for eight hours increases the risk of dying early by 60 percent. However, there is good news. One hour's exercise each day can cancel the risk of dying early from sitting all day.

The research was published in time for the Olympic Games. Researchers hope this will get people to exercise more. Watching TV all day is very unhealthy because we will also eat unhealthy snacks. No exercise increases the risk of heart disease, diabetes and cancer. People should get out of their seat more. A researcher advised people to take breaks every hour, or to walk upstairs. He added: "Build physical activity into your everyday life."

- 385 According to the passage,
 ① sitting down for a long time is safe ② if you watch TV, you are healthy
 ③ risk of dying is good news ④ exercise makes your life longer
- 386 In this passage, doctors try to tell us that
 ① we shouldn't sit a lot ② heart disease is dangerous
 ③ we must break our chairs ④ Olympic Games help us be healthy
- 387 Which sentence is NOT true according to the passage?
 ① One hour's exercise is helpful. ② Nobody can make his life longer.
 ③ Sitting can be as dangerous as smoking. ④ Exercise decreases the risk of heart disease.
- 388 This passage is mainly about
 ① the Olympic Games ② heart disease, diabetes and cancer
 ③ dangers of sitting down a lot ④ the risk of dying early

آزمون جامع پیشرفته درس ۲

Vocabulary

- 389 Smaller classes mean a higher standard of and that's what we want for our kids.
 ① proportion ② education ③ addiction ④ addition
- 390 Our teacher said that he had read about eating habits in the section of the newspaper.
 ① manner ② surfing ③ serving ④ lifestyle
- 391 Some people say that eating carrots will your eyesight. Is that right?
 ① improve ② order ③ avoid ④ disable
- 392 What should I do if I become while studying abroad?
 ① various ② depressed ③ sociable ④ particular
- 393 Even though he eats mostly junk food, he gets sick and his BMI is in the normal range.
 ① suddenly ② wrongly ③ clearly ④ rarely
- 394 The old doctor monitored the patient's and blood pressure carefully.
 ① heartbeat ② mineral ③ thought ④ grocery
- 395 I have tried every that has ever been published and I still haven't lost weight.
 ① illness ② restaurant ③ diet ④ imagination
- 396 Do you think that a thermometer is the only instrument for temperature?
 ① socializing ② measuring ③ decreasing ④ gaining
- 397 I've heard that eating one or two of fish a week will reduce your chances of getting heart disease.
 ① loaves ② preventions ③ servings ④ relations
- 398 You should know that to something and having too much of something are two different things.
 ① addiction ② planning ③ reasoning ④ portion
- 399 The police said the number of traffic accidents has increased in years.
 ① balanced ② production ③ recent ④ forbidden
- 400 There's nothing you could have done to that from happening.
 ① describe ② press ③ cause ④ prevent
- 401 If I had known about your, I could have visited you in the hospital.
 ① laughter ② illness ③ patient ④ society
- 402 I don't think it's for me to sound like a native speaker, I just want to be able to speak fluently.
 ① hospitable ② necessary ③ sociable ④ incomplete
- 403 With media it's possible to find out a lot of information about someone before meeting them.
 ① careful ② mental ③ physical ④ social
- 404 The poor boy got into the of smoking soon after he got a job in the company.
 ① habit ② problem ③ harm ④ effect
- 405 I would like to drastically the amount of time it takes me to clean the house.
 ① develop ② decrease ③ replay ④ attend
- 406 When the phone rang in the of the night, she immediately knew something was wrong.
 ① relation ② middle ③ miracle ④ first

- 407 What they said to you is exactly the of what they told me yesterday.
 ① difference ② worth ③ opposite ④ variety
- 408 One of the greatest secrets of is moderating your wishes and loving what you already have.
 ① tiredness ② kindness ③ happiness ④ weakness
- 409 That French doctor, who comes here once a month, specializes in helping those with eating
 ① items ② improvements ③ habits ④ disorders
- 410 Everyone was very surprised to discover that the poor girl was in a princess.
 ① reality ② trouble ③ appearance ④ invitation
- 411 Make a good translation of the sentence that you are translating. Don't let translations into other languages you.
 ① avoid ② influence ③ communicate ④ exist
- 412 Mrs. Brown warned Kate that if she didn't eat she would be permanently overweight.
 ① wrongly ② especially ③ properly ④ honestly
- 413 The amount of paper by a country is closely related to its cultural standards.
 ① limited ② prevented ③ practiced ④ produced
- 414 I had never eaten any kind of Thai food, so I was pretty about going to a Thai restaurant with my grandmother.
 ① frightened ② excited ③ creative ④ miraculous
- 415 My wife showed excellent in decorating the room. Therefore, we decided to redecorate it.
 ① balance ② taste ③ patience ④ mission
- 416 My classmate told us he was planning to go on a trip next summer.
 ① cycling ② depressed ③ harmful ④ recent
- 417 It is said that the more things are, the more popular they become.
 ① forbidden ② worse ③ general ④ added
- 418 A mere repetition of other people's research cannot be called true research.
 ① impatient ② scientific ③ incorrect ④ natural

Grammar & Writing

- 419 A: Have you ridden a camel? B: No,
 ① never / ever ② ever / ever ③ ever / never ④ never / never
- 420 My little sister can't because she has her leg in a cast. She her leg.
 ① walk / has broken ② walks / breaks ③ walk / is breaking ④ walked / has broken
- 421 I guess hard made my uncle tired and weak.
 ① work / have ② works / has ③ working / is ④ working / has
- 422 Last month, all the students on the school trip. They really enjoyed together.
 ① have gone / being ② went / to be ③ go / be ④ went / being
- 423 My cousin to China on business. He's still there. He back soon.
 ① went / comes ② has gone / will come ③ is going / is going to come ④ have gone / is coming
- 424 After her homework, the little girl left the classroom without anything.
 ① doing / saying ② does / says ③ do / say ④ did / said

- 425 One of my favorite activities going fishing. I can't quit it.
 ① is / doing ② are / to do ③ was / do ④ were / doing
- 426 I've in small city I was a child.
 ① lived / a / for ② living / these / since ③ lived / this / since ④ live / the / from
- 427 I thank all of you to my birthday party. But I have to admit that I the cake yet.
 ① for come / have ordered ② for coming / haven't ordered
 ③ of coming / ordered ④ that come / didn't order
- 428 Sitting all day long and playing the piano me tired.
 ① practicing / makes ② to practice / is making
 ③ practices / made ④ practicing / make
- 429 regular exercise has made you gain weight. Try to fit exercise into your daily routine.
 ① Don't do / much ② Not doing / some ③ Not do / many ④ Doing not / few
- 430 A: the new movie last night? B: No, I it six times.
 ① Did you see / have seen ② Have you seen / saw
 ③ Do you see / have seen ④ Could you see / see
- 431 Learning new languages not easy and a lot of time.
 ① are / takes ② is / take ③ are / takes ④ is / takes
- 432 I woke early in the morning to look my ill child.
 ① up / up ② in / after ③ on / at ④ up / after
- 433 I don't remember how many I have eaten, but it is the most delicious pizza I in my lie.
 ① slice / ate ② slices / have eaten ③ a slice / was eating ④ slices / eating
- 434 Which of the following sentences is grammatically WRONG?
 ① You've worked hard last month. ② Did you go shopping with them?
 ③ How can you quit smoking? ④ There's some bread here.
- 435 Which of the following sentences is grammatically correct?
 ① This women can speak Chinese. ② Why has the children gone there?
 ③ We are going skating now. ④ She cleaned the house since yesterday.
- 436 Which sentence is grammatically WRONG?
 ① A 'No Smoking' sign tells us we can't smoke.
 ② We've lived in this apartment since many years ago.
 ③ Swimming and cycling has made me healthy and strong.
 ④ Your coming late home makes your mother upset.
- 437 We haven't eaten pizza for two months. It means that
 ① since two months ago we have eaten pizza a lot
 ② it was two months ago when we last ate pizza
 ③ we have been eating pizza during the last two months
 ④ last month we ate pizza two times
- 438 Which of the following is grammatically correct?
 ① Those mice has eaten the rice in the kitchen.
 ② My mother gave me two slice of bread.
 ③ Let's keep on to play until they come back.
 ④ Have you finished eating your lunch yet?

پاسخ تشریحی درس ۲

۱۲۵

بانک تست درس دوم

۲۳۰. گزینه (۲) - "jogging" «مارک و همسرش تصمیم گرفتند هر روز صبح در پارک به دویدن بروند.»

- ۱) بالا رفتن (۲) دویدن (آهسته)
۳) آشنایی کردن (۴) خندیدن

۲۳۱. گزینه (۳) - "surfing" «من در حال گشت‌وگذار کردن در اینترنت برای جست‌وجوی اطلاعات در مورد موسیقی هندی بودم.»

- ۱) کار کردن (۲) کمک کردن
۳) گشت‌وگذار کردن (۴) سعی کردن

۲۳۲. گزینه (۳) - "oil" «بیش‌تر اوقات من برای پختن غذا روغن گل آفتابگردان می‌خرم.»

- ۱) قرص (نان) (۲) قیمت
۳) روغن (۴) هویج

۲۳۳. گزینه (۲) - "tomatoes" «خاله من در باغچه‌اش گوجه‌فرنگی پرورش می‌دهد. او واقعاً از این (کار) لذت می‌برد.»

- ۱) شیر (۲) گوجه‌فرنگی
۳) گوشت (۴) آب‌نبات

۲۳۴. گزینه (۱) - "couch potato" «شخصی که وقت زیادی را می‌نشیند و تلویزیون تماشا می‌کند خوره تلویزیون نامیده می‌شود.»

- ۱) خوره تلویزیون (۲) راهنمای تور
۳) مسئول آژانس مسافرتی (۴) ورزشکار

۲۳۵. گزینه (۳) - "lifestyle" «این روزها، بسیاری از مردم سعی می‌کنند سبک زندگی سالمی داشته باشند.»

- ۱) کامپیوتر (۲) توضیح
۳) سبک زندگی (۴) نمره

۲۳۶. گزینه (۳) - "carrot" «هویج نوعی سبزی است که برای چشمان شما خوب است.»

- ۱) برتقال (۲) برنج
۳) هویج (۴) آب‌نبات

۲۳۷. گزینه (۲) - "Mount" «آیا تو فکر می‌کنی کوه اورست بلندترین (کوه) در دنیا است؟»

- ۱) حرکت (۲) کوه
۳) (کوه) ماه (۴) ماه

۲۳۸. گزینه (۱) - "cheese" «من موش‌ها را با یک تکه پنیر جذب کردم.»

- ۱) پنیر (۲) فلز
۳) جا (۴) بلیط

۲۳۹. گزینه (۲) - "jogging" «من می‌دانم آهسته دویدن، دویدن به آهستگی به مدت طولانی به ویژه برای ورزش است.»

- ۱) بالا رفتن از (۲) آهسته دویدن
۳) شنا کردن (۴) راه رفتن

۲۴۰. گزینه (۲) - "education" «این پروژه در جست‌وجوی بهبود آموزش برای دانش‌آموزان است.»

- ۱) اختراع (۲) آموزش
۳) مقصد (۴) تعطیلات

۲۴۱. گزینه (۴) - "laughter" «پزشکان معتقدند که خنده برای سلامتی شما خوب است.»

- ۱) سیگار کشیدن (۲) استرس
۳) فست‌فود (۴) خنده

۲۴۲. گزینه (۳) - "climbing" «من وقتی بچه بودم عاشق بالا رفتن از درخت بودم.»

- ۱) خوردن (۲) گشت‌وگذار کردن
۳) بالا رفتن از (۴) حل کردن

۲۴۳. گزینه (۱) - "diet" «شما باید رژیم غذایی بگیرد زیرا بیش از حد چاق هستید.»

- ۱) رژیم غذایی (۲) غذا
۳) سیب‌زمینی (۴) سفر

۲۴۴. گزینه (۲) - "Gaining" «به دست آوردن وزن بیش از حد (بیش از حد چاق شدن) برای سلامت شما خوب نیست.»

- ۱) کار کردن (۲) کسب کردن، به دست آوردن
۳) آهسته دویدن (۴) دادن

۲۴۵. گزینه (۳) - "prefers" «تو فکر می‌کنی چرا کوین ترجیح می‌دهد در آن روستای کوچک زندگی کند؟»

- ۱) وجود داشتن (۲) تماس گرفتن
۳) ترجیح دادن (۴) پرداخت کردن (پول)

۲۴۶. گزینه (۴) - "members" «اعضای خانواده باید در همه حال به یکدیگر احترام بگذارند.»

- ۱) ماه‌ها (۲) بازی‌ها
۳) ورزش‌ها (۴) اعضا، اعضا

۲۴۷. گزینه (۴) - "candy" «غذای ساخته شده از شکر و شکلات که بین وعده‌های غذایی خورده می‌شود آب‌نبات است.»

- ۱) نان (۲) پنیر
۳) به (۴) آب‌نبات

۲۴۸. گزینه (۱) - "depressed" «او بعد از مرگ مادرش افسرده شد.»

- ۱) افسرده (۲) خوشحال
۳) جوان (۴) کوچک، ریز

۲۴۹. گزینه (۱) - "fat" «دلیل این‌که مایک چاق است این است که او بیش از حد می‌خورد و به اندازه کافی ورزش نمی‌کند.»

- ۱) چاق (۲) باهوش
۳) ساده (۴) سریع

۲۴۰. گزینه (۴) - "parts" «مادرم آن کیک شکلاتی بزرگ را به سه قسمت برید.»

- ۱ عامل (۲) حمله
۳ تصویر (۴) قسمت

۲۴۱. گزینه (۱) - "pressures" «یک شخص چگونه می‌تواند از فشارهای زندگی شهری لذت ببرد؟»

- ۱ فشارها (۲) پُرس‌ها
۳ قرن‌ها (۴) شمع‌ها

۲۴۲. گزینه (۳) - "measure" «ما باید اتاق را برای یک فرش جدید اندازه بگیریم.»

- ۱ وجود داشتن (۲) نگاه کردن
۳ اندازه گرفتن (۴) جلوگیری کردن

۲۴۳. گزینه (۱) - "neighbors" «بیا از همسایه‌ها درخواست کنیم هنگامی که در تعطیلات هستیم از سگ مراقبت کنند.»

- ۱ همسایه‌ها (۲) شرط‌ها
۳ عامل‌ها (۴) متضادها

۲۴۴. گزینه (۴) - "harmful" «همهٔ باکتری‌ها هم برای بدن شما مضر نیستند.»

- ۱ بیمار (۲) باهوش
۳ ساکت (۴) مضر

۲۴۵. گزینه (۳) - "pressure" «تو باید فشار خونت را به طور منظم چک کنی.»

- ۱ قیمت (۲) منطقه
۳ فشار (۴) روغن

۲۴۶. گزینه (۴) - "habit" «پدر من به روزنامه خواندن قبل از صبحانه عادت دارد.»

- ۱ پُرس (۲) کاغذ
۳ وسط (۴) عادت

۲۴۷. گزینه (۲) - "technology" «کلمه‌های قدیمی به علت اختراعات و فناوری اغلب معنی‌های جدید می‌گیرند.»

- ۱ درصد (۲) فناوری
۳ احساس (۴) فشار

۲۴۸. گزینه (۱) - "calm" «قانون طلایی کمک‌های اولیه این است که خونسرد بمانید.»

- ۱ خونسرد (۲) مضر
۳ ساکت (۴) تبیل

۲۴۹. گزینه (۲) - "contains" «این فیلم شامل مطالبی هم برای کودکان و هم والدین است.»

- ۱ حمله کردن (۲) شامل بودن
۳ ترجیح دادن (۴) تلاوت کردن

۲۵۰. گزینه (۳) - "recent" «مادرسفر اخیرمان بایکدیگر به خوبی آشنا شدیم.»

- ۱ ضعیف (۲) شغاهی
۳ اخیر (۴) مدرن

۲۵۱. گزینه (۲) - "prevent" «آیا ورزش و رژیم سالم می‌تواند از بیماری قلبی پیشگیری کنند؟»

- ۱ وجود داشتن (۲) پیشگیری کردن
۳ رفتار کردن (۴) گشت و گذار کردن

۲۵۲. گزینه (۴) - "relationship" «آن‌ها برای مدتی طولانی است که رابطه پدر-پسری خیلی سالمی داشته‌اند.»

- ۱ وزن (۲) همسایه
۳ دانش (۴) رابطه

۲۵۳. گزینه (۳) - "towards" «او نسبت به همهٔ اعضای خانواده‌اش گرم و مهربان بود.»

- ۱ قبل از (۲) بدون
۳ نسبت به (۴) درباره

۲۵۴. گزینه (۱) - "physical" «والدین باید به هر دو نیاز جسمی و روانی فرزندانشان توجه کنند.»

- ۱ جسمی (۲) گران
۳ طلایی (۴) اخیر

۲۵۵. گزینه (۲) - "balanced" «افراد به ویژه کودکان باید اهمیت یک رژیم غذایی متعادل را بدانند.»

- ۱ چوبی (۲) متعادل
۳ کسل‌کننده (۴) بی‌دقت

۲۵۶. گزینه (۲) - "habit" «آلیس عادت دارد وقتی که عصبی است با گوشش بازی کند.»

- ۱ حدس (۲) عادت
۳ کیلو (۴) برش

۲۵۷. گزینه (۱) - "servings" «ما سه مهمان داریم. شما باید به اندازهٔ کافی برای پنج پُرس (غذا) درست کنید.»

- ۱ پُرس (۲) بطری
۳ خطر (۴) ورزش

۲۵۸. گزینه (۳) - "attack" «عموی من در بیمارستان است. او دیشب حملهٔ قلبی داشت.»

- ۱ وزن (۲) فضا
۳ حمله (۴) توانایی

۲۵۹. گزینه (۴) - "heartbeat" «پزشک الآن در حال گوش دادن به ضربان قلب بیمار است.»

- ۱ کتاب راهنما (۲) پارکینگ
۳ گلوله خون (۴) ضربان قلب

۲۶۰. گزینه (۲) - "necessary" «ممکن است شما این را ضروری ببینید که دوباره برای کمک با آن‌ها تماس بگیرید.»

- ۱ عمومی (۲) ضروری
۳ متوسط (۴) بارانی

۲۷۱. گزینه (۱) - "stress" «جانت از زمان بیماری مادرش (تا حالا) تحت استرس زیادی بوده است.»

- (۱) استرس (۲) باران
(۳) سبک زندگی (۴) بیماری

۲۷۲. گزینه (۳) - "decreased" «سال گذشته قیمت خانه تا ۱۳٪ کاهش یافت. حالا ما می‌توانیم یک آپارتمان جدید بخریم.»

- (۱) ارتباط برقرار کردن (۲) بالا رفتن از
(۳) کاهش یافتن (۴) پیشگیری کردن

۲۷۳. گزینه (۱) - "general" «راه‌های ساده‌ی زیادی برای بهبود بخشیدن سلامت عمومی‌تان وجود دارد.»

- (۱) عمومی (۲) معدنی
(۳) ملی (۴) مضر

۲۷۴. گزینه (۳) - "history" «پزشکان همیشه وقتی شما آن‌ها را ملاقات می‌کنید در مورد سابقه‌ی پزشکی‌تان سوال می‌پرسند.»

- (۱) خانواده (۲) توانایی
(۳) سابقه (۴) ملیت

۲۷۵. گزینه (۲) - "homeless" «افرادی که هیچ‌جایی برای زندگی کردن ندارند و اغلب در خیابان می‌خوابند بی‌خانمان نامیده می‌شوند.»

- (۱) خطرناک (۲) بی‌خانمان
(۳) مضر (۴) صورت

۲۷۶. گزینه (۳) - "opposite" «قدرتمند و ضعیف دو کلمه‌ی متضاد هستند.»

- (۱) سالم (۲) شجاع
(۳) متضاد (۴) دلپذیر

۲۷۷. گزینه (۴) - "incomplete" «متأسفانه ما دقیقاً نمی‌دانیم چه اتفاقی افتاده است زیرا اطلاعاتمان ناقص است.»

- (۱) طبیعی (۲) خوش‌شانسی
(۳) قدرتمند (۴) ناقص

۲۷۸. گزینه (۱) - "pray" «در عصر، والدین من معمولاً به مسجد می‌روند تا نماز بخوانند.»

- (۱) نماز خواندن (۲) دوباره پخش کردن
(۳) پرداخت کردن (۴) گفتن

۲۷۹. گزینه (۲) - "social" «ما قصد داریم در مورد مشکلات حاد اجتماعی کشور صحبت کنیم.»

- (۱) مفید (۲) اجتماعی
(۳) با احتیاط (۴) عصبی

۲۸۰. گزینه (۲) - "scientific" «دانشمندان در آزمایشگاه ساختمان در حال انجام دادن تحقیقات علمی هستند.»

- (۱) رسیده (۲) علمی
(۳) خسته (۴) فرهنگی

۲۶۱. گزینه (۱) - "improve" «اگر می‌خواهی زبان فرانسوی‌ات را بهبود ببخشی، باید به کشوری نقل مکان کنی که آن (زبان) صحبت می‌شود.»

- (۱) بهبود بخشیدن (۲) کاهش دادن
(۳) سفارش دادن (۴) تصور کردن

۲۶۲. گزینه (۳) - "social" «این روزها مردم زیاد در مورد شبکه‌های اجتماعی صحبت می‌کنند.»

- (۱) خوشحال (۲) عاطفی
(۳) اجتماعی (۴) بی‌خانمان

۲۶۳. گزینه (۴) - "death" «آیا تو به زندگی بعد از مرگ اعتقاد داری؟»

- (۱) تاریخ (۲) استرس
(۳) عامل (۴) مرگ

۲۶۴. گزینه (۱) - "pray" «با والدینت به کلیسا برو و برای او دعا کن.»

- (۱) دعا کردن (۲) پیشگیری کردن
(۳) بالا رفتن (۴) شامل بودن

۲۶۵. گزینه (۲) - "middle" «تلفن در نیمه‌ی شب وقتی من خواب بودم زنگ زد.»

- (۱) قرن (۲) نیمه، وسط
(۳) احساس (۴) پروتئین

۲۶۶. گزینه (۳) - "invitation" «آیا تو دعوت‌نامه‌ات را برای مراسم دریافت کرده‌ای؟»

- (۱) احساس (۲) تعطیلات
(۳) دعوت‌نامه (۴) خلق

۲۶۷. گزینه (۲) - "dislike" «تعداد خیلی کمی غذا وجود دارند که من واقعاً دوست ندارم. من تقریباً همه نوع غذا می‌خورم.»

- (۱) باور داشتن (۲) دوست نداشتن
(۳) سفارش دادن (۴) بهبود بخشیدن

۲۶۸. گزینه (۳) - "decreasing" «جمعیت آن روستا هر سال در حال کاهش یافتن است. آلان تعداد خیلی کمی از مردم در آن‌جا زندگی می‌کنند.»

- (۱) افزایش یافتن (۲) دوباره پخش کردن
(۳) کاهش یافتن (۴) شروع شدن

۲۶۹. گزینه (۴) - "unsafe" «بسیاری از مردم وقتی که در شب تنها پیاده‌روی می‌کنند احساس ناامنی می‌کنند.»

- (۱) معروف (۲) فرهنگی
(۳) ناقص (۴) ناامن

۲۷۰. گزینه (۱) - "factor" «آب‌وهوا می‌تواند عامل مهمی در بازی فردا باشد.»

- (۱) عامل (۲) بازیخش
(۳) ترجمه (۴) تاریخ، سابقه

۲۸۱. گزینه (۴) - "influence" «بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی تأثیر بدی بر روی کودکان دارند.»

هدف (۱) مرحله (۲)
دعوت (۳) تأثیر (۴)

۲۸۲. گزینه (۱) - "reason" «آن مرد جوان بدون هیچ دلیل خاصی به من حمله کرد.»

دلیل (۱) اشتباه (۲)
تصویر (۳) وسط (۴)

۲۸۳. گزینه (۲) - "properly" «چه مقدار پول و زمان لازم داریم تا کار را به درستی انجام دهیم؟»

به طور سلیس (۱) به درستی (۲)
در واقع (۳) با صدای بلند (۴)

۲۸۴. گزینه (۱) - "medical" «ضروری نیست که در مورد مشکلات پزشکی خوارم به شما بگویم.»

پزشکی (۱) درستکار (۲)
افسرده (۳) سالم (۴)

۲۸۵. گزینه (۲) - "drugs" «پزشک، برای آن بیمار تعدادی داروی ضد سرطان داد.»

پُرس (۱) دارو (۲)
بیماری (۳) منطقه (۴)

۲۸۶. گزینه (۳) - "retiring" «سال آینده، پدر من بعد از ۳۰ سال کار با آن شرکت بازنشسته می‌شود.»

دعا کردن (۱) خندیدن (۲)
بازنشسته شدن (۳) تولید کردن (۴)

۲۸۷. گزینه (۴) - "join" «گوش کنید و در خواندن این آهنگ فرانسوی به من بپیوندید.»

محدود کردن (۱) نامیدن (۲)
دادن (۳) پیوستن (۴)

۲۸۸. گزینه (۱) - "interesting" «آن یک فیلم واقعاً کسل‌کننده بود. من آن را دوست نداشتم. متضاد «کسل‌کننده»، «جالب» است.»

جالب (۱) اجتماعی (۲)
خطرناک (۳) فرهنگی (۴)

۲۸۹. گزینه (۱) - "mission" «آن مأمور باهوش توسط پنتاگون به یک مأموریت مخفی فرستاده شد.»

مأموریت (۱) دارو (۲)
ناهنجاری (۳) وضعیت (۴)

۲۹۰. گزینه (۳) - "asleep" «من آن نمایش دیرهنگام را تماشا نمی‌کنم زیرا همیشه وقتی که در شب تلویزیون تماشا می‌کنم به خواب می‌روم.»

نگران (۱) خاص (۲)
خواب (۳) فعال (۴)

۲۹۱. گزینه (۱) - "cycling" «پزشک به ما گفت فعالیت‌هایی مانند دویدن، دوچرخه‌سواری و دویدن آهسته انجام دهیم.»

دوچرخه‌سواری (۱) رفتن (۲)
زندگی کردن (۳) انجام دادن (۴)

۲۹۲. گزینه (۳) - "goal" «من فکر می‌کنم پول درآوردن تنها هدف دوستم در زندگی است.»

دارو (۱) مسابقه (۲)
هدف (۳) ورزش (۴)

۲۹۳. گزینه (۱) - "forbidden" «دوربین بردار. عکس گرفتن در موزه ممنوع است.»

ممنوع (۱) فعال (۲)
خواب (۳) معمولی (۴)

۲۹۴. گزینه (۳) - "active" «فعال ماندن از نظر ذهنی بعد از این‌که شما بازنشسته می‌شوید مهم است.»

ویژه (۱) علمی (۲)
فعال (۳) افسرده (۴)

۲۹۵. گزینه (۳) - "rush" «ما وقت زیادی داریم، نیاز نیست که عجله کنیم. خونسرد باشید!»

آواز خواندن (۱) زندگی کردن (۲)
عجله کردن (۳) رنگ زدن (۴)

۲۹۶. گزینه (۲) - "dish" «سوشی غذای مورد علاقه من است. آن یک نوع غذای ژاپنی است.»

عادت (۱) غذا (۲)
استرس (۳) فعالیت (۴)

۲۹۷. گزینه (۴) - "disorders" «اگر اختلالات (غذا) خوردن دارید، دکتر کلیو می‌تواند به شما کمک کند.»

کشاورزها (۱) شرایط (۲)
تمرین‌ها (۳) اختلالات (۴)

۲۹۸. گزینه (۱) - "tired" «بچه‌های من بعد از آن پیاده‌روی خسته بودند، بنابراین زود خوابیدند.»

خسته (۱) فعال (۲)
خطرناک (۳) ممکن (۴)

۲۹۹. گزینه (۲) - "practice" «اگر می‌خواهی برنده شوی، باید بازی کردن را به طور منظم تمرین کنی.»

تصور کردن (۱) تمرین کردن (۲)
تماس گرفتن (۳) دعا کردن (۴)

۳۰۰. گزینه (۲) - "decided" «پسرها تصمیم گرفته‌اند به کوه‌نوردی بروند.»

توضیح: در زمان حال کامل بعد از have / has شکل قسمت سوم فعل به کار می‌رود.

۳۰۱. گزینه (۴) - "has lived" آقای میسون از سال ۱۹۸۰ تا حالا) در این شهر کوچک زندگی کرده است.
- توضیح: کلمه "since" (از... تا حالا) نشانه زمان حال کامل (ماضی نقلی) است.
۳۰۲. گزینه (۴) - "go" آیا تو قصد داری رژیم بگیری چون چاق هستی؟
- توضیح: در زمان آینده (قطعی) بعد از "to be going to" یک فعل ساده (بدون ing, ed) به کار می‌رود.
۳۰۳. گزینه (۱) - "back" آیا تمایل دارید پیغام بگذارید؟ «نه، من بعداً دوباره تماس خواهم گرفت».
- توضیح: فعل مرکب "call back" یعنی «دوباره تماس گرفتن».
۳۰۴. گزینه (۲) - "having" «من فکر می‌کنم سبک زندگی سالم داشتن مهم است».
- توضیح: این جمله، یک جمله مرکب است که جمله اول آن "I think" است و نقطه چین، فاعل جمله دوم است. در قسمت گرامر اشاره شد که از اسم مصدر (ing + فعل) می‌توان به عنوان فاعل جمله استفاده کرد.
۳۰۵. گزینه (۳) - "tried" «ما سعی کرده‌ایم با آن‌ها ارتباط برقرار کنیم، اما آن‌ها در دسترس نیستند».
- توضیح: در ابتدای جمله "We've" شکل کوتاه‌شده "We have" است و در زمان حال کامل بعد از have / has (در این جا have) شکل قسمت سوم فعل به کار می‌رود.
۳۰۶. گزینه (۱) - "had" آن پیرمرد چهارشنبه گذشته سگته قلبی کرد».
- توضیح: عبارت "last Wednesday" (چهارشنبه گذشته) که یک زمان «مشخص» است، نشانه زمان گذشته ساده است.
۳۰۷. گزینه (۲) - "since" «من دوست‌هایم را از سپتامبر ملاقات نکرده‌ام».
- توضیح: در زمان حال کامل برای نشان دادن «شروع زمان» از "since" استفاده می‌شود.
۳۰۸. گزینه (۴) - "take" آیا تو در جشن تولد عموزاده‌ات شرکت کردی؟
- توضیح: در زمان گذشته ساده بعد از Did فعل ساده (بدون ing, ed) به کار می‌رود.
۳۰۹. گزینه (۲) - "has gone" «آیا می‌توانم با مری صحبت کنم، لطفاً؟»
- «او این جا نیست، او به خرید رفته است».
- توضیح: با توجه به معنی جمله، «مری» قبلاً به خرید رفته است و تا کنون برنگشته است، پس زمان جمله، حال کامل است. (کاری که در زمان گذشته نامشخصی انجام شده و تا کنون ادامه داشته، حال کامل است.)
۳۱۰. گزینه (۲) - "lost" «خواهر من پول زیادی گم کرده است».
- توضیح: در این جمله "sister's" شکل کوتاه‌شده "sister has" است، پس جمله، زمان حال کامل است و بعد از has باید شکل قسمت سوم فعل به کار برود.
۳۱۱. گزینه (۳) - "have been" «من و دوست‌هایم به دفعات زیاد به آن رستوران فست‌فود رفته‌ایم».
- توضیح: وقتی عملی «به دفعات» در «گذشته نامعین» انجام شود باید برای بیان آن از زمان حال کامل (ماضی نقلی) استفاده کنیم. در این جا چون فاعل جمله یعنی «My friends and I» (من و دوست‌هایم) جمع است از have استفاده می‌شود.
۳۱۲. گزینه (۴) - "Have you read" «جو، آیا هنوز آن کتاب جالب را نخوانده‌ای؟»
- توضیح: کلمه "yet" (هنوز) در انتهای جمله، نشانه زمان حال کامل است.
۳۱۳. گزینه (۲) - "has" «آیا خواهر کوچک تو تکلیفش را انجام داده است؟» «بله، انجام داده است».
- توضیح: چون سوال با "Has" شروع شده است، در پاسخ کوتاه نیز از "has" استفاده می‌کنیم.
۳۱۴. گزینه (۱) - "has improved" «انگلیسی من از زمانی که من به استرالیا نقل مکان کرده‌ام پیشرفت کرده است».
- توضیح: کلمه "since" (از... تا حالا) نشانه زمان حال کامل (ماضی نقلی) است. در این جا چون فاعل جمله یعنی «My English» (انگلیسی من) مفرد است از has استفاده می‌شود.
۳۱۵. گزینه (۴) - "has been" «پدر من دو دفعه به آن شهر زیبا رفته است».
- توضیح: وقتی عملی «به دفعات» در «گذشته نامعین» انجام شود باید برای بیان آن از زمان حال کامل (ماضی نقلی) استفاده کنیم.
۳۱۶. گزینه (۳) - "haven't seen" «آیا فیلم «جنگ ستارگان» را دوست داشتی؟» «نمی‌دانم، هنوز آن را ندیده‌ام».
- توضیح: کلمه "yet" (هنوز) در انتهای جمله، نشانه زمان حال کامل است.
۳۱۷. گزینه (۱) - "drank" «بچه‌ها امروز صبح دو فنجان شیر نوشیدند».
- توضیح: عبارت «this morning» (امروز صبح) «زمان معینی» در گذشته است، در نتیجه جمله به زمان گذشته ساده بیان شده است.
۳۱۸. گزینه (۳) - "haven't" «آن زن‌های پیر در جشن شرکت نکرده‌اند».
- توضیح: از آن جایی که بعد از آن نقطه چین شکل قسمت سوم فعل «take» به کار رفته است، قبل از آن فقط می‌توان از گزینه (۳) استفاده کرد. بعد از گزینه‌های دیگر فعل ساده به کار می‌رود.
۳۱۹. گزینه (۲) - "was measuring" «وقتی ما به خانه برگشتیم، مادرمان در حال اندازه‌گیری کردن اتاق بود».
- توضیح: اگر دو جمله با کلمه ربط «when» (وقتی که) به هم مرتبط شوند، یکی گذشته ساده (در این جا came) و دیگری گذشته استمراری (در این جا was measuring) می‌باشد.
۳۲۰. گزینه (۱) - "after" «مامان من بیمار است و من این روزها در حال مراقبت کردن از او هستم».
- توضیح: فعل مرکب «look after» به معنی «مراقبت کردن از» است.

۳۰۱. گزینه (۴) - "has lived" آقای میسون از سال ۱۹۸۰ تا حالا) در این شهر کوچک زندگی کرده است.
- توضیح: کلمه "since" (از... تا حالا) نشانه زمان حال کامل (ماضی نقلی) است.
۳۰۲. گزینه (۴) - "go" آیا تو قصد داری رژیم بگیری چون چاق هستی؟
- توضیح: در زمان آینده (قطعی) بعد از "to be going to" یک فعل ساده (بدون ing, ed) به کار می‌رود.
۳۰۳. گزینه (۱) - "back" آیا تمایل دارید پیغام بگذارید؟ «نه، من بعداً دوباره تماس خواهم گرفت».
- توضیح: فعل مرکب "call back" یعنی «دوباره تماس گرفتن».
۳۰۴. گزینه (۲) - "having" «من فکر می‌کنم سبک زندگی سالم داشتن مهم است».
- توضیح: این جمله، یک جمله مرکب است که جمله اول آن "I think" است و نقطه چین، فاعل جمله دوم است. در قسمت گرامر اشاره شد که از اسم مصدر (ing + فعل) می‌توان به عنوان فاعل جمله استفاده کرد.
۳۰۵. گزینه (۳) - "tried" «ما سعی کرده‌ایم با آن‌ها ارتباط برقرار کنیم، اما آن‌ها در دسترس نیستند».
- توضیح: در ابتدای جمله "We've" شکل کوتاه‌شده "We have" است و در زمان حال کامل بعد از have / has (در این جا have) شکل قسمت سوم فعل به کار می‌رود.
۳۰۶. گزینه (۱) - "had" آن پیرمرد چهارشنبه گذشته سگته قلبی کرد».
- توضیح: عبارت "last Wednesday" (چهارشنبه گذشته) که یک زمان «مشخص» است، نشانه زمان گذشته ساده است.
۳۰۷. گزینه (۲) - "since" «من دوست‌هایم را از سپتامبر ملاقات نکرده‌ام».
- توضیح: در زمان حال کامل برای نشان دادن «شروع زمان» از "since" استفاده می‌شود.
۳۰۸. گزینه (۴) - "take" آیا تو در جشن تولد عموزاده‌ات شرکت کردی؟
- توضیح: در زمان گذشته ساده بعد از Did فعل ساده (بدون ing, ed) به کار می‌رود.
۳۰۹. گزینه (۲) - "has gone" «آیا می‌توانم با مری صحبت کنم، لطفاً؟»
- «او این جا نیست، او به خرید رفته است».
- توضیح: با توجه به معنی جمله، «مری» قبلاً به خرید رفته است و تا کنون برنگشته است، پس زمان جمله، حال کامل است. (کاری که در زمان گذشته نامشخصی انجام شده و تا کنون ادامه داشته، حال کامل است.)
۳۱۰. گزینه (۲) - "lost" «خواهر من پول زیادی گم کرده است».
- توضیح: در این جمله "sister's" شکل کوتاه‌شده "sister has" است، پس جمله، زمان حال کامل است و بعد از has باید شکل قسمت سوم فعل به کار برود.

۳۲۹. گزینه (۴) - «going» «امان من فکر می‌کند که رژیم گرفتن خیلی مضرت است.»

توضیح: این جمله، یک جمله مرکب است که جمله اول آن «My mom thinks» است و نقطه چین، فاعل جمله دوم است. در قسمت گرامر اشاره شد که از اسم مصدر (ing + فعل) می‌توان به عنوان فاعل جمله استفاده کرد.

۳۳۰. گزینه (۱) - «takes» «آماده کردن غذای خانگی زمان زیادی طول می‌کشد.»

توضیح: در این جمله «Preparing homemade food» (آماده کردن غذای خانگی) فاعل جمله و مفرد است، پس فعل جمله نمی‌تواند «are taking» باشد، در نتیجه گزینه (۴) نادرست است. گزینه (۲) نیز ناقص است. از بین گزینه‌های (۱) و (۳) نیز گزینه (۱) درست است که «S» سوم شخص مفرد دارد، زیرا فاعل جمله سوم شخص مفرد است.

۳۳۱. گزینه (۴) - «saying» «آن مرد عصبانی بدون گفتن چیزی اتاق را ترک کرد.»

توضیح: بعد از حرف‌های اضافه (در این جا without) اسم مصدر (ing + فعل) به کار می‌رود.

۳۳۲. گزینه (۲) - «having» «پانزده سالگی شدن در سن ۵۰ سالگی داشتن زندگی سالم دو هدف من هستند.»

توضیح: وقتی کلمه ربط «and» دو کلمه یا عبارت را به هم ارتباط می‌دهد، آن دو باید به یک شکل باشند. در این جمله «retiring» اسم مصدر است، پس کلمه بعد از «and» نیز باید اسم مصدر یعنی «having» باشد.

۳۳۳. گزینه (۴) - «climbing» «آیا شما از بالا رفتن از آن کوه بلند لذت بردید؟»
توضیح: بعد از «enjoy» اسم مصدر (ing + فعل) به عنوان مفعول به کار می‌رود.

۳۳۴. گزینه (۳) - «up» «افسرده نباش و هرگز تسلیم نشو. به تمرین کردن ادامه بده.»

توضیح: فعل مرکب «give up» یعنی «تسلیم شدن، منصرف شدن».
۳۳۵. گزینه (۱) - «skiing» «من فردا صبح بیکار هستم. بپایید یا هم به اسکی برویم.»

توضیح: برای بیان بعضی از ورزش‌ها و فعالیت‌ها از (اسم مصدر + go) استفاده می‌کنیم.

۳۳۶. گزینه (۳) - «speaking» «یکی از هدف‌های من در زندگی صحبت کردن به یک زبان خارجی به طور سلیس بود.»

توضیح: یکی از کاربردهای اسم مصدر (ing + فعل) بعد از «to be» (معمولاً is / was) در ساختارهایی مانند این جمله است.

۳۳۷. گزینه (۱) - «swimming» «آن تابلو چه می‌گوید؟» «آن می‌گوید: شنا کردن ممنوع.»

توضیح: برای «ممنوع کردن» عملی در جاهای عمومی معمولاً از ساختار «اسم مصدر + NO» استفاده می‌شود.

ترجمه متن Cloze Test

رژیم غذایی و ورزش دو تا از مهم‌ترین عامل‌های داشتن یک سبک زندگی سالم هستند. یک سخن حکیمانه بیان می‌کند: «شما همان چیزی هستید که آن را می‌خورید». این به این معنا است که سلامتی و ظاهر شما تا حد زیادی تحت تأثیر آن چه هستند که شما می‌خورید. اگر شما غذاهای پرکالری چرب بخورید، ممکن است در هر زمانی چاق شوید. به هر حال، اگر شما مقدار زیادی سبزی‌های سبز و چربی خیلی کم بخورید، شانس تناسب اندام شما خیلی بهتر (بیش‌تر) خواهند بود.

۳۳۰. گزینه (۲) - «factors»

(۱) معادها (۳) عامل‌ها

(۲) مأموریت‌ها (۴) داروها

۳۳۱. گزینه (۴) - «means»

(۱) درست کردن (۳) به خطر انداختن

(۲) اجتناب کردن (۴) معنی دادن

۳۳۲. گزینه (۱) - «fatty»

(۱) چرب، پرچرب (۳) سالم

(۲) باهوش (۴) بی‌خطر، امن

۳۳۳. گزینه (۳) - «a lot of»

توضیح: در این جمله از آن جایی که «vegetables» (سبزی‌ها) اسم جمع قابل شمارش است، قبل از آن «dittle» (مقدار خیلی کم) به کار نمی‌رود، پس گزینه (۱) نادرست است. در ضمن «a lot» نمی‌تواند قبل از اسم‌ها به کار رود، پس گزینه (۴) نیز نادرست است. با توجه به معنی جمله «few» (تعداد خیلی کم) نیز نمی‌تواند درست باشد.

۳۳۴. گزینه (۱) - «much»

توضیح: عبارت «much better» یعنی «خیلی بهتر».

ترجمه متن Reading Comprehension

وقتیکه تصادفی اتفاق می‌افتد و شخصی صدمه می‌بیند، شما می‌توانید شخص مصدوم را به اورژانس (ER)، یا به مرکز مراقبت‌های فوری ببرید. مرکز مراقبت‌های فوری، خدمات پزشکی را برای آن‌هایی فراهم می‌کند که به مراقبت‌های پزشکی که خیلی جدی نیستند نیاز دارند. آسیب‌ها یا بیماری‌های خیلی جدی باید در اورژانس درمان شوند. به عنوان مثال، اگر شما در تصادف اتومبیل باشید و از آسیب‌های زیادی رنج ببرید، یا اگر فکر می‌کنید سکنه قلبی کرده‌اید، بهترین (کار) این است که مستقیماً به اورژانس بروید، نه به مرکز مراقبت‌های فوری.

۳۴۰. گزینه (۳) - "pressure" «روی زخم فشار وارد کنید تا خونریزی متوقف شود.»

- ① برنامه
② فشار
③ عامل
④ اختلال

۳۴۱. گزینه (۱) - "harmful" «این نوع غذا خیلی برای تو مضر است. خوردن آن را متوقف کن.»

- ① مضر
② بی‌خانمان
③ شایسته
④ جسمی

۳۴۲. گزینه (۲) - "habit" «شما باید عادت استفاده از فرهنگ لغت‌تان را شکل دهید (ایجاد کنید).»

- ① دلیل
② خوراک مختصر
③ عادت
④ مرحله

۳۴۳. گزینه (۱) - "calm" «خونسرد بودن در شرایط اضطراری مهم است.»

- ① خونسرد
② منظم
③ مخفی
④ پنجر

۳۴۴. گزینه (۴) - "contain" «هویج شامل مقدار زیادی ویتامین A است.»

- ① مخالفت کردن
② ذکر کردن
③ کاهش دادن
④ شامل بودن

۳۴۵. گزینه (۲) - "prevented" «سروصدای بیرون پنجره (اتاق) او مانع از خوابیدن او شد.»

- ① تمرین کردن
② اندازه‌گیری کردن
③ مانع شدن
④ ترجیح دادن

۳۴۶. گزینه (۱) - "improve" «من تمایل دارم تلفظ انگلیسی‌ام را بهبود بخشم. چه کار می‌توانم بکنم؟»

- ① بهبود بخشیدن
② افزایش دادن
③ دوباره پخش کردن
④ بازنشسته شدن

۳۴۷. گزینه (۳) - "pray" «والدین من همیشه قبل و بعد از غذا خوردن دعا می‌کنند.»

- ① ترجیح دادن
② دعا کردن
③ برنامه‌ریزی کردن
④ بسته‌بندی کردن

۳۴۸. گزینه (۴) - "general" «همه می‌توانند در جلسه عمومی در ماه اکتبر حضور پیدا کنند.»

- ① مضر
② نا امن
③ افسرده
④ عمومی

۳۴۹. گزینه (۲) - "middle" «شما نمی‌توانید در وسط جلسه خارج شوید!»

- ① مرگ
② فکر، اندیشه
③ وسط
④ عادت

۳۵۰. گزینه (۳) - "harmful" «این دارو باکتری‌های مضر و خطرناک را می‌کشد.»

- ① بی‌خانمان
② مضر
③ فرهنگی
④ باهوش، زرنگ

تفاوت دیگر بین این دو این است که اورژانس ۲۴ ساعت روز، و هفت روز هفته باز هستند، در حالی که مراکز مراقبت‌های فوری در طول ساعت‌های کاری عادی مرکز، باز و قابل دسترسی هستند. بیش‌تر مراکز پزشکی، خدمات مراقبت‌های فوری ارائه می‌دهند. اگر شما به طور منظم به یک مرکز پزشکی مراجعه می‌کنید، ایده خوبی است که بررسی کنید تا ببینید که آیا آن (مرکز) مراقبت‌های فوری تأمین می‌کند یا خیر. ۳۳۵. گزینه (۳) - «متن می‌گوید مرکز مراقبت‌ها، خدمات فراهم می‌کنند.»

- ① افراد آسیب‌دیده به مراکز مراقبت کمک می‌کنند
② تصادف‌ها به طور منظم اتفاق می‌افتند
③ مراکز مراقبت‌ها، خدمات فراهم می‌کنند
④ ساعت‌های کاری متفاوت هستند

۳۳۶. گزینه (۱) - «وقتی که آسیب‌های شما خیلی جدی هستند، شما باید به اورژانس بروید.»

- ① شما باید به اورژانس بروید
② شما سکنه قلبی کردید
③ مراکز مراقبت‌های فوری بهترین انتخاب است
④ هیچ کس نمی‌تواند مستقیماً به شما کمک کند

۳۳۷. گزینه (۳) - «براساس متن کدام یک درست است؟»

① اورژانس همان خدمات مشابه با مراکز مراقبت‌های فوری را فراهم می‌کند.

② وقتی شما صدمه می‌بینید، نباید به اورژانس بروید زیرا آن‌ها نمی‌توانند به شما کمک کنند.

③ یک اورژانس و یک مرکز خدمات فوری در فراهم کردن خدمات با هم فرق می‌کنند.

④ اگر شما به طور منظم به مراکز پزشکی می‌روید، شما باید تمام وقت در دسترس باشید.

۳۳۸. گزینه (۱) - «این متن به طور عمده در مورد تأمین کردن خدمات پزشکی است.»

- ① تأمین کردن خدمات پزشکی
② آسیب‌های خیلی جدی
③ ساعت‌های کاری مراکز مراقبت
④ فقط اورژانس‌ها

۳۳۹. گزینه (۱) - «کلمه "it" که در خط آخر زیر خط کشیده شده است به «مرکز پزشکی» اشاره دارد.»

- ① مرکز پزشکی
② خدمت قابل دسترسی
③ هر هفته
④ ساعت کاری

۳۶۱. گزینه (۲) - "invitation" «من دعوت دارم تا دوستم را در ژاپن ملاقات کنم».
- ① خنده ② دعوت
③ رفتار ④ رویداد
۳۶۲. گزینه (۳) - "reality" «او جوان به نظر می‌رسد، اما در واقعیت (در حقیقت) او چهل ساله است».
- ① توانایی ② فعالیت
③ واقعیت ④ ملیت
۳۶۳. گزینه (۲) - "stress" «دانش‌آموزان معمولاً در طی آزمون‌های پایانی‌شان تحت استرس زیادی هستند».
- ① دسترسی ② استرس
③ سریال ④ اسکتر
۳۶۴. گزینه (۱) - "condition" «تو می‌توانی این کتاب را قرض بگیری به شرط این‌که آن را زود پس بدهی».
- ① شرط ② پُرس
③ مرحله ④ فشار
۳۶۵. گزینه (۳) - "towards" «آن معلم نسبت به دانش‌آموزانش گرم و مهربان بود».
- ① در ② تا
③ نسبت به ④ با
۳۶۶. گزینه (۱) - "addiction" «بسیاری از کودکان به نمایش‌های مسابقه تلویزیونی اعتیاد دارند».
- ① اعتیاد ② افسردگی
③ مأموریت ④ اطلاعات
۳۶۷. گزینه (۱) - "technology" «استفاده از فناوری جدید در حال جذب کردن افراد بیش‌تر و بیش‌تری است».
- ① فناوری ② ضریان قلب
③ دعوت ④ فشار
۳۶۸. گزینه (۲) - "neighbors" «بیا از همسایه‌ها در خواست کنیم زمانی‌که در تعطیلات هستیم از سگ مراقبت کنند».
- ① واقعیت‌ها ② همسایه‌ها
③ مأموریت‌ها ④ احساسات
۳۶۹. گزینه (۳) - "looking after" «آن پرستار مهربان با نردباری در حال مراقبت کردن از آن پسر بیمار است».
- ① منصرف شدن ② خاموش کردن
③ مراقبت کردن ④ پذیرش شدن
۳۷۰. گزینه (۳) - «آن زن‌ها در حال صحبت کردن در مورد انجام دادن ورزش منظم هستند».
- توضیح: بعد از حرف‌های اضافه (در این‌جا about) اسم مصدر (ing + فعل) به کار می‌رود.
۳۶۱. گزینه (۲) - «آیا دوست‌های شما، تو را به مراسم‌شان دعوت کرده‌اند؟»
توضیح: در زمان حال کامل (ماضی نقلی) بعد از have / has (در این‌جا Have) شکل قسمت سوم فعل می‌آید.
۳۶۲. گزینه (۲) - «معلم ما درس جدید را به تعداد دفعات زیادی توضیح داده است».
- توضیح: اگر عملی «به دفعات» در زمان گذشته «نامعین» انجام شود، به زمان ماضی نقلی بیان می‌شود.
۳۶۳. گزینه (۳) - «آیا تا کنون شغل مهبیجی مانند این داشته‌ای؟»، نه، نداشته‌ام».
- توضیح: در زمان حال کامل سؤال با Have / Has شروع می‌شود و در پاسخ کوتاه نیز از همان have / has استفاده می‌شود.
۳۶۴. گزینه (۱) - «آن پسر در تمام طول روز در حال تمرین کردن نواختن پیانو بود».
- توضیح: بعد از فعل «practice» اسم مصدر (ing + فعل) به کار می‌رود.
۳۶۵. گزینه (۴) - «همسایه‌های ما از زمانی‌که من یک بچه بودم این‌جا زندگی کرده‌اند».
- توضیح: در زمان حال کامل (ماضی نقلی) برای بیان «شروع زمان» از «since» استفاده می‌شود.
۳۶۶. گزینه (۳) - «ماه گذشته پزشک سلامتی عمومی من را چک کرد».
- توضیح: عبارت «last month» (ماه گذشته) که یک «زمان معین» در گذشته است، از نشانه‌های گذشته ساده است.
۳۶۷. گزینه (۲) - «پول کجا است؟» «من نمی‌دانم. من به دیال پول گشتم، اما آن را پیدا نکردم».
- توضیح: فعل مرکب «look for» به معنی «به دنبال... گشتن» است.
۳۶۸. گزینه (۲) - «بالا رفتن از کوه‌های مرتفع، نوع ورزش مورد علاقه من است».
- توضیح: در این‌جا «Climbing high mountains» نقش فاعل جمله را دارد و مفرد است. پس در این جمله فقط «is» بعد از آن به کار می‌رود.
۳۶۹. گزینه (۱) - «آیا تو تا کنون غذای چینی خورده‌ای؟»، بله، من شب گذشته غذای چینی خوردم».
- توضیح: عبارت «last night» (شب گذشته) نشان‌دهنده یک «زمان معین» در گذشته است، پس زمان جمله، گذشته ساده است.
۳۷۰. گزینه (۴) - «آن‌ها مهارت صحبت کردنشان را با شرکت کردن در کلاس‌ها بهبود بخشیده‌اند».
- توضیح: در این جمله «They've» شکل کوتاه‌شده «They have» است، پس بعد از آن شکل قسمت سوم فعل به کار می‌رود. در ضمن بعد از حرف‌های اضافه (در این‌جا by) اسم مصدر (ing + فعل) به کار می‌رود.

۳۵۱. گزینه (۲) - "invitation" «من دعوت دارم تا دوستم را در ژاپن ملاقات کنم».
- ① خنده ② دعوت
③ رفتار ④ رویداد
۳۵۲. گزینه (۳) - "reality" «او جوان به نظر می‌رسد، اما در واقعیت (در حقیقت) او چهل ساله است».
- ① توانایی ② فعالیت
③ واقعیت ④ ملیت
۳۵۳. گزینه (۲) - "stress" «دانش‌آموزان معمولاً در طی آزمون‌های پایانی‌شان تحت استرس زیادی هستند».
- ① دسترسی ② استرس
③ سریال ④ اسکتر
۳۵۴. گزینه (۱) - "condition" «تو می‌توانی این کتاب را قرض بگیری به شرط این‌که آن را زود پس بدهی».
- ① شرط ② پُرس
③ مرحله ④ فشار
۳۵۵. گزینه (۳) - "towards" «آن معلم نسبت به دانش‌آموزانش گرم و مهربان بود».
- ① در ② تا
③ نسبت به ④ با
۳۵۶. گزینه (۱) - "addiction" «بسیاری از کودکان به نمایش‌های مسابقه تلویزیونی اعتیاد دارند».
- ① اعتیاد ② افسردگی
③ مأموریت ④ اطلاعات
۳۵۷. گزینه (۱) - "technology" «استفاده از فناوری جدید در حال جذب کردن افراد بیش‌تر و بیش‌تری است».
- ① فناوری ② ضریان قلب
③ دعوت ④ فشار
۳۵۸. گزینه (۲) - "neighbors" «بیا از همسایه‌ها در خواست کنیم زمانی‌که در تعطیلات هستیم از سگ مراقبت کنند».
- ① واقعیت‌ها ② همسایه‌ها
③ مأموریت‌ها ④ احساسات
۳۵۹. گزینه (۳) - "looking after" «آن پرستار مهربان با نردباری در حال مراقبت کردن از آن پسر بیمار است».
- ① منصرف شدن ② خاموش کردن
③ مراقبت کردن ④ پذیرش شدن
۳۶۰. گزینه (۳) - «آن زن‌ها در حال صحبت کردن در مورد انجام دادن ورزش منظم هستند».
- توضیح: بعد از حرف‌های اضافه (در این‌جا about) اسم مصدر (ing + فعل) به کار می‌رود.

۳۷۱. گزینه (۴) - «آن دانش آموزان هنوز سبزه کلاس را انداز و گیری نکرده اند.»

توضیح: کلمه «yet» (هنوز) یکی از نشانه های حال کامل (ماضی نقلی) است. در این جا چون فاعل جمله یعنی «Those students» (آن دانش آموزان) جمع است، گزینه (۳) نادرست است.

۳۷۲. گزینه (۱) - «یکی از فعالیت های مورد علاقه من دویدن در پارک محلی است.»

توضیح: یکی از کاربردهای اسم مصدر (ing + فعل) بعد از «to be» (معمولاً is / was) در ساختارهایی مانند این جمله است.

۳۷۳. گزینه (۲) - «آن پزشک معروف تا کنون کتاب های زیادی در مورد داشتن یک زندگی شاد نوشته است.»

توضیح: عبارت «so far» (تا کنون) نشانه زمان حال کامل (ماضی نقلی) است.

۳۷۴. گزینه (۴) - «خوردن فست فود و دیر وقت خوابیدن عادت های بد من هستند.»

توضیح: در این جمله اسم مصدر «Eating fast food» قسمتی از فاعل جمله است و «sleeping» که با «and» به آن مرتبط شده است، ادامه فاعل است، پس هر دو باید به یک شکل یعنی «اسم مصدر» باشند.

۳۷۵. گزینه (۲) - «آیا پدر تو تا کنون مشکلات عاطفی داشته است؟»

توضیح: این جمله شکل سؤالی حال کامل (ماضی نقلی) است، پس فعل آن باید شکل قسمت سوم فعل باشد.

۳۷۶. گزینه (۱) - «ما به تعداد دفعات زیادی سعی کرده ایم وزن اضافه نکنیم اما نتوانستیم.»

توضیح: وقتی عملی «به دفعات» در «گذشته نامعین» انجام شود باید برای بیان آن از زمان حال کامل (ماضی نقلی) استفاده کنیم.

۳۷۷. گزینه (۲) - «توقف نکنید. تا ساعت ۶ صبح به رانندگی کردن ادامه دهید.»

توضیح: فعل مرکب «keep on» به معنی «ادامه دادن» است.

۳۷۸. گزینه (۱) - «پدر بزرگ من برای سال های زیادی در آن روستای زیبا زندگی کرده است.»

توضیح: در زمان حال کامل (ماضی نقلی) برای بیان «طول مدت زمان» (در این جمله many years) از «for» استفاده می کنیم.

۳۷۹. گزینه (۱) - «بودن در یک مأموریت مخفی در یک کشور خارجی را تصور کنید!»

توضیح: بعد از «imagine» اسم مصدر (ing + فعل) به کار می رود.

ترجمه متن Cloze Test

یک مطالعه جدید اهمیت ورزش برای دختران نوجوان را نشان داده است. محققین اطلاعات را از یک مطالعه در شانگهای بر روی ۷۵۰۰۰ زن در سنین بین ۱۰ تا ۷۰ سال تجزیه و تحلیل کردند. این تیم دریافت زن هایی که در دوران نوجوانی به طور منظم ورزش کردند از آن هایی که (ورزش) نکرده بودند سالم تر بودند. محققین نتیجه گرفتند که دختران نوجوانی که حداکثر ۸۰ دقیقه در هفته ورزش کردند ۱۶ درصد کمتر در معرض خطر مرگ ناشی از سرطان و بیماری های دیگر بودند. این درصد برای زنانی که در نوجوانی بیش تر از ۸۰ دقیقه در هفته ورزش کرده بودند تا ۱۳ درصد پایین می رفت. محققین گفتند که عموماً زنان بیش تر عمر خواهند کرد اگر در نوجوانی شان فقط ۱۵ دقیقه در روز ورزش کنند.

۳۸۰. گزینه (۱) - «in»

توضیح: قبل از شهرها از حرف اضافه «in» استفاده می شود.

۳۸۱. گزینه (۳) - «regularly»

۱ به طور روان ۲ به طور خطرناک

۳ به طور منظم ۴ متأسفانه

۳۸۲. گزینه (۲) - «researchers»

۱ شرایط ۲ محققین

۳ تصادف ها ۴ دستگاه ها

۳۸۳. گزینه (۴) - «risk»

۱ مرگ ۲ رژیم غذایی

۳ عادت ۴ خطر

۳۸۴. گزینه (۱) - «exercise»

۱ ورزش ۲ احساس

۳ رابطه ۴ سابقه

ترجمه متن Reading Comprehension

محققین می گویند افرادی که زیاد می نشینند باید روزی یک ساعت ورزش کنند. آن ها به این طریق می توانند زندگی طولانی تری داشته باشند. پزشکان مدام به ما می گویند که زیاد نشستن زندگی ما را کوتاه تر می کند. تمام روز نشستن روی صندلی به اندازه سیگار کشیدن و چاق بودن خطرناک است. هشت ساعت نشستن خطر زود مردن را تا ۶۰ درصد افزایش می دهد. به هر حال، خبر خوبی وجود دارد. یک ساعت ورزش در روز می تواند خطر زود مردن (ناشی) از تمام روز نشستن را خنثی کند. این تحقیق هم زمان با بازی های المپیک منتشر شد. محققین امیدوارند که این باعث شود مردم بیشتر ورزش کنند. تمام روز تلویزیون تماشا کردن خیلی ناسالم است زیرا (همراه آن) ما غذاهای مختصر ناسالم نیزی می خوریم. ورزش نکردن خطر بیماری قلبی، دیابت و سرطان را افزایش می دهد. افراد باید بیش تر از صندلی خود خارج شوند. یک محقق به افراد توصیه کرد که هر ساعت استراحت کنند، یا به طبقه بالا قدم بزنند. او افزود: «فعالیت جسمانی را قسمتی از زندگی روزانه خود کنید.»

۳۸۵. گزینه (۴) - «بر اساس متن، ورزش عمر شما را طولانی تر می کند.»

۱ نشستن به مدت طولانی بی خطر است

۲ اگر شما تلویزیون تماشا کنید، سالم هستید

۳ خطر مرگ خبر خوبی است

۴ ورزش عمر شما را طولانی تر می کند

۳۸۶. گزینه (۱) - «در این متن، پزشکان سعی دارند به ما بگویند که ما نباید زیاد بنشینیم.»

۱ ما نباید زیاد بنشینیم

۲ بیماری قلبی خطرناک است

۳ ما باید صندلی هایمان را بشکنیم

۴ بازی های المپیک به ما کمک می کنند سالم باشیم

۳۸۷. گزینه (۲) - «کدام جمله بر اساس متن درست نیست؟»

- ۱) یک ساعت ورزش مفید است.
 - ۲) هیچ‌کس نمی‌تواند عمرش را طولانی‌تر کند.
 - ۳) نشستن می‌تواند به اندازه سیگار کشیدن خطرناک باشد.
 - ۴) ورزش خطر بیماری قلبی را کاهش می‌دهد.
۳۸۸. گزینه (۳) - «این متن به طور عمده در مورد خطرات زیاد نشستن است.»
- ۱) بازی‌های المپیک
 - ۲) بیماری قلبی، دیابت و سرطان
 - ۳) خطرات زیاد نشستن
 - ۴) خطر زود مردن
۳۸۹. گزینه (۲) - «education» «کلاس‌های کوچک یعنی استانداردهای بالاتر آموزش و این چیزی است که ما برای کودکان مان می‌خواهیم.»

- ۱) سهم
 - ۲) آموزش
 - ۳) اعتیاد
 - ۴) اضافه
۳۹۰. گزینه (۴) - «lifestyle» «معلم ما گفت که در مورد عادت‌های غذا خوردن در بخش «سبک زندگی» روزنامه خوانده بود.»
- ۱) رفتار
 - ۲) موج سواری
 - ۳) پُرس
 - ۴) سبک زندگی
۳۹۱. گزینه (۱) - «improve» «بعضی از مردم می‌گویند که خوردن هویج بینایی شما را بهبود می‌بخشد. آیا این درست است؟»
- ۱) بهبود بخشیدن
 - ۲) سفارش دادن
 - ۳) پرهیز کردن
 - ۴) ناتوان ساختن
۳۹۲. گزینه (۲) - «depressed» «من چه کار باید بکنم اگر هنگامی که در خارج درس می‌خوانم افسرده شوم؟»
- ۱) متنوع
 - ۲) افسرده
 - ۳) خوش مشرب
 - ۴) ویژه
۳۹۳. گزینه (۴) - «rarely» «اگر چه او پیش‌تر اوقات هله هوله می‌خورد، اما به ندرت بیمار می‌شود و شاخص وزن او در محدوده نرمال است.»
- ۱) ناکهان
 - ۲) به اشتباه
 - ۳) آشکارا
 - ۴) به ندرت
۳۹۴. گزینه (۱) - «heartbeat» «آن پزشک پیر به دقت ضربان قلب و فشار خون آن بیمار را تحت نظر قرار داد.»
- ۱) ضربان قلب
 - ۲) ماده معدنی
 - ۳) افکار
 - ۴) خواربار
۳۹۵. گزینه (۳) - «diet» «من هر رژیمی را که تا کنون منتشر شده است، امتحان کرده‌ام اما هنوز وزن کم نکرده‌ام.»
- ۱) بیماری
 - ۲) رستوران
 - ۳) رژیم
 - ۴) تصور
۳۹۶. گزینه (۲) - «measuring» «آیا شما فکر می‌کنید دماسنج تنها وسیله برای اندازه‌گیری کردن دما است؟»
- ۱) معاشرت کردن
 - ۲) اندازه‌گیری کردن
 - ۳) کاهش دادن
 - ۴) به دست آوردن

۳۹۷. گزینه (۳) - «servings» «من شنیده‌ام که خوردن یک یا دو پرس

- ماهی در یک هفته شانس ابتلا به بیماری قلبی را کاهش می‌دهد.»
- ۱) قرص (نان)
 - ۲) پیشگیری
 - ۳) پرس
 - ۴) ارتباط
۳۹۸. گزینه (۱) - «addiction» «تو باید بدانی اعتیاد به چیزی داشتن بیش از حد از چیزی دو چیز متفاوت هستند.»
- ۱) اعتیاد
 - ۲) برنامه‌ریزی
 - ۳) استدلال
 - ۴) سهم
۳۹۹. گزینه (۲) - «recent» «پلیس گفت تعداد تصادفات ترافیکی در سال‌های اخیر کاهش یافته است.»
- ۱) متعادل
 - ۲) تولید
 - ۳) اخیر
 - ۴) ممنوع
۴۰۰. گزینه (۴) - «prevent» «هیچ چیزی وجود ندارد که تو بتوانی انجام دهی تا از اتفاق افتادن آن پیشگیری کنی.»
- ۱) توصیف کردن
 - ۲) فشار دادن
 - ۳) سبب شدن
 - ۴) پیشگیری کردن
۴۰۱. گزینه (۲) - «illness» «اگر من در مورد بیماری تو می‌دانستم، می‌توانستم تو را در بیمارستان ملاقات کنم.»
- ۱) خنده
 - ۲) بیماری
 - ۳) بیمار
 - ۴) جامعه
۴۰۲. گزینه (۲) - «necessary» «من فکر نمی‌کنم برای من ضروری باشد که مانند یک گویش و روی می‌به نظر برسم، من فقط می‌خواهم قادر باشم روان صحبت کنم.»
- ۱) مهمان‌نواز
 - ۲) ضروری
 - ۳) خوش مشرب
 - ۴) ناقص
۴۰۳. گزینه (۴) - «social» «با رسانه‌های اجتماعی این امکان وجود دارد تا قبل از این که فردی را ملاقات کنید در مورد او اطلاعات زیادی به دست آورید.»
- ۱) ذهنی
 - ۲) دقیق، با احتیاط
 - ۳) جسمانی
 - ۴) اجتماعی
۴۰۴. گزینه (۱) - «habit» «آن پسر فقیر درست بعد از این که در آن شرکت یک شغل پیدا کرد به سیگار کشیدن عادت کرد.»
- ۱) عادت
 - ۲) مشکل
 - ۳) ضرر
 - ۴) اثر
۴۰۵. گزینه (۲) - «decrease» «من می‌خواهم به شدت میزان زمانی را که برای من طول می‌کشد تا خانه را تمیز کنم، کاهش دهم.»
- ۱) توسعه دادن
 - ۲) کاهش دادن
 - ۳) دوباره نمایش دادن
 - ۴) حضور یافتن
۴۰۶. گزینه (۲) - «middle» «وقتی تلفن در نیمه شب زنگ زد، او فوراً فهمید اتفاقی افتاده است.»
- ۱) ارتباط
 - ۲) نیمه
 - ۳) معجزه
 - ۴) اول

۴۱۷. گزینه (۱) - "forbidden" گفته می شود هر چه چیزها بیش تر ممنوع شوند، بیش تر محبوب می شوند.

- (۱) ممنوع (۲) بدتر
(۳) عمومی (۴) اضافه

۴۱۸. گزینه (۲) - "scientific" دتکار محض تحقیقات دیگران نمی تواند تحقیق علمی واقعی نامیده شود.

- (۱) بی قرار (۲) علمی
(۳) نادرست (۴) طبیعی

۴۱۹. گزینه (۳) - «آیا تا به حال شترسواری کرده ای؟» «نه، هرگز.» توضیح: در سوال های زمان ماضی نقلی (حال کامل) می توان از «ever» استفاده کرد. در پاسخ کوتاه منفی نیز می توان به جای «No, I haven't» از پاسخ «No, never» استفاده کرد، پس گزینه (۳) درست است.

۴۲۰. گزینه (۱) - «خواهر کوچکم نمی تواند راه برود، زیرا پایش در گچ است؛ پای او شکسته است.»

توضیح: بعد از «can» فعل ساده (بدون to) به کار می رود، پس گزینه های (۲) و (۴) نمی توانند پاسخ درست باشند. در ضمن چون اثر انجام عمل هنوز باقی مانده است (پایش در گچ است) پس جمله دوم باید به زمان حال کامل بیان شود، در نتیجه گزینه (۱) پاسخ درست است. گزینه (۴) - «من حس می زنم سخت کار کردن، عمومی من را خسته و ضعیف کرده است.»

توضیح: این جمله مرکب از دو جمله تشکیل شده است. یکی از این جمله ها «I guess» است و در ادامه جمله دوم آمده است، پس نقطه چین اول فاعل جمله دوم است. از اسم مصدر (ing + فعل) می توان به عنوان فاعل جمله استفاده کرد، پس یا گزینه (۳) درست است یا گزینه (۴). گزینه (۳) نمی تواند درست باشد، زیرا در جمله های معلوم بعد از «is» قسمت سوم فعل نمی آید.

۴۲۲. گزینه (۴) - «ماه گذشته همه دانش آموزان به اردو رفتند. آن ها واقعاً از با هم بودن لذت بردند.»

توضیح: قید زمان «Last month» نشان می دهد جمله اول «گذشته ساده» است. در ضمن بعد از «enjoy» اسم مصدر (ing + فعل) به کار می رود، در نتیجه تنها گزینه درست گزینه (۴) است.

۴۲۳. گزینه (۲) - «پسرعموی من برای تجارت به چین رفته است. او هنوز آن جا است. او به زودی برخواهد گشت.»

توضیح: جمله اول «ماضی نقلی» است، زیرا پسر عموی من هنوز آن جا است (باقی ماندن اثر). جمله دوم نیز در انتها «soon» (به زودی) دارد، در نتیجه آینده است. در ضمن چون فاعل جمله یعنی «My cousin» سوم شخص مفرد است، باید برای آن از «has» استفاده کنیم، پس پاسخ درست گزینه (۲) است.

۴۲۴. گزینه (۱) - «بعد از انجام دادن تکلیفش، آن دختر کوچک بدون گفتن چیزی کلاس را ترک کرد.»

توضیح: بعد از حروف اضافه (در اینجا After و without) اسم مصدر (ing + فعل) به کار می رود.

۴۰۷. گزینه (۳) - "opposite" «آن چه که آن ها به شما گفتند دقیقاً مخالف آن چیزی است که دیروز به ما گفتند.»

- (۱) تفاوت (۲) ارزش
(۳) مخالف، متضاد (۴) تنوع

۴۰۸. گزینه (۲) - "happiness" «یکی از برجسته ترین رمزهای شادی تعدیل کردن آرزوها و دوست داشتن چیزهایی است که در حال حاضر دارید.»

- (۱) خستگی (۲) مهرانی
(۳) شادی (۴) ضعف

۴۰۹. گزینه (۴) - "disorders" «آن پزشک فرانسوی، که ماهی یک بار به این جامی آید، در کمک به افرادی که اختلال های (غذا) خوردن دارند، تخصص دارد.»

- (۱) موردها (۲) بهبودها
(۳) عادت ها (۴) اختلال ها

۴۱۰. گزینه (۱) - "reality" «همه غافل گیر شدند که فهمیدند آن دختر فقیر در واقعیت یک شاهزاده است.»

- (۱) واقعیت (۲) دردسر
(۳) ظاهر (۴) دعوت

۴۱۱. گزینه (۲) - "influence" «برای جمله ای که دارید ترجمه می کنید، ترجمه خوبی انجام دهید. اجازه ندهید ترجمه به زبان های دیگری روی شما تأثیر بگذارد.»

- (۱) پرهیز کردن (۲) تأثیر گذاشتن
(۳) ارتباط برقرار کردن (۴) وجود داشتن

۴۱۲. گزینه (۳) - "properly" «خانم برون به کیت هشدار داد که اگر درست (غذا) نخورد، به طور دائمی اضافه وزن خواهد داشت.»

- (۱) اشتباه (۲) به ویژه
(۳) درست، مناسب (۴) صادقانه

۴۱۳. گزینه (۴) - "produced" «مقدار کاغذ تولید شده توسط یک کشور ارتباط نزدیکی به استانداردهای فرهنگی اش دارد.»

- (۱) محدود شده (۲) خودداری شده
(۳) تمرین شده (۴) تولید شده

۴۱۴. گزینه (۲) - "excited" «من هرگز هیچ غذای تایلندی نخورده ام بنابراین من در مورد رفتن به یک رستوران تایلندی با مادر بزرگم خیلی هیجان زده بودم.»

- (۱) ترسیده (۲) هیجان زده
(۳) خلاق (۴) معجزه آسا

۴۱۵. گزینه (۲) - "taste" «همسر من در تزئین کردن اتاق سلیقه ای عالی نشان داد. بنابراین ما تصمیم گرفتیم آن را دوباره تزئین کنیم.»

- (۱) تعادل (۲) سلیقه، ذوق
(۳) صبر (۴) مأموریت

۴۱۶. گزینه (۱) - "cycling" «همکلاسی ام به ما گفت دارد برنامه می ریزد تابستان آینده به سفر با دوچرخه برود.»

- (۱) دوچرخه سواری (۲) افسرده
(۳) مضر (۴) اخیر

۴۲۵. گزینه (۱) - یکی از فعالیت‌های مورد علاقه من ماهی‌گیری است. من نمی‌توانم از آن دست بکشم.

توضیح: در جمله اول فاعل جمله یعنی عبارت «One of my favorite activities» مفرد است. پس بعد از آن «is» به کار می‌رود. در ضمن بعد از بعضی از فعل‌ها (در این جا quit) اسم مصدر (ing + فعل) به کار می‌رود.

۴۲۶. گزینه (۳) - «من از زمانی که بچه بودم در این شهر کوچک زندگی کرده‌ام.» توضیح: در ابتدای جمله، «I've» شکل کوتاه شده «I have» است. پس باید بعد از آن از شکل سوم فعل اصلی استفاده کنیم (ماضی نقلی). در نتیجه گزینه‌های (۲) و (۴) نمی‌توانند پاسخ درست باشند. «a» و «this» هر دو می‌توانند قبل از اسم مفرد «city» قرار بگیرند، در نتیجه به سراغ «since» و «for» می‌رویم. بیان شد که در زمان ماضی نقلی برای بیان «شروع زمان» از «since» استفاده می‌شود. پس گزینه (۳) درست است.

۴۲۷. گزینه (۲) - «از همه شما برای آمدن به جشن تولدم تشکر می‌کنم. اما باید اعتراف کنم که هنوز کیک را سفارش ندادهام.»

توضیح: بعد از «thank» حرف اضافه «for» به کار می‌رود. بعد از حروف اضافه نیز از اسم مصدر (ing + فعل) استفاده می‌کنیم. در نتیجه فقط گزینه (۲) می‌تواند درست باشد. این را هم در نظر داشته باشید که «yet» در انتهای جمله‌های منفی در زمان «حال کامل» به کار می‌رود. پس فعل جمله باید «haven't ordered» باشد.

۴۲۸. گزینه (۴) - «تمام روز نشستن و پیانو نواختن من را خسته می‌کند.» توضیح: معمولاً هرگاه دو واژه با «and» به هم مرتبط می‌شوند یک نقش دارند. در این جمله چون «Sitting» اسم مصدر است، در نقطه چین نیز باید از اسم مصدر استفاده کنیم. در ضمن چون فاعل جمله یعنی «Sitting ... and practicing» جمع است، فعل جمله نمی‌تواند «is» سوم شخص مفرد بگیرد، در نتیجه فقط گزینه (۴) درست است.

۴۲۹. گزینه (۲) - «انجام ندادن ورزش روزانه باعث شده شما وزن اضافه کنید. سعی کنید کمی ورزش را به برنامه روزمره خود اضافه کنید.»

توضیح: از اسم مصدر (ing + فعل) می‌توان به عنوان فاعل جمله استفاده کرد. اگر این اسم مصدر منفی باشد قبل از آن «not» اضافه می‌کنیم. پس تنها گزینه درست گزینه (۲) است. البته دقت کنید که «exercise» اسم غیرقابل شمارش است و در بین گزینه‌ها فقط می‌توان قبل از آن از «some» و «much» استفاده کرد.

۴۳۰. گزینه (۱) - «آیا دیشب فیلم را دید؟» نه، من آن را شش بار دیده‌ام.» توضیح: عبارت «last night» نشانه زمان گذشته ساده است، پس گزینه‌های (۲) و (۳) حذف می‌شوند. در ضمن اگر عملی در «گذشته نامعلوم» به دفعات انجام شود از ماضی نقلی برای بیان آن استفاده می‌کنیم.

۴۳۱. گزینه (۴) - «یادگیری زبان‌های جدید آسان نیست و طول می‌کشد.» توضیح: فاعل این جمله یعنی «Learning new languages» مفرد است و باید فعل سوم شخص مفرد یا آن به کار برد.

۴۳۲. گزینه (۴) - «من صبح زود بیدار شدم تا از فرزند بیمارم مراقبت کنم.» توضیح: این فعل‌های مرکب را به خاطر بسپارید: بیدار شدن = wake up و مراقبت کردن = look after.

۴۳۳. گزینه (۲) - «من نمی‌دانم چند برش خورده‌ام، اما این خوشمزه‌ترین پیتزایی است که در زندگی‌ام خورده‌ام.»

توضیح: بعد از «how many» اسم جمع به کار می‌رود. پس یا گزینه (۲) درست است یا گزینه (۴). یکی از کاربردهای صفت‌های «عالی» با زمان «حال کامل» است، در نتیجه فقط گزینه (۲) می‌تواند درست باشد.

۴۳۴. گزینه (۱) - کدام یک از جمله‌های زیر از نظر گرامری نادرست است؟ «شما ماه گذشته سخت کار کردید.»

توضیح: شکل درست این جمله به صورت زیر است: You worked hard last month.

۴۳۵. گزینه (۳) - کدام یک از جمله‌های زیر از نظر گرامری درست است؟ «ما الآن در حال رفتن به اسکیت‌بازی هستیم.»

توضیح: شکل درست جمله‌های دیگر به صورت زیر است:

(۱) This woman can speak Chinese.

(۲) Why have the children gone there?

(۴) She cleaned the house yesterday.

۴۳۶. گزینه (۳) - کدام جمله زیر از نظر گرامری نادرست است؟ «شنا و دوچرخه‌سواری من را سالم و قوی کرده است.»

توضیح: شکل درست جمله به صورت زیر است:

Swimming and cycling have made me healthy and strong.

۴۳۷. گزینه (۲) - «ما برای دو ماه است پیتزا نخورده‌ایم. این یعنی آخرین باری که ما پیتزا خوردیم دو ماه پیش بود.»

توضیح: با توجه به معنی گزینه‌ها فقط گزینه (۲) درست است. معنی سایر گزینه‌ها:

(۱) از دو ماه پیش ما خیلی پیتزا خورده‌ایم

(۳) ما در طول دو ماه گذشته در حال پیتزا خوردن بوده‌ایم

(۴) ماه پیش ما دو بار پیتزا خوردیم

۴۳۸. گزینه (۴) - کدام یک از جمله‌های زیر از نظر گرامری درست است؟ «آیا هنوز خوردن ناهارت را تمام نکرده‌ای؟»

توضیح: شکل درست سایر گزینه‌ها به صورت زیر است:

(۱) Those mice have eaten the rice in the kitchen.

(۲) My mother gave me two slices of bread.

(۳) Let's keep on playing until they come back.

کنکور

جلد دوم:

درس سوم

Lesson 3

الکلیسی یازدهم
English 11

سیرتار

Art and Culture

Lesson 3

PART 1

(Pages 81 - 86)

Title Page - Get Ready - Conversation

Vocabulary

- 439 I'm really about getting that interesting job.
 ① mental ② hopeful ③ historical ④ medical
- 440 He never learned the of making friends.
 ① carpet ② care ③ art ④ shop
- 441 You could at listen to what he says.
 ① least ② worst ③ best ④ farthest
- 442 I'm not about her, she can take care of herself.
 ① general ② worried ③ cheerful ④ various
- 443 Tom probably got of waiting for Mary and left.
 ① lovely ② soft ③ happy ④ tired
- 444 She is that her son has become a famous doctor.
 ① bored ② proud ③ depressed ④ beautiful
- 445 What are the main of this country?
 ① meanings ② dollars ③ workshops ④ products
- 446 Your success on how hard you study.
 ① checks ② seems ③ works ④ depends
- 447 What is the exact of this word in English?
 ① collection ② century ③ meaning ④ discount
- 448 We do with a number of Italian companies.
 ① booklet ② business ③ knowledge ④ homework
- 449 Ted's was full of old things. I enjoyed looking at them for an hour.
 ① pottery ② workshop ③ percent ④ lifestyle
- 450 I'll it if you turn off the lights.
 ① appreciate ② exist ③ order ④ decrease
- 451 The beauty of that big modern city her a lot.
 ① bored ② worried ③ amazed ④ educated
- 452 He has quite a few valuable by a famous artist.
 ① candies ② beauties ③ shops ④ paintings
- 453 The museum has an excellent of Mexican pottery.
 ① vacation ② collection ③ suggestion ④ station
- 454 I'm going to the to buy some bread and cheese.
 ① miracle ② carpet ③ store ④ calligraphy

- 455 In this shop, there's a special 20-percent for teachers.
 ① discount ② weight ③ point ④ pressure
- 456 My father produces beautiful in his workshop.
 ① addictions ② emotions ③ handicrafts ④ businesses
- 457 This Iranian silk carpet is very and nice. I'll take it.
 ① soft ② kind ③ shy ④ lazy
- 458 We are going to change the in the bathroom.
 ① cups ② kids ③ tiles ④ news

Lesson 3

PART 2

(Pages 87 - 89)

New Words & Expressions

Vocabulary

- 459 That specialist has a amount of knowledge on history.
 ① smart ② vast ③ kind ④ local
- 460 The told me it was time to go back home.
 ① world ② wall ③ clock ④ metal
- 461 This monkey is to the region. You can find it here only.
 ① cultural ② unique ③ general ④ recent
- 462 Gold is more expensive than any other that you know.
 ① discount ② workshop ③ percent ④ metal
- 463 The man you see over there is a writer.
 ① famous ② physical ③ decorative ④ balanced
- 464 The foreigners showed their cards to the police.
 ① ability ② identity ③ nature ④ society
- 465 The police found the woman's on the glass.
 ① culture ② diversity ③ fingerprint ④ business
- 466 My grandmother likes to carpets in her free time.
 ① depend ② exist ③ weave ④ cure
- 467 I'm not familiar with the of this country. Is it OK to ask about a person's family?
 ① customs ② societies ③ beauties ④ products
- 468 My sister bought a beautiful clock yesterday.
 ① natural ② generous ③ proud ④ decorative

- 469 Hafez was a great Iranian He's world famous I think.
 ① country ② poet ③ culture ④ carpet
- 470 We need to buy a new for this room.
 ① rug ② cup ③ tile ④ kid
- 471 This warm area has a great of birds.
 ① identity ② effect ③ diversity ④ condition
- 472 Living in the city has taught me to the differences between people.
 ① appreciate ② communicate ③ celebrate ④ translate
- 473 We often cook Mexican meals for our guests.
 ① physical ② cultural ③ mental ④ traditional
- 474 My father is a member of this group. He helps a lot.
 ① written ② simple ③ valuable ④ dangerous
- 475 We had dinner at a / an restaurant. We just walked to the restaurant.
 ① actual ② emotional ③ recent ④ local
- 476 The scientists' research will be useful to all
 ① humankind ② fingerprints ③ guidebooks ④ knowledge
- 477 This poem the poet's love of his country.
 ① makes ② reflects ③ speaks ④ gains
- 478 People who have the same traditions and values and live together make a/an
 ① ability ② society ③ nationality ④ activity

Lesson 3

PART 3

(Pages 90 - 94)

Reading - Reading Comprehension - Vocabulary Development

Vocabulary

- 479 I practiced a lot and I became at drawing.
 ① skillful ② careless ③ general ④ patient
- 480 A lot of my comes from my two jobs.
 ① century ② income ③ handicraft ④ carpet
- 481 You should know that customs vary from country to country.
 ① sociable ② cheerful ③ worried ④ social
- 482 My mom's shopping list a bottle of milk, too.
 ① included ② introduced ③ attended ④ appreciated

- 483 This silk shirt will be a good of my trip to the United States.
 ① business ② handicraft ③ material ④ souvenir
- 484 They this beautiful Iranian carpet by hand so it must be expensive.
 ① sang ② wove ③ left ④ caught
- 485 My father was religious and he was a very man.
 ① moral ② cheerful ③ tired ④ necessary
- 486 I always enjoy reading the storybooks written by that writer.
 ① well-known ② expensive ③ calligraphic ④ harmful
- 487 No matter how people are, they always want to earn more.
 ① shy ② rich ③ rude ④ close
- 488 The sun in the east and sets in the west.
 ① limits ② falls ③ moves ④ rises
- 489 I always my doctor's advice and do whatever he orders.
 ① value ② show ③ help ④ clean
- 490 The old man is a great He makes excellent handicrafts.
 ① artist ② scientist ③ poet ④ writer
- 491 I bought some jackets from China as souvenirs.
 ① silk ② rich ③ vast ④ tall
- 492 An increase in tourism will help the city's
 ① interest ② society ③ economy ④ material
- 493 We'll fight to the end to protect our
 ① pottery ② discount ③ example ④ homeland
- 494 Let me my British friend. This is Mark Nelson.
 ① produce ② communicate ③ introduce ④ participate
- 495 No matter you are or poor, you should respect all the people.
 ① big ② long ③ new ④ rich
- 496 What time did you home last night? I was awake until midnight but I didn't hear you.
 ① look for ② get back ③ keep on ④ put out
- 497 The of this company goes back many years.
 ① history ② artist ③ synonym ④ metal
- 498 The painting on the wall is very I really love it.
 ① mental ② artistic ③ selfish ④ proud

Lesson 3

PART 4

(Pages 95 - 107)

Grammar - Listening & Speaking - Pronunciation - Writing - What You Learned

Vocabulary

- 499 What happens if Mary doesn't the exam?
 ① pass ② bow ③ jump ④ earn
- 500 I'll have to the 8:15 train to Paris.
 ① give ② agree ③ work ④ catch
- 501 I can't believe my son a mistake like that.
 ① made ② did ③ took ④ caught
- 502 The house was full of colorful art
 ① incomes ② objects ③ mistakes ④ devices
- 503 You are to have such loving parents.
 ① necessary ② shocked ③ fortunate ④ medical
- 504 It will be a great for me to help you solve your problems.
 ① artifact ② pleasure ③ object ④ identity
- 505 Tom was so that he didn't know what day it was.
 ① incomplete ② effective ③ confused ④ proud
- 506 Did you take in that online course last summer?
 ① part ② habit ③ care ④ time
- 507 I didn't work hard yesterday, so I need to the carpet more quickly today.
 ① weave ② reflect ③ avoid ④ expect
- 508 I can you that I'll do all I can to help.
 ① choose ② attempt ③ learn ④ promise
- 509 There's no problem. We can with them easily.
 ① get along ② give up ③ call back ④ put out
- 510 Doctors believe that daily exercise can improve your
 ① objects ② wellness ③ mistakes ④ artwork
- 511 My father is with things as they are. He never wants more.
 ① depressed ② shared ③ satisfied ④ shocked
- 512 The game has existed in its form for more than 300 years.
 ① present ② confused ③ healthy ④ medical
- 513 She rarely got passing in her first year of university.
 ① weights ② marks ③ tiles ④ forms

- 514 To tell you the, I liked the writer's first book better than this one.
 ① truth ② future ③ prize ④ value
- 515 If I remember, he was a good basketball player in high school.
 ① sadly ② correctly ③ beautifully ④ probably
- 516 Have you what you'd like for breakfast?
 ① learnt ② cleared ③ decided ④ left
- 517 I need to more money, therefore I have to work late.
 ① earn ② wait ③ agree ④ buy
- 518 They were excited, so they were up and down.
 ① giving ② accepting ③ jumping ④ sitting

Grammar & Writing

- 519 If my parents come, we the museum.
 ① visited ② will visit ③ visit ④ visiting
- 520 The students got that they were going on a trip.
 ① excite ② excited ③ exciting ④ excites
- 521 I am interested going to the movies.
 ① at ② by ③ with ④ in
- 522 What will you do if it tomorrow?
 ① will rain ② rain ③ rains ④ rained
- 523 I think that souvenir will make him happy.
 ① buying ② buy ③ buys ④ to buy
- 524 The man broke the window into the room.
 ① to go ② going ③ goes ④ went
- 525 We both agreed the old car to the young man.
 ① sell ② to sell ③ selling ④ sold
- 526 My friend is bored with the same job every day.
 ① doing ② do ③ to do ④ did
- 527 What they if she doesn't come?
 ① did / do ② have / done ③ are / doing ④ can / do
- 528 Don't forget the computer when you leave.
 ① turn off ② to turn off ③ turning off ④ turned off
- 529 I was surprised her knowledge of Spanish.
 ① to ② in ③ at ④ with
- 530 If everything well, we'll earn much more money.
 ① goes ② go ③ went ④ going

- 531 If they don't call, we order the food.
 ① didn't ② won't ③ aren't ④ haven't
- 532 a good mark, I have to study as hard as possible.
 ① To get ② Getting ③ Gets ④ Gotten
- 533 The tourists bought the object without any questions.
 ① asking ② ask ③ asks ④ asked
- 534 Won't you buy that car if you more money?
 ① had ② has ③ having ④ have
- 535 I am very tired working on shifts. I want to change jobs.
 ① in ② of ③ with ④ at
- 536 The man bought some flowers them to his wife.
 ① giving ② gave ③ gives ④ to give
- 537 Can you the book if you have more time?
 ① finish ② will finish ③ finished ④ finishing
- 538 I got good marks at school and my mom is with me.
 ① satisfying ② satisfied ③ satisfies ④ satisfy
- 539 Have you ever an artist making pottery?
 ① see ② saw ③ sees ④ seen
- 540 If all the students attend school, we the ceremony earlier.
 ① may hold ② held ③ are holding ④ holds
- 541 A: Why did you wake up early? B: the first bus.
 ① Catch ② Caught ③ Catching ④ To catch
- 542 If the weather nice, we out on Friday.
 ① was / will go ② is / will go ③ is / went ④ will be / go
- 543 You know that these items is really hard.
 ① producing ② produce ③ produces ④ produced
- 544 We are tired of sitting and these objects to tourists.
 ① sell ② sells ③ to sell ④ selling
- 545 If the men work hard, they will not get the money.
 ① doesn't ② don't ③ won't ④ didn't
- 546 Let's imagine a child. What game would you prefer?
 ① being / to play ② be / playing ③ being / play ④ to be / playing
- 547 We can't pass the exam if she help us with our lessons.
 ① didn't ② doesn't ③ isn't ④ won't
- 548 Well, honest with you, I don't know the answer.
 ① being ② to be ③ be ④ am

Cloze Test

Making and (549) handicrafts are good ways to help a country's (550) and introduce its culture to other nations. Many people of the world (551) handicrafts and sell (552) to tourists. In some Asian countries, a part of the country's (553) comes from making and selling handicrafts.

- | | | | |
|---------------|--------------|------------|-------------|
| 549 ① sell | ② selling | ③ to sell | ④ sells |
| 550 ① economy | ② tradition | ③ souvenir | ④ pleasure |
| 551 ① promise | ② decide | ③ practice | ④ produce |
| 552 ① it | ② they | ③ them | ④ their |
| 553 ① income | ② handicraft | ③ custom | ④ diversity |

Reading Comprehension

Have you ever wanted to look like a cat? Face painting can be part of good clothes. A painted cat face can help you look like a kitty for a ceremony!

Face painting has been around for a long time. Native Americans used face painting. They have done it since ancient times. They thought it was as art. They did it for hunting. They painted their faces for fights. They also painted their faces for ceremonies. They used face paint to show which region they are from. They used it to show their social place in the society.

Native Americans used plants to make face paint. They also used tree parts. They made red, white, and black paint. They made green and yellow paint, too. They used colors with care. Each color had a meaning. The meaning sometimes varied from groups to groups. Each group had its own designs.

- 554 Face painting
 ① is a modern art
 ② doesn't use yellow
 ③ has different designs
 ④ has no meaning
- 555 Native Americans
 ① never painted their faces
 ② didn't like hunting at all
 ③ painted their faces for events
 ④ used animals to make paint
- 556 Which sentence is TRUE according to the passage?
 ① All Native Americans had the same face painting.
 ② In the past, face painting showed how important people were.
 ③ Native Americans hunted cats and painted them.
 ④ If you paint your face, you will become more important.
- 557 What is the best title for the passage?
 ① Native Americans
 ② The meaning of colors
 ③ Ancient arts
 ④ Face painting
- 558 The underlined word 'They' refers to
 ① Americans
 ② plants
 ③ colors
 ④ parts

آزمون جامع درس ۳

Vocabulary

- 559 She gets a lot of from her music.
 ① mistake ② pleasure ③ hobby ④ death
- 560 It's cheaper to call at times of the day.
 ① certain ② mental ③ present ④ amazed
- 561 It was a to go by bus. The trip took two hours.
 ① history ② material ③ souvenir ④ mistake
- 562 I can't where to go on a vacation. North or South?
 ① decide ② attempt ③ introduce ④ produce
- 563 The tourists to sail around the world.
 ① communicated ② translated ③ attempted ④ celebrated
- 564 Let's what we have studied so far.
 ① check ② expect ③ dislike ④ invite
- 565 How much do teachers in your country?
 ① lend ② replay ③ cure ④ earn
- 566 I'm of watching television, let's go out.
 ① lucky ② tired ③ proud ④ hopeful
- 567 The waiter got and brought everyone the wrong drink.
 ① fortunate ② frightened ③ confused ④ amused
- 568 The teacher was not with my work, so I did it again.
 ① pleasant ② satisfied ③ worried ④ depressed
- 569 The short man into the car and drove away.
 ① jumped ② solved ③ fixed ④ traveled
- 570 Teaching people at school or university is
 ① destination ② education ③ station ④ vacation
- 571 The number of employees has from 200 to 100.
 ① improved ② developed ③ increased ④ decreased
- 572 Some people do not eat meat for reasons.
 ① happy ② artistic ③ moral ④ sorry
- 573 I brought back these pants as a of China.
 ① souvenir ② pleasure ③ material ④ culture

- 574 My grandfather is a very shoemaker. He makes good shoes.
 ① careless ② selfish ③ mental ④ skillful
- 575 People Van Gogh's paintings only after his death.
 ① attended ② participated ③ appreciated ④ practiced
- 576 His music his interest in African culture.
 ① decides ② reflects ③ expects ④ agrees
- 577 It's a local to buy a cake for people on their birthdays.
 ① souvenir ② custom ③ society ④ diversity
- 578 My grandmother beautiful scarves.
 ① practices ② forgets ③ weaves ④ learns

Grammar & Writing

- 579 Buying handicrafts and them to my friends is my habit.
 ① give ② giving ③ gives ④ to give
- 580 this test, you need to study harder.
 ① To pass ② Passing ③ Passed ④ Pass
- 581 Mark got bored staying at home and tried some rest.
 ① of / getting ② with / to get ③ at / to get ④ with / getting
- 582 If you don't call the police, they the animals.
 ① hunts ② hunted ③ will hunt ④ hunting
- 583 Who you talk to if you have problems?
 ① will ② do ③ did ④ have
- 584 The man's three silk rugs so far.
 ① weave ② weaving ③ woven ④ weaves
- 585 They are running fast able to catch the train.
 ① be ② to be ③ being ④ are
- 586 We wanted them so much noise.
 ① to not make ② don't make ③ not to make ④ not make
- 587 If she early, we can go shopping.
 ① come ② came ③ coming ④ comes
- 588 May I my friends to the class now, sir?
 ① introduce ② introducing ③ introduced ④ to introduce
- 589 The children got by that old story.
 ① amusing ② amuse ③ amuses ④ amused

590 Many people are interested Iranian calligraphy.

- ① at ② by ③ in ④ with

591 One of my favorite arts painting.

- ① is ② are ③ were ④ to be

592 I'm very glad you again after a very long time.

- ① see ② to see ③ sees ④ seeing

593 If people value Iranian art, artists more artwork.

- ① producing ② produced ③ produce ④ will produce

594 The man forgot me, therefore I didn't invite them.

- ① calling ② to call ③ called ④ calls

595 After the item, John sent it to his parents.

- ① packed ② pack ③ to pack ④ packing

596 The police told all the people the building quickly.

- ① to leave ② leave ③ leaving ④ leaves

597 They win the prize if the teacher doesn't help them.

- ① can't ② didn't ③ haven't ④ aren't

598 Try your cell phone while driving.

- ① don't use ② to not use ③ won't use ④ not to use

Cloze Test

Art is something that plays the most important role in the development of the humankind. Art is a (599) range of human activities and the products of those activities. It (600) the creation of images or objects like painting, sculpture and photography.

People found the first (601) of arts on walls of ancient caves in the form of paintings. So we can guess that painting was the first kind of art. Painting is the most understandable way of art (602) it gives us the clearest meaning. Artists get a lot of pleasure when they create their artworks. They also (603) a great sense of pleasure to the people who observe them carefully.

- 599 ① lucky ② wide ③ smart ④ glad
600 ① includes ② decreases ③ becomes ④ promises
601 ① objects ② incomes ③ prizes ④ forms
602 ① when ② because ③ therefore ④ before
603 ① pick ② get ③ take ④ give

Reading Comprehension

Paul Kane was one of the first Canadian painters who was able to earn a living from his artwork. He was born in Ireland in 1810, but grew up in Toronto. He learned painting in school. After graduating from school, he began work as a sign painter. He did not last long at that job. He painted in the United States and in Europe for a few years before he decided to travel west.

He took two trips through the Canadian northwest. In 1845, he traveled from Toronto to Sault Ste. Marie. Sault Ste. Marie was a place on the Great Lakes, between Lake Superior and Lake Huron. It is on the border between Ontario and the American state of Michigan.

The next year he went further west. He crossed the Rocky Mountains and visited Fort Vancouver and Fort Victoria. He visited many different groups in many different parts of the west. During his travels, he drew pictures of those people and their lives. When he returned to Toronto, he painted more than 100 paintings from those drawings. He also wrote a book about his travels. He died in Toronto in 1871.

604 Paul Kane

- | | |
|--------------------------|--------------------------|
| ① didn't attend school | ② was born in Canada |
| ③ went on a trip in 1845 | ④ never traveled to west |

605 When Paul Kane crossed the Rocky Mountains, he

- | | |
|-------------------------|--------------------------------------|
| ① painted 100 paintings | ② visited American state of Michigan |
| ③ wrote his first book | ④ visited different groups of people |

606 According to the passage, which sentence is NOT true?

- ① Paul Kane was Canadian and sold his artworks.
- ② Paul Kane was a sign painter for a long time.
- ③ Fort Victoria is to the west of Rocky Mountains.
- ④ After Kane went back to Toronto, he wrote a book.

607 The underlined word 'it' in paragraph 2 refers to

- | | | | |
|--------------------|-----------|-----------------|--------------|
| ① Sault Ste. Marie | ② Ontario | ③ Lake Superior | ④ Lake Huron |
|--------------------|-----------|-----------------|--------------|

آزمون جامع پیشرفته درس ۳

Vocabulary

- 608 We adults shouldn't destroy the intelligent and capacity of children.
 ① worried ② expensive ③ creative ④ proud
- 609 Some research has shown that people without brothers and sisters sound to be less
 ① calligraphic ② beautiful ③ decorative ④ sociable
- 610 I think Joe is going to be pretty mad when he finds out that the he bought is a fake.
 ① reflection ② identity ③ custom ④ painting
- 611 My father is of the fact that he's never been in a traffic accident.
 ① proud ② sociable ③ tired ④ artistic
- 612 The thought of going into hospital was making my old mother and depressed.
 ① cheerful ② various ③ worried ④ native
- 613 For quantities of 20 or more, we can allow you a special of 10% on the prices.
 ① workshop ② region ③ discount ④ product
- 614 The kind of sports we play on the weather and the season.
 ① reflects ② depends ③ creates ④ introduces
- 615 The manager couldn't understand why his company's weren't selling well.
 ① products ② incomes ③ cultures ④ references
- 616 The guest wondered if he should pretend to the dinner the host made for him.
 ① increase ② exercise ③ prepare ④ appreciate
- 617 The young lady has learned the craft of basket from her late grandmother.
 ① hiking ② jogging ③ working ④ weaving
- 618 Jack broke his mother's calligraphic tile, but he didn't do it on purpose, so she wasn't angry.
 ① valuable ② silk ③ diverse ④ wooden
- 619 Japan is among the Asian countries in modernizing its factories.
 ① vast ② unique ③ national ④ amused
- 620 The of the boy who had been missing was verified by the clothes he was wearing.
 ① mobility ② identity ③ activity ④ charity
- 621 It's natural that there is a of opinions within each organization.
 ① nationality ② cruelty ③ diversity ④ personality
- 622 His large makes it possible for him to travel overseas every year.
 ① income ② continent ③ pleasure ④ feeling
- 623 Mrs. Curdle had learnt this as a young girl and was an expert.
 ① object ② handicraft ③ fortune ④ mistake
- 624 If you compare our with others, you'll see ours is far better in quality.
 ① calorie ② product ③ vacuum ④ instance

- 625 This silk jacket will be a good of my trip around the United States.
 ① souvenir ② device ③ factory ④ access
- 626 Finally she felt she had a/an duty to look after her elderly parents.
 ① mental ② moral ③ imaginary ④ negative
- 627 I played a game with my little brother in which we had to give the for the word the other said, so I said 'soft' when he said 'hard.'
 ① antonym ② meaning ③ synonym ④ formation
- 628 When a big bear emerged from the cave, they got to death and ran away.
 ① accused ② interested ③ frightened ④ enabled
- 629 My friend was not that her brother was serious about becoming a pilot.
 ① harmful ② satisfied ③ technological ④ related
- 630 That is named after a person who donated about two billion dollars.
 ① economy ② charity ③ souvenir ④ fingerprint
- 631 Mr. Manson shouldn't everyone to like the same kind of music that he does.
 ① expect ② wait ③ catch ④ begin
- 632 Mike his sister that he'd pay back all the money that he'd borrowed from her.
 ① sought ② forgave ③ promised ④ decided
- 633 I realize now that you were telling the truth, and I'm that I didn't believe you.
 ① uncertain ② cheerful ③ correct ④ ashamed
- 634 Nothing gave her greater than to watch her son growing up.
 ① practice ② pleasure ③ promise ④ pronoun
- 635 I could have stayed a while longer, but I was getting, so I decided to leave.
 ① happy ② generous ③ popular ④ tired
- 636 Mother Teresa used the money she received for her work in India and around the world.
 ① store ② prize ③ present ④ income
- 637 Tom did the best he could, but he still wasn't able to the course.
 ① limit ② mind ③ pass ④ steal

Grammar & Writing

- 638 My brother wanted early the first bus.
 ① get up / catch ② to get up / to catch ③ got up / caught ④ getting up / catches
- 639 If Mike's wife the Italian dish, they their friends to dinner.
 ① cooked / invited ② cook / will invite ③ cooks / may invite ④ will cook / invite
- 640 Mary has decided for a new job because she with her present job.
 ① looking / has bored ② to look / bored
 ③ looks / was bored ④ to look / is bored
- 641 My brother and I have plans a good university. We really enjoy hard.
 ① for entering / studying ② to enter / to study
 ③ of entering / studying ④ entering / to study
- 642 The police expected people the building as soon as possible but many are still inside.
 ① leave / women ② to leave / people ③ leaving / person ④ left / children

- 643 I have to look my baby sister if my mom out in the afternoon.
 ① up / goes ② through / go ③ for / going ④ after / goes
- 644 The Japanese professor promised all her students about traditional food.
 ① talk / to cook ② to talk / cook ③ talks / cooking ④ to talk / cooking
- 645 The villager was shocked the cheetah. It was his sheep.
 ① to see / eating ② saw / ate ③ seeing / eaten ④ sees / eat
- 646 I what you did! We expected you like that in public.
 ① surprised / not behave ② was surprised / not to behave
 ③ am surprised / don't behave ④ am surprising / to not behave
- 647 If you do your homework, you ask for help.
 ① don't / have ② didn't / will ③ can't / should ④ won't / may
- 648 My mom is tired everyday. She needs some rest.
 ① for cooking / getting ② of cooking / to get
 ③ with cook / of getting ④ to cook / gets
- 649 If my Uncle Jim , I tell him all about the accident.
 ① calls back / will ② will call back / may ③ call back / can ④ has called back / may
- 650 A: Why has your neighbor the silk carpet? B: it to the tourists.
 ① wove / selling ② woven / Selling ③ woven / To sell ④ weaving / Selling
- 651 with you, I have attempted calligraphy many times. It is really hard for me.
 ① Be honest / to learn ② Being honest / learn
 ③ To be honest / leaning ④ To be honest / to learn
- 652 A: Is it important a high income? B: Yes, a high income matters.
 ① have / to have ② to have / having ③ having / to have ④ having / having
- 653 Which sentence is grammatically WRONG?
 ① We are practicing weaving a basket. ② Our teacher talked about create artwork.
 ③ What will you do if you have time? ④ If you boil water, it changes into ice.
- 654 Which sentence is grammatically correct?
 ① You should try not to eat pizza. ② I have study English since seven.
 ③ Where can we meeting that artist? ④ We may buying it if we have money.
- 655 Which sentence is grammatically WRONG?
 ① To get the job, you have to gain experience.
 ② If she come home, we'll go shopping together.
 ③ My sister's worn a lovely silk dress.
 ④ Imagine being in the middle of the sea.
- 656 Which sentence is grammatically WRONG?
 ① The craftsmen produces many beautiful artworks.
 ② If you are interested in knowing about it, call me.
 ③ Each society appreciates its art and culture.
 ④ Selling handicrafts helps a country's economy.
- 657 Which sentence is grammatically correct?
 ① I am tired from working every Friday. ② Working in this workshop make me satisfied.
 ③ If he master English, he can teach it here. ④ Do you mind opening that window?

پاسخ تشریحی درس ۳

۴۴۹. گزینه (۲) - "workshop" «کارگاه» تد پر از چیزهای قدیمی بود. من از نگاه کردن به آن‌ها به مدت یک ساعت لذت بردم.

① سفالگری ② کارگاه

③ درصدد ④ سبک زندگی

۴۵۰. گزینه (۱) - "appreciate" «اگر شما چراغ‌ها را خاموش کنید من قدردانی (تشکر) می‌کنم.»

① قدردانی کردن ② وجود داشتن

③ سفارش دادن ④ کاهش دادن

۴۵۱. گزینه (۳) - "amazed" «زیبایی آن شهر بزرگ مدرن او را خیلی شگفت‌زده کرد.»

① کسل کردن ② نگران کردن

③ شگفت‌زده کردن ④ آموزش دادن

۴۵۲. گزینه (۴) - "painting" «او تعداد کمی تابلوی نقاشی با ارزش از آن هنرمند معروف دارد.»

① آب‌نابت ② زیبایی

③ فروشگاه ④ تابلوی نقاشی

۴۵۳. گزینه (۲) - "collection" «آن موزه کلکسیون عالی از سفال‌های مکزیکی دارد.»

① تعطیلی ② کلکسیون

③ پیشنهاد ④ ایستگاه

۴۵۴. گزینه (۳) - "store" «من قصد دارم به فروشگاه بروم تا مقداری نان و پنیر بخرم.»

① معجزه ② فرش

③ فروشگاه ④ خطاطی

۴۵۵. گزینه (۱) - "discount" «در این فروشگاه، تخفیف ویژه ۲۰ درصدی برای معلم‌ها وجود دارد.»

① تخفیف ② وزن

③ نکته ④ فشار

۴۵۶. گزینه (۳) - "handicrafts" «پدر من در کارگاهش صنایع دستی زیبایی تولید می‌کند.»

① اعتیادها ② احساس‌ها

③ صنایع دستی ④ تجارت‌ها

۴۵۷. گزینه (۱) - "soft" «این فرش ایرانی خیلی نرم و زیبا است. من آن را برمی‌دارم.»

① نرم ② مهربان

③ خجالتی ④ تبیل

۴۴۹. گزینه (۲) - "hopeful" «من واقعاً به گرفتن آن شغل جالب امیدوارم.»

① ذهنی ② امیدوار

③ تاریخی ④ پزشکی

۴۴۰. گزینه (۳) - "art" «او هرگز هنر دوست پیدا کردن را یاد نگرفت.»

① فرش ② احتیاط

③ هنر ④ فروشگاه

۴۴۱. گزینه (۱) - "least" «تو حداقل می‌توانستی به آن‌چه او می‌گوید گوش کنی.» (عبارت «at least» یعنی «حداقل».)

① کم‌ترین ② بدترین

③ بهترین ④ دورترین

۴۴۲. گزینه (۲) - "worried" «من در مورد او نگران نیستم، او می‌تواند از خودش مراقبت کند.»

① عمومی ② نگران

③ شاد، خوش ④ متنوع

۴۴۳. گزینه (۴) - "tired" «تام احتمالاً از منتظر ماندن برای مری خسته شد و رفت.»

① دوست‌داشتنی ② نرم

③ خوشحال ④ خسته

۴۴۴. گزینه (۲) - "proud" «او از این که پسرش یک پزشک معروف شده است مغرور است (احساس غرور می‌کند).»

① خسته ② مغرور

③ افسرده ④ زیبا

۴۴۵. گزینه (۴) - "products" «محصول‌های اصلی این کشور چه چیزهایی هستند؟»

① معنی‌ها ② دلارها

③ کارگاه‌ها ④ محصولات

۴۴۶. گزینه (۴) - "depends" «موفقیت شما بستگی دارد به این‌که چقدر سخت درس می‌خوانید.»

① چک کردن ② به نظر رسیدن

③ کار کردن ④ بستگی داشتن

۴۴۷. گزینه (۳) - "meaning" «معنی دقیق این کلمه به انگلیسی چیست؟»

① کلکسیون ② قرن

③ معنی ④ تخفیف

۴۴۸. گزینه (۲) - "business" «ما با تعدادی از شرکت‌های ایتالیایی تجارت می‌کنیم.»

① کتابچه ② تجارت

③ دانش ④ تکلیف

۴۶۸. گزینه (۳) - "tiles" «ما قصد داریم کاشی‌های داخل سرویس

بهداشتی را عوض کنیم.»

۱) فنجان‌ها ۲) بچه‌ها

۳) کاشی‌ها ۴) خبر

۴۶۹. گزینه (۲) - "vast" «آن متخصص مقدار دانش وسیعی در مورد

تاریخ دارد.»

۱) زرنگ ۲) وسیع

۳) مهربان ۴) محلی

۴۷۰. گزینه (۳) - "clock" «ساعت به من گفت که زمان آن است که به

خانه برگردم.»

۱) دنیا ۲) دیوار

۳) ساعت ۴) فلز

۴۷۱. گزینه (۲) - "unique" «این میمون منحصر به این منطقه است.

شما فقط می‌توانید آن را در این جا پیدا کنید.»

۱) فرهنگی ۲) منحصر به فرد

۳) عمومی ۴) اخیر

۴۷۲. گزینه (۴) - "metal" «طلا از هر فلز دیگری که تو می‌شناسی گران‌تر

است.»

۱) تخفیف ۲) کارگاه

۳) درصد ۴) فلز

۴۷۳. گزینه (۱) - "famous" «آن مردی را که آن‌جا می‌بینید یک نویسنده

معروف است.»

۱) معروف ۲) جسمی

۳) تزئینی ۴) متعادل

۴۷۴. گزینه (۲) - "identity" «آن خارجی‌ها کارت‌های هویتشان

(شناسایی) را به پلیس نشان دادند.»

۱) توانایی ۲) هویت

۳) طبیعت ۴) جامعه

۴۷۵. گزینه (۳) - "fingerprint" «پلیس اثر انگشت آن زن را روی لیوان

پیدا کرد.»

۱) فرهنگ ۲) تنوع

۳) اثر انگشت ۴) تجارت

۴۷۶. گزینه (۳) - "weave" «مادر بزرگ من دوست دارد در وقت آزادش

فرش ببافد.»

۱) بستگی داشتن ۲) وجود داشتن

۳) بافتن ۴) درمان کردن

۴۷۷. گزینه (۱) - "customs" «من با رسم‌های این کشور آشنا نیستم. آیا

درست است که در مورد خانواده یک شخص بیرسم؟»

۱) رسم‌ها ۲) جامعه‌ها

۳) زیبایی‌ها ۴) محصولات

۴۶۸. گزینه (۴) - "decorative" «خواهر من دیروز یک ساعت دیواری

تزئینی زیبا خرید.»

۱) طبیعی ۲) سخاوتمند

۳) مغرور ۴) تزئینی

۴۶۹. گزینه (۲) - "poet" «حافظ یک شاعر ایرانی برجسته بود. من فکر

می‌کنم او شهرت جهانی دارد.»

۱) کشور ۲) شاعر

۳) فرهنگ ۴) فرش

۴۷۰. گزینه (۱) - "rug" «ما باید برای این اتاق یک قالیچه جدید بخریم.»

۱) قالیچه ۲) فنجان

۳) کاشی ۴) بچه

۴۷۱. گزینه (۳) - "diversity" «این منطقه گرم تنوع پرندگان عالی‌ای

دارد.»

۱) هویت ۲) تأثیر

۳) تنوع ۴) وضعیت

۴۷۲. گزینه (۱) - "appreciate" «زندگی در شهر به من یاد داده است

تفاوت بین افراد را احساس کنم.»

۱) احساس کردن ۲) ارتباط برقرار کردن

۳) جشن گرفتن ۴) ترجمه کردن

۴۷۳. گزینه (۴) - "traditional" «ما اغلب برای میهمان‌هایمان غذای

سنتی می‌خوریم.»

۱) جسمی ۲) فرهنگی

۳) ذهنی ۴) سنتی

۴۷۴. گزینه (۳) - "valuable" «پدر من عضو با ارزشی از این گروه است.

او خیلی کمک می‌کند.»

۱) نوشته شده ۲) ساده

۳) با ارزش ۴) خطرناک

۴۷۵. گزینه (۴) - "local" «ما در یک رستوران محلی شام خوردیم. ما

پایاده به آن‌جا رفتیم.»

۱) واقعی ۲) عاطفی

۳) اخیر ۴) محلی

۴۷۶. گزینه (۱) - "humankind" «تحقیق دانشمندان برای همه بشر

مفید خواهد بود.»

۱) بشر ۲) اثر انگشت

۳) کتاب راهنما ۴) دانش

۴۷۷. گزینه (۲) - "reflects" «این شعر، عشق شاعر به کشورش را

منعکس می‌کند.»

۱) درست کردن ۲) منعکس کردن

۳) صحبت کردن ۴) کسب کردن

۴۸۸. گزینه (۴) - "rises" «خورشید در شرق بالا می‌آید (طلوع می‌کند) و در غرب غروب می‌کند».

- ۱ محدود کردن (۴) افتادن
۳ حرکت کردن (۴) بالا آمدن

۴۸۹. گزینه (۱) - "value" «من همیشه برای توصیه پزشکم ارزش قائل می‌شوم و هر چه او می‌گوید انجام می‌دهم».

- ۱ ارزش قائل شدن (۴) نشان دادن
۳ کمک کردن (۴) تمیز کردن

۴۹۰. گزینه (۱) - "artist" «آن پیرمرد هنرمند برجسته‌ای است. او صنایع دستی عالی‌ای درست می‌کند».

- ۱ هنرمند (۴) دانشمند
۳ شاعر (۴) نویسنده

۴۹۱. گزینه (۱) - "silk" «من به عنوان سوغاتی از چین تعدادی ژاکت ابریشمی خریدم».

- ۱ ابریشم (۴) ثروتمند
۳ پهن‌آور (۴) بلند

۴۹۲. گزینه (۳) - "economy" «افزایش گردشگری به اقتصاد این شهر کمک خواهد کرد».

- ۱ علاقه (۴) جامعه
۳ اقتصاد (۴) ماده

۴۹۳. گزینه (۴) - "homeland" «ما تا آخر می‌جنگیم تا از میهن‌مان محافظت کنیم».

- ۱ سفال (۴) تخفیف
۳ مثال (۴) میهن

۴۹۴. گزینه (۳) - "introduce" «اجازه بدهید من دوست بریتانیایی‌ام را معرفی کنم. این هارک نلسون است».

- ۱ تولید کردن (۴) ارتباط برقرار کردن
۳ معرفی کردن (۴) شرکت کردن

۴۹۵. گزینه (۴) - "rich" «مهم نیست که شما ثروتمند باشید یا فقیر، شما باید به همه افراد احترام بگذارید».

- ۱ بزرگ (۴) بلند، دراز
۳ جدید (۴) ثروتمند

۴۹۶. گزینه (۲) - "get back" «دیشب چه ساعتی به خانه برگشتی؟ من تا نیمه شب بیدار بودم ولی (صدای) تو را نشنیدم».

- ۱ جست‌وجو کردن (۴) برگشتن
۳ ادامه دادن (۴) خاموش کردن (آتش)

۴۹۷. گزینه (۱) - "history" «تاریخچه این شرکت به سال‌ها پیش برمی‌گردد».

- ۱ تاریخچه (۴) هنرمند
۳ مترادف (۴) فلز

۴۷۸. گزینه (۲) - "society" «مردمی که سنت‌ها و ارزش‌های مشابهی دارند و با هم زندگی می‌کنند یک جامعه را تشکیل می‌دهند».

- ۱ توانایی (۴) جامعه
۳ ملیت (۴) فعالیت

۴۷۹. گزینه (۱) - "skillful" «من زیاد تمرین کردم و در طراحی ماهر شدم».

- ۱ ماهر (۴) بی‌احتیاط
۳ عمومی (۴) صبور

۴۸۰. گزینه (۲) - "income" «بیش‌تر درآمد من از دو شغلم (به‌دست) می‌آید».

- ۱ قرن (۴) درآمد
۳ صنعت دست (۴) فروش

۴۸۱. گزینه (۴) - "social" «تو باید بدانی که رسم‌های اجتماعی از یک کشور به کشور (دیگر) فرق می‌کنند».

- ۱ (فرد) اجتماعی (۴) شاد
۳ نگران (۴) اجتماعی

۴۸۲. گزینه (۱) - "included" «لیست خرید مامان من شامل یک بطری شیر نیز بود».

- ۱ شامل بودن (۴) معرفی کردن
۳ حضور یافتن (۴) قدردانی کردن

۴۸۳. گزینه (۴) - "souvenir" «این پیراهن ابریشمی سوغاتی خوبی از سفر من به ایالات متحده خواهد بود».

- ۱ تجارت (۴) صنعت دست
۳ ماده (۴) سوغاتی

۴۸۴. گزینه (۲) - "wave" «آن‌ها این فرش ایرانی زیبا را با دست بافتند در نتیجه باید گران باشد».

- ۱ آواز خواندن (۴) یافتن
۳ ترک کردن (۴) گرفتن

۴۸۵. گزینه (۱) - "moral" «پدر من مذهبی بود و او مردی خیلی معنوی بود».

- ۱ معنوی (۴) شاد
۳ خسته (۴) ضروری

۴۸۶. گزینه (۱) - "well-known" «من همیشه از خواندن کتاب داستان‌های نوشته‌شده توسط آن نویسنده معروف لذت می‌برم».

- ۱ معروف (۴) گران
۳ خطاطی‌شده (۴) مضرب

۴۸۷. گزینه (۲) - "rich" «مهم نیست که افراد چقدر ثروتمند هستند، آن‌ها همیشه می‌خواهند بیش‌تر (پول) کسب کنند».

- ۱ خجالتی (۴) ثروتمند
۳ بی‌ادب (۴) نزدیک

۵۰۹. گزینه (۱) - "get along" «هیچ مشکلی نیست. ما می‌توانیم به آسانی با آن‌ها کنار بیاییم».

۱. کنار آمدن (۴) ۲. منصرف شدن (۴)
۳. دوباره تماس گرفتن (۴) ۴. خاموش کردن (آتش) (۴)
۵۱۰. گزینه (۲) - "wellness" «پزشک‌ها باور دارند که انجام دادن ورزش روزانه می‌تواند سلامتی شما را بهبود ببخشد».

۱. اشیاء (۴) ۲. سلامتی (۴)
۳. اشتباه‌ها (۴) ۴. اثر هنری (۴)
۵۱۱. گزینه (۳) - "satisfied" «پدر من از چیزها (امور) همان‌طور که هستند راضی است. او هرگز بیش‌تر نمی‌خواهد».

۱. افسرده (۴) ۲. مشترک (۴)
۳. راضی (۴) ۴. شوکه (۴)
۵۱۲. گزینه (۱) - "present" «این بازی به همین شکل کنونی برای بیش از ۳۰۰ سال وجود داشته است».

۱. کنونی (۴) ۲. گیج (۴)
۳. سالم (۴) ۴. پزشکی (۴)
۵۱۳. گزینه (۲) - "marks" «او به ندرت در اولین سال دانشگاهش نمره‌های قبولی می‌گرفت».

۱. وزن‌ها (۴) ۲. نمره‌ها (۴)
۳. کاشی‌ها (۴) ۴. شکل‌ها، فرم‌ها (۴)
۵۱۴. گزینه (۱) - "truth" «اگر (بخواهم) حقیقت را به تو بگویم، من اولین کتاب آن نویسنده را بهتر ازین یکی دوست داشتم».

۱. حقیقت (۴) ۲. آینده (۴)
۳. جایزه (۴) ۴. ارزش (۴)
۵۱۵. گزینه (۲) - "correctly" «اگر به درستی به خاطر بیاورم، او در دبیرستان بازیکن بسکتبال خوبی بود».

۱. متأسفانه (۴) ۲. به درستی (۴)
۳. به زیبایی (۴) ۴. احتمالاً (۴)
۵۱۶. گزینه (۳) - "decided" «آیا تصمیم گرفته‌ای که برای صبحانه چه چیزی میل داری؟»

۱. یاد گرفتن (۴) ۲. تمیز کردن (۴)
۳. تصمیم گرفتن (۴) ۴. ترک کردن (۴)
۵۱۷. گزینه (۱) - "earn" «من باید بیش‌تر پول کسب کنم، بنابراین مجبورم تا دیروقت کار کنم».

۱. کسب کردن (۴) ۲. منتظر ماندن (۴)
۳. موافقت کردن (۴) ۴. خریدن (۴)
۵۱۸. گزینه (۳) - "jumping" «آن‌ها هیجان‌زده بودند، بنابراین بالا و پایین می‌پریدند».

۱. دادن (۴) ۲. پذیرفتن (۴)
۳. پریدن (۴) ۴. نشستن (۴)

۴۹۸. گزینه (۲) - "artistic" «نقاشی روی دیوار خیلی هنری است. من واقعاً آن را دوست دارم».

۱. ذهنی (۴) ۲. هنری (۴)
۳. خودخواه (۴) ۴. مغرور (۴)
۴۹۹. گزینه (۱) - "pass" «چه اتفاقی می‌افتد اگر مری در آزمون قبول نشود؟»

۱. قبول شدن (۴) ۲. تعظیم کردن (۴)
۳. پریدن (۴) ۴. کسب کردن (پول) (۴)
۵۰۰. گزینه (۴) - "catch" «من مجبورم به قطار ساعت ۸:۱۵ به سمت پاریس برسم».

۱. دادن (۴) ۲. موافقت کردن (۴)
۳. کار کردن (۴) ۴. رسیدن (۴)
۵۰۱. گزینه (۱) - "made" «من نمی‌توانم باور کنم که پسرم اشتباهی مثل این کرده باشد» (عبارت «make a mistake» یعنی «اشتباه کردن»).

۱. درست کردن (۴) ۲. انجام دادن (۴)
۳. برداشتن (۴) ۴. گرفتن، رسیدن (۴)
۵۰۲. گزینه (۲) - "objects" «آن خانه پر از اشیاء هنری رنگارنگ بود».

۱. درآمدها (۴) ۲. اشیاء (۴)
۳. اشتباه‌ها (۴) ۴. دستگاه‌ها (۴)
۵۰۳. گزینه (۲) - "fortunate" «تو خوش‌شانسی هستی که چنین والدین دوست‌داشتنی داری».

۱. ضروری (۴) ۲. شوکه (۴)
۳. خوش‌شانسی (۴) ۴. پزشکی (۴)
۵۰۴. گزینه (۲) - "pleasure" «برای من باعث خوشی خواهد بود که کمک کنم تا مشکلات را حل کنی».

۱. شیء دست‌ساز قدیمی (۴) ۲. خوشی، لذت (۴)
۳. شیء (۴) ۴. هویت (۴)
۵۰۵. گزینه (۳) - "confused" «تام آن قدر گیج بود که نمی‌دانست چه روزی بود».

۱. ناقص (۴) ۲. مؤثر (۴)
۳. گیج (۴) ۴. مغرور (۴)
۵۰۶. گزینه (۱) - "part" «آیا تو تابستان گذشته در آن دوره آنلاین شرکت کردی؟» (عبارت «take part in» یعنی «شرکت کردن در»).

۱. نقش (۴) ۲. عادت (۴)
۳. توجه (۴) ۴. زمان (۴)
۵۰۷. گزینه (۱) - "weave" «من دیروز سخت کار نکردم بنابراین امروز باید سریع‌تر فرش را ببافم».

۱. بافتن (۴) ۲. منعکس کردن (۴)
۳. اجتناب کردن (۴) ۴. توقع داشتن (۴)
۵۰۸. گزینه (۴) - "promise" «من می‌توانم به تو قول بدهم که همه کار برای کمک کردن به تو خواهم کرد».

۱. انتخاب کردن (۴) ۲. تلاش کردن (۴)
۳. یاد گرفتن (۴) ۴. قول دادن (۴)

۵۲۸. گزینه (۲) - "to turn off" «فراموش نکنید که وقتی خارج می شوید کامپیوتر را خاموش کنید.»

توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این جا forget) مصدر با to به کار می رود.

۵۲۹. گزینه (۳) - "at" «من از دانش زبان اسپانیایی او شگفت زده شدم.» توضیح: بعد از «surprised» از حرف اضافه «at» استفاده می شود.

۵۳۰. گزینه (۱) - "goes" «اگر همه چیز خوب پیش برود، ما پول خیلی بیش‌تری به دست خواهیم آورد.»

توضیح: در جمله‌های شرطی نوع اول، جمله شرط، زمان حال ساده (در این جا goes) و جمله نتیجه شرط، زمان آینده ساده (در این جا will earn) است. دقت داشته باشید که در این جا «everything» سوم شخص مفرد است و باید به انتهای فعل بعد از آن «s» سوم شخص مفرد اضافه شود.

۵۳۱. گزینه (۲) - "won't" «اگر آن‌ها تماس نگیرند، ما غذا را سفارش نخواهیم داد.»

توضیح: در جمله‌های شرطی نوع اول یک طرف جمله، زمان حال ساده (در این جا don't call) و طرف دیگر جمله، زمان آینده ساده (در این جا won't order) است. دقت داشته باشید که در این جا «won't» شکل کوتاه شده «will not» است.

۵۳۲. گزینه (۱) - "To get" «برای گرفتن نمره خوب، من مجبورم تا جای ممکن سخت درس بخوانم.»

توضیح: برای بیان هدف (یعنی این که چرا کاری را انجام می دهیم) از مصدر با to استفاده می کنیم. در این جا دو قسمت جمله با هم جابه جا شده اند.

۵۳۳. گزینه (۱) - "asking" «گردشگرها آن چیز را بدون سوال پرسیدن خریدند.»

توضیح: بعد از حرف‌های اضافه (در این جا without) از اسم مصدر (ing + فعل) استفاده می شود.

۵۳۴. گزینه (۴) - "have" «آیا تو اگر پول بیش‌تر داشته باشی آن اتومبیل را نمی خری؟»

توضیح: در جمله‌های شرطی نوع اول، جمله شرط، زمان حال ساده (در این جا have) و جمله نتیجه شرط، زمان آینده ساده (در این جا won't buy) است. دقت داشته باشید که این جمله، سؤالی و منفی است.

۵۳۵. گزینه (۲) - "of" «من از توبی کار کردن خیلی خسته شده ام. من می خواهم تغییر شغل بدهم.»

توضیح: بعد از حرف اضافه «of» استفاده می شود.

۵۱۹. گزینه (۲) - "will visit" «اگر والدین من بیایند، ما از موزه دیدن خواهیم کرد.»

توضیح: در جمله‌های شرطی نوع اول، جمله شرط، زمان حال ساده (در این جا come) و جمله نتیجه شرط، زمان آینده ساده (در این جا will visit) است.

۵۲۰. گزینه (۲) - "excited" «دانش آموزها از این که داشتند به سفر می رفتند هیجان زده بودند.»

توضیح: از شکل قسمت سوم فعل‌ها می توان به عنوان صفت در جمله‌ها استفاده کرد.

۵۲۱. گزینه (۴) - "in" «من به رفتن به سینما علاقمند هستم.»

توضیح: عبارت «be interested in» را به خاطر بسپارید.

۵۲۲. گزینه (۳) - "rains" «اگر فردا باران بیارد تو چه کار خواهی کرد؟» توضیح: در جمله‌های شرطی نوع اول، جمله شرط، زمان حال ساده (در این جا rains) و جمله نتیجه شرط، زمان آینده ساده (در این جا will do) است. در این جا فاعل جمله «it» است و در زمان حال ساده به انتهای آن «s» سوم شخص مفرد اضافه می شود.

۵۲۳. گزینه (۱) - "buying" «من فکر می کنم خریدن آن سوغاتی او را خوشحال خواهد کرد.»

توضیح: این جمله یک جمله مرکب است و از دو جمله تشکیل شده است. جمله اول «I think» است و نقطه چین جمله، در اصل فاعل جمله دوم است. در قسمت گرامر درس دوم اشاره شد که می توان از اسم مصدر (ing + فعل) به عنوان فاعل جمله استفاده کرد.

۵۲۴. گزینه (۱) - "to go" «آن مرد پنجره را شکست تا وارد اتاق شود.» توضیح: برای بیان هدف (یعنی این که چرا کاری را انجام می دهیم) از مصدر با to استفاده می کنیم.

۵۲۵. گزینه (۲) - "to sell" «ما هر دو موافقت کردیم که آن اتومبیل قدیمی را به آن مرد جوان بفروشیم.»

توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این جا agree) مصدر با to به کار می رود.

۵۲۶. گزینه (۱) - "doing" «دوست من از انجام دادن یک کار مشابه در هر روز کسل شده است.»

توضیح: بعد از حرف‌های اضافه (در این جا with) از اسم مصدر (ing + فعل) استفاده می شود.

۵۲۷. گزینه (۴) - "can / do" «اگر او نپاید آن‌ها چه کاری می توانند بکنند؟»

توضیح: در جمله‌های شرطی نوع اول، جمله شرط، زمان حال ساده (در این جا doesn't come) و جمله نتیجه شرط، زمان آینده ساده (در این جا can do) است. در این جمله به جای «will» از «can» استفاده شده است.

۵۳۶. گزینه (۴) - "to give" «آن مرد تعدادی گل خرید تا آن‌ها را به همسرش بدهد».

توضیح: برای بیان هدف (یعنی این‌که چرا کاری را انجام می‌دهیم) از مصدر یا to استفاده می‌کنیم.

۵۳۷. گزینه (۱) - "finish" «آیا اگر شما وقت بیشتری داشته باشید، می‌توانید کتاب را تمام کنید؟»

توضیح: بعد از "Can" فعل به صورت ساده (بدون s, ing, ed) به کار می‌رود.

۵۳۸. گزینه (۲) - "satisfied" «من در مدرسه نمره‌های خوب گرفتم و مامانم از من راضی است».

توضیح: از شکل قسمت سوم فعل‌ها می‌توان به عنوان صفت در جمله‌ها استفاده کرد.

۵۳۹. گزینه (۴) - "seen" «آیا تا به حال هنرمندی را دیده‌ای که سفال درست کند؟»

توضیح: در زمان حال کامل (ماضی نقلی) بعد از "have / has" از شکل قسمت سوم فعل استفاده می‌شود.

۵۴۰. گزینه (۱) - "may hold" «اگر همه دانش‌آموزها در مدرسه حضور پیدا کنند، ما ممکن است مراسم را زودتر برگزار کنیم».

توضیح: در جمله‌های شرطی نوع اول، جمله شرط، زمان حال ساده (در این‌جا attend) و جمله نتیجه شرط، زمان آینده ساده (در این‌جا may hold) است. دقت داشته باشید که در این جمله، به جای "will" از "may" استفاده شده است.

۵۴۱. گزینه (۴) - "To catch" «چو زود بیدار شدی؟» «برای این‌که به اولین اتوبوس برسیم».

توضیح: برای بیان هدف (یعنی این‌که چرا کاری را انجام می‌دهیم) از مصدر یا to استفاده می‌کنیم.

۵۴۲. گزینه (۲) - "is / will be" «اگر هوا خوب باشد، ما روز جمعه بیرون خواهیم رفت».

توضیح: در جمله‌های شرطی نوع اول، جمله شرط، زمان حال ساده (در این‌جا is) و جمله نتیجه شرط، زمان آینده ساده (در این‌جا will go) است.

۵۴۳. گزینه (۱) - "producing" «شما می‌دانید که تولید این چیزها واقعاً سخت است».

توضیح: این جمله یک جمله مرکب است و از دو جمله تشکیل شده است. جمله اول «You know» است و نقطه چین جمله، در اصل فاعل جمله دوم است. در قسمت گرامر درس دوم اشاره شد که می‌توان از اسم مصدر (ing + فعل) به عنوان فاعل جمله استفاده کرد.

۵۴۴. گزینه (۴) - "selling" «ما از نشستن و فروختن این اشیاء به گردشگرها خسته‌ایم».

توضیح: در زبان انگلیسی اگر دو کلمه با «and» به هم مرتبط شوند باید به یک شکل بیان شوند و معمولاً یک نقش داشته باشند. در این‌جا بعد از حرف اضافه «of» اسم مصدر «sitting» آمده است، پس بعد از «and» نیز باید اسم مصدر «selling» به کار برود.

۵۴۵. گزینه (۲) - "don't" «اگر آن مردها سخت کار نکنند، پول را نخواهند گرفت».

توضیح: در جمله‌های شرطی نوع اول، جمله شرط، زمان حال ساده (در این‌جا don't work) و جمله نتیجه شرط، زمان آینده ساده (در این‌جا will not get) است. دقت داشته باشید که فاعل جمله یعنی «the men» (آن مردها) جمع است و بعد از آن نمی‌توان از «doesn't» استفاده کرد.

۵۴۶. گزینه (۱) - "being / to play" «بیا باید فرض کنیم یک بچه هستی. ترجیح می‌دهی چه بازی انجام بدهی؟»

توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا imagine) اسم مصدر (ing + فعل) و بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا prefer) مصدر یا to به کار می‌رود.

۵۴۷. گزینه (۲) - "doesn't" «ما نمی‌توانیم در آزمون قبول شویم اگر او به ما در درس‌هایمان کمک نکند».

توضیح: در جمله‌های شرطی نوع اول، جمله شرط، زمان حال ساده (در این‌جا doesn't help) و جمله نتیجه شرط، زمان آینده ساده (در این‌جا can't pass) است. دقت داشته باشید که فاعل جمله یعنی «she» سوم شخص مفرد است و برای منفی کردن آن از «doesn't» استفاده می‌شود.

۵۴۸. گزینه (۲) - "to be" «حُب، اگر (بخواهم) یا شما صادق باشم، من پاسخ را نمی‌دانم».

توضیح: عبارت «to be honest with you» را به خاطر بسپارید.

ترجمه متن Cloze Test

ساختن و فروختن صنایع دستی روش خوبی برای کمک کردن به اقتصاد کشور و معرفی کردن فرهنگش به ملت‌های دیگر است. بسیاری از مردم دنیا صنایع دستی تولید می‌کنند و آن‌ها را به گردشگرها می‌فروشند. در بعضی از کشورهای آسیایی بخشی از درآمد یک کشور از درست کردن و فروختن صنایع دستی (به دست) می‌آید.

۵۴۹. گزینه (۲) - "selling" «ما از نشستن و فروختن این اشیاء به گردشگرها خسته‌ایم».

توضیح: در زبان انگلیسی اگر دو کلمه با «and» به هم مرتبط شوند باید به یک شکل بیان شوند و معمولاً یک نقش داشته باشند. در این‌جا اسم مصدر «Making» قسمتی از فاعل جمله است، پس بعد از آن «selling» نیز باید ادامه فاعل و اسم مصدر باشد.

۵۵۰. گزینه (۱) - "economy"

- ۱ اقتصاد ۲ سنت
۳ سوغات ۴ لذت، خوشی

۵۵۱. گزینه (۴) - "produce"

- ۱ قول دادن ۲ تصمیم گرفتن
۳ تمرین کردن ۴ تولید کردن

۵۵۲. گزینه (۳) - "them"

توضیح: با توجه به معنی جمله، باید از ضمیر مفعولی «them» به جای «handicrafts» استفاده کرد.

۵۵۳. گزینه (۱) - "income"

- ۱ درآمد ۲ صنعت دست
۳ رسم ۴ تنوع

ترجمه متن Reading Comprehension

آیا تا به حال خواسته‌اید که شبیه یک گریه باشید؟ نقاشی صورت می‌تواند قسمت خوبی از لباس باشد. یک صورت گریه نقاشی شده کمک می‌کند شما برای یک مراسم به شکل یک بچه گریه باشید! نقاشی صورت برای مدتی طولانی وجود داشته است. آمریکایی‌های بومی از نقاشی صورت استفاده می‌کردند. آن‌ها این (کار) را از زمان باستان انجام داده‌اند. آن‌ها فکر می‌کردند آن هنر است. آن‌ها برای شکار آن را انجام می‌دادند. آن‌ها برای جنگ‌ها صورشان را نقاشی می‌کردند. آن‌ها هم چنین برای مراسم‌ها صورتهایشان را رنگ می‌کردند. آن‌ها از نقاشی صورت استفاده می‌کردند تا نشان دهند اهل کدام منطقه هستند. آن‌ها از آن استفاده می‌کردند تا جایگاه اجتماعی‌شان را در جامعه نشان دهند.

آمریکایی‌های بومی از گیاهان استفاده می‌کردند تا رنگ صورت بسازند. آن‌ها از قسمت‌های (مختلف) درخت‌ها نیز استفاده می‌کردند. آن‌ها رنگ قرمز، سفید و سیاه می‌ساختند. آن‌ها رنگ سبز و زرد نیز می‌ساختند. آن‌ها از رنگ‌ها با احتیاط استفاده می‌کردند. هر رنگ یک معنی داشت. گاهی اوقات این معنی از یک گروه به گروه دیگر فرق می‌کرد. هر گروه طراحی‌های خودش را داشت.

۵۵۴. گزینه (۳) - «نقاشی صورت طرح‌های مختلف دارد.»

- ۱ یک هنر مدرن است ۲ از زرد استفاده نمی‌کند
۳ طرح‌های مختلف دارد ۴ هیچ معنایی ندارد

۵۵۵. گزینه (۳) - «آمریکایی‌های بومی برای رویدادها صورتهایشان را رنگ می‌کردند.»

- ۱ هرگز صورتهایشان را رنگ نمی‌کردند
۲ اصلاً شکار کردن را دوست نداشتند
۳ برای رویدادها صورتهایشان را رنگ می‌کردند
۴ از حیوانات استفاده می‌کردند تا رنگ بسازند

۵۵۶. گزینه (۲) - «کدام جمله بر اساس متن درست است؟»

- ۱ همه آمریکایی‌های بومی نقاشی صورت مشابهی داشتند.
۲ در گذشته، نقاشی صورت نشان می‌داد افراد چقدر مهم هستند.
۳ آمریکایی‌های بومی گریه‌ها را شکار می‌کردند و آن‌ها را رنگ می‌کردند.
۴ اگر شما صورت‌تان را رنگ کنید، مهم‌تر خواهید شد.

۵۵۷. گزینه (۴) - «بهترین عنوان برای این متن چیست؟»

- ۱ آمریکایی‌های بومی ۲ معنی رنگ‌ها
۳ هنرهای قدیمی ۴ نقاشی صورت
۵۵۸. گزینه (۱) - کلمه «They» که زیرش خط کشیده شده است به «آمریکایی‌ها» اشاره دارد.

- ۱ آمریکایی‌ها ۲ گیاه‌ها
۳ رنگ‌ها ۴ قسمت‌ها
۵۵۹. گزینه (۲) - «pleasure» «او از موسیقی‌اش لذت زیادی می‌برد.»
۱ اشتباه ۲ لذت، خوشی
۳ سرگرمی ۴ مرگ

۵۶۰. گزینه (۱) - «certain» «تماس گرفتن در زمان‌هایی خاص از روز ارزان‌تر است.»

- ۱ خاص ۲ ذهنی
۳ کنونی ۴ شگفت‌زده
۵۶۱. گزینه (۴) - «mistake» «رفتن با اتوبوس اشتباه بود. سفر دو ساعت طول کشید.»

- ۱ تاریخ ۲ ماده، جنس
۳ سوغاتی ۴ اشتباه
۵۶۲. گزینه (۱) - «decide» «من نمی‌توانم تصمیم بگیرم برای تعطیلات کجا بروم. شمال یا جنوب؟»

- ۱ تصمیم گرفتن ۲ تلاش کردن
۳ معرفی کردن ۴ تولید کردن
۵۶۳. گزینه (۳) - «attempted» «گرددشگر تلاش کردند به دور دنیا دریانوردی کنند.»

- ۱ ارتباط برقرار کردن ۲ ترجمه کردن
۳ تلاش کردن ۴ جشن گرفتن
۵۶۴. گزینه (۱) - «check» «بیا آن‌چه را که تا کنون خوانده‌ایم بررسی کنیم.»

- ۱ بررسی کردن ۲ توقع داشتن
۳ دوست نداشتن ۴ دعوت کردن
۵۶۵. گزینه (۴) - «earn» «معلم‌ها در کشور شما چقدر (پول) کسب می‌کنند؟»

- ۱ قرض دادن ۲ دوباره پخش کردن
۳ درمان کردن ۴ کسب کردن

۵۷۶. گزینه (۲) - "reflects" «موسیقی او علاقه‌اش به فرهنگ آفریقایی را منعکس می‌کند.»

- ① تصمیم گرفتن (۲) منعکس کردن
③ توقع داشتن (۴) موافقت کردن

۵۷۷. گزینه (۲) - "custom" «خریدن یک کیک برای افراد در روز تولدشان یک رسم محلی است.»

- ① سوغاتی (۲) رسم
③ جامعه (۴) تنوع

۵۷۸. گزینه (۳) - "weaves" «مادر بزرگ من روسری‌های زیبایی می‌بافد.»

- ① تمرین کردن (۲) فراموش کردن
③ یافتن (۴) یاد گرفتن

۵۷۹. گزینه (۲) - "giving" «خریدن صنایع دستی و دادن آن‌ها به دوست‌هایم عادت من است.»

توضیح: در زبان انگلیسی اگر دو واژه با کلمه ربط «and» به هم مرتبط شوند باید به یک شکل بیان شوند و معمولاً یک نقش داشته باشند. در این‌جا «buying» اسم مصدر و فاعل جمله است، پس بعد از «and» نیز باید ادامه فاعل به صورت اسم مصدر یعنی «giving» به کار برود.

۵۸۰. گزینه (۱) - "To pass" «برای قبول شدن در آزمون، تو باید سخت‌تر درس بخوانی.»

توضیح: برای بیان هدف (یعنی این‌که چرا کاری را انجام می‌دهیم) از مصدر با to استفاده می‌کنیم. در این‌جا دو قسمت جمله با هم جابه‌جا شده‌اند.

۵۸۱. گزینه (۲) - "with / to get" «مارک از در خانه ماندن کسل شد و سعی کرد کمی استراحت کند.»

توضیح: بعد از «bored» حرف اضافه «with» به کار می‌رود. بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا try) مصدر با to به کار می‌رود، پس فقط گزینه (۲) درست است.

۵۸۲. گزینه (۳) - "will hunt" «اگر تو به پلیس زنگ زنی، آن‌ها حیوان‌ها را شکار خواهند کرد.»

توضیح: در جمله‌های شرطی نوع اول، جمله شرط، زمان حال ساده (در این‌جا don't call) و جمله نتیجه شرط، زمان آینده ساده (در این‌جا will hunt) است.

۵۸۳. گزینه (۱) - "will" «اگر تو مشکل داشته باشی، با چه کسی صحبت خواهی کرد؟»

توضیح: در جمله‌های شرطی نوع، جمله شرط، زمان حال ساده (در این‌جا have) و جمله نتیجه شرط، زمان آینده ساده (در این‌جا will talk) است.

۵۶۶. گزینه (۲) - "tired" «من از تلویزیون تماشا کردن خسته‌ام، بیا بیرون بروم.»

- ① خوش شانس (۲) خسته
③ مغرور (۴) امیدوار

۵۶۷. گزینه (۳) - "confused" «گارسون گیج شد و برای همه نوشیدنی اشتباهی آورد.»

- ① خوش شانس (۲) ترسیده
③ گیج (۴) سرگرم

۵۶۸. گزینه (۲) - "satisfied" «معلم از کار من راضی نبود، پس من آن را دوباره انجام دادم.»

- ① دلپذیر (۲) راضی
③ نگران (۴) افسرده

۵۶۹. گزینه (۱) - "jumped" «آن مرد کوتاه‌قد به داخل اتومبیل پرید و دور شد.»

- ① پریدن (۲) حل کردن
③ تعمیر کردن (۴) مسافرت کردن

۵۷۰. گزینه (۲) - "education" «درس دادن به افراد در مدرسه یا دانشگاه آموزش است.»

- ① مقصد (۲) تحصیل، آموزش
③ ایستگاه (۴) تعطیلی

۵۷۱. گزینه (۴) - "decreased" «تعداد کارمندان از ۲۰۰ به ۱۰۰ کاهش یافته است.»

- ① بهبود یافتن (۲) توسعه یافتن
③ افزایش یافتن (۴) کاهش یافتن

۵۷۲. گزینه (۳) - "moral" «بعضی از مردم به دلایل اخلاقی گوشت نمی‌خورند.»

- ① خوشحال (۲) هنری
③ معنوی، اخلاقی (۴) متأسف

۵۷۳. گزینه (۱) - "souvenir" «من این شلوار را به عنوان سوغاتی از چین آوردم.»

- ① سوغاتی (۲) خوش
③ ماده (۴) فرهنگ

۵۷۴. گزینه (۴) - "skillful" «پدر بزرگ من یک کفاح خیلی ماهر است. او کفش‌های خوبی درست می‌کند.»

- ① بی‌دقت (۲) خودخواه
③ ذهنی (۴) ماهر

۵۷۵. گزینه (۳) - "appreciated" «مردم قدر نقاشی‌های ون گوگ را فقط بعد از مرگش دانستند.»

- ① حضور یافتن (۲) شرکت کردن
③ قدر دانستن (۴) تمرین کردن

۵۹۴. گزینه (۲) - "to call" - آن مرد فراموش کرد که با من تماس بگیرد، بنابراین من آن‌ها را دعوت نکردم.

توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا forget) مصدر با to به کار می‌رود.

۵۹۵. گزینه (۴) - "packing" - بعد از بسته‌بندی کردن آن چیز، جان آن را به والدینش فرستاد.

توضیح: بعد از حرف‌های اضافه (در این‌جا After) اسم مصدر (ing + فعل) به کار می‌رود.

۵۹۶. گزینه (۱) - "to leave" - پلیس به مردم گفت به سرعت ساختمان را ترک کنند.

توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا tell) مصدر با to به کار می‌رود.

۵۹۷. گزینه (۱) - "can't" - آن‌ها نمی‌توانند جایزه را ببرند اگر معلم به آن‌ها کمک نکند.

توضیح: در جمله‌های شرطی نوع اول، جمله شرط، زمان حال ساده (در این‌جا doesn't help) و جمله نتیجه شرط، زمان آینده ساده (در این‌جا can't win) است. در این جمله به جای «will» «can» استفاده شده است.

۵۹۸. گزینه (۴) - "not to use" - سعی کنید هنگامی که رانندگی می‌کنید از تلفن همراهتان استفاده نکنید.

توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا try) مصدر با to به کار می‌رود، و اگر این مصدر منفی باشد قبل از «to» قید منفی «not» اضافه می‌کنیم.

ترجمه Cloze Test

هنر چیزی است که مهم‌ترین نقش را در ترقی بشر بازی می‌کند. هنر طیف وسیعی از فعالیت‌های بشر و محصول آن فعالیت‌ها است. آن (هنر) شامل خلق تصویرها یا چیزهایی مانند نقاشی، مجسمه‌سازی و عکاسی است.

مردم اولین شکل‌های هنر را روی دیوارهای غارهای قدیمی به شکل نقاشی یافتند. پس می‌توانیم حدس بزنیم که نقاشی اولین نوع هنر بوده است. نقاشی قابل درک‌ترین نوع هنر است زیرا آن آشکارترین معنی را به ما ارائه می‌کند. هنرمندها وقتی اثرهای هنریشان را خلق می‌کنند لذت زیادی کسب می‌کنند. آن‌ها (اثرهای هنری) هم چنین به مردمی که آن‌ها را با دقت تماشا می‌کنند حس خوبی از لذت می‌دهند.

۵۹۹. گزینه (۲) - "wide"

(۱) خوش شانس (۲) وسیع

(۳) رنگ، پاهوش (۴) خوشحال

۶۰۰. گزینه (۱) - "includes"

(۱) شامل بودن (۲) کاهش دادن

(۳) شدن (۴) قول دادن

۵۹۴. گزینه (۳) - "woven" - آن مرد تا کنون سه قالیچهٔ ابریشمی بافته است.

توضیح: عبارت «so far» (تا کنون) نشانهٔ زمان حال کامل (ماضی نقلی) است. پس باید فعل اصلی به شکل قسمت سوم نوشته شود. دقت داشته باشید که در این جمله «man's» کوتاه شدهٔ «man has» است.

۵۹۵. گزینه (۲) - "to be" - آن‌ها دارند سریع می‌دوند تا بتوانند به قطار برسند.

توضیح: برای بیان هدف (یعنی این‌که چرا کاری را انجام می‌دهیم) از مصدر با to استفاده می‌کنیم.

۵۹۶. گزینه (۳) - "not to make" - ما از آن‌ها خواستیم زیاد سروصدانکنند. توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا want) مصدر با to به کار می‌رود، و اگر این مصدر منفی باشد قبل از «to» قید منفی «not» اضافه می‌کنیم.

۵۹۷. گزینه (۴) - "comes" - اگر او زود بیاید، ما می‌توانیم به خرید برویم. توضیح: در جمله‌های شرطی نوع اول، جمله شرط، زمان حال ساده (در این‌جا comes) و جمله نتیجه شرط، زمان آینده ساده (در این‌جا can go) است. دقت داشته باشید که در این جمله «she» سوم شخص مفرد است پس باید به انتهای فعل اصلی آن «s» سوم شخص مفرد اضافه شود و به جای «will» نیز از «can» استفاده شده است.

۵۹۸. گزینه (۱) - "introduce" - آیا من می‌توانم الآن دوست‌هایم را به کلاس معرفی کنم، آقا؟

توضیح: بعد از «can, may, should, must» فعل اصلی به صورت ساده (بدون ing, ed) به کار می‌رود.

۵۹۹. گزینه (۴) - "amused" - «چه‌ها با آن داستان قدیمی سرگرم شدند.» توضیح: از شکل قسمت سوم فعل‌ها می‌توان به عنوان صفت در جمله‌ها استفاده کرد.

۶۰۰. گزینه (۳) - "in" - بسیاری از مردم به خوشنویسی ایرانی علاقمند هستند.

توضیح: بعد از صفت «interested» حرف اضافهٔ «in» به کار می‌رود.

۶۰۱. گزینه (۱) - "is" - یکی از هنرهای مورد علاقه من نقاشی است.

توضیح: عبارت «One of my favorite arts» (یکی از هنرهای مورد علاقه من) مفرد است و در این جمله بعد از آن «is» به کار می‌رود.

۶۰۲. گزینه (۲) - "to see" - من خیلی خوشحالم که دوباره شما را بعد از مدتی طولانی می‌بینم.

توضیح: بعد از بعضی از صفت‌ها (در این‌جا glad) مصدر با to به کار می‌رود.

۶۰۳. گزینه (۴) - "will produce" - اگر مردم برای هنر ایرانی ارزش قائل شوند، هنرمندان اثرهای هنری بیش‌تری تولید خواهند کرد. توضیح: در جمله‌های شرطی نوع اول، جمله شرط، زمان حال ساده (در این‌جا value) و جمله نتیجه شرط، زمان آینده ساده (در این‌جا will produce) است.

۶۰۶ گزینه (۴) - "forms"

- ۱) چیزها ۲) درآمدها
۳) جایزه‌ها ۴) شکل‌ها

۶۰۷ گزینه (۲) - "because"

- ۱) وقتی‌که ۲) زیرا
۳) در نتیجه ۴) قبل از

۶۰۸ گزینه (۴) - "give"

- ۱) برداشتن ۲) گرفتن
۳) بردن ۴) دادن

ترجمه متن Reading Comprehension

پُل کین یکی از اولین نقاش‌های کانادایی بود که قادر بود از اثرهای هنری‌اش امرار معاش کند. او در سال ۱۸۱۰ در ایرلند متولد شد اما در تورنتو بزرگ شد. او در مدرسه نقاشی را آموخت. بعد از فارغ‌التحصیل شدن از مدرسه، او به عنوان یک تابلورنگ‌زن کار را شروع کرد. او در این کار زیاد دوام نیاورد. او قبل از این‌که تصمیم بگیرد به غرب سفر کند سال‌های کمی در ایالات متحده و اروپا نقاشی کرد.

او دو سفر از طریق شمال غربی کانادا داشت. او در سال ۱۸۴۵ از تورنتو به سوییت ماری سفر کرد. سوییت ماری جایی در گریت لیکس بین لیک سوپریور و لیک هوران بود. آن در مرز بین اونتاریو و ایالت آمریکایی میشیگان است.

سال بعد او بیش‌تر به غرب سفر کرد. او از کوه‌های راکی گذشت و از فورث ویکتور و فورث ویکتوریا دیدن کرد. او گروه‌های مختلف زیادی را در بخش‌های مختلف غرب ملاقات کرد. او در طول سفرهایش از آن مردم و زندگی‌هایشان نقاشی‌هایی کشید. او وقتی به تورنتو برگشت بیش از ۱۰۰ تابلو بر اساس آن نقاشی‌ها کشید. او هم‌چنین در مورد سفرهایش یک کتاب نوشت. او در سال ۱۸۷۱ در تورنتو درگذشت.

۶۰۹ گزینه (۳) - "پُل کین در سال ۱۸۴۵ به سفر رفت."

- ۱) در مدرسه حاضر نشد
۲) در کانادا متولد شد
۳) در سال ۱۸۴۵ به سفر رفت
۴) هرگز به غرب سفر نکرد

۶۰۵ گزینه (۴) - "وقتی پُل کین از کوه‌های راکی عبور کرد، او گروه‌های"

مختلفی از مردم را ملاقات کرد."

- ۱) ۱۰۰ تابلوی نقاشی کشید
۲) از ایالت آمریکایی میشیگان دیدن کرد
۳) اولین کتابش را نوشت
۴) گروه‌های مختلفی از مردم را ملاقات کرد

۶۰۶ گزینه (۲) - "بر اساس متن، کدام جمله نادرست است؟"

- ۱) پُل کین کانادایی بود و اثرهای هنری‌اش را می‌فروخت.
۲) پُل کین برای مدتی طولانی تابلورنگ‌زن بود.
۳) فورث ویکتوریا در غرب کوه‌های راکی است.
۴) بعد از این‌که کین به تورنتو برگشت یک کتاب نوشت.
۶۰۷ گزینه (۱) - "کلمه «it» که در پاراگراف ۲ زیرش خط کشیده شده است به سوئیت ماری اشاره دارد."

- ۱) سوئیت ماری ۲) اونتاریو
۳) لیک سوپریور ۴) لیک هوران

۶۰۸ گزینه (۳) - "creative" «ما بزرگسالان نباید ظرفیت هوشمند و خلاق کودکان را نابود کنیم.»

- ۱) نگران ۲) گران
۳) خلاق ۴) مغرور

۶۰۹ گزینه (۴) - "sociable" «بعضی از تحقیقات نشان داده‌اند که افراد بدون برادر و خواهر به نظر کم‌تر اجتماعی هستند.»

- ۱) مربوط به خوشنویسی ۲) زیبا
۳) ترتیبی ۴) اجتماعی

۶۱۰ گزینه (۴) - "painting" «من فکر می‌کنم جو کاملاً دیوانه خواهد شد اگر بفرمید تابلو نقاشی که خریده قلبی است.»

- ۱) انعکاس ۲) هویت
۳) رسم ۴) تابلو نقاشی

۶۱۱ گزینه (۱) - "proud" «پدرم از این مغرور (مفتخر) است که هرگز تصادف نکرده است.»

- ۱) مغرور ۲) خوش مشرب
۳) خسته ۴) هنری

۶۱۲ گزینه (۳) - "worried" «فکرفتن به بیمارستان داشت مادر بیرمن را نگران و افسرده می‌کرد.»

- ۱) سرخوش ۲) متعوج
۳) نگران ۴) بومی

۶۱۳ گزینه (۳) - "discount" «برای تعداد ۲۰ یا بیش‌تر می‌توانیم به شما ۱۰٪ تخفیف ویژه در قیمت بدهیم.»

- ۱) کارگاه ۲) منطقه
۳) تخفیف ۴) محصول

۶۱۴ گزینه (۲) - "depends" «نوع ورزشی که می‌کنیم به آب و هوا و فصل بستگی دارد.»

- ۱) منعکس کردن ۲) بستگی داشتن
۳) خلق کردن ۴) معرفی کردن

۶۱۵. گزینه (۱) - "products" آن مدیر نتوانست متوجه شود چرا محصولاتهای شرکتش خوب فروش نمی‌رود.
۱. محصول‌ها ۲. درآمد‌ها ۳. فرهنگ‌ها ۴. مرجع‌ها
۶۱۶. گزینه (۲) - "appreciate" آن مهمان نمی‌دانست که آیا باید تظاهر کند از غذایی که میزبان برای او درست کرده بود، تقدیر کند (یا خیر).
۱. افزایش دادن ۲. ورزش کردن ۳. آماده کردن ۴. تقدیر کردن
۶۱۷. گزینه (۴) - "weaving" آن خانم جوان هنر سبب بافتن را از مادر بزرگ فقیدش یاد گرفته است.
۱. پیاده‌روی ۲. آهسته دویدن ۳. کار کردن ۴. بافتن
۶۱۸. گزینه (۱) - "valuable" «چک کاشی خطاطی شده با ارزش مادرش را شکست، اما آن را از روی عمد انجام نداد، بنابراین او عصبانی نبود.»
۱. با ارزش ۲. ابریشمی ۳. متنوع ۴. چوبی
۶۱۹. گزینه (۲) - "unique" «ژاپن در بین کشورهای آسیایی خردمندان کردن کارخانه‌هایش منحصربه‌فرد است.»
۱. وسیع ۲. منحصر به فرد ۳. ملی ۴. سرگرم
۶۲۰. گزینه (۲) - "identity" «هویت آن پسر که گم شده بود توسط لباس‌هایی که تن داشت، تأیید شد.»
۱. پویایی ۲. هویت ۳. فعالیت ۴. خیریه
۶۲۱. گزینه (۳) - "diversity" «طبیعی است که تنوع عقاید در هر سازمانی وجود داشته باشد.»
۱. ملیت ۲. ظلم ۳. تنوع ۴. شخصیت
۶۲۲. گزینه (۱) - "income" «درآمد زیاد او این را برای او ممکن می‌سازد تا هر سال به خارج سفر کند.»
۱. درآمد ۲. قاره ۳. لذت ۴. احساس
۶۲۳. گزینه (۲) - "handicraft" «خانم کیردل این هنردستی را زمانی که یک دختر جوان بود یاد گرفته بود و یک متخصص بود.»
۱. شیء ۲. هنردستی ۳. بخت ۴. اشتباه
۶۲۴. گزینه (۲) - "product" «اگر شما محصول ما را با دیگران مقایسه کنید، می‌بینید (محصول) ما در کیفیت خیلی بهتر است.»
۱. کالری ۲. محصول ۳. خلأ ۴. نمونه
۶۲۵. گزینه (۱) - "souvenir" «این ژاکت ابریشمی سوغاتی خوبی از سفر من به دور ایالات متحده خواهد بود.»
۱. سوغاتی ۲. وسیله ۳. کارخانه ۴. دسترسی
۶۲۶. گزینه (۲) - "moral" «او سرانجام احساس کرد این وظیفه اخلاقی او است تا از والدین سالمندش مراقبت کند.»
۱. ذهنی ۲. اخلاقی، معنوی ۳. خیالی ۴. منفی
۶۲۷. گزینه (۱) - "antonym" «من یک بازی را با برادر کوچکم انجام دادم که در آن ما متضاد کلمه‌ای را ارائه می‌دادیم که دیگری می‌گفت، بنابراین وقتی او می‌گفت «نرم» من می‌گفتم «سفت».
۱. متضاد ۲. معنی ۳. مترادف ۴. تشکیل
۶۲۸. گزینه (۳) - "frightened" «وقتی یک خرس بزرگ از داخل غار ظاهر شد، آن‌ها تا حد مرگ ترسیدند و فرار کردند.»
۱. متهم ۲. علاقه‌مند ۳. ترسیده ۴. توانا
۶۲۹. گزینه (۲) - "satisfied" «دوست من از این که برادرش جدیت داشت که خلبان شود، راضی نبود.»
۱. مضر ۲. راضی ۳. مربوط به فناوری ۴. مرتبط
۶۳۰. گزینه (۲) - "charity" «آن موسسه خیریه نامش را از آن شخص که حدود دو میلیون دلار اهدا کرد گرفت.»
۱. اقتصاد ۲. موسسه خیریه ۳. سوغاتی ۴. اثر انگشت
۶۳۱. گزینه (۱) - "expect" «آقای منسون نباید توقع داشته باشد که همه آن نوع موسیقی را که او دوست دارد، دوست داشته باشند.»
۱. توقع داشتن ۲. منتظر بودن ۳. گرفتن ۴. شروع کردن
۶۳۲. گزینه (۳) - "promised" «مایک به خواهرش قول داد که تمام پولی را که از او قرض گرفته بود به او برگرداند.»
۱. جست‌وجو کردن ۲. بخشیدن ۳. قول دادن ۴. تصمیم گرفتن
۶۳۳. گزینه (۲) - "ashamed" «من آآن می‌فهمم که تو راست می‌گفتی، و از این که (حرف) تو را باور نکردم شرمند هستم.»
۱. نامطمئن ۲. سرخوش ۳. درست ۴. شرمند
۶۳۴. گزینه (۲) - "pleasure" «هیچ چیز به جز این که ببیند پسرش رشد می‌کند به او لذت نمی‌بخشید.»
۱. تمرین ۲. لذت، خوشی ۳. قول ۴. ضمیر

۶۱۵. گزینه (۱) - "products" آن مدیر نتوانست متوجه شود چرا محصولاتهای شرکتش خوب فروش نمی‌رود.
۱. محصول‌ها ۲. درآمد‌ها ۳. فرهنگ‌ها ۴. مرجع‌ها
۶۱۶. گزینه (۲) - "appreciate" آن مهمان نمی‌دانست که آیا باید تظاهر کند از غذایی که میزبان برای او درست کرده بود، تقدیر کند (یا خیر).
۱. افزایش دادن ۲. ورزش کردن ۳. آماده کردن ۴. تقدیر کردن
۶۱۷. گزینه (۴) - "weaving" آن خانم جوان هنر سبب بافتن را از مادر بزرگ فقیدش یاد گرفته است.
۱. پیاده‌روی ۲. آهسته دویدن ۳. کار کردن ۴. بافتن
۶۱۸. گزینه (۱) - "valuable" «چک کاشی خطاطی شده با ارزش مادرش را شکست، اما آن را از روی عمد انجام نداد، بنابراین او عصبانی نبود.»
۱. با ارزش ۲. ابریشمی ۳. متنوع ۴. چوبی
۶۱۹. گزینه (۲) - "unique" «ژاپن در بین کشورهای آسیایی خردمندان کردن کارخانه‌هایش منحصربه‌فرد است.»
۱. وسیع ۲. منحصر به فرد ۳. ملی ۴. سرگرم
۶۲۰. گزینه (۲) - "identity" «هویت آن پسر که گم شده بود توسط لباس‌هایی که تن داشت، تأیید شد.»
۱. پویایی ۲. هویت ۳. فعالیت ۴. خیریه
۶۲۱. گزینه (۳) - "diversity" «طبیعی است که تنوع عقاید در هر سازمانی وجود داشته باشد.»
۱. ملیت ۲. ظلم ۳. تنوع ۴. شخصیت
۶۲۲. گزینه (۱) - "income" «درآمد زیاد او این را برای او ممکن می‌سازد تا هر سال به خارج سفر کند.»
۱. درآمد ۲. قاره ۳. لذت ۴. احساس
۶۲۳. گزینه (۲) - "handicraft" «خانم کیردل این هنردستی را زمانی که یک دختر جوان بود یاد گرفته بود و یک متخصص بود.»
۱. شیء ۲. هنردستی ۳. بخت ۴. اشتباه
۶۲۴. گزینه (۲) - "product" «اگر شما محصول ما را با دیگران مقایسه کنید، می‌بینید (محصول) ما در کیفیت خیلی بهتر است.»
۱. کالری ۲. محصول ۳. خلأ ۴. نمونه

۶۳۵ گزینۀ (۴) - "tired" «من می‌توانستم کمی بیش‌تر بمانم، اما داشتم

خسته می‌شدم، بنابراین تصمیم گرفتم بروم.»

① خوشحال ② سخاوتمند

③ محبوب ④ خسته

۶۳۶ گزینۀ (۲) - "prize" «مادر تریزا از پولی که به عنوان جایزه دریافت کرد

برای کارش در هند و سرتاسر دنیا استفاده کرد.»

① فروشگاه ② جایزه

③ کادو، هدیه ④ درآمد

۶۳۷ گزینۀ (۳) - "pass" «تام بیش‌ترین تلاشی را که می‌توانست انجام

داد، اما هنوز قادر نبود در آن دورۀ آموزشی قبول شود.»

① محدود کردن ② اهمیت دادن

③ قبول شدن ④ دزدیدن

۶۳۸ گزینۀ (۲) - «برادرم می‌خواست زود بیدار شود تا به اولین اتوبوس برسد.»

توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا want) مصدر با to به کار

می‌رود. در ضمن برای بیان هدف (این‌که چرا کاری را انجام داده‌ایم)

نیز از مصدر با to استفاده می‌کنیم.

۶۳۹ گزینۀ (۳) - «اگر همسر مایک آن غذای ایتالیایی را بپزد، آن‌ها ممکن

است دوستانشان را برای شام دعوت کنند.»

توضیح: در جمله‌های شرطی نوع اول یک طرف جمله (جمله شرط)

به زمان حال ساده، و طرف دیگر جمله (جمله نتیجه شرط) به زمان

آینده بیان می‌شود. در این جمله چون فاعل جمله شرط یعنی

(Mike's wife) سوم شخص مفرد است، باید به انتهای فعل «s»

سوم شخص مفرد اضافه شود. دقت کنید که در این‌جا در جمله

نتیجۀ شرط به جای «will» از «may» استفاده شده است.

۶۴۰ گزینۀ (۴) - «مری تصمیم گرفته است دنبال یک کار جدید بگردد، زیرا

از شغل کنونی‌اش خسته شده است.»

توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا decide) مصدر با to به کار

می‌رود. در ضمن قسمت سوم فعل می‌تواند به عنوان صفت در جمله

به کار رود که جای آن بعد از فعل «be to» (در این‌جا is) می‌باشد.

۶۴۱ گزینۀ (۱) - «من و برادرم برنامه داریم وارد یک دانشگاه خوب شویم. ما

واقعاً از سخت درس خواندن لذت می‌بریم.»

توضیح: بعد از «plan» حرف اضافه «for» به کار می‌رود. در ضمن

بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا enjoy) اسم مصدر (ing + فعل)

به کار می‌رود.

۶۴۲ گزینۀ (۲) - «پلیس توقع داشت که مردم هر چه زودتر ساختمان را ترک

کنند، اما بسیاری از مردم هنوز داخل هستند.»

توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا expect) مصدر با to به

کار می‌رود. در ضمن فعل جمله دوم «are» است و فاعل آن باید

جمع باشد. پس فقط گزینۀ (۲) درست است.

۶۴۳ گزینۀ (۴) - «من مجبورم از خواهر کوچکم مراقبت کنم اگر مادرم بعد از

ظهر بیرون برود.»

توضیح: فعل مرکب «look after» یعنی «مراقبت کردن از» در

ضمن این جمله یک جمله شرطی است و چون فاعل جمله شرط،

سوم شخص مفرد است باید به انتهای فعل آن «s» سوم شخص

مفرد اضافه شود.

۶۴۴ گزینۀ (۴) - «آن پروفیسور ژاپنی به همه دانشجویها قول داد درباره پختن

غذای سنتی صحبت کند.»

توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا promise) مصدر با to

به کار می‌رود. در ضمن بعد از حروف اضافه (در این‌جا about) اسم

مصدر (ing + فعل) به کار می‌رود.

۶۴۵ گزینۀ (۱) - «آن روستایی از دیدن یوزپلنگ شوکه شد. آن در حال

خوردن گوسفندانش بود.»

توضیح: بعد از بعضی از صفت‌ها (در این‌جا shocked) مصدر با

to به کار می‌رود. در ضمن بعد از «was / were» فعل یدار قرار

می‌گیرد (زمان گذشته استمراری).

۶۴۶ گزینۀ (۲) - «من از آن‌چه تو انجام دادی غافلگیر شدم! ما از تو توقع

داشتیم در ملاعام آن‌طور رفتار نکنی.»

توضیح: قسمت سوم فعل می‌تواند به عنوان صفت در جمله به کار

برود که جای آن بعد از فعل «to be» می‌باشد. پس یکی از دو گزینۀ

(۲) یا (۳) درست هستند. در ضمن بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا

expect) مصدر با to به کار می‌رود.

۶۴۷ گزینۀ (۳) - «اگر نمی‌توانی تکلیفت را انجام دهی باید درخواست کمک

بکنی.»

توضیح: در این جمله شرطی با توجه به معنی و ساختار، فقط گزینۀ

(۳) کامل‌کننده جمله است.

۶۴۸ گزینۀ (۲) - «مaman من از هر روز آشپزی کردن خسته است. او به کمی

استراحت نیاز دارد.»

توضیح: بعد از «tired» حرف اضافه «of» به کار می‌رود. در ضمن

بعد از «need» مصدر با to می‌آید.

۶۴۹ گزینۀ (۱) - «اگر عمو جیم من دوباره تماس بگیرد، من همه چیز را در

مورد تصادف به او خواهم گفت.»

توضیح: در جمله‌های شرطی نوع اول یک طرف جمله (جمله شرط)

به زمان حال ساده، و طرف دیگر جمله (جمله نتیجه شرط) به زمان

آینده بیان می‌شود. در این جمله چون فاعل جمله شرط یعنی

(my Uncle Jim) سوم شخص مفرد است، باید به انتهای فعل «s»

سوم شخص مفرد اضافه شود.

گزینه (۱) - کدام جمله از نظر گرامری درست است؟ «تو باید سعی کنی پیترآ نخوری.»

توضیح: شکل درست جمله‌های دیگر به صورت زیر است:

(۲) I have studied English since seven.

(۳) Where can we meet that artist?

(۴) We may buy it if we have money.

گزینه (۲) - کدام جمله از نظر گرامری نادرست است؟ «اگر او به خانه بیاید، ما با هم به خرید خواهیم رفت.»

توضیح: در این جمله از آن جایی که فاعل یعنی «she» سوم شخص مفرد است باید فعل «come» به صورت «comes» باشد.

گزینه (۱) - کدام جمله از نظر گرامری نادرست است؟ «آن صنعتگرها آثار هنری زیبایی زیادی درست می‌کنند.»

توضیح: در این جمله، فاعل یعنی «craftsmen» جمع است ولی در انتهای فعل «s» سوم شخص مفرد دارد، برای درست شدن جمله یا باید فاعل به شکل مفرد یعنی «craftsman» باشد یا «s» سوم شخص مفرد از انتهای فعل حذف شود.

گزینه (۴) - کدام جمله از نظر گرامری درست است؟ «آیا مشکلی ندارد آن پنجره را باز کنیم؟»

توضیح: شکل درست گزینه‌های دیگر به صورت زیر است:

(۱) I am tired of working every Friday.

(۲) Working in this workshop makes me satisfied.

(۳) If he masters English, he can teach it here.

گزینه (۳) - «چرا همسایه شما آن فرش ابریشمی را بافته است؟» تا آن را به گردشگرها بفروشد.

توضیح: در زمان ماضی نقلی (حال کامل) بعد از «has/have» شکل قسمت سوم فعل به کار می‌رود. پس یکی از دو گزینه (۲) یا (۳) می‌توانند درست باشند. برای بیان هدف نیز از مصدر یا to استفاده می‌کنیم، در نتیجه فقط گزینه (۳) درست است.

گزینه (۴) - «اگر بخواهم راستش را به شما بگویم، من تعداد دفعات زیادی سعی کرده‌ام خوش‌نویسی یاد بگیرم. این (کار) واقعاً برای من سخت است.»

توضیح: عبارت «To be honest with you» را به خاطر بسپارید. بعد از بعضی از فعل‌ها (در این جا attempt) مصدر یا to به کار می‌رود. پس فقط گزینه (۴) درست است.

گزینه (۲) - «آیا مهم است درآمد بالایی داشته باشیم؟» «بله، داشتن درآمد بالا مهم است.»

توضیح: بعد از بعضی از صفت‌ها (در این جا important) مصدر یا to به کار می‌رود. اسم مصدر (ing + فعل) نیز می‌تواند به عنوان فاعل جمله به کار برود، در نتیجه فقط گزینه (۲) درست است.

گزینه (۲) - کدام جمله از نظر گرامری نادرست است؟ «معلم ما در مورد خلق اثر هنری صحبت کرد.»

توضیح: بعد از حروف اضافه (در این جا about) اسم مصدر (ing + فعل) به کار می‌رود. پس باید فعل «create» به صورت «creating» باشد.

انگلیسی یازدهم

English 11

سیرتاپاز

تکنیک‌های خواندن متن 9

روش پاسخ دادن به سؤال‌ها

Cloze Tests
&
Reading Passages

Reading Comprehension

تکنیک‌های خواندن متن درک مطلب

Reading Comprehension

مقدمه: از دو تکنیک Scanning و Skimming برای خواندن متن‌ها و پاسخ دادن به سؤال‌های آن‌ها استفاده می‌شود. این دو تکنیک برای خواندن سریع متن و درک آن از طریق حرکت سریع چشم و یافتن کلمات کلیدی هستند، اما هدف این دو تکنیک کمی متفاوت است. Skimming به سرعت خواندن است تا به «نمایی کلی از مطالب» دست بیابیم. Scanning به سرعت خواندن است تا «حقایق خاصی» را پیدا کنیم. در حالی که Skimming به شما می‌گوید که «اطلاعات کلی» درون یک بخش چه چیزی است، Scanning کمک می‌کند تا یک «واقعیت خاص» را پیدا کنید.

Scanning

کاربرد: از تکنیک Scanning برای یافتن حقایق و مطالب خاص مانند اسم افراد، مکان‌ها، اعداد و عبارات‌های مهم استفاده می‌کنیم. گاهی اوقات وقتی که متن طولانی می‌شود، مطالب جزئی‌تر در متن مخفی می‌شوند و نمی‌توان آن‌ها را با Skim کردن پیدا کرد، در نتیجه باید بیش‌تر به جزئیات توجه کرد.

برای Scan کردن مراحل زیر را انجام دهید:

- ۱- بدانید که دنبال چه چیزی هستید. چند کلمه کلیدی یا عبارات مشخص را جست‌وجو کنید.
- ۲- هر بار فقط دنبال یک کلمه کلیدی باشید. اگر چند کلمه کلیدی را جست‌وجو می‌کنید، متن را چند بار Scan کنید.
- ۳- چشم‌های خود را سریع روی متن حرکت دهید، هر جا اطلاعات مورد نظر را یافتید، توقف کنید و جمله‌های اطراف آن را کامل و با دقت بخوانید.

تکلیف: معمولاً از روش Scanning برای پاسخ دادن به سؤال‌های درک مطلب استفاده می‌کنیم. برای این کار باید نکته‌های زیر را به خاطر بسپارید:

- ۱) ابتدا هر سؤال را کامل و دقیق بخوانید و کلمه‌های کلیدی را از داخل آن بیابید.
- ۲) در هر دفعه Scan کردن به دنبال یک مطلب باشید. برای هر سؤال Scan جداگانه انجام دهید.
- ۳) هرگاه کلمه کلیدی را پیدا کردید، باید جمله‌های اطراف را بخوانید تا ببینید مرتبط است یا خیر.
- ۴) دوباره سؤال را بخوانید تا متوجه شوید مطلبی را که پیدا کرده‌اید، پاسخ سؤال هست یا خیر.

Skimming

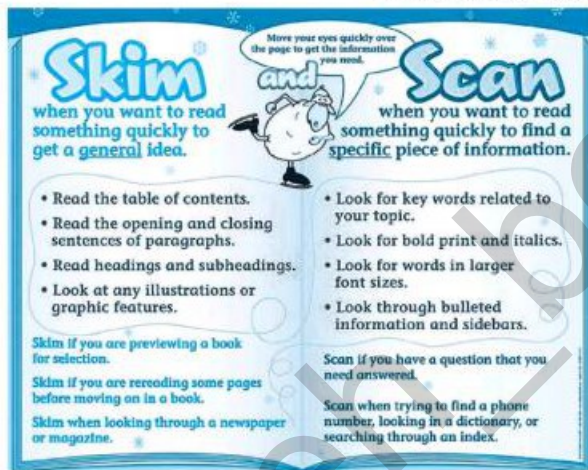
کاربرد: از تکنیک Skimming در پیش مطالعه، مرور مطالب، یافتن «ایده اصلی» یعنی همان «Main Idea» و یافتن منبع برای پژوهش و تحقیق (معمولاً در متن‌های طولانی که نمی‌خواهیم آن‌ها را بخوانیم) استفاده می‌کنیم. با استفاده از این روش در مدت زمانی کوتاه می‌توانیم به مطالب جامعی دست بیابیم.

در سؤال‌های درک مطلب نیز از این تکنیک استفاده می‌کنیم. در این تکنیک همه کلمه‌ها را نمی‌خوانیم و بیش‌تر جمله اول و دوم هر پاراگراف (و گاهی اوقات جمله آخر) آن را می‌خوانیم.

در این روش مراحل زیر را انجام دهید:

- ۱- عنوان متن را بخوانید.
- ۲- به تصویرها، نمودارها و جدول‌ها نگاه کنید.
- ۳- به دنبال کلمه‌های کلیدی در پاراگراف باشید.
- ۴- هر جا به مطلب مورد نظر رسیدید، توقف کنید و جمله یا جمله‌های مربوطه را کامل و دقیق بخوانید.
- ۵- اگر در انتهای کار، خلاصه مطلب آورده شده است، آن را نیز بخوانید.

- تکنیک** اگرچه Skim کردن متن برای دست‌یابی سریع به اطلاعات است، اما باید در موارد زیر سرعت را کم کنیم:
- ۱) وقتی که در حال Skim کردن پاراگراف ابتدایی و انتهایی (خلاصه مطلب) هستیم.
 - ۲) وقتی که در حال Skim کردن Main Idea هستیم.
 - ۳) وقتی که به یک کلمه ناآشنا برخورد می‌کنیم.
 - ۴) وقتی که کل مطلب خیلی پیچیده و درک آن دشوار است.



پیدا کردن مرجع ضمیر

برای پیدا کردن مرجع ضمیر باید ابتدا جدول زیر را به خاطر بسپارید و ضمیرها را بشناسید. به جدول زیر دقت کنید.

he, she, it, they	ضمیرهای فاعلی
him, her, it, them	ضمیرهای مفعولی
his, hers, theirs	ضمیرهای ملکی
this, that, these, those	ضمیرهای اشاره
himself, herself, itself, themselves	ضمیرهای انعکاسی
who, which, whose, whom, that, where, when	ضمیرهای موصولی
his, her, its, their	صفت‌های ملکی

روش پیدا کردن مرجع ضمیر:

- ۱- ابتدا جمله‌ای که ضمیر در آن قرار دارد را بخوانید. سپس جمله قبل از آن را بخوانید.
- ۲- در جمله‌های قبلی دنبال اسم یا یک گروه اسمی باشید که از نظر مقرر یا جمع بودن، مذکر یا مؤنث بودن و ... با ضمیری که پیدا کرده‌اید مطابقت داشته باشد.
- ۳- در انتها، گزینه‌ها را بخوانید. در صورتی که به نظر شما یک گزینه درست است، آن را به جای ضمیری که در متن، زیرش خط کشیده شده است، قرار دهید. اگر معنی جمله منطقی است، پاسخ درست، همان گزینه است.

تکنیک سؤال‌هایی که برای پیدا کردن مرجع ضمیر مطرح می‌شود به صورت زیر هستند:

کلمه به چه چیزی اشاره دارد؟
What does the word '.....' refer to?

..... / in line
What does the underlined word in paragraph refer to?

در پاراگراف / در خط کلمه‌ای که زیرش خط کشیده شده است به چه چیزی اشاره دارد؟

مثال:

Art is what people create with imagination and skill. As a part of culture, it shows the way of life and identity of a nation and reflects the history of a society. In fact, the history of humankind is the history of art. If we want to know a country or a nation well, we should study its art.

What does the underlined word 'it' refer to?

- ① Art ② imagination ③ skill ④ culture



۱۶۹

- ۱- ابتدا جمله‌ای که ضمیر در آن قرار دارد را می‌خوانیم.
 - ۲- سپس در جمله قبلی دنبال اسم یا گروه اسمی می‌گردیم که با it (آن) مطابقت داشته باشد. این کلمه می‌تواند یکی از این اسم‌های مفرد زیر باشد که به صورت چهار گزینه داده شده‌اند: Art, imagination, skill, part, culture.
 - ۳- در انتها، هر کدام از این اسم‌ها را به جای it قرار می‌دهیم و جمله را معنی می‌کنیم.
- معنی جمله:** هنر چیزی است که افراد با قوه تخیل و مهارت خلق می‌کنند. آن، به عنوان بخشی از فرهنگ، روش زندگی و هویت یک ملت را نشان می‌دهد و تاریخ یک جامعه را منعکس می‌کند.
- در این جمله بهترین گزینه جایگزین که دارای معنی «منطقی» است کلمه Art یعنی گزینه (۱) است.

تک‌ظرفی

انواع سؤال‌های درک مطلب

برای درک یک متن باید همیشه از دو روش Scanning و Skimming استفاده کرد. اما علاوه بر تکنیک‌های بالا که در کتاب درسی ذکر شده است، شناختن انواع سؤال‌ها نیز برای پیدا کردن پاسخ مهم است. انواع سؤال‌هایی که می‌توانند در تست‌های درک مطلب مطرح شوند به صورت زیر هستند:

نوع اول: سؤال مربوط به «پیدا کردن مرجع ضمیر»

در این سؤال، معمولاً سؤال مطرح شده به صورت یکی از جمله‌های زیر است:

کلمه به چه چیزی اشاره دارد؟
 ➤ What does the word '.....' refer to?

➤ What does the underlined word in paragraph / in line refer to?

در پاراگراف / در خط کلمه‌ای که زیرش خط کشیده شده است به چه چیزی اشاره دارد؟

طریقه پاسخگویی: این روش همراه مثال در بالا به طور کامل توضیح داده شد.

نوع دوم: سؤال مربوط به «جزئیات متن» (سؤال‌های واضح و بیان‌شده در متن)

این نوع سؤال معمولاً به صورت زیر مطرح می‌شود:

نویسنده ذکر می‌کند / بیان می‌کند که
 ➤ The writer mentions / states that

بر اساس متن، درست نیست که
 ➤ According to the passage, it is NOT true that

➤ All of the following are mentioned in the passage EXCEPT

همه موارد زیر به جز در متن بیان می‌شوند.

این درست / نادرست است که
 ➤ It is TRUE / FALSE that

کدام یک بر اساس متن درست است / درست نیست؟
 ➤ Which one is true / NOT true according to the passage?

متن می‌گوید
 ➤ The passage says

طریقه پاسخگویی: این سؤال‌های جزئی معمولاً مربوط به یک پاراگراف خاص از متن هستند و پاسخ آن‌ها به طور آشکار و واضح در متن بیان شده است. ابتدا با روش Skimming، آن پاراگراف را پیدا کنید. سپس کلمه‌های کلیدی را پیدا کرده و متن را با روش Scanning بخوانید. گزینه‌های نامربوط را حذف کنید و در انتها پاسخ درست را پیدا کنید.



A visit to Scotland often starts in Edinburgh, the capital city of Scotland. Edinburgh is an old city with many important and interesting buildings. After London, Edinburgh is the second city for visitors in Britain.

If you come to Edinburgh by train from the south, the first thing you see when you leave Waverley Station is Edinburgh Castle. It stands high over the city.

Edinburgh is a hilly city but it is a good city to visit. After the castle, you can visit more of the Old Town.

You can look at the shops on Princes Street in the New Town. Near Princes Street is Charlotte Square that is very beautiful. There is also the National Gallery of Scotland, with pictures from Scotland and from many other countries too.

In August, you can see the Edinburgh Festival, the biggest festival in the world with hundreds of different things to do and see.

All of the following are mentioned in the passage EXCEPT that

- ① Edinburgh is one of the most popular cities in Scotland
- ② the biggest festival in the world is held in Edinburgh
- ③ you have to take a train if you want to visit Edinburgh
- ④ you can see pictures from Scotland in the National Gallery



همه موارد زیر به جز در متن ذکر شده‌اند.

- ① ادینبرا یکی از محبوب‌ترین شهرهای اسکاتلند است
 - ② اگر شما بخواهید از ادینبرا بازدید کنید مجبورید قطار سوار شوید
 - ③ بزرگ‌ترین فستیوال دنیا در ادینبرا برگزار می‌شود
 - ④ شما می‌توانید تصویرهایی از اسکاتلند را در گالری ملی ببینید
- برای پیدا کردن پاسخ به صورت زیر عمل می‌کنیم:
- ۱- از آن جایی که پاراگراف‌ها کوتاه هستند، پس سؤال مربوط به کل متن است.
- ۲- ابتدا هر پاسخ را می‌خوانیم و کلمه‌های کلیدی آن را به خاطر می‌سپاریم، زیرا همان‌طور که قبلاً اشاره شد در هر دفعه Scan باید به دنبال یک مطلب باشیم.
- ۳- بعد از Scan کردن، هر جمله را که با متن مغایرت داشت، به عنوان پاسخ درست انتخاب می‌کنیم.
- بر اساس سؤال، به دنبال گزینه‌ای هستیم که در متن بیان نشده است. پس گزینه‌ها را یک به یک بررسی می‌کنیم.
- گزینه (۱)
- در ابتدای متن به جمله زیر می‌رسیم.

After London, Edinburgh is the second city for visitors in Britain.

ادینبرا بعد از لندن دومین شهر برای بازدیدکنندگان بریتانیا است.

پس گزینه (۱) که می‌گوید «ادینبرا یکی از شهرهای محبوب در اسکاتلند است»، نمی‌تواند پاسخ درست باشد.

• گزینه (۲)

در انتهای متن می‌خوانیم:

In August, you can see the Edinburgh Festival, the biggest festival in the world ...

در آگوست، شما می‌توانید فستیوال ادینبرا، بزرگ‌ترین فستیوال دنیا را ببینید ...

پس گزینه (۲) هم که می‌گوید «بزرگ‌ترین فستیوال دنیا در ادینبرا برگزار می‌شود»، نمی‌تواند پاسخ درست باشد.

● گزینه (۳)

در وسط متن به این جمله می‌رسیم:

If you come to Edinburgh by train from the south, ...

اگر از جنوب با قطار به ادینبرا می‌آیید ...

با توجه به این جمله می‌توان دریافت که راه‌های دیگری هم برای رسیدن به این شهر وجود دارند، پس گزینه (۳) که می‌گوید «اگر شما می‌خواهید از ادینبرا بازدید کنید مجبورید قطار سوار شوید»، پاسخ درست است.

● گزینه (۴)

در نزدیکی انتهای متن می‌خوانیم:

There is also the National Gallery of Scotland, with pictures from Scotland and ...

هم چنین گالری ملی اسکاتلند با تصویرهایی از اسکاتلند و ... وجود دارد.

پس گزینه (۴) که می‌گوید «شما می‌توانید تصویرهایی از اسکاتلند را در گالری ملی ببینید» نیز نمی‌تواند پاسخ درست باشد.

نوع سوم: سؤال مربوط به «عنوان یا ایده اصلی»

این سؤال یکی از سؤال‌های مهم و چالش برانگیز بسیاری از آزمون‌های تستی می‌باشد. معمولاً سؤال مطرح شده یکی از موارد زیر است:

➡ The passage is mainly about متن عمدتاً در مورد است.

➡ What does the passage mainly discuss? متن عمدتاً در مورد چه چیزی بحث می‌کند؟

➡ The passage mainly deals with متن عمدتاً مربوط به است.

➡ What does paragraph mainly discuss? پاراگراف در مورد چه چیزی بحث می‌کند؟

➡ What is the best title for the passage? بهترین عنوان برای متن چیست؟

طریقه پاسخگویی: همان‌طور که در اکثر سؤال‌ها می‌بینید، کلمه **mainly** (عمدتاً) وجود دارد، پس برای پاسخگویی به سراغ **main idea** که معمولاً در جمله اول پاراگراف است می‌رویم. اگر متن بیش از یک پاراگراف داشت، جمله اول پاراگراف دوم را نیز بخوانید. دقت داشته باشید که بعضی از نویسنده‌ها **main idea** را در آخرین جمله پاراگراف بیان می‌کنند، پس توصیه می‌شود جمله آخر را هم بخوانید. گاهی اوقات نیز باید کل متن را بخوانید و ببینید جمله‌های اصلی و پرتکرار بیش‌تر مربوط به چه موضوعی هستند.

● مثال

Mr. Tripp is a radio announcer who stayed awake as a test. He was helping scientists find out what happens to people who go without sleep for a long time. After the test, he slept for 13 hours and 13 minutes. But he was still tired when he woke up. Doctors said that he was still unable to think clearly.

The text is mainly about

- ① the lazy Mr. Tripp
- ② the life of a radio announcer
- ③ staying awake for science
- ④ people who sleep well

● پاسخ

معنی جمله: آقای تریپ یک خبرنگار رادیویی است که به عنوان یک آزمایش بیدار می‌ماند. او به دانشمندان کمک کرد تا بفهمند که برای افرادی که به مدت طولانی نمی‌خوابند، چه اتفاقی می‌افتد. پس از آزمایش او برای ۱۳ ساعت و ۱۳ دقیقه خوابید. اما وقتی از خواب بیدار شد، هنوز خسته بود. پزشکان گفتند که او هنوز نمی‌تواند به وضوح فکر کند.

● در دو جمله اول متوجه می‌شویم که آقای تریپ برای کمک به دانشمندان بیدار مانده است، پس فقط گزینه (۳) می‌تواند درست باشد.

نوع چهارم: سؤال مربوط به «منظور و هدف نویسنده»

در این نوع سؤال‌ها باید منظور نویسنده متن از بیان یک کلمه، عبارت یا پاراگراف را تشخیص دهیم. این نوع سؤال‌ها معمولاً به صورت زیر مطرح می‌شوند:

⇒ Why does the author / writer discuss ?

چرا نویسنده در مورد بحث می‌کند؟

⇒ Why does the author / writer use the word ?

چرا نویسنده واژه را مورد استفاده قرار می‌دهد؟

⇒ Why does the author / writer compare to ?

چرا نویسنده را با مقایسه می‌کند؟

⇒ Why does the author / writer mention in paragraph ?

چرا نویسنده را در پاراگراف ذکر می‌کند؟

⇒ The author mentions in order to

نویسنده را بیان می‌کند، زیرا

طریقه پاسخگویی: همان‌طور که در سؤال‌ها می‌بینید کلمه پرسشی Why (چرا) و عبارت in order to (زیرا) استفاده شده است. پس برای پاسخ دادن به این سؤال‌ها باید متن را Scan کنید و به دنبال دلیل و منظور نویسنده باشید.

مثال:

The rain in Cherrapunji usually falls at night. During the day, it is often warm and sunny, but remember to pack an umbrella. The weather can always change.

In the last sentences of the passage, the writer seems to be

- ① advertising something
- ② giving a sort of warning
- ③ referring to a negative feature of Cherrapunji
- ④ introducing another interesting thing about Cherrapunji

پاسخ:

معنی جمله: باران در چراپونجی معمولاً در شب می‌بارد. در طول روز اغلب هوا گرم و آفتابی است، اما به خاطر داشته باشید که یک چتر (در بین وسایل خود) بسته‌بندی کنید. هوا همیشه می‌تواند تغییر کند.

در جمله آخر متن، به نظر می‌رسد نویسنده

① چیزی را تبلیغ می‌کند

② نوعی هشدار می‌دهد

③ به جنبه‌ای منفی از چراپونجی اشاره می‌کند

④ چیز جالب دیگری را از چراپونجی معرفی می‌کند

با توجه به این که این جمله‌ها، جمله‌های آخر متن هستند، با Scan کردن سریع آن‌ها را پیدا می‌کنیم. چهار گزینه را می‌خوانیم.

• همان‌طور که می‌بینید هیچ اثری از تبلیغ چراپونجی نیست، پس گزینه (۱) نادرست است.

• از آن‌جا که نویسنده توصیه می‌کند که همراه خود چتر داشته باشید، پس گزینه (۲) درست است. (نوعی هشدار)

• در این‌جا درمی‌یابیم که نویسنده باران در طول روز را جنبه‌ای منفی از چراپونجی نمی‌داند، بلکه به عنوان یک هشدار برای خواننده بیان می‌کند. پس گزینه (۳) نیز نادرست است.

• در ضمن نویسنده، بارش باران در طول روز را یک جنبه جالب از شهر نمی‌داند که بخواهد آن را معرفی کند. فقط با کلمه remember (به خاطر داشته باشید) به ما هشدار می‌دهد. در نتیجه گزینه (۴) نیز نادرست است.

نوع پنجم: سؤال مربوط به «استنباط از متن»

این سؤال‌ها که نوعی از سؤال‌های سخت هستند، وقت‌گیر نیز می‌باشند. پس دقت کنید که باید وقت زیادی را صرف پاسخ دادن به این نوع سؤال‌ها کنید. توصیه می‌شود به این نوع سؤال در انتهای کار پاسخ دهید. معمولاً سؤال‌های مطرح‌شده از این نوع، به صورت زیر هستند:

- ⇒ It can be understood from the passage that از متن می‌توان متوجه شد که
- ⇒ We understand from the passage that ما از متن متوجه می‌شویم که
- ⇒ The writer believes that نویسنده عقیده دارد که
- ⇒ The passage suggests that متن پیشنهاد می‌کند که
- ⇒ It is most likely that احتمالاً این است که
- ⇒ The passage implies that متن به طور ضمنی اشاره می‌کند که
- ⇒ The passage points out that متن اشاره می‌کند که
- ⇒ The writer infers that نویسنده استنباط می‌کند که
- ⇒ It can be concluded from the passage that از متن می‌توان نتیجه گرفت که

طریقه پاسخگویی: سؤال را خوب بخوانید و کلمه‌های کلیدی آن را بیابید. از آن‌جا که پاسخ باید استنباط نویسنده باشد، نه دقیقاً کلمه‌های داخل متن، پس گزینه‌هایی را که عیناً مانند عبارت‌های متن هستند حذف کنید. سعی کنید جمله‌ها را خوب بخوانید و استنباط نویسنده را از داخل کلمه‌ها بیرون بکشید.

مثال:

Dr. Martin Luther King, Jr. was born in Atlanta, Georgia in the United States in 1929. At that time in America, black people didn't have equal rights with white people. Black people's lives were not very good. Martin Luther King, Jr. wanted equal rights for all people. Many black people liked him. One day, more than 200,000 people went to Washington D.C. to listen to him speak.

Because of Martin Luther King, Jr., many laws began to change in the United States. But many white people disagreed with him and his ways. In 1968, a white man killed Martin Luther King, Jr.

Every year on the third Monday of January, Americans remember Martin Luther King, Jr. They try to remember how much America has changed. And they think about how much more America should change in the future.

It can be concluded from the passage that Martin Luther King

- ① died young
- ② had a happy life
- ③ had a mental problem
- ④ didn't like Americans

پاسخ:

از متن می‌شود نتیجه گرفت که مارتن لوتر کینگ

- ① جوان از دنیا رفت
 - ② زندگی شادی داشت
 - ③ مشکل ذهنی داشت
 - ④ آمریکایی‌ها را دوست نداشت
- با توجه به تاریخ تولد او (۱۹۲۹) و تاریخ کشته شدن او توسط یک سفید پوست (۱۹۶۸) می‌توان استنباط کرد که او «جوان از دنیا رفته است»، در نتیجه گزینه (۱) درست است.
- گزینه (۲) نادرست است، زیرا در متن می‌خوانیم:

Black people's lives were not very good.

زندگی مردم سیاه خیلی خوب نبود.

• گزینه (۳) نیز نمی‌تواند درست باشد، زیرا در متن می‌خوانیم:

Many black people liked him. One day, more than 200,000 people went to Washington D.C. to listen to him speak.

تعداد زیادی سیاه پوست او را دوست داشتند. یک روز بیش از ۲۰۰,۰۰۰ نفر به واشنگتن رفتند تا به صحبت‌های او گوش کنند. قاعدتاً اگر کسی مشکل ذهنی داشته باشد این همه جمعیت به سخنانش گوش نخواهند کرد!

• گزینه (۴) هم از متن استنباط نمی‌شود، زیرا می‌خوانیم:

Martin Luther King, Jr. wanted equal rights for all people.

مارتین لوتر کینگ برای همه مردم حقوق مساوی می‌خواست.

نوع هشتم: سؤال مربوط به «معنی واژه و کلمه»

در این نوع سؤال مترادف یا معنی یک کلمه از داخل متن از شما پرسیده می‌شود. به این صورت که در متن، زیر یک کلمه خط کشیده شده و در سؤال مترادف یا نزدیک‌ترین معنی به آن کلمه خواسته شده است. این نوع سؤال‌ها معمولاً به صورت زیر مطرح می‌شوند:

➤ The word in line refers to

واژه در خط به اشاره دارد.

➤ The word means

واژه به معنی است.

➤ The underlined word in paragraph means

واژه در پاراگراف که زیرش خط کشیده شده است یعنی

➤ The underlined word in paragraph is closest in meaning to

واژه‌ای که در پاراگراف زیرش خط کشیده شده است، نزدیک‌ترین معنی را به دارد.

طریقه پاسخگویی: برای این کار باید معنی واژه مورد نظر را از کلمه‌های قبل و بعد از آن حدس بزنیم. در این مواقع معمولاً کلمه مورد نظر با استفاده از کلمه‌های بعدی آن تعریف شده یا به یک صورت دیگر بیان شده است.

مثال:

The dramatic, almost theatrical tone, the intensity of the repetition, and the hypnotic rhythm reflect the narrator's hopeless state of mind. When read aloud, it produces a powerful effect.

The word 'state' in the last line is closest in meaning to

① condition

② production

③ celebration

④ disappearance

پاسخ:

معنی جمله: لحن دراماتیک، تقریباً تئاترگونه، شدت تکرار و ریتم هیپنوتیزم‌گونه، وضعیت ناامید ذهن راوی را منعکس می‌کند. وقتی با صدای بلند خوانده می‌شود، تأثیر قدرتمندی ایجاد می‌کند.

بهتر است برای پیدا کردن پاسخ، در این عبارت ... the narrator's hopeless state of mind به جای state واژه‌های موجود در گزینه‌ها را جایگزین کنیم تا ببینیم همراه کلمه‌های قبل و بعد از آن معنا دارد یا خیر.

• گزینه (۱): وضعیت ناامید ذهن راوی ...

• گزینه (۲): تولید ناامید ذهن راوی ...

• گزینه (۳): جشن ناامید ذهن راوی ...

• گزینه (۴): ناپدید شدن ناامید ذهن راوی ...

پس گزینه (۱) درست است.

تکنیک پاسخ دادن به سوال های (Cloze Test)

برای پاسخ دادن به این نوع سوال ها، ابتدا متن را بدون در نظر گرفتن جاهای خالی بخوانید تا مفهوم کلی را درک کنید. برای بار دوم متن را با سرعت کمتری بخوانید و سعی کنید از بین گزینه های داده شده پاسخ درست را پیدا کنید. دقت کنید که باید یک جمله را به طور کامل بخوانید، یعنی وقتی به نقطه چین رسیدید خواندن را متوقف نکنید و جمله را تا آخر ادامه دهید. سعی کنید از کلمه های قبل و بعد از نقطه چین کمک بگیرید. از روش حذف گزینه نیز استفاده کنید.

مثال: دقت داشته باشید که گاهی اوقات، باید پاسخ را بر اساس قواعد دستوری انتخاب کنید که در این صورت معنی کلمه ها و جمله به طور صد درصد به شما کمک نخواهد کرد، بلکه باید با استفاده از دانش گرامری خود، پاسخ درست را انتخاب کنید.

مثال:

People who want to travel to very (1) places should take a plane. It is more comfortable, but not very safe. A pilot will (2) the plane from an airport for many thousands of miles to take people to places far away.

- | | | | |
|-------------|-------|---------|---------|
| 1. ① cold | ② far | ③ weak | ④ good |
| 2. ① travel | ② fly | ③ visit | ④ check |

پاسخ:

ابتدا بدون توجه به جاهای خالی متن را می خوانیم و متوجه می شویم که متن در مورد «مسافرت با هواپیما» است. در سوال (1) بیان می شود «افرادی که به جاهای خیلی مسافرت می کنند. باید هواپیما سوار شوند». حال هر یک از گزینه ها را در نقطه چین قرار می دهیم و جمله را معنی می کنیم.

- گزینه (1) سرد • گزینه (2) دور • گزینه (3) ضعیف • گزینه (4) خوب

با توجه به معنی جمله پاسخ درست گزینه (2) است. در سوال (2) نیز می خوانیم «خلبان هواپیما را از فرودگاه برای هزاران مایل تا مردم را به جاهای دور ببرد». حال هر یک از گزینه ها را در نقطه چین قرار می دهیم و جمله را معنی می کنیم.

- گزینه (1) هواپیما را از فرودگاه برای هزاران مایل مسافرت می کند ...
 • گزینه (2) هواپیما را از فرودگاه برای هزاران مایل به پرواز درمی آورد ...
 • گزینه (3) هواپیما را از فرودگاه برای هزاران مایل ملاقات می کند ...
 • گزینه (4) هواپیما را از فرودگاه برای هزاران مایل چک می کند ...
 با توجه به معنی عبارت ها گزینه (2) پاسخ درست است.
 در ادامه با چند مثال، این نوع سوال ها و طریقه پاسخگویی به آن ها را مرور می کنیم.

مثال 1:

More than half of blood is plasma. This is a clear and yellow liquid. It carries red and white cells. There are millions of red blood cells in one small drop of blood. They carry oxygen round the body and collect carbon dioxide from body parts. There are thousands of white cells in a drop of blood. They are bigger than red cells. They defend our body against microbes.

1. What does the underlined word 'it' refer to?

- ① half ② blood ③ plasma ④ cells

2. What does the passage mainly discuss?

- ① the number of cells ② what plasma does ③ the size of red cells ④ a drop of blood

3. All of the following are mentioned in the passage EXCEPT

- ① the color of plasma ② what plasma does
 ③ the number of white cells ④ how microbes work



معنی جمله: بیش از نیمی از خون خوناپ است. آن یک مایع شفاف و زرد است. آن گویچه‌های قرمز و سفید را حمل می‌کند. میلیون‌ها گویچه قرمز در یک قطره کوچک خون وجود دارد. آن‌ها اکسیژن را به اطراف بدن حمل می‌کنند و کربن دی‌اکسید را از قسمت‌های بدن جمع‌آوری می‌کنند. هزاران گویچه سفید در یک قطره خون وجود دارد. آن‌ها بزرگ‌تر از گویچه‌های قرمز هستند. آن‌ها از بدن ما در برابر میکروب‌ها دفاع می‌کنند.

۱- کلمه «it» که زیرش خط کشیده شده است، به چه چیزی اشاره دارد؟

① نیم ② خون ③ خوناپ ④ گویچه‌ها

با توجه به تکنیک پیدا کردن «مرجع ضمیر» جمله‌ای که it در آن قرار دارد می‌خوانیم. سپس جمله‌های قبلی را می‌خوانیم. ضمیر it مفرد است، در نتیجه گزینه (۴) که جمع است نمی‌تواند پاسخ درست باشد. حالا سه گزینه دیگر را به جای آن قرار می‌دهیم. آن گزینه که معنی «منطقی» دارد، یعنی گزینه (۳) درست است.

۲- متن عمدتاً در مورد چه چیزی بحث می‌کند؟

① تعداد گلبول‌ها ② کاری که خوناپ انجام می‌دهد

③ اندازه گلبول‌های قرمز ④ یک قطره خون

با توجه به تکنیک پیدا کردن «ایده اصلی» به سراغ جمله‌های اول می‌رویم. در این جمله‌ها در مورد پلاسما و کار آن صحبت شده است. در نتیجه گزینه (۲) پاسخ درست است.

۳- همه موارد زیر به جز در متن بیان می‌شوند.

① رنگ خوناپ ② کاری که خوناپ انجام می‌دهد

③ تعداد گویچه‌های سفید ④ میکروب‌ها چگونه کار می‌کنند

با توجه به تکنیک سؤال از «جزئیات متن» در می‌یابیم که این گزینه‌ها معمولاً به طور مستقیم در متن وجود دارند، پس با خواندن آن‌ها و به خاطر سپردن کلمه‌های کلیدی، متن را Scan می‌کنیم.

در جمله دوم و سوم مستقیماً به رنگ پلاسما و کاری که انجام می‌دهد اشاره شده است، در نتیجه گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست هستند. در جمله‌های انتهایی نیز به تعداد گلبول‌های سفید (thousands of white cells) اشاره شده است، پس گزینه (۳) نیز نادرست است. در جمله آخر کلمه microbe آمده است، اما در مورد کار آن بحث نشده است، پس گزینه (۴) پاسخ درست است.



Edgar Allan Poe is today considered as one of the great authors of stories, but he received very little recognition and almost no money for his stories while he lived. Twenty-five of his greatest stories were published in collection called 'Tales of the Grotesque and Arabesque', which appeared in 1840, but at the time little notice was taken of it. Three years later, another story, 'The Gold Bug', was published, selling 300,000 copies, and by 1845 he had written twelve more stories, which he published in tales. His best-known stories include 'The Pit and the Pendulum' and 'The Tell-Tale Heart', but it was a poem, 'The Raven', that brought him his greatest recognition as a writer. The centerpiece of a collection of thirty poems published in a volume titled 'The Raven and Other Poems' became quite popular. The topic of the poem is grief over the loss of an ideal love. The dramatic, almost theatrical tone, the intensity of the repetition, and the hypnotic rhythm reflect the narrator's hopeless state of mind. When read aloud, it produces a powerful effect.

1. The author's main purpose in this passage is

- ① to give examples of horror stories ② to compare Poe's stories with his poems
③ to mention the works by Edgar Allan Poe ④ to indicate that 'The Raven' be read aloud

2. According to the passage, the story that sold 300,000 copies was

- ① the Raven ② The Gold Bug
③ The Tell-Tale Heart ④ The Pit and the Pendulum

Lesson 1

Cloze Test 1

Little boys are usually active. They do things most of the time. Little girls sit (658) and talk. When children grow (659), nothing really changes. Men usually do things together or they talk about activities such as sports and cars. They talk to give or get information. But for women, people and feelings are more important. Women often talk to (660) interest and emotions. Although a man and a woman speak the same (661), sometimes they don't understand each other. Men's talk and women's talk are almost two different languages. But maybe men and women will know each other if they realize the (662) in speech.

- | | | | |
|--------------------|---------------|----------|------------|
| 658 ① above | ② besides | ③ away | ④ together |
| 659 ① in | ② up | ③ back | ④ for |
| 660 ① add | ② exist | ③ show | ④ sell |
| 661 ① language | ② time | ③ person | ④ century |
| 662 ① destinations | ② differences | ③ prices | ④ mistakes |

Cloze Test 2

The story of the language should (663) with the story of how men first learned. But of course no one knows. We can be quite sure that no one (664) the language. No one of our caveman ancestors suddenly thought of a way making words and sentences and then (665) all the other cavemen he met to talk his way. Language must have grown little by little. Perhaps the first words were exclamations such as "oh" or "ow". These may have been cries of (666) or warning. Perhaps the first words were easy sounds (667) as "yo ho". Men may have used them as signals to one another when they were trying to lift a log or were about to attack a mammoth.

- | | | | |
|--------------|--------------|------------|------------|
| 663 ① begin | ② range | ③ pack | ④ label |
| 664 ① hosted | ② translated | ③ invented | ④ imagined |
| 665 ① taught | ② learned | ③ varied | ④ died |
| 666 ① nature | ② pain | ③ culture | ④ value |
| 667 ① like | ② for | ③ so | ④ such |

Cloze Test 3

English is a/an (668) language, spoken in many countries both as a native and as a second or foreign language. They teach it in the (669) in almost every country on this earth. It is a living language spoken by over 300 million people as their (670) language. Millions more speak it as an additional language. About one billion people around the world have some (671) of English, either as a native language, as a second language, or as a (672) language.

- | | | | |
|-----------------|--------------|-----------------|----------------|
| 668 ① mental | ② physical | ③ international | ④ natural |
| 669 ① centuries | ② institutes | ③ hours | ④ dictionaries |
| 670 ① fluent | ② native | ③ smart | ④ deaf |
| 671 ① knowledge | ② slices | ③ projects | ④ belief |
| 672 ① holy | ② confident | ③ possible | ④ foreign |

Cloze Test 4

Mother tongue education refers to any form of schooling that makes use of the language or languages that children are most familiar (673). This is usually the language that children (674) at home with their family. The 'mother tongue' does not have to be the language (675) by the mother. Children can and often speak more (676) one or even two languages at home. For example, they may speak one language with their mother, (677) with their father and a third with their grandparents.

- | | | | |
|---------------|-----------|--------------|---------------|
| 673 ① to | ② by | ③ at | ④ with |
| 674 ① speak | ② write | ③ play | ④ come |
| 675 ① written | ② spoken | ③ broken | ④ chosen |
| 676 ① from | ② to | ③ than | ④ with |
| 677 ① other | ② another | ③ each other | ④ one another |

Passage 1

Although all forms of communication have a language, the word usually refers to the use of written or spoken words. Human language is the most complicated form of expression available to us. Simply to understand what you are reading at this very moment involves much intelligence and skill. An adult speaks on average 30,000 words a day, and a total of 600 million words in an average lifetime. Language has a profound effect on our lives.

We learn language from childhood; we learn how to make sounds which can be formed into words, and discover that we have to apply certain rules of grammar if we are to be understood. We learn to say, "He saw me", but "I saw him". The ways of joining words together into grammatically acceptable sentences are enormous. If you were to speak aloud all the 20-word sentences that would make sense in the English language, it would take you ten million years to do so. When we use words, we are using symbols; the word "elephant" should refer to a large grey animal with thick skin because speakers of the English language have agreed that this word should be the symbol for that particular animal.

Sometimes there is disagreement about the meanings of words. Usually these words refer to ideas or concepts, rather than to things. For instance, not everyone agrees upon exact meaning of words such as "freedom", "love", "justice" or "peace". If the sender and the receiver disagree upon these meanings, communication breaks down. The study of the relationship between language and meaning is called semantics.

- 678 The passage is mainly about
- ① a definition of spoken communication
 - ② a description of language
 - ③ a comparison between written and spoken English
 - ④ an explanation of different forms of communication

679 Which of the following is true, according to paragraph 2?

- ① Every individual uses at least 30,000 words per day.
- ② Intelligence and skill are two parts of human language.
- ③ The total number of words in most human languages is about 600 million.
- ④ Far from being simple, what humans use to communicate is so complex.

680 The sentence "If you were to ... million years to do so," in paragraph 2 is intended to prove that

- ① language took a long time to develop into a complicated form
- ② language has the potential to produce so many sentences
- ③ one can say different things through the same words
- ④ if one uses 20-word-long sentences all the time, one would fail to communicate

681 The writer refers to all of the following words about which there may sometimes be disagreement EXCEPT

- ① peace ② justice ③ freedom ④ elephant

682 With which of the following conclusions does the writer seem more likely to agree?

- ① We need to make human language more simple.
- ② Overuse of words may lead to communication failure.
- ③ There is not necessarily a natural relationship between words and meanings.
- ④ People should study semantics if they want their sentences to be grammatically correct.

Passage 2

Dramatic changes in children's language occur during early childhood. At about 18 months, children may know about 30 words and can speak one word, such as "Doggie!" or "More!" at a time. This ability shows that children have learned to use words as symbols that stand for objects, actions, and people. Then suddenly, within just a month or so, children's vocabularies double to about 70 words, and they begin to put words together to form two-word sentences such as "There doggy" or "Mummy come". When early childhood ends at six years, children know from 8,000 to 14,000 words and speak in long, accurate sentences.

By the age of four, children begin to talk about things that they cannot see as well as those they can, and about the past and the future, as well as the present. They also make up fantasies and stories about things that never happened.

As children grow older, they become more better able to express complex ideas and judge what they need to say in order to make themselves understood. They learn to talk formally and respectfully to adults, and informally to their friends. They speak 'baby-talk' to infants.

683 What is the best title for the passage?

- ① Language Development ② Second Language Learning
- ③ Vocabulary Learning by Children ④ Opinion Expression: Age Effect

684 If a child begins to say "Daddy leave", it must

- ① be aged 18 months ② know about 70 words
- ③ also be able to express complex ideas ④ be at the end of early childhood

685 The word "those" in paragraph 2 refers to

- ① children ② things ③ words and sentences ④ the past and the future

686 Paragraph 2 mainly deals with

- ① the content of children's speech
② the accuracy of the language used by children
③ children's ability to use language to invent stories
④ the effect of the actual world on children's language learning

687 It can be understood from the last paragraph that children

- ① sometimes speak informally when they are required to use formal language
② use their speech to learn new skills
③ can change the language forms they use according to their audience
④ rarely attempt to judge the effect of their speech on the people with whom they communicate

Passage 3

If a person uses two languages in everyday life, he or she is said to be bilingual. Only a few people whom we would call bilingual can speak, read, or write both languages equally well. We call those who can do this "balanced bilinguals". But most bilinguals have a preferred language, which they use most of the time, and then a second language, the level and use of which will vary considerably from one person to another. Children raised bilingually from a very early age are most likely to have an equal command of both.

There are bilingual communities in many parts of the world. Members of these communities use two (or more) languages of course. South Africa, Belgium, Wales, Ireland, and Canada are some examples of countries where such communities exist. (This does not mean that everyone living in these countries is bilingual.) Bilingualism also occurs in other areas of the world where immigrant groups have settled but have remained not fully absorbed into the society around them. They keep up many of their own customs and continue to speak their own language at home. The following examples are taken from a long list: Chinese and Italians in Australia; Turkish migrant workers in Germany; Asians in Great Britain; and Spanish speakers in the United States. In many cases, the bilinguals are not themselves immigrants, but people whose parents, or even grandparents, moved to the country and have continued to speak to their children in their own mother tongue.

688 According to the passage, a balanced bilingual is a person who

- ① can use two languages in everyday life
② has an equal command of two languages at the same time
③ can use a second language in a context where another language is spoken
④ has been raised bilingually and can read and write only his own language in two countries

689 According to the reading, children who were bilingual from a very early age

- ① are more likely to be dominant in one language
② have an equal command of both cultures
③ can write both languages equally correct
④ most probably know both languages equally

690 Which statement about the passage is NOT true?

- ① South Africa, Belgium and Canada are some examples of bilingual countries.
- ② Members of bilingual communities use two languages.
- ③ There are bilingual communities all over the world.
- ④ Not everyone living in bilingual countries is bilingual.

691 Migrants speak their native language in order to

- ① preserve their customs
- ② help their children do better at school
- ③ communicate more easily with their children
- ④ be absorbed in a foreign country more easily

Passage 4

What if you do not speak the language of the country you are visiting? First, try to learn a few words before you leave, like please, thank you, hello, good-bye. This will help you show the locals you are trying. A phrase book can help, but remember that you will not necessarily understand the answer you get.

Write down names of cities, the hotel you chose, and any attractions you are planning on visiting. If you have it written down, it helps to show a taxi driver or someone that you are asking for directions.

Remember that English is the international language of travel. Sometimes signs at tourist attractions are even written in both the local language and English. If you are traveling to popular tourist destinations, you will find locals who can speak a few basic words of English. But when you speak to them, remember to speak slowly and clearly (NOT louder) and use simple vocabulary. Knowing a few key words and phrases can help make yourself understood and understand others. Search for a travel phrase book for the country you are visiting.

692 When visiting a country, learning a few words

- ① is not helpful at all
- ② can be very difficult
- ③ can help you a little
- ④ may be international

693 At tourist attractions,

- ① you can understand people
- ② signs are also written in English
- ③ local people speak louder
- ④ basic words don't help you

694 Which sentence is true according to the passage?

- ① If you do not know a foreign language, you must not travel.
- ② Local people never understand what tourists say.
- ③ When you speak to locals, you should speak loudly.
- ④ Knowing English is useful because it is the language of tourism.

695 The underlined word 'them' in the last paragraph refers to

- ① tourists
- ② words
- ③ locals
- ④ destinations

Lesson 2

Cloze Test 1

Today most of the diseases are under control because of new (696) and medical inventions. Many of the factors that (697) our health nowadays are lifestyle choices. Lifestyle diseases, such as heart disease and cancer are serious health problems in our (698). Unhealthy actions and some other things cause them.

There are some risk factors related to any health problem. What are risk factors? Risk factors are things that (699) your chances of injury, disease, or any other health problem. There are different kinds of risk factors. Some are controllable; others are not. The difference (700) the two is clear.

- | | | | |
|----------------|-----------------|------------|-------------|
| 696 ① medicine | ② secrets | ③ exercise | ④ messages |
| 697 ① look | ② practice | ③ enjoy | ④ influence |
| 698 ① disorder | ② communication | ③ society | ④ series |
| 699 ① increase | ② finish | ③ measure | ④ forget |
| 700 ① of | ② between | ③ from | ④ with |

Cloze Test 2

The Romans spoke of health in a proverb: 'A healthy mind in a healthy body.' In addition to physical health, an understanding of (701) health is important. Too much mental stress can have a bad (702) on one's mind well-being. The human body is much more complicated than any other (703). Yet, it needs less day-to-day care (704) any machine. No machine can do all the things that the body does. No machine will work for 70 years or more, day and night, needing only air, water, food, and only few (705) rules. No machine has been made which can adjust to so many different conditions as the human body.

- | | | | |
|----------------|-----------|------------|-------------|
| 701 ① creative | ② mental | ③ nervous | ④ impatient |
| 702 ① accident | ② escape | ③ effect | ④ education |
| 703 ① machine | ② people | ③ medicine | ④ weight |
| 704 ① from | ② as | ③ for | ④ than |
| 705 ① physical | ② harmful | ③ simple | ④ calm |

Cloze Test 3

Health can be thought of as the condition of being fit and well. The World Health Organization (WHO), the UN agency that is concerned with health throughout the (706), gives a more precise definition. It says that health is the (707) of complete physical, mental and social well-being, and not merely the absence of disease and (708). In a poor country, however, health might mean simply getting enough food to stay alive and to (709) the really serious diseases such as typhoid and cholera. As countries grow richer, they achieve the WHO's more positive standards of good health, because their people can afford better food and (710) care.

- | | | | |
|---------------|----------|------------|--------------|
| 706 ① world | ② city | ③ war | ④ disease |
| 707 ① work | ② state | ③ mind | ④ mission |
| 708 ① thought | ② reason | ③ weakness | ④ habit |
| 709 ① avoid | ② quit | ③ share | ④ accept |
| 710 ① medical | ② wrong | ③ regional | ④ incomplete |

Cloze Test 4

Do you know that laughter can help your immune system? It's even (711) that with each laughter, you decrease your chance of getting a cold or having an allergy (712). In fact, if you laugh before you go to bed, you'll (713) have a good night's sleep. The medical research on laughter and the desire to get well are making more and more people use laughter to (714) better. Allen Klein says that we all need to laugh, especially at ourselves. To develop our "humor skills" we need (715) the humor in our own actions and reactions. With practice, we can get better at this.

- | | | | |
|-------------------|------------|------------|------------|
| 711 ① traditional | ② possible | ③ cultural | ④ normal |
| 712 ① exercise | ② medicine | ③ attack | ④ relative |
| 713 ① probably | ② suddenly | ③ sadly | ④ orally |
| 714 ① smoke | ② feel | ③ harm | ④ limit |
| 715 ① see | ② sees | ③ saw | ④ to see |

Passage 1

People who use the Internet too much may have mental health problems. They may have problems if they cannot get online regularly. A survey from a Canadian university looked at the Internet habits of 254 students and their mental health. Researchers said 107 students were addicted or had problems like depression because of their Internet use. We know little about the dangers of Internet addiction and need to do more research.

A researcher explained what problems there are. He said: "We found out that students addicted to the Internet had more problems dealing with their day-to-day activities, such as life at home, at work or school." He added: "People with Internet addiction also were depressed and had problems with time management." We need to find out if mental health problems cause Internet addiction.

716 People who use the Internet

- | | |
|----------------------------|---------------------------------|
| ① are really healthy | ② should do more research |
| ③ may have mental problems | ④ are active at home and school |

717 A Canadian university

- | | |
|---------------------|------------------------|
| ① had 254 students | ② did research |
| ③ used the Internet | ④ got online regularly |

718 According to the passage, which sentence is NOT true?

- ① We know a lot about the dangers of Internet addiction.
- ② People addicted to the Internet have problems at work.
- ③ The researchers studied the Internet habits of some students.
- ④ Internet addicted people have more mental problems.

719 What does the passage mainly discuss?

- ① mental problems of Canadian students
- ② problems of the people who are Internet addicts
- ③ day-to-day activities of some students
- ④ problems of time management

Passage 2

Choose a place you want to go to in a way that the whole family will enjoy. Children lose interest much faster than adults, so when choosing, keep your young ones in mind and make sure there are activities that will keep them busy and interested.

Going on a long road trip with your kids can be quite stressful if you are not prepared to deal with the short attention span of kids. Take coloring books, toys, video games, CD's that have audio for children, food and water to last the journey and other things you would consider a necessity for your family.

Make sure your family is protected, use seatbelts and child secure seat for children in the back seat; they have been proven to keep kids safe if you run into some trouble on the road. If you plan on going camping remember to carry a first aid kit with the essentials.

If you are heading to a place that has been recommended by a friend or another travel source and not sure of how to get there, keep a map of the geographic area in hand, it could also be an answer to the most common question from your kid - "Are we there yet?"

When on a long trip, it is safer to carry sandwiches, fruits, bottles of water enough for the entire family. Remember to carry a garbage bag so that you don't have to litter the road, it will also reduce the stops you have to make on the journey, reserving the stops to use the restroom and to stretch your legs.

720 What is the best title for the passage?

- ① Where to Go on A Trip
- ② Road Trip Ideas for Family
- ③ Protection during a Long Travel
- ④ Advantage of Travel for Children

721 According to the passage, if you see your kids are painting a picture in the car during a trip instead of looking at the natural views you

- ① may get very stressful
- ② should not get surprised
- ③ have to stop the car so that they can relax
- ④ must try to get them involved in other activities

722 You are advised to take a first aid kit with you

- ① if you are going camping
- ② because children may get sick easily
- ③ because roads are not completely safe
- ④ to help those who may be injured in car accidents

723 According to the passage, the question, "Are we there yet?" is one that

- ① people ask when they lose their way
- ② shows the great interest of children in traveling
- ③ children ask very often on the way to a place
- ④ shows children cannot concentrate on one thing for a long time

724 According to the last paragraph, on a long trip, you

- ① are not as safe as you are on a short trip
- ② can't do anything special to reduce the number of stops
- ③ may not find many restaurants on the way
- ④ are not to throw away unwanted things on the road

Passage 3

Exercises that require total body involvement improve and maintain fitness most effectively, for example, jogging, running, swimming, cycling and fast walking. Organized games and sports that have long rest periods within the play design have only a little influence on fitness. Programs especially planned to help individuals become fit are offered in different places: schools and gyms, private clubs and studios, and special, professionally organized clinics that pay attention to people with problems related to the heart or lungs. The individual must be careful in choosing an exercise program and should make sure is staffed by experts in physical education or medicine.

Normal, healthy individuals may plan their own exercise pro to exercise programs. The general rule is to exercise only until you feel very tired - that is, until breathing becomes labored, circulation seems not enough, or tiredness influences performance. People with health problems caused by heart attacks, and illness should see a doctor before choosing an exercise program.

725 According to the information in the passage, if you participate in a sport that makes you have long rest periods, you

- ① cannot expect your fitness to improve much
- ② should do your best to avoid total body involvement
- ③ need to exercise in different places in order to improve your fitness
- ④ had better do running, fast walking, etc. during the rest period to keep your body warm and fit

726 According to the passage, if you have a heart problem, you are advised to

- ① exercise in places that design activities clinically appropriate for you
- ② play organized games so that others can take care of you if you face any trouble
- ③ often see a doctor to measure the amount of the progress you have made in fitness
- ④ engage in activities that require total body involvement so that all the pressure would not be on your heart

727 It can be said that paragraph 1 is mainly written to

- ① advise
- ② correct a wrong idea
- ③ mention the benefits of games
- ④ compare daily exercise with organized sports

728 The word "labored" in paragraph 2 is closest in meaning to

- ① deep
- ② difficult
- ③ dangerous
- ④ regular

729 The general rule given in paragraph 2 is for those who

- ① need to see a doctor
- ② exercise professionally
- ③ have no health problems
- ④ cannot plan their own exercise programs

Passage 4

It is hard to make friends if you stay at home alone all the time. You need to get out of the house and do things that will help you meet other people. Join a club, play a sport, do volunteer work. You'll find that it's easier to make friends with people who have similar interests.

Learn from people at school or work who seem to make friends easily. Observe their behavior. How do they make other people feel comfortable? Notice what they say and how they act. Don't copy everything they do, but try some of their techniques. It will help you develop your own social style.

Think of some topics that would make good conversation. Find out the latest news, listen to the most popular types of music, or watch an interesting movie or TV show. The more you have to say, the more people will want to talk with you.

Be a good listener, and let people talk about themselves. Don't try to dominate the conversation with "me, me, me." Ask lots of questions. Show an interest in the answers. This will make people feel special, and they will want to be your friend.

When you start to get to know someone, don't be friendly and talkative one day and too shy to have a conversation the next day. Be consistent. Consistency is a quality that people look for in friends.

Have confidence in yourself. Don't be self-critical all the time. It's hard to get other people to like you if you don't like yourself. Think of your good qualities and all the reasons people would want your friendship.

Pursue the friendships you really want, with people that you like, respect, and admire. Try to meet a lot of people, too. That way, you'll have a bigger group to choose from and a better chance to make friends.

730 What does the passage mainly discuss?

- ① What to do to make your life more interesting
- ② Problems of people who prefer to live alone
- ③ How to overcome old habits of friendship
- ④ What to do to make friends

731 The word "It" in paragraph 2 refers to

- ① copying everything they do
- ② trying some of their techniques
- ③ developing your own social style
- ④ making as many friends as you like

732 Why does the author mention "me, me, me" in paragraph 4?

- ① To warn against your becoming the only side speaking in a conversation.
- ② To stress the fact that you actually need to realize what your personal qualities are.
- ③ To instruct you to reveal as much information about yourself to your friends as you can.
- ④ To show the role of ignoring all your personal interests to be able to make friends successfully.

733 According to the passage, none of the following positively contribute to your making friends EXCEPT being

- ① talkative
- ② with a very small number of people
- ③ inconsistent at all times
- ④ able to let others express themselves

Lesson 3

Cloze Test 1

Leo Tolstoy, in his essay mentions, "Art is not, as the metaphysicians say, the expression of some mysterious idea of (734) or God; it is not, as the aesthetical physiologists say, a game in which man lets off his excess of stored-up energy; it is not the expression of man's (735) by external signs; it is not the (736) of pleasing objects; and, above all, it is not pleasure; but it is a (737) of union among men, joining them together in the same feelings, and indispensable for the life and progress toward well-being of all the people in a/an (738) and of humanity."

- | | | | |
|-----------------|---------------|--------------|--------------|
| 734 ① effect | ② measure | ③ beauty | ④ factory |
| 735 ① emotions | ② stations | ③ creation | ④ proportion |
| 736 ① addiction | ② production | ③ definition | ④ relation |
| 737 ① economy | ② means | ③ experience | ④ prize |
| 738 ① activity | ② nationality | ③ diversity | ④ society |

Cloze Test 2

From the beginning, people used pottery as a way of building their social identity, or showing (739) they were and how they were different from other people. Many of the designs used on pottery were (740) from cloth, which was also used to identify people of one group or another. Greek pottery is very different from West Asian pottery of the same time, and both of them are different from Egyptian pottery, or Chinese pottery. Etruscan pottery is different too, but similar (741) Greek pottery in many ways.

People used clay to make all (742) of things besides dishes: high chairs, cooking pots, water pipes etc. When this pottery broke, people used it for all sorts of things: to write on like (743), for game pieces and to make tiled walls.

- | | | | |
|----------------|--------------|----------|--------------|
| 739 ① when | ② who | ③ what | ④ which |
| 740 ① borrowed | ② introduced | ③ valued | ④ influenced |
| 741 ① for | ② to | ③ from | ④ with |
| 742 ① tiles | ② arts | ③ kinds | ④ marks |
| 743 ① object | ② water | ③ metal | ④ paper |

Cloze Test 3

Art History is a discipline that seeks to understand different cultures and epochs through the study and analysis of art and architecture as a (744) of communication. We exist in an environment that is filled with the (745) of human history, architecture, painting, and sculpture. Art History offers the tools to recognize and to understand these forms, and thus is a vital part of any serious arts education. Art History provides knowledge and (746) of the past, and through it, of the present. The discipline encourages humanity and sympathy by teaching about other individuals and (747) through their visual expression. Art History provides intellectual confidence gained through learning how to recognize, order, and interpret facts. In so doing, it trains one to think and write (748) and to read carefully.

- | | | | |
|---------------------|---------------|-------------|----------------|
| 744 ① need | ② pack | ③ means | ④ pool |
| 745 ① abilities | ② artifacts | ③ steps | ④ notes |
| 746 ① understanding | ② advising | ③ weaving | ④ enjoying |
| 747 ① identities | ② societies | ③ varieties | ④ universities |
| 748 ① closely | ② dangerously | ③ rudely | ④ clearly |

Cloze Test 4

Emily Carr was a Canadian artist. She was born in Victoria British Columbia in 1871. She studied (749) in San Francisco California, in London England and in Paris France. Most of her more famous paintings were from her (750) in British Columbia. She visited a large number of places from Vancouver Island in the south to Alaska in the north. She wrote about their (751) and traditions. She drew and painted pictures of their communities. She documented the culture of the Haida of the Queen Charlotte Islands as well as the Gitksan and Tsimshian who lived in the area near the Skeena River in northwestern British Columbia. Emily Carr also painted landscapes. She liked (752) trees, forests and skies. By the time she died in 1945, she was (753) across Canada as well as in the United States and in Europe.

- | | | | |
|------------------|-------------|-------------|--------------|
| 749 ① store | ② art | ③ paint | ④ carpet |
| 750 ① boards | ② lights | ③ artworks | ④ travels |
| 751 ① stresses | ② cultures | ③ discounts | ④ illnesses |
| 752 ① paint | ② painted | ③ to paint | ④ paints |
| 753 ① well-known | ② uncertain | ③ bored | ④ decorative |

Passage 1

Good handwriting is an excellent skill. Probably you have not enjoyed practicing handwriting in school, but some people love to make their handwriting look beautiful. These unusual artists are calligraphers. Calligraphy has been a form of creative way of writing for centuries.

The word "calligraphy" means beautiful writing. Many ancient cultures had something like picture alphabets. The Egyptians created hieroglyphics about 3500 B.C. These pictures explained events and ideas. The Chinese also used special pens for their written language. They invented more than 1500 characters by 1500 B.C. Chinese calligraphers took their art seriously. They did some kind of special exercise like yoga before they wrote anything.

While the Egyptians and the Chinese had picture symbols to show words, they did not have a true alphabet. People called the Phoenicians developed the first real alphabet. They spread it all over the world as they visited different places. However, their alphabet was not true calligraphy. They did not think much about its appearance. They did not think of their alphabet as art.

- 754 The passage says
- | | |
|---|---|
| ① Egyptians couldn't communicate at all | ② ancient cultures had something like alphabets |
| ③ calligraphy was a kind of art in all cultures | ④ Phoenicians had the first beautiful handwriting |
- 755 The Chinese
- | | |
|------------------------------|----------------------------|
| ① created hieroglyphics | ② didn't like calligraphy |
| ③ took calligraphy seriously | ④ visited different places |

756 According to the passage, which sentence is TRUE?

- ① Phoenicians were the people who had real alphabet.
- ② Many ancient cultures formed creative ways of writing.
- ③ All people enjoy practicing handwriting in school.
- ④ All ancient cultures thought of their alphabet as art.

757 The underlined word 'they' in the last paragraph refers to

- ① Phoenicians ② picture symbols ③ words ④ the Egyptians and the Chinese

Passage 2

World history is the story of people in different parts of the world developing their civilizations over the centuries. In this encyclopedia, the story is covered in a variety of articles, including one on CIVILIZATIONS, which covers the great civilizations of the world. Information can also be found in the history sections of each of the world's centuries, in the biographies of individual great men and women, and in articles concerning historic events such as battles, wars, discoveries, political and social movements, religions, and so forth. Lots more can also be found in the Index volume.

This article presents a specially designed world history chart showing what has happened over the past 7,000 years in all the main centers of civilization. From the earliest civilized peoples - the farmers and town builders of Mesopotamia and Egypt from 5000 to 4000 BC - up to the present day. You can choose, for example, the short period 800 to 650 BC and, at a glance, see that several important things were happening at different places in the world at much the same time.

758 It can be understood that this passage is taken from

- ① a history book ② an encyclopedia ③ an online article ④ a school textbook

759 The word "one" in line 2 refers to

- ① article ② history ③ variety ④ story

760 The time period covered in the present article

- ① is not clearly stated ② is between 800 to 650 BC
- ③ is as long as 7000 years ④ is between 5000 to 400 BC

761 The first sentence of the passage, "World history is ... the centuries,"

- ① is a classification ② is a definition
- ③ refers to a problem ④ describes the importance of historical studies

Passage 3

Leonardo da Vinci was born in 1452 in the area of Florence, Italy. He did many things. He was a scientist, inventor, musician, mathematician, and architect. He knew about animals and plants, too. He could do many things well. Leonardo was famous for his painting. He painted the Mona Lisa and The Last Supper. They are his most famous paintings, and many people know about them. He started working on The Last Supper in 1495 in Milan and finished it in 1498. He started working on the Mona Lisa in 1503 in Italy and finished it a short time before he died. It is now in France. Leonardo's paintings were very good. He understood how human bodies worked. Besides, he knew how happy or sad people looked because he knew how emotion looked on people's faces. Since he understood nature, light, and shadow, his paintings looked real. Leonardo had many ideas for inventions. He drew plans for a helicopter as well as a tank. He even had an idea for a calculator. He had an idea for making solar power, which is power that comes from the sun. Leonardo lived at the same time as Michelangelo and Raphael. He was 27 years older than Michelangelo and 31 years older than Raphael. Leonardo died in 1519.

- 762 According to the passage, which of the following was Leonardo NOT good at?
- ① Art ② Biology ③ Chemistry ④ Psychology
- 763 What does the word "them" in line 4 refer to?
- ① Many people ② Animals and plants
③ All Leonardo's paintings ④ Mona Lisa and The Last Supper
- 764 Which of the following can be concluded from the passage?
- ① Mona Lisa took a longer time to finish than The Last Supper.
② Leonardo painted Mona Lisa when he was still young.
③ Leonardo finished Mona Lisa in a short time.
④ Leonardo painted Mona Lisa in France.
- 765 Which of the following do we understand about Leonardo?
- ① He never thought of inventing something that could be used during war time.
② He was interested in finding ways of obtaining energy from the sun.
③ He was aware of all natural elements when he made an invention.
④ He died when the famous artist Michelangelo was only 27.

Passage 4

Art is all around us. They are the things people create for others to see and appreciate. Art is not just paintings and sculptures you see in museums. They include the music video you may have watched last night on television and the pottery bowls you might have seen at a crafts fair. They include forms of art created for everyday use, like a pattern on wallpaper or a study lamp for your desk.

In some cultures, young people learn to create and appreciate art by watching adults create it. Most students in industrialized countries today study art in school.

This activity will help you to understand and appreciate many kinds of art. It will help you to develop your skills in creating art - expressing feelings that cannot be put into words.

Some of the artworks that you will study are important records of history. You might find some of them so inspiring and imaginative that you will never forget them. You will also learn to see how many ways art is part of your everyday life.

As you look around the room, it is on the walls, the clothes you are wearing, the computer screen that you are looking at and it affects every aspect of your life. It is sometimes overlooked.

- 766 All of the following are mentioned in the passage EXCEPT
- ① studying art at school ② different kinds of art
③ how to appreciate art ④ everyday life of artists
- 767 The word 'it' in paragraph 2 refers to
- ① art ② wallpaper ③ watching ④ lamp
- 768 The underlined word 'industrialized' is closest in meaning to
- ① old ② small ③ modern ④ poor
- 769 The author writes the passage to say that
- ① children never learn art at school ② anything around you can be an artwork
③ we should watch music videos ④ studying the history of art is important

Lesson 1

پاسخ

ترجمه متن Cloze Test 1

پسرهای کوچک معمولاً فعال هستند. آن‌ها بیش‌تر اوقات کاری را انجام می‌دهند. دخترهای کوچک با یکدیگر می‌نشینند و صحبت می‌کنند. هنگامی که کودکان رشد می‌کنند، هیچ چیز واقعاً تغییر نمی‌کند. مردها معمولاً با هم کار می‌کنند و با دربارهٔ فعالیت‌هایی مانند ورزش و اتومبیل صحبت می‌کنند. آن‌ها صحبت می‌کنند تا اطلاعات بدهند یا دریافت کنند. اما برای زن‌ها، مردم و احساسات مهم‌تر هستند. زن‌ها اغلب صحبت می‌کنند تا علاقه و احساسات را نشان دهند. گاهی اوقات، اگر چه یک مرد و یک زن به یک زبان صحبت می‌کنند، اما یکدیگر را درک نمی‌کنند. صحبت‌های مردانه و صحبت‌های زنانه تقریباً دو زبان متفاوت هستند. اما شاید مردها و زن‌ها یکدیگر را درک کنند اگر تفاوت‌ها را در گفتار درک کنند.

گزینه (۴) - "together"

۱) بالا ۲) به علاوه

۳) دور ۴) با هم

گزینه (۲) - "up"

۱) در ۲) بالا

۳) پشت ۴) برای

توضیح: فعل مرکب grow up به معنی «رشد کردن» است.

گزینه (۳) - "show"

۱) اضافه کردن ۲) وجود داشتن

۳) نشان دادن ۴) فروختن

گزینه (۱) - "language"

۱) زبان ۲) زمان

۳) شخص ۴) قرن

گزینه (۲) - "differences"

۱) مقصدها ۲) زبان‌ها

۳) قیمت‌ها ۴) اشتباه‌ها

ترجمه متن Cloze Test 2

داستان زبان باید با داستان چگونگی یادگیری انسان آغاز شود. اما البته هیچ کس نمی‌داند. ما می‌توانیم کاملاً مطمئن باشیم که هیچ کس زبان را اختراع نکرده است. هیچ‌کدام از اجداد غارنشین ما ناگهان فکر نکردند که چگونه کلمه‌ها و جمله‌ها را بیان کنند و سپس به همهٔ غارنشینان دیگر که ملاقات می‌کردند آموزش دهند تا به شیوهٔ آن‌ها صحبت کنند. زبان باید به تدریج رشد کرده باشد. شاید اولین حرف‌ها ندهایی مانند «آه» یا «اوو» بودند. این‌ها ممکن است فریادهایی از درد و یا هشدار بوده باشند. شاید اولین کلمه‌ها صداها یا آسانی مانند «یوهو» بودند. انسان‌ها ممکن است زمانی که سعی در بلند کردن آوار داشتند یا هنگامی که می‌خواستند به یک ماموت حمله کنند از آن‌ها به عنوان سیگنال‌هایی به سوی یکدیگر استفاده کرده باشند.

گزینه (۱) - "begin"

۱) آغاز شدن

۲) متغیر بودن

۳) بسته‌بندی کردن

۴) برچسب زدن

گزینه (۳) - "invented"

۱) میزبانی کردن

۲) ترجمه کردن

۳) اختراع کردن

۴) تصور کردن

گزینه (۱) - "taught"

۱) آموزش دادن

۲) یاد گرفتن

۳) تغییر کردن

۴) مردن

گزینه (۲) - "pain"

۱) طبیعت

۲) درد

۳) فرهنگ

۴) ارزش

گزینه (۴) - "such"

۱) مانند

۲) برای

۳) بنابراین

۴) چنین

توضیح: عبارت such as به معنی «مانند» می‌باشد.

ترجمه متن Cloze Test 3

زبان انگلیسی یک زبان بین‌المللی است که در بسیاری از کشورها هم به عنوان زبان بومی و هم به عنوان زبان دوم یا خارجی صحبت می‌شود. آن‌ها آن را تقریباً در هر کشوری روی کرهٔ زمین در مؤسسه‌ها آموزش می‌دهند. آن یک زبان زنده است که بیش از ۳۰۰ میلیون نفر به عنوان زبان بومی خود به آن صحبت می‌کنند. میلیون‌ها نفر دیگر آن را به عنوان یک زبان اضافی صحبت می‌کنند. حدود یک میلیارد نفر در سراسر جهان، به عنوان زبان مادری، به عنوان زبان دوم و یا به عنوان یک زبان خارجی، دانش (خاصی) از زبان انگلیسی دارند.

گزینه (۳) - "international"

۱) ذهنی

۲) جسمانی

۳) بین‌المللی

۴) طبیعی

گزینه (۲) - "institute"

۱) قرن‌ها

۲) مؤسسه‌ها

۳) ساعت‌ها

۴) فرهنگ لغت‌ها

گزینه (۲) - "native"

۱) روان

۲) بومی

۳) باهوش

۴) ناشنوا

گزینه (۱) - "knowledge"

۱) دانش

۲) برش‌ها

۳) پروژه‌ها

۴) باور

گاهی اوقات اختلاف نظر در مورد معانی کلمه‌ها وجود دارد. معمولاً این واژه‌ها به ایده‌ها یا مفاهیم اشاره دارند تا چیزها. به عنوان مثال، همه در مورد معنای دقیق کلمه‌هایی مانند «آزادی»، «عشق»، «عدالت» یا «صلح» با هم توافق ندارند. اگر فرستنده و گیرنده در مورد این معنی‌ها با هم مخالفت داشته باشند، ارتباط از بین می‌رود. مطالعه رابطه بین زبان و معنا، معناشناسی است.

گزینه (۲) - «این متن عمدتاً در مورد توصیف زبان است.» (تکنیک «پایه اصلی»)

(۱) تعریف ارتباطات گفتاری

(۲) توصیف زبان

(۳) مقایسه بین انگلیسی نوشتاری و گفتاری

(۴) توضیح شکل‌های مختلف ارتباط

گزینه (۴) - «بر اساس پاراگراف ۲ کدام یک از موارد زیر درست است؟» «گذشته از سادگی، آن چه بشر برای ارتباط برقرار کردن استفاده می‌کند

خیلی پیچیده است.» (تکنیک «جزئیات متن»)

(۱) هر فرد هر روز حداقل ۳۰۰۰ کلمه استفاده می‌کند.

(۲) هوش و مهارت، دو قسمت از زبان بشر هستند.

(۳) تعداد کل کلمه‌ها در بیش تر زبان‌های بشر حدود ۶۰۰ میلیون است.

(۴) گذشته از سادگی، آن چه بشر برای ارتباط برقرار کردن استفاده

می‌کند خیلی پیچیده است.

گزینه (۲) - «جمله «اگر قرار باشد ... میلیون سال یا بیش تر ...» در پاراگراف ۲ قصد دارد ثابت کند که زبان پتانسیل این را دارد که تعداد

خیلی زیادی جمله تولید کند.» (تکنیک «استنباط از متن»)

(۱) مدت زمان زیادی طول کشید که زبان به شکل پیچیده تبدیل شود

(۲) زبان پتانسیل این را دارد که تعداد خیلی زیادی جمله تولید کند

(۳) یک نفر می‌تواند چیزهای متفاوتی را با کلمه‌های مشابه بگوید

(۴) اگر شخصی همیشه از جمله‌های ۲۰ کلمه‌ای استفاده کند، در

ارتباط برقرار کردن شکست می‌خورد

گزینه (۴) - «نویسنده در مورد همه موارد زیر به غیر از قبل که ممکن است گاهی اوقات عدم توافق وجود داشته باشد اشاره می‌کند.»

(تکنیک «جزئیات متن»)

(۱) صلح

(۲) عدالت

(۳) آزادی

(۴) قبل

گزینه (۳) - «به نظر می‌رسد نویسنده با کدام یک از نتیجه‌های زیر احتمالاً موافق باشد؟» «ضرورتاً رابطه‌ای طبیعی بین کلمه‌ها و معنی‌ها

نیست.» (تکنیک «استنباط از متن»)

(۱) ما باید زبان بشراً ساده‌تر کنیم.

(۲) استفاده زیاد از کلمه‌ها منجر به شکست در برقراری ارتباط می‌شود.

(۳) ضرورتاً رابطه‌ای طبیعی بین کلمه‌ها و معنی‌ها نیست.

(۴) افراد باید معناشناسی را مطالعه کنند. اگر می‌خواهند جمله‌هایشان

از نظر گرامری درست باشد.

گزینه (۴) - "foreign"

(۱) مقدس

(۲) مطمئن

(۳) ممکن

(۴) خارجی

ترجمه متن Cloze Test 4

آموزش به زبان مادری به هر نوع تحصیلی اشاره دارد که از زبان یا زبان‌هایی استفاده می‌کند که کودکان با آن‌ها پیش‌تر آشنا هستند. این معمولاً همان زبانی است که کودکان در منزل یا خانواده‌شان صحبت می‌کنند. «زبان مادری» الزاماً زبانی نیست که مادر صحبت می‌کند. کودکان می‌توانند در خانه پیش از یک و حتی دو زبان صحبت کنند و اغلب (صحبت) می‌کنند. به عنوان مثال، آن‌ها ممکن است با مادرشان به یک زبان، با پدرشان به یک زبان دیگر و با پدر بزرگ و مادر بزرگ خود به زبان سوم صحبت کنند.

گزینه (۴) - "with"

(۱) به

(۲) توسط

(۳) در

(۴) با

گزینه (۱) - "speak"

(۱) صحبت کردن

(۲) نوشتن

(۳) بازی کردن

(۴) آمدن

گزینه (۲) - "spoken"

(۱) نوشته شده

(۲) صحبت شده

(۳) شکسته شده

(۴) انتخاب شده

گزینه (۳) - "than"

توضیح: در مقایسه‌ها معمولاً بعد از صفت‌های تفضیلی از "than" استفاده می‌کنیم.

گزینه (۲) - "another"

(۱) دیگر

(۲) یکی دیگر

(۳) یکدیگر

(۴) یکدیگر

ترجمه متن Passage 1

اگرچه تمام انواع ارتباطات یک زبان دارند، اما این کلمه معمولاً به استفاده از کلمه‌های نوشتاری یا گفتاری اشاره دارد. زبان بشر پیچیده‌ترین شکل بیان است که در دسترس ما است. به طور ساده، درک آن چه که شما در حال حاضر در حال خواندن آن هستید شامل هوش و مهارت بسیاری است. یک فرد بزرگسال به طور متوسط ۳۰۰۰۰ کلمه در روز صحبت می‌کند و در مجموع ۶۰۰ میلیون کلمه در یک عمر متوسط. زبان تأثیر عمیقی بر زندگی ما دارد.

ما از دوران کودکی زبان یاد می‌گیریم؛ ما یاد می‌گیریم چگونه صداها را شکل دهیم که می‌تواند به کلمه‌ها تبدیل شود و کشف می‌کنیم که اگر بخواهیم (توسط دیگران) درک شویم، باید قوانین گرامری خاصی را اعمال کنیم. ما یاد می‌گیریم بگوییم «او مرا دید»، اما «من او را دیدم». راه‌های پیوند دادن کلمه‌ها با یکدیگر و به جملات قابل پذیرش از نظر دستوری، بسیار زیاد است. اگر قرار باشد شما تمام جمله‌های ۲۰ کلمه‌ای را که در زبان انگلیسی معنی می‌دهند، با صدای بلند بگویید، ده میلیون سال طول خواهد کشید. وقتی از کلمه‌ها استفاده می‌کنیم، از نمادها استفاده می‌کنیم؛ کلمه «قبل» باید به حیوان خاکستری بزرگ با پوست ضخیم اشاره کند، زیرا گویش‌وران زبان انگلیسی توافق کرده‌اند که این کلمه باید نماد آن حیوان خاص باشد.

ترجمه متن Passage 2

تغییرات چشمگیر در زبان کودکان در اوایل کودکی رخ می‌دهد. در حدود ۱۸ ماهگی، کودکان ممکن است حدود ۳۰ کلمه را بشناسد و بتوانند هر دفعه یک کلمه، مانند «Doggie!» یا «More!» صحبت کنند. این توانایی نشان می‌دهد که کودکان آموخته‌اند که از کلمه‌ها به عنوان نمادها برای اشیاء، عملکردها و افراد استفاده کنند. سپس ناگهان، در عرض ماه یا بیش‌تر، واژگان کودکان دو برابر به حدود ۷۰ کلمه می‌رسد و شروع به کنار هم قرار دادن کلمه‌ها می‌کنند تا جمله‌های دو کلمه‌ای مانند «There doggy» یا «Mummy come» ایجاد کنند. هنگامی که در شش سالگی دوران اوایل کودکی به پایان می‌رسد، کودکان از ۸,۰۰۰ تا ۱۴,۰۰۰ کلمه می‌دانند و با جمله‌های طولانی و دقیق صحبت می‌کنند.

تا سن چهارسالگی، کودکان شروع به صحبت در مورد چیزهایی می‌کنند که نمی‌توانند ببینند همانند آن‌هایی که می‌توانند (ببینند) و در مورد گذشته و آینده، همانند حال. آن‌ها همچنین روایاها و داستان‌هایی درباره چیزهایی که هرگز اتفاق نیفتاده است، می‌سازند.

همان‌طور که کودکان رشد می‌کنند، توانایی بیان ایده‌های پیچیده‌تری را پیدا می‌کنند و در مورد آن چه که لازم است بگویند تا فهمیده شوند قضاوت می‌کنند. آن‌ها می‌آموزند که با بزرگسالان به شکل رسمی و با احترام و با دوستانشان به صورت غیررسمی صحبت کنند. آن‌ها به نوزادان یا «زبان نوزاد» صحبت می‌کنند.

گزینه (۱) - بهترین عنوان برای متن چیست؟ «توسعه زبان» (تکنیک

«ایده اصلی»)

(۱) توسعه زبان

(۲) یادگیری زبان دوم

(۳) یادگیری واژگان توسط کودکان

(۴) بیان نظر: تأثیر سن

گزینه (۲) - اگر یک کودک گفتن «باها رفت» را شروع کند، باید حدود

۷۰ واژه بداند. (تکنیک «استنباط از متن»)

(۱) ۱۸ ماه باشد

(۲) باید حدود ۷۰ واژه بداند

(۳) همچنین قادر باشد ایده‌های پیچیده‌تر را بیان کند

(۴) در پایان اوایل کودکی خود باشد

گزینه (۲) - «کلمه those در پاراگراف ۲ به things (چیزها) اشاره

دارد. (تکنیک «مرجع ضمیر»)

(۱) کودکان

(۲) چیزها

(۳) کلمه‌ها و جمله‌ها

(۴) گذشته و آینده

گزینه (۱) - «پاراگراف ۲ عمدتاً در مورد صحت زبان استفاده شده توسط

کودکان است. (تکنیک «ایده اصلی»)

(۱) محتوای صحبت کودکان

(۲) صحت زبان استفاده شده توسط کودکان

(۳) توانایی کودکان در استفاده از زبان برای ساختن داستان

(۴) تأثیر دنیای واقعی بر یادگیری زبان کودکان

گزینه (۳) - «از پاراگراف آخر می‌توان متوجه شد که کودکان می‌توانند بر

اساس شنونده‌شان نوع زبان را تغییر دهند. (تکنیک «استنباط از متن»)

(۱) گاهی اوقات وقتی لازم است به زبان رسمی صحبت کنند به زبان

غیررسمی صحبت می‌کنند

(۲) از گفتارشان استفاده می‌کنند تا مهارت‌های جدید یاد بگیرند

(۳) می‌توانند بر اساس شنونده‌شان نوع زبان را تغییر دهند.

(۴) به ندرت سعی می‌کنند در مورد تأثیر گفتارشان بر افرادی که با آن‌ها

صحبت می‌کنند قضاوت کنند

ترجمه متن Passage 3

اگر فردی در زندگی روزمره از دو زبان استفاده کند، گفته می‌شود که دوزبانه است. فقط تعداد کمی از افرادی که ما دوزبانه می‌نامیم، می‌توانند هر دو زبان را به همان اندازه خوب صحبت کنند، بخوانند یا بنویسند. کسانی را که می‌توانند این کار را انجام دهند «دوزبانه متعادل» می‌نامیم، اما اکثر دو زبانه‌ها یک زبان ترجیحی دارند که اکثر اوقات از آن استفاده می‌کنند و سپس زبان دوم را، که سطح و استفاده (از آن‌ها) به طور قابل ملاحظه‌ای از یک شخص به شخص دیگر متفاوت خواهد بود. کودکانی که از سنین خیلی کم دوزبانه پرورش پیدا می‌کنند، احتمالاً به طور برابر به هر دو (زبان) مسلط هستند.

جوامع دوزبانه در بسیاری از نقاط جهان وجود دارند. اعضای این جوامع البته از دو زبان (یا بیش‌تر) استفاده می‌کنند. آفریقای جنوبی، بلژیک، ولز، ایرلند و کانادا مثال‌هایی از کشورهایی هستند که چنین جوامعی در آن وجود دارند. (این بدان معنی نیست که همه کسانی که در این کشورها زندگی می‌کنند دوزبانه هستند.) دوزبانه بودن در سایر نقاط جهان نیز اتفاق می‌افتد در جاهایی که گروه‌های مهاجر در آن‌جا زندگی می‌کنند اما هنوز به طور کامل جذب جامعه اطرافشان نشده‌اند. آن‌ها بسیاری از آداب و رسوم خود را حفظ می‌کنند و همچنان از زبان خود در خانه استفاده می‌کنند. نمونه‌های زیر از یک لیست طولانی گرفته شده است: چینی‌ها و ایتالیایی‌ها در استرالیا؛ کارگران مهاجر ترک در آلمان؛ آسیایی‌ها در بریتانیا؛ و گویش وران اسپانیایی در ایالات متحده. در بسیاری از موارد، این دوزبانه‌ها خودشان مهاجران نیستند، بلکه افرادی هستند که والدین یا حتی پدر بزرگ و مادر بزرگ هایشان به این کشور سفر کرده‌اند و همچنان با زبان مادری با کودکان خودشان صحبت می‌کنند.

گزینه (۲) - «بر اساس متن یک دوزبانه متعادل شخصی

است که هم‌زمان به طور مساوی به دو زبان تسلط دارد.»

(۱) می‌تواند دو زبان را در زندگی روزمره‌اش استفاده کند

(۲) هم‌زمان به طور مساوی به دو زبان تسلط دارد

(۳) می‌تواند در جایی که به یک زبان دیگر صحبت می‌کنند در یک

متن، زبان دوم را استفاده کند

(۴) دوزبانه پرورش یافته است و می‌تواند فقط زبان خودش را در دو

کشور بخواند و بنویسد

۶۸۹ گزینه (۴) - «بر اساس متن، کودکانی که از سن خیلی ابتدایی دوزبانه هستند احتمالاً هر دو زبان را به طور مساوی می‌دانند.» (تکنیک «جزئیات متن»)

① به احتمال زیاد به یک زبان مسلط هستند

② تسلط برابر بر دو فرهنگ دارند

③ می‌توانند هر دو زبان را به طور برابر بنویسند

④ احتمالاً هر دو زبان را به طور مساوی می‌دانند

۶۹۰ گزینه (۳) - «کدام جمله در مورد متن درست نیست؟» در سرتاسر دنیا جوامع دوزبانه وجود دارند.» (تکنیک «جزئیات متن»)

① آفریقای جنوبی، بلژیک و کانادا نمونه‌هایی از کشورهای دوزبانه هستند. ② اعضای جوامع دوزبانه از دو زبان استفاده می‌کنند.

③ در سرتاسر دنیا جوامع دوزبانه وجود دارند.

④ این طور نیست که همه افراد در کشورهای دوزبانه، دوزبانه باشند. ۶۹۱ گزینه (۱) - «مهاجران از زبان مادری‌شان استفاده می‌کنند تا آداب و رسوم خود را حفظ کنند.» (تکنیک «جزئیات متن»)

① آداب و رسوم خود را حفظ کنند

② به فرزندانشان کمک کنند در مدرسه بهتر کار کنند

③ با فرزندانشان راحت‌تر ارتباط برقرار کنند

④ راحت‌تر یک کشور خارجی جذب شوند

ترجمه متن 4 Passage

چه می‌شود اگر شما زبان کشوری را که از آن بازديد می‌کنيد صحبت نکنيد؟ ابتدا، سعی کنید قبل از رفتن تعداد کمی لغت مانند «لطفاً، متشکرم، سلام، خداحافظ» یاد بگیرید. این به شما کمک خواهد کرد به افراد محلی نشان دهید دارید سعی می‌کنید. یک کتاب اصطلاحات (مخصوص گردشگرها) می‌تواند کمک کند، اما به خاطر داشته باشید که ضرورتاً پاسخی را که می‌گیرید، درک نمی‌کنید.

نام شهرها، هتلی را که انتخاب کردید و هر جاذبه‌ای را که برای دیدن برنامه‌ریزی می‌کنید، بنویسید. اگر آن را به صورت نوشته داشته باشید، به شما کمک می‌کند تا به راننده تاکسی یا یک شخص نشان دهید که درخواست آدرس می‌کنید.

به خاطر داشته باشید که انگلیسی زبان بین‌المللی سفر است. گاهی اوقات نابولها در جاذبه‌های گردشگری حتی به هر دو زبان محلی و انگلیسی نوشته می‌شوند. اگر به مقصدهای گردشگری محبوب سفر می‌کنید، افراد محلی را خواهید یافت که می‌توانند تعداد کمی لغت انگلیسی ابتدایی صحبت کنند. اما وقتی با آن‌ها صحبت می‌کنید، به خاطر داشته باشید آرام و واضح (نه بلندتر) صحبت کنید و از لغت‌های ساده استفاده کنید. دانستن تعداد کمی کلمه کلیدی و اصطلاح کمک زیادی می‌کند تا خودتان را تفهیم کنید و دیگران را بفهمید. به دنبال کتاب اصطلاحات کشوری که می‌خواهید از آن بازدید کنید، باشید.

۶۹۲ گزینه (۳) - «وقتی از یک کشور دیدن می‌کنید، یادگیری تعداد کمی لغت می‌تواند کمی به شما کمک کند.» (تکنیک «جزئیات متن»)

① اصلاً مفید نیست

② می‌تواند خیلی سخت باشد

③ می‌تواند کمی به شما کمک کند

④ ممکن است بین‌المللی باشد

۶۹۳ گزینه (۲) - «در (محل) جاذبه‌های گردشگری نابولها به انگلیسی نیز نوشته می‌شود.» (تکنیک «جزئیات متن»)

① شما می‌توانید مردم را درک کنید

② نابولها به انگلیسی نیز نوشته می‌شود

③ مردم محلی بلندتر صحبت می‌کنند

④ لغت‌های ابتدایی به شما کمک نمی‌کنند

۶۹۴ گزینه (۴) - «کدام جمله بر اساس متن درست است؟» دانستن انگلیسی مفید است زیرا زبان گردشگری است.» (تکنیک «جزئیات متن»)

① اگر شما یک زبان خارجی نمی‌دانید، نباید مسافرت کنید.

② مردم محلی هرگز نمی‌دانند گردشگرها چه می‌گویند.

③ وقتی شما با افراد محلی صحبت می‌کنید، باید با صدای بلند صحبت کنید.

④ دانستن زبان انگلیسی مفید است زیرا زبان گردشگری است.

۶۹۵ گزینه (۳) - کلمه «them» که زیرش خط کشیده شده است در پاراگراف آخر، به «locals» (افراد محلی) اشاره می‌کند. (تکنیک «بهرج ضمیر»)

① گردشگرها

② لغت‌ها

③ افراد محلی

④ مقصدها

Lesson 2

پاسخ

ترجمه متن Cloze Test 1

امروزه بیش‌تر بیماری‌ها به علت اختراعات پزشکی و داروهای جدید تحت کنترل هستند. بسیاری از عواملی که امروزه بر سلامتی ما تأثیر می‌گذارند انتخاب‌های سبک زندگی هستند. بیماری‌های (مربوط) به سبک زندگی مانند بیماری قلبی و سرطان در جامعه ما مشکلات جدی سلامتی هستند. رفتارهای ناسالم و چیزهای دیگر سبب آن‌ها می‌شوند. تعدادی عامل خطر مرتبط با هر مشکل سلامتی وجود دارد. عوامل خطر چه چیزهایی هستند؟ عوامل خطر چیزهایی هستند که شانس آسیب به شما، بیماری یا مشکلات سلامتی دیگر را افزایش می‌دهند. انواع مختلف عوامل خطر وجود دارند. بعضی از آن‌ها قابل کنترل هستند، دیگر (عوامل)، نیستند. تفاوت بین این دو واضح است.

۶۹۶. گزینه (۱) - "medicine"

- ۱ دارو (۲) رمز
۳ ورزش (۴) پیام

۶۹۷. گزینه (۴) - "influence"

- ۱ نگاه کردن (۲) تمرین کردن
۳ لذت بردن از (۴) تأثیر گذاشتن

۶۹۸. گزینه (۳) - "society"

- ۱ ناهنجاری (۲) ارتباط
۳ جامعه (۴) سریال

۶۹۹. گزینه (۱) - "increase"

- ۱ افزایش دادن (۲) تمام کردن
۳ اندازه‌گیری کردن (۴) فراموش کردن

۷۰۰. گزینه (۱) - "between"

توضیح: بعد از «difference» حرف اضافه «between» به کار می‌رود.

ترجمه متن Cloze Test 2

رومیان در مورد سلامتی در یک ضرب المثل سخن گفتند: «ذهن (عقل) سالم در بدن سالم». علاوه بر سلامت جسمانی، درک سلامت روان بسیار مهم است. استرس روانی بیش از حد می‌تواند بر سلامت ذهن یک شخص تأثیر بدی بگذارد. بدن انسان بسیار پیچیده‌تر از هر دستگاه دیگری است. با این وجود نسبت به هر دستگاه دیگری نیاز به مراقبت روزانه کمتری دارد. هیچ دستگاهی نمی‌تواند همه چیزهایی را که بدن انجام می‌دهد، انجام دهد. هیچ دستگاهی فقط با نیاز به هوا، آب، غذا و فقط چند قاعده ساده ۷۰ سال یا بیش‌تر، روز و شب کار نمی‌کند. هیچ دستگاهی مانند بدن انسان ساخته نشده است که بتواند با شرایط بسیار مختلفی خودش را تنظیم کند.

۷۰۱. گزینه (۲) - "mental"

- ۱ خلاقانه (۲) روانی
۳ عصبی (۴) بی‌قرار

۷۰۲. گزینه (۳) - "effect"

- ۱ تصادف (۲) فرار
۳ تأثیر (۴) تحصیل

۷۰۳. گزینه (۱) - "machine"

- ۱ دستگاه (۲) مردم
۳ دارو (۴) وزن

۷۰۴. گزینه (۴) - "than"

- ۱ از (۲) به عنوان
۳ برای (۴) از (در مقایسه‌ها)

۷۰۵. گزینه (۳) - "simple"

- ۱ جسمی (۲) مضر
۳ ساده (۴) آرام

ترجمه متن Cloze Test 3

سلامت را می‌توان به عنوان تناسب (اندام) داشتن و سالم بودن شناخت. سازمان بهداشت جهانی (WHO)، نماینده‌ای از سازمان ملل متحد که با سلامتی در سراسر جهان مرتبط است، تعریف دقیق‌تری را ارائه می‌دهد. این (سازمان) می‌گوید که سلامتی وضعیت سلامتی جسمی، روحی و اجتماعی کامل است و نه صرفاً فقدان بیماری و ضعف. با این حال، در یک کشور فقیر، شاید سلامتی به معنای محض یعنی غذای کافی برای زنده ماندن و اجتناب از بیماری‌های جدی مانند حصبه و وبا باشد. همچنان که کشورها ثروتمندتر می‌شوند، به استانداردهای مثبت‌تر سلامت WHO دست می‌یابند، زیرا مردمشان می‌توانند غذا و مراقبت‌های پزشکی بهتری را دریافت کنند.

۷۰۶. گزینه (۱) - "world"

- ۱ جهان (۲) شهر
۳ جنگ (۴) بیماری

۷۰۷. گزینه (۲) - "state"

- ۱ کار (۲) وضعیت
۳ ذهن (۴) مأموریت

۷۰۸. گزینه (۳) - "weakness"

- ۱ فکر (۲) دلیل
۳ ضعف (۴) عادت

۷۰۹. گزینه (۱) - "avoid"

- ۱ اجتناب کردن (۲) منصرف شدن
۳ سهیم شدن (۴) پذیرفتن

۷۱۶. گزینه (۳) - «افرادی که از اینترنت استفاده می‌کنند ممکن است مشکلات روحی (روانی) داشته باشند.» (تکنیک «جزئیات متن»)

- ۱ واقعاً سالم هستند
- ۲ باید تحقیق بیشتری انجام دهند
- ۳ ممکن است مشکلات روحی (و روانی) داشته باشند
- ۴ در خانه و مدرسه فعال هستند

۷۱۷. گزینه (۲) - «یک دانشگاه کانادایی تحقیق انجام داد.» (تکنیک «جزئیات متن»)

- ۱ ۲۵۴ دانشجو داشت
- ۲ تحقیق انجام داد
- ۳ از اینترنت استفاده کرد
- ۴ به طور منظم آنلاین می‌شد

۷۱۸. گزینه (۱) - «بر اساس متن کدام جمله درست نیست؟» (تکنیک «جزئیات متن»)

- ۱ ما در مورد خطرات اعتیاد به اینترنت زیاد می‌دانیم.
- ۲ افراد معتاد به اینترنت در (محل) کار مشکل دارند.
- ۳ محققین عادت‌های اینترنتی تعدادی دانشجو را مطالعه کردند.
- ۴ افراد معتاد به اینترنت مشکلات روحی و روانی بیشتری دارند.

۷۱۹. گزینه (۲) - «این متن عمدتاً در مورد چه چیزی بحث می‌کند؟»

«مشکلات افرادی که معتاد اینترنت هستند صحبت می‌کند.»

- ۱ مشکلات روحی (و روانی) دانشجویان کانادایی
- ۲ مشکلات افرادی که معتاد اینترنت هستند

- ۳ فعالیت روزانه بعضی دانشجویان
- ۴ مشکلات مدیریت زمان

ترجمه متن Passage 2

مکانی را که می‌خواهید به آنجا بروید طوری انتخاب کنید که تمام خانواده لذت ببرند. کودکان سریع‌تر از بزرگسالان علاقه خود را از دست می‌دهند، بنابراین هنگام انتخاب، کودکان خود را در نظر بگیرید و اطمینان حاصل کنید که فعالیت‌هایی وجود دارند که آن‌ها را مشغول و علاقه‌مند نگه می‌دارد.

رفتن به مسافرت زمینی طولانی با فرزندان خود می‌تواند بسیار استرس‌آور باشد اگر شما آماده‌ی مقابله با توجه کوتاه‌مدت بچه‌ها نباشید. کتاب‌های رنگی، اسباب بازی، بازی‌های ویدئویی، سی‌دی‌های صوتی برای کودکان، غذا و آب و چیزهای دیگری برای خانواده ضروری در نظر می‌گیرید، به اندازه‌ای که تا انتهای سفر کافی باشد، بردارید.

اطمینان حاصل کنید که خانواده شما در امنیت است، از کمربند ایمنی و صندلی ایمنی برای کودکان در صندلی عقب استفاده کنید؛ ثابت شده است که اگر در جاده به مشکل برخورد کنید، آن‌ها بچه‌ها را امن نگه می‌دارند. اگر قصد در سفر جاذب‌رین، به یاد داشته باشید که جعبه کمک‌های اولیه همراه با ملزومات بردارید.

۷۱۰. گزینه (۱) - «medical»

- ۱ پزشکی
- ۲ نادرست
- ۳ منطقه‌ای
- ۴ ناقص

ترجمه متن Cloze Test 4

آیا می‌دانید که خنده می‌تواند به سیستم ایمنی بدن شما کمک کند؟ حتی ممکن است که با هر خنده، شانس خود را برای سرما خوردن یا حمله آلرژیک کاهش دهید. در حقیقت، اگر قبل از رفتن به رختخواب بخندید، احتمالاً خواب خوبی خواهد داشت. تحقیقات پزشکی در مورد خنده و تمایل به سلامتی باعث می‌شود که مردم بیش‌تر و بیش‌تر از خنده استفاده کنند تا احساس خوبی داشته باشند. آلن کلاین می‌گوید که همه لازم است بخندیم، به ویژه به خودمان. ما برای توسعه «مهارت‌های شوخ‌طبعی»، باید شوخ‌طبعی را در عمل‌ها و عکس‌العمل‌های خود بینیم. با تمرین، می‌توانیم در این کار بهتر باشیم.

۷۱۱. گزینه (۲) - «possible»

- ۱ سستی
- ۲ ممکن
- ۳ فرهنگی
- ۴ نرمال

۷۱۲. گزینه (۳) - «attack»

- ۱ ورزش
- ۲ دارو
- ۳ حمله
- ۴ خوشبختی

۷۱۳. گزینه (۱) - «probably»

- ۱ احتمالاً
- ۲ ناگهان
- ۳ متأسفانه
- ۴ به طور شغافی

۷۱۴. گزینه (۲) - «feel»

- ۱ سیگار کشیدن
- ۲ احساس کردن
- ۳ صدمه زدن
- ۴ محدود کردن

۷۱۵. گزینه (۴) - «to see»

توضیح: بعد از need مصدر با to می‌آید.

ترجمه متن Passage 1

افرادی که بیش از حد از اینترنت استفاده می‌کنند ممکن است مشکلات سلامت روحی (و روانی) داشته باشند. آن‌ها اگر نتوانند به طور منظم آنلاین شوند ممکن است مشکل پیدا کنند. تحقیقی از یک دانشگاه کانادایی به عادت اینترنتی ۲۵۴ دانشجو و سلامت روحی (و روانی) آن‌ها نگاهی انداخت. محققین گفتند ۱۰۷ دانشجو به علت استفاده از اینترنت، اعتیاد و مشکلاتی مانند افسردگی دارند. ما در مورد خطرات اعتیاد به اینترنت خیلی کم می‌دانیم و باید بیش‌تر تحقیق کنیم. یک محقق توضیح داد که چه مشکلاتی وجود دارند. او گفت: «ما دریافتیم که دانشجویان معتاد به اینترنت مشکلات بیش‌تری در رابطه با فعالیت‌های روزانه خود از قبیل زندگی در خانه، محل کار یا مدرسه دارند.» او افزود: «افراد معتاد به اینترنت هم چنین افسرده هستند و با مدیریت زمان مشکل دارند.» ما باید دریابیم که آیا مشکلات سلامت روحی (و روانی) باعث اعتیاد به اینترنت می‌شود (یا نه).

ترجمه متن Passage 3

ورزش‌هایی که نیازمند درگیری کامل بدن هستند تناسب اندام را به طور موثرتری بهبود می‌بخشند و حفظ می‌کنند، به عنوان مثال، آهسته دویدن، دویدن، شنا، دوچرخه سواری و پیاده روی سریع. بازی‌های سازماندهی شده و ورزش‌هایی که دوره‌های استراحت طولانی در طراحی بازی دارند، تأثیر کمی در تناسب اندام دارند. برنامه‌هایی که به خصوص برنامه‌ریزی شده‌اند تا به افراد کمک کنند تناسب اندام داشته باشند در مکان‌های مختلفی ارائه می‌شوند: مدارس و سالن‌های ورزشی، باشگاه‌های خصوصی و استودیوها و کلینیک‌های خاص حرفه‌ای سازماندهی شده که به مشکلات مربوط به قلب و ریه افراد توجه دارند. فرد باید در انتخاب برنامه ورزشی دقت داشته باشد و باید اطمینان حاصل کند که کارشناسان در زمینه تربیت بدنی یا پزشکی در آن مشغول به کار باشند.

افراد سالم عادی ممکن است برنامه ورزشی را خودشان قبل از ورزش برنامه‌ریزی کنند. قاعده کلی این است که ورزش کنید تا زمانی که خیلی احساس خستگی کنید - یعنی زمانی که تنفس سخت می‌شود، گردش خون کافی به نظر نمی‌رسد، یا خستگی بر عملکرد تأثیر می‌گذارد. افراد مبتلا به بیماری‌های ناشی از حملات قلبی و بیماری قبل از انتخاب یک برنامه ورزشی باید به پزشک مراجعه کنند.

گزینه (۱) - «با توجه به اطلاعات متن، اگر شما در یک ورزش شرکت کنید که باعث استراحت طولانی شما می‌شود شما نمی‌توانید انتظار داشته باشید که تناسب اندامتان خیلی بهبود یابد.» (تکنیک «جزئیات متن»)
 (۱) نمی‌توانید انتظار داشته باشید که تناسب اندامتان خیلی بهبود یابد
 (۲) باید بیش‌ترین تلاش خود را برای جلوگیری از درگیری کامل بدن انجام دهید
 (۳) باید در مکان‌های مختلف ورزش کنید تا تناسب اندام خود را بهبود ببخشید
 (۴) بهتر است در طول دوره استراحت برای گرم نگه داشتن و تناسب بدن خود بپوید، سریع راه بروید و غیره

گزینه (۱) - «با توجه به متن، اگر شما مشکل قلبی دارید، به شما توصیه می‌شود در مکان‌هایی ورزش کنید که فعالیت‌هایی را که به صورت بالینی برای شما مناسب هستند طراحی می‌کنند.» (تکنیک «جزئیات متن»)
 (۱) در مکان‌هایی ورزش کنید که فعالیت‌هایی را که به صورت بالینی برای شما مناسب هستند طراحی می‌کنند
 (۲) بازی‌های سازمان‌یافته را انجام دهید تا دیگران بتوانند در صورتی که شما با هر گونه مشکل مواجه شدید از شما مراقبت کنند
 (۳) اغلب برای اندازه‌گیری میزان پیشرفتی که در تناسب اندام داشته‌اید به پزشک مراجعه کنید
 (۴) فعالیت‌هایی را انجام دهید که نیازمند درگیر شدن کامل بدن هستند تا تمام فشارها بر روی قلب شما قرار نگیرد

اگر به جایی می‌روید که توسط یکی از دوستان دیگر یا منبع مسافرتی دیگری توصیه شده است و مطمئن نیستید که چطور به آن جا برسید، نقشه‌ای از آن منطقه جغرافیایی همراه داشته باشید، این (کار) همچنین می‌تواند پاسخی به متداول‌ترین سؤال فرزندان باشد: «آیا هنوز نرسیدیم؟» هنگامی که در یک سفر طولانی هستید، همراه داشتن ساندویچ، میوه، بطری آب به اندازه کافی برای تمام خانواده بی‌خطرتر است. به یاد داشته باشید که یک کیسه زباله همراه ببرید تا مجبور نشوید زباله‌ها را در جاده بریزید، این (کار) همچنین از تعداد توقف‌هایی که باید در سفر انجام دهید می‌کاهد و در عوض می‌توانید برای دستشویی یا دراز کردن پاهای‌تان (استراحت کردن) توقف کنید.

گزینه (۲) - «بهترین عنوان برای متن چیست؟» «ایده‌های سفر جاده‌ای برای خانواده» (تکنیک «ایده اصلی»)

(۱) برای سفر به کجا برویم
 (۲) ایده‌های سفر جاده‌ای برای خانواده
 (۳) محافظت در طول یک سفر طولانی
 (۴) مزیت سفر برای کودکان
 گزینه (۲) - «بر اساس متن اگر فرزندان شما در طول سفر به جای نگاه کردن به مناظر طبیعی نقاشی بکشند شما نباید متعجب شوید.» (تکنیک «استنباط از متن»)

(۱) ممکن است خیلی استرس بگیرید
 (۲) نباید متعجب شوید
 (۳) مجبورید توقف کنید تا آن‌ها استراحت کنند
 (۴) باید سعی کنید آن‌ها را درگیر فعالیت‌های دیگر کنید
 گزینه (۱) - «به شما توصیه می‌شود همراه خود جعبه کمک‌های اولیه بردارید اگر در سفر چادر می‌زنید.» (تکنیک «جزئیات متن»)
 (۱) اگر در سفر چادر می‌زنید
 (۲) زیرا کودکان ممکن است به راحتی بیمار شوند
 (۳) زیرا جاده‌ها امنیت کامل ندارند
 (۴) تا به آن‌هایی که ممکن است در تصادفات اتومبیل مصدوم شوند کمک کنید

گزینه (۳) - «بر اساس متن، سؤال «هنوز نرسیدیم؟» سؤالی است که کودکان اغلب در راه رسیدن به محل می‌پرسند.» (تکنیک «جزئیات متن»)

(۱) مردم وقتی مسیرشان را گم می‌کنند می‌پرسند
 (۲) علاقه وافر کودکان را به سفر نشان می‌دهد
 (۳) کودکان اغلب در راه رسیدن به محل می‌پرسند
 (۴) نشان می‌دهد کودکان نمی‌توانند به مدت طولانی روی یک چیز تمرکز کنند

گزینه (۴) - «بر اساس متن، در یک سفر طولانی شما قرار نیست چیزهایی را که نمی‌خواهید در جاده بریزید.» (تکنیک «جزئیات متن»)

(۱) به اندازه یک سفر کوتاه در امان نیستید
 (۲) نمی‌توانید کار خاصی انجام دهید تا تعداد دفعات توقف را کاهش دهید
 (۳) ممکن است سر راه رستوران‌های زیادی پیدا نکنید
 (۴) قرار نیست چیزهایی را که نمی‌خواهید در جاده بریزید

اعتماد به نفس داشته باشید. تمام وقت از خود انتقاد نکنید. اگر شما خود را دوست نداشته باشید سخت است بخواهیم دیگران ما را دوست بدارند. به ویژگی‌های خوب خود و دلایلی که مردم دوستی شما را می‌خواهند، فکر کنید.

دوستی‌هایی را که واقعاً می‌خواهید با افرادی که دوست دارید، به آن‌ها احترام می‌گذارید و تحسین می‌کنید، ادامه دهید. همچنین سعی کنید افراد زیادی را ملاقات کنید. به این ترتیب، گروه بزرگ‌تری برای انتخاب و شناسن پیش‌تری برای ایجاد دوستی دارید.

گزینه (۴) - «متن عمدتاً در مورد چه چیزی بحث می‌کند؟» برای

دوست پیدا کردن چه کار کنیم» (تکنیک «ایده اصلی»)

① چه کار کنید زندگی‌تان جالب‌تر شود

② مشکلات افرادی که ترجیح می‌دهند تنها زندگی کنند

③ چطور بر عادات‌های قدیمی دوست بودن غلبه پیدا کنیم

④ برای دوست پیدا کردن چه کار کنیم

گزینه (۲) - «کلمه It در پاراگراف ۲ به امتحان کردن بعضی از

تکنیک‌های آن‌ها اشاره دارد.» (تکنیک «مرجع ضمیر»)

① کپی کردن تمام چیزهایی که آن‌ها انجام می‌دهند

② امتحان کردن بعضی از تکنیک‌های آن‌ها

③ توسعه شیوه اجتماعی خودتان

④ دوست پیدا کردن به هر تعداد که دوست دارید

گزینه (۱) - «چرا نویسنده در پاراگراف ۴ بیان می‌کند «من، من، من»؟»

«تا در برابر این که شما تنها شخصی باشید که در گفتگو صحبت می‌کنید

هشدار دهد.» (تکنیک «هدف و منظور نویسنده»)

① تا در برابر این که شما تنها شخصی باشید که در گفتگو صحبت

می‌کنید هشدار دهد

② تا بر این واقعیت تأکید کند که شما باید واقعاً متوجه شوید که

خصوصیات شخصی شما چیست

③ تا به شما آموزش دهد در مورد خودتان برای دوستان‌تان تا جایی که

ممکن است اطلاعات آشکار کنید

④ تا نقش چشم‌پوشی کردن از تمامی علایق شخصی‌تان در توانایی

دوست‌یابی موفق را نشان دهد

گزینه (۴) - «بر اساس متن، هیچ‌کدام از موارد زیر در شکل مثبت در

دوست پیدا کردن به شما کمک نمی‌کنند به‌جز این که قادر باشیم به

دیگران اجازه دهیم خودشان را ابراز کنند.» (تکنیک «جزئیات متن»)

① نترحم بود

② با افراد خیلی کمی بودن

③ همیشه بی‌ثبات بودن

④ قادر بودن به این که به دیگران اجازه دهیم خودشان را ابراز کنند

گزینه (۱) - «می‌توان گفت که پاراگراف ۱ عمدتاً نوشته شده تا توصیه

ارائه کند.» (تکنیک «استنباط از متن»)

① توصیه ارائه کند

② یک ایده غلط را تصحیح کند

③ مزایای بازی‌ها را ذکر کند

④ ورزش روزانه را با ورزش‌های سازمان‌دهی شده مقایسه کند

گزینه (۲) - «واژه labor در پاراگراف ۲ نزدیک‌ترین معنی به «سخت،

مشکل» را دارد.» (تکنیک «معنی واژه»)

① عمیق

② سخت، مشکل

③ خطرناک

④ منظم

گزینه (۳) - «قانون کلی ارائه شده در پاراگراف ۲ برای آن‌هایی است که

هیچ مشکل سلامتی ندارند.» (تکنیک «جزئیات متن»)

① باید به پزشک مراجعه کنند

② به طور حرفه‌ای ورزش می‌کنند

③ هیچ مشکل سلامتی ندارند

④ نمی‌توانند برنامه‌های ورزشی خودشان را برنامه ریزی کنند

ترجمه متن Passage 4

اگر تمام وقت تنها در خانه بمانید، دوست پیدا کردن سخت است. شما باید از خانه خارج شوید و کارهایی را انجام دهید که کمک کند دیگران را ملاقات کنید. به باشگاه بپیوندید، ورزش کنید، کار داوطلبانه انجام دهید. متوجه خواهید شد که دوست شدن با افرادی که علایق مشابه دارند، آسان‌تر است.

در مدرسه یا سرکار از افرادی که به نظر می‌رسد به راحتی دوست پیدا می‌کنند یاد بگیرید. رفتار آن‌ها را مشاهده کنید. آن‌ها چگونه باعث می‌شوند دیگران احساس راحتی کنند؟ توجه داشته باشید که آن‌ها چه می‌گویند و چگونه رفتار می‌کنند. همه چیزهایی را که آن‌ها انجام می‌دهند کپی نکنید، اما برخی از تکنیک‌هایشان را امتحان کنید. این به شما کمک خواهد کرد که سبک اجتماعی خود را توسعه دهید.

به بعضی از مباحث که باعث گفتگوی خوبی می‌شوند فکر کنید. از آخرین اخبار مطلع شوید، به محبوب‌ترین نوع موسیقی گوش کنید، یا یک فیلم یا نمایش تلویزیونی جالب تماشا کنید. هرچه (مطلب) بیش‌تر برای گفتن داشته باشید، مردم بیش‌تر می‌خواهند با شما صحبت کنند. شنونده خوبی باشید و اجازه دهید مردم در مورد خودشان صحبت کنند. سعی نکنید به مکالمه با «من، من، من» چهره دهید. سؤال‌های زیادی پرسید. به پاسخ‌ها علاقه نشان دهید. این باعث می‌شود افراد احساس خاصی داشته باشند و بخواهند دوست شما باشند.

هنگامی که شما شروع به شناختن یک فرد می‌کنید، یک روز صمیمی و پرحرف نباشید و روز دیگر برای حرف زدن بیش از حد خجالتی، ثبات داشته باشید. ثبات کیفیتی است که مردم در جست‌وجوی آن هستند.

Lesson 3

پاسخ

ترجمه متن Cloze Test 1

لئون تولستوی در مقاله‌اش بیان می‌کند: «هنر، همان‌طور که اهل متافیزیک می‌گویند، بیان یک ایده مرموز از زیبایی یا خدا نیست؛ همان‌طور که فیزیولوژیست‌های زیباشناختی می‌گویند، یک بازی نیست که در آن انسان انرژی بیش از حد ذخیره شده خود را خارج کند؛ آن بیان عواطف انسان توسط نشانه‌های خارجی نیست؛ آن تولید اشیاء دلبذیر نیست و مهم‌تر از همه، لذت نیست؛ بلکه وسیله اتحاد مردم است که آن‌ها را با احساسات مشابه به هم ملحق می‌کند و برای حیات و پیشرفت در جهت رفاه همه مردم در یک جامعه و بشریت ضروری است.»

گزینه (۳) - "beauty"

- ۱ تأثیر (۲) اندازه
۳ زیبایی (۴) کارخانه

گزینه (۱) - "emotions"

- ۱ احساس‌ها (۲) ایستگاه‌ها
۳ خلق (۴) نسبت

گزینه (۲) - "production"

- ۱ اعتیاد (۲) تولید
۳ تعریف (۴) ارتباط

گزینه (۲) - "means"

- ۱ اقتصاد (۲) وسیله
۳ تجربه (۴) جایزه

گزینه (۴) - "society"

- ۱ فعالیت (۲) ملیت
۳ تنوع (۴) جامعه

ترجمه متن Cloze Test 2

از ابتدا، مردم از سفالگری به عنوان راهی برای ساختن هویت اجتماعی خود، یا این‌که نشان بدهند چه کسی هستند، یا چگونه با افراد دیگر متفاوت هستند، استفاده کردند. بسیاری از طرح‌های استفاده‌شده روی سفال از روی پارچه، که از آن هم برای شناسایی مردم یک گروه یا (گروه) دیگر استفاده می‌شد، قرض گرفته شد. سفال یونانی با سفال آسیای غربی همان زمان خیلی فرق می‌کند، و هر دوی آن‌ها با سفال مصری یا سفال چینی فرق می‌کنند. سفال اتروسکان نیز متفاوت است اما در بسیاری از موارد با سفال یونانی مشابه است. مردم از خاک رس برای ساختن همه نوع چیز در کنار ظرف‌ها استفاده کردند: صندلی‌های بلند، ظرف آشپزی، لوله آب و غیره. وقتی این سفال می‌شکست، مردم از آن برای همه نوع چیز استفاده می‌کردند؛ نوشتن روی آن مانند کاغذ، برای قطعات بازی و ساختن دیوارهای کاشی‌شده،

گزینه (۲) - "who"

- ۱ چه موقع (۲) چه کسی
۳ چه چیزی (۴) کدام

گزینه (۱) - "borrowed"

- ۱ قرض گرفتن (۲) معرفی کردن
۳ ارزش نهادن (۴) تأثیر گذاشتن

گزینه (۲) - "to"

توضیح: بعد از "similar" حرف اضافه "to" به کار می‌رود.

گزینه (۳) - "kinds"

- ۱ کاشی (۲) هنر
۳ نوع (۴) نمره

گزینه (۴) - "paper"

- ۱ شیء (۲) آب
۳ فلز (۴) کاغذ

ترجمه متن Cloze Test 3

تاریخ هنر یک نظم است که به دنبال درک فرهنگ‌ها و دوره‌های مختلف از طریق مطالعه و تجزیه و تحلیل هنر و معماری به عنوان یک وسیله ارتباطی است. ما در محیطی قرار داریم که با مصنوعات تاریخ بشر، معماری، نقاشی و مجسمه‌سازی پر شده است. تاریخ هنر ابزارهایی را برای تشخیص و درک این اشکال ارائه می‌دهد و بنابراین بخشی ضروری از هر نوع آموزش هنر است. تاریخ هنر، دانش و درک گذشته را فراهم می‌کند و از طریق آن، درک زمان حال حاضر را. این نظم و انضباط به وسیله آموزش دادن در مورد افراد و جوامع دیگر از طریق بیان بصری، باعث انسان دوستی و هم‌دردی می‌شود. تاریخ هنر، اعتماد به نفس فکری را از طریق یادگیری نحوه تشخیص، نظم و تفسیر حقایق فراهم می‌آورد. با انجام این کار، به فرد آموزش می‌بیند که روشن فکر کند و بنویسد و به دقت بخواند.

گزینه (۳) - "means"

- ۱ احتیاج (۲) بسته
۳ وسیله (۴) استخر

گزینه (۲) - "artifacts"

- ۱ توانایی‌ها (۲) مصنوعات
۳ مرحله‌ها (۴) یادداشت‌ها

گزینه (۱) - "understanding"

- ۱ درک (۲) توصیه
۳ یافت (۴) لذت

کلمه «خوش‌نویسی» به معنی زیبا نوشتن است. بسیاری از فرهنگ‌های باستانی چیزی شبیه الفبای تصویری داشتند. مصری‌ها حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد خط هیروگلیف را خلق کردند. این تصویرها رویدادها و ایده‌ها را توضیح می‌داد. چینی‌ها نیز از قلم‌های مخصوص برای زبان نوشتاری خود استفاده می‌کردند. آن‌ها تا سال ۱۵۰۰ قبل از میلاد پیش از ۱۵۰۰ کاراکتر اختراع کردند. خوش‌نویس‌های چینی هنرشان را جدی می‌گرفتند. آن‌ها قبل از این‌که چیزی بنویسند نوعی ورزش مخصوص مانند یوگا انجام می‌دادند.

در حالی‌که مصری‌ها و چینی‌ها برای نشان دادن کلمه‌ها نمادهای تصویری داشتند، آن‌ها الفبای واقعی نداشتند. مردمانی که فنیقی نامیده می‌شدند اولین الفبای واقعی را ایجاد کردند. آن‌ها در حالی‌که از جاهای مختلفی دیدن می‌کردند، آن را به سرتاسر دنیا بسط دادند. اما، الفبای آن‌ها خوش‌نویسی واقعی نبود. آن‌ها خیلی در مورد ظاهر آن فکر نمی‌کردند. آن‌ها به الفبایشان به عنوان هنر فکر نمی‌کردند.

گزینه (۲) - «این متن می‌گوید فرهنگ‌های باستانی چیزی شبیه الفبا داشتند.» (تکنیک «جزئیات متن»)

- (۱) مصری‌ها اصلاً نمی‌توانستند ارتباط برقرار کنند
- (۲) فرهنگ‌های باستانی چیزی شبیه الفبا داشتند
- (۳) خوش‌نویسی نوعی هنر در همه فرهنگ‌ها بود
- (۴) فنیقی‌ها اولین دست‌خط زیبا را داشتند

گزینه (۳) - «چینی‌ها خوش‌نویسی را جدی می‌گرفتند.» (تکنیک «جزئیات متن»)

- (۱) هیروگلیف را خلق کردند
- (۲) خوش‌نویسی را دوست نداشتند
- (۳) خوش‌نویسی را جدی می‌گرفتند
- (۴) از جاهای مختلفی دیدن کردند

گزینه (۱) - «بر اساس متن، کدام جمله درست است؟» «فنیقی‌ها مردمی بودند که الفبای واقعی داشتند.» (تکنیک «جزئیات متن»)

- (۱) فنیقی‌ها مردمی بودند که الفبای واقعی داشتند.
- (۲) خیلی از فرهنگ‌های باستانی روش‌های خلافت‌نویسی را شکل دادند.

- (۳) همه افراد از تمرین کردن خط در مدرسه لذت می‌بردند.
- (۴) همه فرهنگ‌های باستانی به الفبایشان به عنوان هنر فکر می‌کردند.

گزینه (۴) - «در پاراگراف آخر کلمه «they» که زیرش خط کشیده شده است، به مصری‌ها و چینی‌ها اشاره دارد.» (تکنیک «مرجع ضمیر»)

- (۱) فنیقی‌ها
- (۲) نمادهای تصویری
- (۳) کلمه‌ها
- (۴) مصری‌ها و چینی‌ها

گزینه (۲) - «societies»

- (۱) هویت‌ها
- (۲) جامعه‌ها
- (۳) تنوع‌ها
- (۴) دانشگاه‌ها

گزینه (۴) - «clearly»

- (۱) به طور صمیمی
- (۲) به طرز خطرناک
- (۳) بی‌ادبانه
- (۴) به طور روشن / شفاف

ترجمه متن 4 Cloze Test

امیلی کار یک هنرمند کانادایی بود. او در سال ۱۸۷۱ در ویکتوریا بریتیش کلمبیا متولد شد. او در سانفرانسیسکو کالیفرنیا، در لندن انگلستان و در پاریس فرانسه هنر خواند. بیش‌تر نقاشی‌های معروف او از سفرهای او در بریتیش کلمبیا بود. او از تعداد زیادی مکان از جزیره ونکوور در جنوب تا آلاسکا در شمال بازدید کرد. او در مورد فرهنگ و سنت آن‌ها نوشت. او از جوامع آن‌ها طراحی کرد و نقاشی کشید. او فرهنگ Haida از جزایر ملکه شارلوت و همچنین از Gitksan و Tsimshian که در منطقه‌ای نزدیک رودخانه Skeena در شمال غربی بریتیش کلمبیا زندگی می‌کردند مستندسازی کرد. امیلی کار همچنین مناظر را به تصویر کشید. او دوست داشت که درختان، جنگل‌ها و آسمان را نقاشی کند. او زمانی که در سال ۱۹۴۵ درگذشت، در سراسر کانادا و همچنین در ایالات متحده و اروپا معروف بود.

گزینه (۲) - «art»

- (۱) فروشگاه
- (۲) هنر
- (۳) رنگ
- (۴) فرش

گزینه (۴) - «travels»

- (۱) تخته‌ها
- (۲) چراغ‌ها
- (۳) اثرهای هنری
- (۴) سفرها

گزینه (۲) - «cultures»

- (۱) استرس‌ها
- (۲) فرهنگ‌ها
- (۳) تخفیف‌ها
- (۴) بیماری‌ها

گزینه (۳) - «to paint»

توضیح: در این جمله بعد از like مصدر با to به کار می‌رود.

گزینه (۱) - «well-known»

- (۱) معروف
- (۲) نامطمئن
- (۳) کسل
- (۴) تزئینی

ترجمه متن 1 passage

دست‌خط خوب یک مهارت عالی است. احتمالاً شما از تمرین کردن دست‌خط در مدرسه لذت نبرده‌اید، اما بعضی از مردم دوست دارند دست‌خط‌شان زیبا به نظر برسد. این هنرمندان غیرمعمولی خوش‌نویس هستند. خوش‌نویسی برای قرن‌ها شکلی از روش خلافت‌نویسی نوشتن بوده است.

ترجمه متن Passage 2

تاریخ جهان داستان مردم در نقاط مختلف جهان است که تمدن‌هایشان را در طول قرن‌ها توسعه داده‌اند. در این دایرةالمعارف، داستان در مقالات گوناگون، از جمله یکی در مورد تمدن‌ها است که تمدن‌های بزرگ جهان را پوشش می‌دهد. اطلاعات را همچنین می‌توان در بخش‌های تاریخ هر یک از قرن‌های جهان، در بیوگرافی مردان و زنان برجسته و در مقالات مربوط به وقایع تاریخی مانند جنگ‌ها، نبردها، اکتشاف‌ها، جنبش‌های سیاسی و اجتماعی، ادیان و غیره یافت. بیش‌تر از این را هم چنین می‌توان در جلد‌های ضمیمه یافت. این مقاله یک نمودار طراحی شده ویژه، مربوط به تاریخ جهان را ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد در طول ۷۰۰۰ سال گذشته در تمام مراکز اصلی تمدن چه چیزی اتفاق افتاده است. از اولین ملت‌های متمدن - کشاورزان و سازندگان شهر بین النهرین و مصر از ۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد - تا به امروز. برای مثال شما می‌توانید دوره کوتاه ۸۰۰ تا ۶۵۰ سال قبل از میلاد را انتخاب کنید و در یک نگاه ببینید که چند چیز مهم در چندین مکان مختلف در سراسر جهان اتفاق می‌افتد. **گزینه (۲) - «می‌توان متوجه شد که این متن از یک دایرةالمعارف گرفته شده است.» (تکنیک «استنباط از متن»)**

۱ یک کتاب تاریخ

۲ یک دایرةالمعارف

۳ یک مقاله آنلاین

۴ کتاب درسی مدرسه

گزینه (۱) - «کلمه one در خط ۲ به مقاله اشاره دارد.» (تکنیک «مرجع ضمیر»)

۱ مقاله

۲ تاریخ

۳ تنوع

گزینه (۳) - «دوره زمانی تحت پوشش در مقاله حاضر به اندازه ۷۰۰۰ سال است.» (تکنیک «استنباط از متن»)

۱ آشکارا بیان نمی‌شود

۲ بین ۸۰۰ تا ۶۵۰ قبل از میلاد است

۳ به اندازه ۷۰۰۰ سال است

۴ بین ۵۰۰۰ تا ۴۰۰ سال قبل از میلاد است

گزینه (۲) - «اولین جمله متن «Worldhistory...thecmturies»

یک تعریف است. (تکنیک «استنباط از متن»)

۱ دسته‌بندی است

۲ یک تعریف است

۳ به یک مشکل اشاره دارد

۴ اهمیت مطالعات تاریخی را توصیف می‌کند

ترجمه متن Passage 3

لئوناردو داوینچی در سال ۱۴۵۲ در منطقه فلورانس ایتالیا متولد شد. او کارهای زیادی انجام داد. او دانشمند، مخترع، موسیقی‌دان، ریاضی‌دان و معمار بود. او در مورد حیوانات و گیاهان نیز می‌دانست. او می‌توانست کارهای زیادی را به خوبی انجام دهد. لئوناردو به خاطر نقاشی‌اش مشهور بود. او «مونالیزا» و «شام آخر» را نقاشی کرد. آن‌ها معروف‌ترین نقاشی‌های او هستند و بسیاری از مردم در مورد آن‌ها می‌دانند. او کار کردن روی «شام آخر» را در سال ۱۴۹۵ در میلان شروع کرد و آن را در سال ۱۴۹۸ به پایان رساند. او در سال ۱۵۰۳ در ایتالیا کار خود را بر روی مونالیزا آغاز کرد و مدت کوتاهی قبل از این که بمیرد به پایان رساند. آن اکنون در فرانسه است. نقاشی‌های لئوناردو بسیار خوب بودند. او درک کرد که بدن انسان چگونه کار می‌کند. علاوه بر این، او می‌دانست که مردم چقدر خوشحال یا غمگین هستند، زیرا او می‌دانست که احساسات بر چهره مردم چگونه به نظر می‌رسند. از آن جایی که او طبیعت، نور و سایه را می‌شناخت، نقاشی‌هایش واقعی به نظر می‌رسیدند. لئوناردو ایده‌های زیادی برای اختراعات داشت. او برای یک هلی‌کوپتر و هم چنین یک تانک طرح اولیه کشید. او حتی برای ماشین حساب یک ایده داشت. او ایده‌ای برای ساختن انرژی خورشیدی، قدرتی که از خورشید می‌آید، داشت. لئوناردو هم‌زمان با میکل آنژ و رافائل زندگی می‌کرد. او ۲۷ سال از میکل آنژ و ۳۱ سال از رافائل بزرگ‌تر بود. لئوناردو در سال ۱۵۱۹ درگذشت.

گزینه (۳) - «بر اساس متن، لئوناردو در کدام یک از موارد زیر مهارت نداشت؟» (تکنیک «تجزیه»)

۱ هنر

۲ زیست‌شناسی

۳ شیمی

گزینه (۴) - «کلمه them در خط چهارم به چه چیزی اشاره دارد؟»

«مونالیزا و شام آخر» (تکنیک «مرجع ضمیر»)

۱ تعداد زیادی از مردم

۲ حیوانات و گیاهان

۳ همه نقاشی‌های لئوناردو

۴ مونالیزا و شام آخر

گزینه (۱) - «کدام یک از موارد زیر را می‌توان از متن نتیجه گرفت؟»

«مونالیزا نسبت به شام آخر زمان بیش‌تری طول کشید تا تمام شود.»

(تکنیک «استنباط از متن»)

۱ مونالیزا نسبت به شام آخر زمان بیش‌تری طول کشید تا تمام شود.

۲ لئوناردو هنگامی مونالیزا را کشید که هنوز جوان بود.

۳ لئوناردو مونالیزا را در مدت کوتاهی تمام کرد.

۴ لئوناردو مونالیزا را در فرانسه نقاشی کرد.

همان طور که به اطراف اتاق نگاه می‌کنید، آن (هنر) روی دیوارها، لباس‌هایی که به تن دارید و روی صفحه نمایش کامپیوتر که دارید به آن نگاه می‌کنید، است و بر روی هر جنبه‌ای از زندگی شما تأثیر می‌گذارد. آن گاهی اوقات نادیده گرفته می‌شود.

گزینه (۴) - «همه موارد زیر در متن به جز زندگی روزمره هنرمندان ذکر می‌شود.» (تکنیک «جزئیات متن»)

(۱) هنر خواندن در مدرسه

(۲) انواع مختلف هنر

(۳) چطور قدر هنر را بدانیم

(۴) زندگی روزمره هنرمندان

گزینه (۱) - «کلمه it در پاراگراف ۲ به هنر اشاره دارد.» (تکنیک

«مرجع ضمیر»)

(۱) هنر

(۲) کاغذ دیواری

(۳) تماشا کردن

(۴) چراغ

گزینه (۳) - «کلمه industrialized که زیرش خط کشیده شده است نزدیک‌ترین معنی به مدرن را دارد.» (تکنیک «معنی واژه»)

(۱) قدیمی

(۲) کوچک

(۳) مدرن

(۴) فقیر

گزینه (۲) - «نویسنده متن را می‌نویسد تا بگوید همه چیز در اطراف شما می‌تواند یک اثر هنری باشد.» (تکنیک «منظور و هدف نویسنده»)

(۱) کودکان هرگز در مدرسه هنر نمی‌آموزند

(۲) همه چیز در اطراف شما می‌تواند یک اثر هنری باشد

(۳) ما باید موسیقی تصویری ببینیم

(۴) مطالعه تاریخ هنر مهم است

گزینه (۲) - «ما از متن کدام یک از موارد زیر را در مورد لئوناردو متوجه می‌شویم؟» او به پیدا کردن روش‌هایی برای گرفتن اثری از خورشید علاقه‌مند بود.» (تکنیک «استنباط از متن»)

(۱) او هرگز به اختراع چیزی که بتواند در زمان جنگ مورد استفاده قرار بگیرد فکر نکرد.

(۲) او برای پیدا کردن روش‌هایی برای گرفتن اثری از خورشید علاقه‌مند بود.

(۳) او وقتی اختراعی می‌کرد از تمام عناصر طبیعی آگاهی داشت.

(۴) او وقتی از دنیا رفت که هنرمند مشهور میل آن نقطه ۲۷ سال داشت.

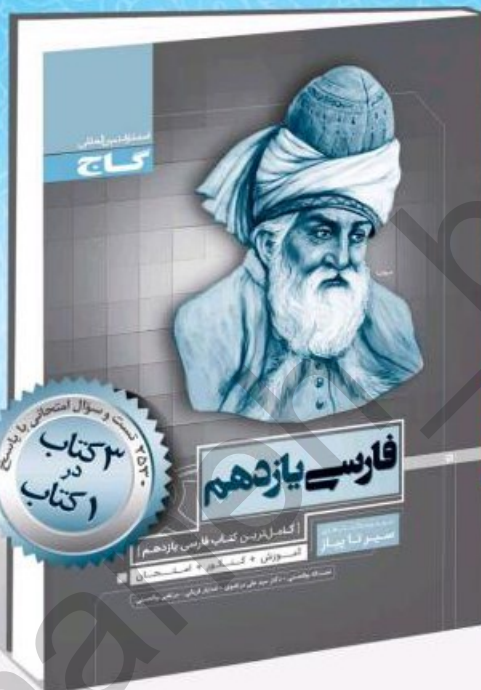
ترجمه متن 4 Passage

هنر در همه اطراف ما است. آن‌ها چیزهایی هستند که مردم خلق می‌کنند تا دیگران ببینند و قدردانی کنند. هنر تنها نقاشی‌ها و مجسمه‌هایی نیست که در موزه‌ها می‌بینید. آن‌ها ممکن است شامل موسیقی تصویری که شب گذشته در تلویزیون تماشا کرده‌اید و کاسه‌های سفالی که ممکن است در یک نمایشگاه صنایع دستی مشاهده کرده‌اید، باشد. آن‌ها شامل (انواع) اشکال هنر است که برای استفاده روزمره خلق شده‌اند، مانند یک الگو بر روی کاغذ دیواری یا یک چراغ مطالعه برای میز کار شما.

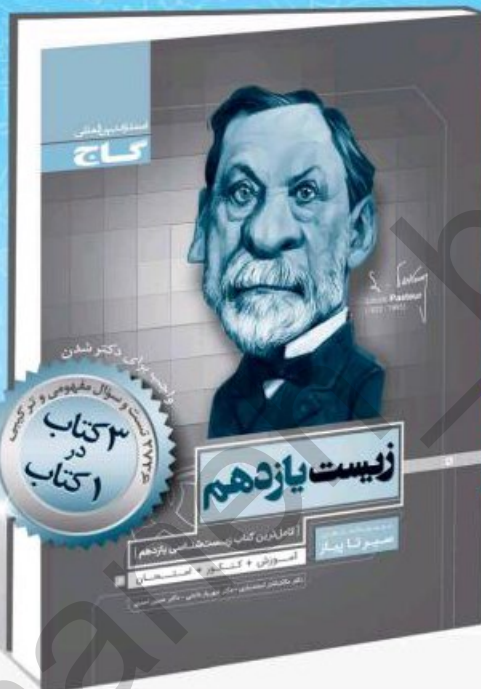
در برخی از فرهنگ‌ها، جوانان با تماشای بزرگسالانی که هنر را خلق می‌کنند، یاد می‌گیرند آن را خلق کنند و آن قدردانی کنند. امروزه اکثر دانشجویان کشورهای صنعتی، در مدرسه هنر می‌خوانند.

این فعالیت به شما کمک خواهد کرد بسیاری از انواع هنر را درک کنید و قدر آن‌ها را بدانید. آن به شما کمک خواهد کرد تا مهارت‌های خود را در ایجاد هنر توسعه دهید - بیان احساساتی که نمی‌توان از طریق کلمه‌ها ابراز کرد.

برخی از آثار هنری که شما مورد مطالعه قرار می‌دهید، پیشینه‌های مهم تاریخی هستند. شما ممکن است برخی از آن‌ها را طوری الهام‌بخش و تخیلی دریابید که هرگز آن‌ها را فراموش نکنید. شما همچنین یاد خواهید گرفت که هنر به چند طریق بخشی از زندگی روزمره شما است.



بررسی خط به خط کتاب درسی همراه با معنی روان
ارائه دانش‌های ادبی و زبانی متن کتاب و پاسخ به کارگاه متن‌پژوهی
ارائه ضمیمه کامل دانش‌های ادبی و دستور
ارائه ۱۱۲۱ پرسش چهارگزینه‌ای طبقه‌بندی شده با پاسخ تشریحی
ارائه تست‌های کنکور سراسری با پاسخ
ارائه ۱۴۰۹ پرسش امتحانی طبقه‌بندی شده با پاسخ تشریحی

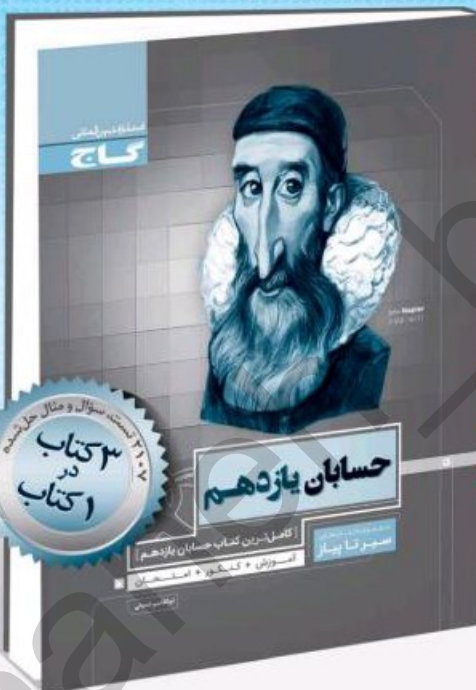


آموزش کامل مفاهیم کتاب درسی در ۲۴ گفتار
بررسی کلیه شکل‌های کتاب درسی
ارائه «ایستگاه آموزشی» و «جمع‌بندی» های کنکوری
ارائه «نگاهی به گذشته» جهت یادآوری مطالب سال گذشته
ارائه «خودمونی» جهت تفهیم بیشتر مطالب
ارائه مطالب تکمیلی در قالب «دوپینگ»
ارائه ۱۴۱۶ پرسش چهارگزینه‌ای آموزشی، مفهومی و ترکیبی
ارائه صدها تست V.I.P در انتهای فصل‌ها
ارائه ۱۳۲۰ پرسش امتحانی تیپ‌بندی شده با پاسخ تشریحی



آموزش کامل مفاهیم کتاب درسی در ۹ قسمت
ارائه ۱۴۸ مثال و تست آموزشی با پاسخ تشریحی
ارائه ۴۱۵ پرسش چهار گزینه‌ای طبقه‌بندی شده با پاسخ تشریحی
ارائه پرسش‌های چهار گزینه‌ای کنکورهای سراسری داخل و خارج کشور
مشخص نمودن تست‌های واجب و دشوار
ارائه ۱۷۸ پرسش امتحانی طبقه‌بندی شده با پاسخ تشریحی

منتشر کرد:

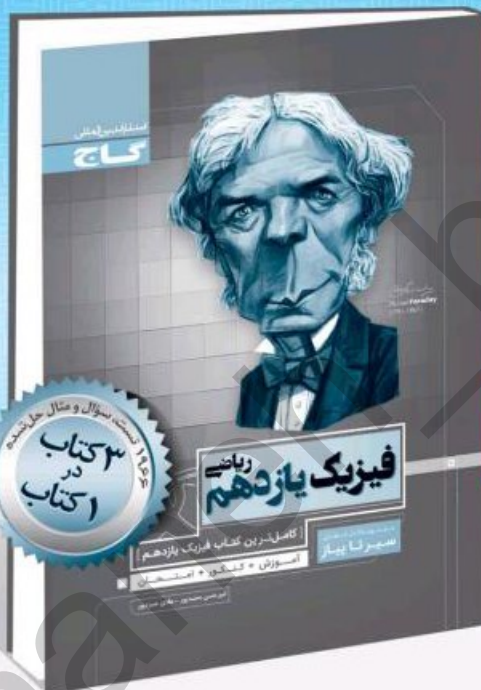


آموزش کامل مفاهیم کتاب درسی در ۲۱ قسمت
ارائه نکات STP و ویژه دانش‌آموزان برتر
ارائه ۴۵۹ مثال و تست آموزشی با پاسخ تشریحی
ارائه ۱۱۸۴ پرسش چهار گزینه‌ای طبقه‌بندی شده با پاسخ تشریحی
ارائه پرسش‌های چهار گزینه‌ای کنکورهای سراسری داخل و خارج از کشور
مشخص نمودن تست‌های واجب و دشوار
ارائه ۴۶۴ پرسش امتحانی چند قسمتی طبقه‌بندی شده با پاسخ تشریحی

۰۶۴۲۰-۰۲۱

gajmarket.com

اطلاع رسانی و فروش



آموزش کامل مفاهیم کتاب درسی در ۲۰ قسمت
ارائه نکات STP و ویژه دانش‌آموزان برتر
ارائه ۴۲۹ مثال و تست آموزشی با پاسخ تشریحی
ارائه ۱۰۸۶ پرسش چهار گزینه‌ای طبقه‌بندی شده با پاسخ تشریحی
ارائه پرسش‌های چهار گزینه‌ای کنکورهای سراسری داخل و خارج از کشور
مشخص نمودن تست‌های واجب و دشوار
ارائه تست‌های V.I.P و ویژه دانش‌آموزان برتر
ارائه ۴۵۱ پرسش امتحانی طبقه‌بندی شده با پاسخ تشریحی

امتحان جلد سوم:

درس اول

Lesson 1

انگریزی یازدهم
English 11

سہ ماہی

Understanding
People

Questions

1

سوالات امتحانی درس

Lesson 1

PART 1

(Pages 15 - 20)

Title Page - Get Ready - Conversation

VOCABULARY



۱. هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

- ① This is a parking lot. ()
 ② Don't swim here. ()
 ③ I'm reading a storybook. ()
 ④ I'm a high school student. ()



a



c



b



d

- ⑤ grass – flower – point – plant
 ⑥ Russian – Japan – Persian – Italian

۲. در هر ردیف کلمه ناهماهنگ را مشخص کنید.

۳. جمله‌های زیر را با کلمه‌های داده شده کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

available – honest – points – written – grass – fluently – experience

- ⑦ The best way to learn is by
 ⑧ She made several interesting in the booklet.
 ⑨ French was a language he never spoke
 ⑩ My dad is cutting the in the garden.
 ⑪ We are going to have a exam.
 ⑫ This dress is also in larger sizes.

۴. جمله‌های زیر را با دانش خود کامل کنید.

- ⑬ A: What is Fred like? B: To be with you, I don't like him very much.
 ⑭ I tried to speak to her in her native, French.
 ⑮ She spoke loudly because her mother was a little She can't hear well.
 ⑯ A: Thanks for your help. B:
 ⑰ Deaf people use language to communicate.

۵. کلمه‌ها یا عبارت‌های دو ستون را به هم وصل کنید و عبارت معنی‌داری بسازید و آن‌ها را بنویسید.

- ⑱ learn
 ⑲ write
 ⑳ turn off
 ㉑ communicate
- a with people
 b your cellphone
 c a language
 d a storybook

هر کلمه را به تعریف آن وصل کنید (یک تعریف اضافه است).

- A**
- 22 early ()
 - 23 available ()
 - 24 deaf ()
 - 25 high school ()

- B**
- a a school for young people between the ages of 14 and 18
 - b exchange information, ideas etc.
 - c not able to hear anything
 - d ready for you to use, have or see
 - e before the usual or right time

مترادف یا متضاد کلمه‌های مشخص شده را از داخل کادر پیدا کنید و جلوی جمله بنویسید (یک کلمه اضافه است).

begin - turn on - written - absolutely - late

- 26 We surely love the car.
- 27 You must turn off your cell phone here.
- 28 I got the job and I start work on Monday!
- 29 She works the early shift.

هر سؤال و پاسخ آن را با هم جور کنید.

- 30 How many languages do you speak fluently? ()
 - 31 When did you learn Spanish? ()
 - 32 Where can I park my car? ()
 - 33 What does the sign show? ()
 - 34 Does he have any experience? ()
 - 35 What are your abilities? ()
- a I can swim and draw good pictures.
 - b It is not absolutely clear.
 - c I speak Spanish and Portuguese very well.
 - d I began studying it when I was in Madrid.
 - e There's a parking lot round the corner.
 - f It says, "Keep off the grass."

Lesson 1

PART 2

(Pages 21 - 23)

New Words & Expressions

VOCABULARY



هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

- 36 I think around thirty percent of people live in villages. ()
- 37 Deaf people use sign language to communicate. ()
- 38 Did you know that this is the poorest continent in the world? ()
- 39 My friend's native language is Spanish not English. ()



a



b



c



d

change – start – place – mental – late

۱۱. جدول زیر را کامل کنید.

- | | | | | | |
|----|---|--|--|--|--|
| 44 | E | | | | |
| 45 | M | | | | |
| 46 | D | | | | |
| 47 | C | | | | |
| 48 | P | | | | |

۱۳. پاسخ درست را انتخاب کنید.

- بانک سوال | درس اول

۱۴. هر جمله را با دانش خود و فقط با یک کلمه کامل کنید.

- 60 This institute the needs of all students.
 61 They opened the door by of an old key.
 62 Don't take any of what you read in the newspapers.
 63 This MP3 player can save thousands of hours of music its small size.

Lesson 1

PART 3

(Pages 24 - 27)

Reading - Reading Comprehension - Vocabulary Development



VOCABULARY

۱۵. هر کلمه را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

- 64 tiny ()
 65 easy ()
 66 wish ()
 67 give up ()



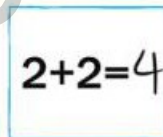
a



b



c



d

۱۶. جمله‌های زیر را با کلمه‌های داده‌شده کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

seek - through - speaker - luckily - exist - forming - largely - grew - probable

- 68 Few of these monkeys still in the wild.
 69 The water ran my fingers.
 70 The library has an interesting talk by a visiting every month.
 71 The sky dark and it began to rain.
 72 The water is fast,, I am a good swimmer.
 73 Her early experiences played an important role in her personality.
 74 It is that life exists outside of our planet.
 75 My grandfather went to the hospital to help for his stomach pain.

۱۷. جدول زیر را کامل کنید.

- 76 A: Are 'greatly' and 'largely'? B: I'm not sure.
 77 The program is the computer's files.
 78 My grandfather's gold watch is really
 79 There are many written around the world.

76	S					M	S
77	S	C					G
78	V						E
79	L		G				S

۱۸. جمله‌های زیر را با دانش خود کامل کنید.

- 80 The movie was boring, we left the cinema.
 81 Language is a system of all around the world.
 82 I'm going to do it, no what people say.

۱۹. هر کلمه را با تعریف آن جور کنید.

- | | |
|----------------|---|
| 83 learner () | a using speech and not writing |
| 84 spoken () | b not hard to understand or do |
| 85 synonym () | c a word that has the same meaning as another word in the same language |
| 86 native () | d a person who is trying to gain knowledge or skill in something |
| 87 simple () | e the place where a person was born and raised |

۲۰. وصل کنید و بنویسید.

- | | |
|-------------------|---------------------|
| 88 native () | a the needs |
| 89 exchange () | b languages |
| 90 hundreds () | c speaker |
| 91 endangered () | d knowledge |
| 92 meet () | e of millions |

Lesson 1

PART 4

(Pages 28 - 47)

Grammar - Listening & Speaking - Pronunciation - Writing - What You Learned

VOCABULARY



۲۱. با توجه به شکل هر عبارت را با یک واحد شمارش مناسب کامل کنید.

93 two of bread



94 a of milk



95 a of melon



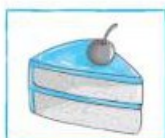
96 a of rice



97 some of water



98 a of cake



۲۲. در هر ردیف، کلمه ناماهنگ را مشخص کنید.

- 99 sugar - rice - coffee - glass
 100 bottle - slice - glass - bag
 101 bread - juice - water - milk

۲۳. جمله‌های زیر را با کلمه‌های داده‌شده کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

grades – Canadian – traffic – order – wrongly – live – smart

- 102 A: What nationality is Joe? B: I think he's
 103 We're trying to increase to our site.
 104 I am studying harder, therefore my are better this year.
 105 She's enough to know what the best way is.
 106 Unfortunately, they translated the sentences
 107 Will you for me while I make a phone call?

۲۴. متضاد کلمه‌هایی که زیرشان خط کشیده شده است را بنویسید.

- 108 Please turn off the TV before you leave.
 109 There are a few endangered languages.
 110 Can you name some uncountable nouns?
 111 We saw an interesting movie last week.

۲۵. هر کلمه را به تعریف آن وصل کنید.

- 112 meat () a to take and lift someone or something
 113 song () b the parts of an animal that you can eat
 114 pick () c at, in, or to a place that you do not know exactly
 115 somewhere () d to take and use something that belongs to someone else for a short time
 116 borrow () e a piece of music with words that you sing

۲۶. جای خالی را با یک کلمه مناسب پر کنید (ممکن است بیش از یک پاسخ درست وجود داشته باشد).

- 117 We need two of sugar today.
 118 I have some of pizza. Let's eat them together.
 119 Let's get a few of bread.
 120 I was thirsty so I drank two of water.

۲۷. در جدول زیر نام پنج اسم غیرقابل شمارش بیاورید.

- 121
 122
 123
 124
 125

J	U	I	C	E	U	W	T	N
G	B	R	H	Q	C	A	M	F
S	T	S	E	I	O	T	H	R
S	F	A	E	L	F	R	Z	U
U	A	H	S	O	F	E	D	I
G	F	J	E	P	E	K	F	T
A	I	W	T	L	E	T	A	E
R	C	B	R	E	A	D	S	X

۲۸. مکالمه زیر را بخوانید و جمله‌های آن را به ترتیب شماره‌گذاری کنید.

- 126 You're welcome.
 127 How much is it?
 128 That's ten dollars a kilo.
 129 Thanks so much.
 130 Excuse me. Can I have a loaf of bread, please?
 131 Sure. Here you are.
 132 It's five dollars.
 133 And how much is a kilo of cheese?



۲۹. هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

- 134 Children should drink a glass of milk every day. ()
 135 There are some candles on the table. ()
 136 Can I borrow your pencil-sharpener, please? ()
 137 The bird in the tree is singing beautifully. ()



a



b



c



d

GRAMMAR



۳۰. گزینه درست را از بین دو گزینه داخل پرانتز انتخاب کنید.

- 138 My mom bought some milk, some apples and a (little / few) bananas.
 139 There are some (rice / people) in the kitchen.
 140 How much (bread / apple) do you need today?
 141 There's a lot of (money / people) in the bank.
 142 How many (child / children) do you have, Mr. Campbell?
 143 That little boy ate (four / a little) slices of pizza when he was here.
 144 Why is she buying (a lot / a lot of) sugar?
 145 Sorry, I can't help you more. I don't have (many / much) information.
 146 How (much / many) traffic is there? Can we get there on time?

۳۱. گزینه درست را انتخاب کنید.

- 147 The doctor had time to think in the emergency room.
 ① a few ② little ③ many ④ very
 148 We did not have warm weather this week.
 ① much ② many ③ few ④ a lot

- 149 I want to buy a new sports car, but I only have money.
 ① many ② a lot of ③ few ④ little
- 150 There was food in the kitchen so I went to the restaurant.
 ① a lot of ② a few ③ much ④ little
- 151 I had free time so I read books.
 ① many / some ② some / a few ③ much / a little ④ little / many
- 152 Did you watch movies?
 ① those two interesting ② two interesting those
 ③ two those interesting ④ interesting those two
- 153 We ate some of cake and drank orange juice.
 ① two pieces / some ② a piece / much ③ pieces / lots of ④ piece / little
- 154 Can I have cheese and cup of coffee?
 ① a lot / one ② a few / many ③ some / two ④ some / a

۳۲. در جاهای خالی جمله‌های زیر (a, an, some, *) قرار دهید.

- 155 I saw people in the park yesterday.
- 156 There's tall boy in the classroom.
- 157 We need bottle of milk.
- 158 He mentioned that milk is good for your health.
- 159 There is old woman in the kitchen.
- 160 Did you know that all vegetables keep you healthy?
- 161 We are going to buy new car.
- 162 The teacher asked me easy question.
- 163 Mr. King ate slices of pizza.
- 164 I have good news for you.

۳۳. جاهای خالی را با how many یا how much پر کنید.

- 165 I want to go shopping, mom. bread do you need?
- 166 I don't remember information they have.
- 167 Reza, pieces of fruit did you eat?
- 168 water is there in that big bottle?
- 169 bags of rice are you going to buy?
- 170 Can you tell me people are coming here?

۳۴. با توجه به تصویرها پاسخ کامل دهید.

- 171 How many trees do you see in this park?

- 172 Is there a lot of milk in the glass?



173 How much money did you save last year?



174 Is the boy going to do a lot of homework?



175 Are there many slices of pizza in the picture?



176 What did Mr. Jackson buy last week?



۳۵ در هر ردیف، کلمه‌های در هم ریخته را مرتب کنید و یک جمله درست بنویسید.

177 and / walked away / into / the artist / forest / disappeared / the /.

178 usually / grandmother / on Fridays / visit / my / they /.

179 access / to / the Internet / do / at home / you / have /?

180 read / picked up / explanations / the bags / I / and / the / ?

WRITING

نکته

۳۶ در هر جمله، زیر فاعل و دور مفعول خط بکشید.

181 The man checked the explanations.

182 I usually get good grades.

183 The kids are drinking milk.

184 Nowadays, many languages are losing their native speakers.

۳۷ کلمه‌های داخل پرانتز را مرتب کنید و جمله‌های ناقص را کامل کنید.

185 I have (interesting / some / books)

186 There are in the room. (boys / tall / two)

187 Alex bought yesterday. (modern / car / a)

188 Mahdi is watching these days. (a few / old / movies)

189 I can see (women / three / young)

تلفظ

PRONUNCIATION

۲۸. در هر جمله، stress عدددها را مشخص کنید.

- 190 All labled forty boxes.
191 A: How many are there? B: Nineteen.
192 A: How old are you? B: I am fourteen.

متن Cloze

CLOZE TEST

۲۹. متن زیر را بخوانید و پاسخ درست را انتخاب کنید.

Language and (193) are not all about the spoken words, and body language plays an important role in the way we communicate with (194) other. We usually like to think that we are good (195) understanding people's body language and, sometimes, we can be. But (196) shows that we still have absolutely no idea how we should be teaching people to guess when dangerous people lie.

- | | | | |
|-------------------|-----------------|--------------|-------------|
| 193 ① explanation | ② communication | ③ attraction | ④ attention |
| 194 ① each | ② every | ③ many | ④ — |
| 195 ① to | ② in | ③ at | ④ with |
| 196 ① region | ② century | ③ research | ④ value |

درک مطلب

READING COMPREHENSION

۳۰. متن زیر را بخوانید و پاسخ دهید.

An endangered language is a language that is at risk of falling out of use as its speakers die out or shift to speaking another language. Language is lost when the language has no more native speakers and becomes a "dead language". If no one can speak the language at all, it becomes an "extinct language". Scientists may still study a dead language through recordings or writings, but it is still dead or extinct unless there are fluent speakers.

آ) با توجه به متن، مقابل جمله درست (T) و مقابل جمله نادرست (F) بنویسید.

- 197 A 'dead language' has many speakers.
198 Scientists study languages.

ب) با توجه به متن، پاسخ دهید.

- 199 What is an endangered language?

- 200 When is language lost?

پ) متن را Scan کنید و جلوی توضیح داده شده یک کلمه یا عبارت بنویسید.

- 201 If no one can speak a language at all:
202 not alive:

Answers

پاسخنامه تشریحی درس ۱

۳۳. «آ» «آن علامت چه چیزی را نشان می‌دهد؟» «آن می‌گوید: وارد چمن نشوید.»
۳۴. «ب» «آیا او هیچ تجربه‌ای دارد؟» «آن دقیقاً شفاف (مشخص) نیست.»
۳۵. «ا» «توانایی‌های تو چه هستند؟» «من می‌توانم شنا کنم و تصویرهای خوب طراحی کنم.»
۳۶. «ب» «من فکر می‌کنم حدود سی درصد مردم در روستاها زندگی می‌کنند.»
۳۷. «ا» «افراد ناشنوا برای ارتباط برقرار کردن از زبان اشاره استفاده می‌کنند.»
۳۸. «د» «آیا می‌دانستی که این فقیرترین قاره در جهان است؟»
۳۹. «ن» «زبان بومی دوست من اسپانیایی است نه انگلیسی.»
۴۰. «place» «بهترین منطقه ایتالیا کجا است؟»
۴۱. «change» «متوهای ما با فصل تغییر می‌کند.»
۴۲. «late» «بعد از ظهر زود به این‌جا بیایید.»
۴۳. «start» «مسابقهٔ تلوویزیونی امشب چه موقع شروع می‌شود؟»
۴۴. «exist» «آیا آب واقعاً در مریخ وجود دارد؟»
۴۵. «mental» «او در مورد رشد جسمی و عاطفی پسرش نگران بود.»
۴۶. «despite» «آن پسرها علی‌رغم این حقیقت که باران می‌بارید، شروع به بازی کردند.»
۴۷. «century» «میلیون‌ها نفر آغاز قرن ۲۱ را در اول ژانویه ۲۰۰۰ جشن گرفتند.»
۴۸. «population» «جمعیت دنیا به سرعت در حال افزایش یافتن است. حالا میلیاردها نفر روی زمین زندگی می‌کنند.»
۴۹. «ن» «قدرت و دانش برای انجام کاری = توانایی»
۵۰. «d» «تعداد افرادی که در یک مکان زندگی می‌کنند = جمعیت»
۵۱. «ا» «گفتن به شخصی در مورد چیزی = توضیح دادن»
۵۲. «f» «دوست داشته‌شده توسط بسیاری از مردم = محبوب»
۵۳. «b» «مقدار پولی که برای خریدن چیزی می‌پردازید = قیمت»
۵۴. گزینه (۱) - «پرنده‌ها هر سال به این منطقه باز می‌گردند.»
- ۱ منطقه (۲) قیمت
- ۲ قرن (۳) زبان
۵۵. گزینه (۳) - «الکس (از خود) در زبان‌های خارجی توانایی نشان داده است.»
- ۱ قرن (۲) جامعه
- ۳ توانایی (۴) خانواده
۵۶. گزینه (۲) - «این مرکز به افراد دارای بیماری عاطفی کمک می‌کند.»
- ۱ مورد علاقه (۲) عاطفی
- ۳ بومی (۴) خودخواه
۵۷. گزینه (۳) - «او تعدادی شغل مختلف داشته است، متغیر از آشپز گرفته تا معلم.»
- ۱ وجود داشتن (۲) تشکیل شدن
- ۳ متغیر بودن (۴) تصور کردن

۱. «b» «این یک پارکینگ است.»
۲. «c» «این‌جا شنا نکنید.»
۳. «d» «من در حال خواندن کتاب داستان هستم.»
۴. «a» «من دانش‌آموز دبیرستان هستم.»
۵. «point» «چمن - گل - نکته - گیاه»
۶. «Japan» «زبان روسی - ژاپن - زبان فارسی - زبان ایتالیایی»
۷. «experience» «بهترین راه یادگیری از طریق تجربه است.»
۸. «points» «او در آن کتابچه به چند نکته جالب اشاره کرد.»
۹. «fluently» «فرانسوی زبانی بود که او هرگز آن را سلیس صحبت نکرد.»
۱۰. «grass» «یابای من در حال قطع (کوتاه) کردن چمن در باغ است.»
۱۱. «written» «ما قرار است آزمون نوشتاری (کتبی) داشته باشیم.»
۱۲. «available» «این پیراهن زنانه در سایزهای بزرگ‌تر نیز قابل دسترس است.»
۱۳. «honest» «فرد چه شخصیتی دارد؟» «صادقانه به شما بگویم، من او را خیلی دوست ندارم.»
۱۴. «language» «من سعی کردم با او به زبان بومی‌اش، فرانسوی صحبت کنم.»
۱۵. «deaf» «او بلند صحبت کرد زیرا مادرش کمی ناشنوا است. او نمی‌تواند خوب بشنود.»
۱۶. «You're welcome.» «از کمک‌تان متشکرم.» «خواهش می‌کنم.»
۱۷. «sign» «افراد ناشنوا از زبان اشاره استفاده می‌کنند تا ارتباط برقرار کنند.» (توضیح: sign language یعنی زبان اشاره.)
۱۸. «learn a language» «یاد گرفتن یک زبان»
۱۹. «write a storybook» «نوشتن کتاب داستان»
۲۰. «turn off your cellphone» «خاموش کردن تلفن همراه‌تان»
۲۱. «communicate with people» «ارتباط برقرار کردن با مردم»
۲۲. «ع» «زود = قبل از زمان معمول یا درست»
۲۳. «d» «قابل دسترس = آماده برای شما جهت استفاده کردن، داشتن یا دیدن»
۲۴. «ن» «ناشنوا = قادر نبودن به شنیدن هیچ چیز»
۲۵. «a» «دبیرستان = مدرسه‌ای برای افراد جوان بین سنین ۱۴ تا ۱۸»
۲۶. «absolutely» «ما حتماً اوتومبیل را دوست داریم.»
۲۷. «turn on» «شما باید این‌جا تلفن همراه‌تان را خاموش کنید.»
۲۸. «begin» «من آن شغل را گرفتم و کار را از دوشنبه شروع می‌کنم!»
۲۹. «late» «او در شیفت زود کار می‌کند.»
۳۰. «ن» «شما چند زبان را سلیس صحبت می‌کنید؟» «من اسپانیایی و پرتغالی را خیلی خوب صحبت می‌کنم.»
۳۱. «d» «اسپانیایی را چه موقع یاد گرفتید؟» «من وقتی در مادرید بودم شروع به خواندن آن کردم.»
۳۲. «ع» «من کجا می‌توانم اوتومبیل را پارک کنم؟» «یک پارکینگ در همین نزدیکی است.»

۵۵. "c" «مترادف = کلمه‌ای که با یک کلمه دیگر در همان زبان معنی مشابهی دارد»
۵۶. "c" «يوم، يومی = جایی که یک شخص متولد شده یا بزرگ شده»
۵۷. "b" «ساده = سخت نبودن برای درک کردن یا انجام دادن»
۵۸. "native speaker" «گویش‌ور یومی»
۵۹. "exchange knowledge" «تبادل دانش کردن»
۶۰. "hundreds of millions" «صدها میلیون»
۶۱. "endangered languages" «زبان‌های در معرض خطر»
۶۲. "meet the needs" «برآورده کردن نیازها»
۶۳. "loaves" «دو قرض نان»
۶۴. "bottle" «یک بطری شیر»
۶۵. "slice" «یک برش هندوانه»
۶۶. "bag" «یک گونی برنج»
۶۷. "glasses" «تعدادی لیوان آب»
۶۸. "piece / slice" «یک تکه / برش کیک»
۶۹. "glass" «شکر - برنج - قهوه - لیوان»
۷۰. "slice" «بطری - برش - لیوان - گونی»
۷۱. "bread" «نان - آیمیه - آب - شیر»
۷۲. "Canadian" «ملیت جو چیست؟» «فکر کنیم او کانادایی است.»
۷۳. "traffic" «ما سعی داریم ترافیک (بازدید) سایت‌مان را افزایش دهیم.»
۷۴. "grades" «من دارم سخت‌تر درس می‌خوانم، بنابراین نمره‌های من امسال بهتر هستند.»
۷۵. "smart" «او به اندازه کافی باهوش است که بداند بهترین روش چیست.»
۷۶. "wrongly" «متأسفانه آن‌ها جمله‌ها را به اشتباه ترجمه کردند.»
۷۷. "order" «ممکن است هنگامی که من تماس می‌گیرم شما برای من (غذا) سفارش دهید؟»
۷۸. "turn on" «لطفاً قبل از خارج شدن تلویزیون را خاموش کنید.»
۷۹. "many / a lot of" «تعداد کمی زبان در معرض خطر وجود دارند.»
۸۰. "countable" «آیا می‌توانید چند اسم غیرقابل شمارش نام ببرید؟»
۸۱. "boring" «ما هفته گذشته یک فیلم جالب دیدیم.»
۸۲. "b" «گوشت = قسمت‌های یک حیوان که می‌توانید بخورید»
۸۳. "c" «آواز = یک قطعه موسیقی با کلمه‌هایش که شما می‌خوانید»
۸۴. "a" «برداشتن = گرفتن و بلند کردن کسی یا چیزی»
۸۵. "c" «جایی = در داخل یا به سمت جایی که شما دقیقاً نمی‌شناسید»
۸۶. "d" «قرض گرفتن = گرفتن و استفاده کردن از چیزی که متعلق به شخص دیگری است برای مدت کوتاه»
۸۷. "kilos / bags" «ما امروز دو کیلو / کیسه شکر لازم داریم.»
۸۸. "scissors" «من چند برش پیتزا دارم. بیا آن‌ها را با هم بخوریم.»
۸۹. "loaves" «بیا چند قرض نان بخریم.»

۵۸. گزینه (۱) - «من می‌توانستم هر کلمه‌ای را که آن‌ها می‌گفتند، بشنوم.»
۵۹. گزینه (۴) - «یکی از توده‌های خشکی کره زمین مانند اروپا یا آفریقا قاره نامیده می‌شود.»
۶۰. گزینه (۱) خارجی
۶۱. گزینه (۲) قیمت
۶۲. گزینه (۳) قضا
۶۳. گزینه (۴) زبان
۶۴. گزینه (۱) کلمه
۶۵. گزینه (۲) مؤسسه
۶۶. گزینه (۳) قاره
۶۷. گزینه (۴) دنیا
۶۸. گزینه (۱) قاره
۶۹. گزینه (۲) قیمت
۷۰. گزینه (۳) قضا
۷۱. گزینه (۴) زبان
۷۲. گزینه (۱) کلمه
۷۳. گزینه (۲) مؤسسه
۷۴. گزینه (۳) قاره
۷۵. گزینه (۴) دنیا
۷۶. گزینه (۱) قاره
۷۷. گزینه (۲) قیمت
۷۸. گزینه (۳) قضا
۷۹. گزینه (۴) زبان
۸۰. گزینه (۱) کلمه
۸۱. گزینه (۲) مؤسسه
۸۲. گزینه (۳) قاره
۸۳. گزینه (۴) دنیا
۸۴. گزینه (۱) قاره
۸۵. گزینه (۲) قیمت
۸۶. گزینه (۳) قضا
۸۷. گزینه (۴) زبان
۸۸. گزینه (۱) کلمه
۸۹. گزینه (۲) مؤسسه
۹۰. گزینه (۳) قاره
۹۱. گزینه (۴) دنیا
۹۲. گزینه (۱) قاره
۹۳. گزینه (۲) قیمت
۹۴. گزینه (۳) قضا
۹۵. گزینه (۴) زبان
۹۶. گزینه (۱) کلمه
۹۷. گزینه (۲) مؤسسه
۹۸. گزینه (۳) قاره
۹۹. گزینه (۴) دنیا
۱۰۰. گزینه (۱) قاره
۱۰۱. گزینه (۲) قیمت
۱۰۲. گزینه (۳) قضا
۱۰۳. گزینه (۴) زبان
۱۰۴. گزینه (۱) کلمه
۱۰۵. گزینه (۲) مؤسسه
۱۰۶. گزینه (۳) قاره
۱۰۷. گزینه (۴) دنیا
۱۰۸. گزینه (۱) قاره
۱۰۹. گزینه (۲) قیمت
۱۱۰. گزینه (۳) قضا
۱۱۱. گزینه (۴) زبان
۱۱۲. گزینه (۱) کلمه
۱۱۳. گزینه (۲) مؤسسه
۱۱۴. گزینه (۳) قاره
۱۱۵. گزینه (۴) دنیا
۱۱۶. گزینه (۱) قاره
۱۱۷. گزینه (۲) قیمت
۱۱۸. گزینه (۳) قضا
۱۱۹. گزینه (۴) زبان
۱۲۰. گزینه (۱) کلمه
۱۲۱. گزینه (۲) مؤسسه
۱۲۲. گزینه (۳) قاره
۱۲۳. گزینه (۴) دنیا
۱۲۴. گزینه (۱) قاره
۱۲۵. گزینه (۲) قیمت
۱۲۶. گزینه (۳) قضا
۱۲۷. گزینه (۴) زبان
۱۲۸. گزینه (۱) کلمه
۱۲۹. گزینه (۲) مؤسسه
۱۳۰. گزینه (۳) قاره
۱۳۱. گزینه (۴) دنیا
۱۳۲. گزینه (۱) قاره
۱۳۳. گزینه (۲) قیمت
۱۳۴. گزینه (۳) قضا
۱۳۵. گزینه (۴) زبان
۱۳۶. گزینه (۱) کلمه
۱۳۷. گزینه (۲) مؤسسه
۱۳۸. گزینه (۳) قاره
۱۳۹. گزینه (۴) دنیا
۱۴۰. گزینه (۱) قاره
۱۴۱. گزینه (۲) قیمت
۱۴۲. گزینه (۳) قضا
۱۴۳. گزینه (۴) زبان
۱۴۴. گزینه (۱) کلمه
۱۴۵. گزینه (۲) مؤسسه
۱۴۶. گزینه (۳) قاره
۱۴۷. گزینه (۴) دنیا
۱۴۸. گزینه (۱) قاره
۱۴۹. گزینه (۲) قیمت
۱۵۰. گزینه (۳) قضا
۱۵۱. گزینه (۴) زبان
۱۵۲. گزینه (۱) کلمه
۱۵۳. گزینه (۲) مؤسسه
۱۵۴. گزینه (۳) قاره
۱۵۵. گزینه (۴) دنیا
۱۵۶. گزینه (۱) قاره
۱۵۷. گزینه (۲) قیمت
۱۵۸. گزینه (۳) قضا
۱۵۹. گزینه (۴) زبان
۱۶۰. گزینه (۱) کلمه
۱۶۱. گزینه (۲) مؤسسه
۱۶۲. گزینه (۳) قاره
۱۶۳. گزینه (۴) دنیا
۱۶۴. گزینه (۱) قاره
۱۶۵. گزینه (۲) قیمت
۱۶۶. گزینه (۳) قضا
۱۶۷. گزینه (۴) زبان
۱۶۸. گزینه (۱) کلمه
۱۶۹. گزینه (۲) مؤسسه
۱۷۰. گزینه (۳) قاره
۱۷۱. گزینه (۴) دنیا
۱۷۲. گزینه (۱) قاره
۱۷۳. گزینه (۲) قیمت
۱۷۴. گزینه (۳) قضا
۱۷۵. گزینه (۴) زبان
۱۷۶. گزینه (۱) کلمه
۱۷۷. گزینه (۲) مؤسسه
۱۷۸. گزینه (۳) قاره
۱۷۹. گزینه (۴) دنیا
۱۸۰. گزینه (۱) قاره
۱۸۱. گزینه (۲) قیمت
۱۸۲. گزینه (۳) قضا
۱۸۳. گزینه (۴) زبان
۱۸۴. گزینه (۱) کلمه
۱۸۵. گزینه (۲) مؤسسه
۱۸۶. گزینه (۳) قاره
۱۸۷. گزینه (۴) دنیا
۱۸۸. گزینه (۱) قاره
۱۸۹. گزینه (۲) قیمت
۱۹۰. گزینه (۳) قضا
۱۹۱. گزینه (۴) زبان
۱۹۲. گزینه (۱) کلمه
۱۹۳. گزینه (۲) مؤسسه
۱۹۴. گزینه (۳) قاره
۱۹۵. گزینه (۴) دنیا
۱۹۶. گزینه (۱) قاره
۱۹۷. گزینه (۲) قیمت
۱۹۸. گزینه (۳) قضا
۱۹۹. گزینه (۴) زبان
۲۰۰. گزینه (۱) کلمه
۲۰۱. گزینه (۲) مؤسسه
۲۰۲. گزینه (۳) قاره
۲۰۳. گزینه (۴) دنیا
۲۰۴. گزینه (۱) قاره
۲۰۵. گزینه (۲) قیمت
۲۰۶. گزینه (۳) قضا
۲۰۷. گزینه (۴) زبان
۲۰۸. گزینه (۱) کلمه
۲۰۹. گزینه (۲) مؤسسه
۲۱۰. گزینه (۳) قاره
۲۱۱. گزینه (۴) دنیا
۲۱۲. گزینه (۱) قاره
۲۱۳. گزینه (۲) قیمت
۲۱۴. گزینه (۳) قضا
۲۱۵. گزینه (۴) زبان
۲۱۶. گزینه (۱) کلمه
۲۱۷. گزینه (۲) مؤسسه
۲۱۸. گزینه (۳) قاره
۲۱۹. گزینه (۴) دنیا
۲۲۰. گزینه (۱) قاره
۲۲۱. گزینه (۲) قیمت
۲۲۲. گزینه (۳) قضا
۲۲۳. گزینه (۴) زبان
۲۲۴. گزینه (۱) کلمه
۲۲۵. گزینه (۲) مؤسسه
۲۲۶. گزینه (۳) قاره
۲۲۷. گزینه (۴) دنیا
۲۲۸. گزینه (۱) قاره
۲۲۹. گزینه (۲) قیمت
۲۳۰. گزینه (۳) قضا
۲۳۱. گزینه (۴) زبان

۱۲۰. "glasses / bottles" «من تشنه بودم بنابراین دو لیوان / بطری آب خوردم».

J	U	I	C	E	U	W	T	N
G	B	R	H	Q	C	A	M	F
S	T	S	E	I	O	T	H	R
S	F	A	E	L	F	R	Z	U
U	A	H	S	O	F	E	D	I
G	F	J	E	P	E	K	F	T
A	I	W	T	L	E	T	A	E
R	C	B	R	E	A	D	S	X

۱۲۱. "juice" «آمیوه»

۱۲۲. "bread" «نان»

۱۲۳. "sugar" «شکر»

۱۲۴. "fruit" «میوه»

۱۲۵. "coffee" «قهوه»

۱۲۶. «۸» «خواهش می‌کنم».

۱۲۷. «۳» «قیمت آن چقدر است؟»

۱۲۸. «۶» «آن هر کیلو ده دلار است».

۱۲۹. «۷» «خیلی متشکرم».

۱۳۰. «۱۰» «بیخشید. آیا می‌توانم یک قرص نان داشته باشم (بردارم)، لطفاً؟»

۱۳۱. «۲» «حتماً، بفرمایید».

۱۳۲. «۴» «آن پنج دلار است».

۱۳۳. «۵» «و قیمت هر کیلو پنیر چقدر است؟»

۱۳۴. «d» «بیچه‌ها باید هر روز یک لیوان شیر بنوشند».

۱۳۵. «a» «تعدادی شمع روی میز وجود دارند».

۱۳۶. «c» «آیا می‌توانم تراش شما را قرض بگیرم، لطفاً؟»

۱۳۷. «b» «آن پرندۀ روی درخت به زیبایی آواز می‌خواند».

۱۳۸. «few» «مادرم مقداری شیر، تعدادی سیب و (تعداد کمی / مقدار کمی) موز خرید».

توضیح: کلمه banana (موز)، اسم قابل‌شمارش بوده و دارای تعداد است.

۱۳۹. «people» «در آشیانه تعدادی از (برنج / مردم) هستند».

توضیح: چون فعل جمله are است، پس نمی‌تواند با rice (برنج) به کار برود. برنج غیرقابل‌شمارش است و همیشه با is به کار می‌رود.

۱۴۰. «bread» «امروز چه مقدار (نان / سیب) لازم دارید؟»

توضیح: کلمه پرسشی How much (چه مقدار) همراه اسم‌های غیرقابل‌شمارش به کار می‌رود.

۱۴۱. «money» «در بانک مقدار زیادی (پول / مردم) وجود دارد».

توضیح: چون فعل جمله is است، پس اسم جمع people (مردم) نمی‌تواند بعد از آن به کار برود.

۱۴۲. "children" «آقای کمپبل، شما چه تعداد (بیچه / بیچه‌ها) دارید؟»
توضیح: در سوال‌ها همیشه بعد از How many اسم جمع به کار می‌رود، حتی اگر پاسخ مفرد باشد.

۱۴۳. "four" «آن پسر کوچک وقتی این جا بود (چهار / مقداری) برش پیژا خورد».

توضیح: چون اسم موجود در جمله یعنی slices جمع است، باید قبل از آن «تعداد» به کار برود.

۱۴۴. "a lot of" «چرا او در حال خریدن (مقدار زیادی / مقداری زیادی) شکر است؟»

توضیح: دو عبارت a lot of و a lot هر دو به یک معنی هستند اما بعد از a lot اسم به کار نمی‌رود.

۱۴۵. «بیخشید، من نمی‌توانم بیش‌تر کمکتان کنم. من اطلاعات (زیاد / زیاد) ندارم».

توضیح: کلمه information (اطلاعات)، اسم غیرقابل‌شمارش است و دارای «مقدار» است.

۱۴۶. «چه (مقدار / تعداد) ترافیک وجود دارد؟ آیا ما می‌توانیم به موقع به آن جا برسیم؟»

توضیح: کلمه traffic (ترافیک)، اسم غیرقابل‌شمارش است و دارای «مقدار» است. پس باید پرسیم، How much (چه مقدار).

۱۴۷. گزینه (۲) - «آن پزشک مقدار خیلی کمی زمان داشت تا در اتاق اورژانس فکر کند».

① تعداد کمی ② مقدار خیلی کمی

③ تعداد زیادی ④ خیلی

توضیح: کلمه time (زمان)، اسم غیرقابل‌شمارش است، پس «مقدار» دارد. در ضمن دقت داشته باشید که very قبل از صفت‌ها و قیدها می‌آید نه قبل از اسم‌ها.

۱۴۸. گزینه (۱) - «ما این هفته هوای گرم زیادی نداشتیم».

① مقدار زیادی ② تعداد زیادی

③ تعداد خیلی کمی ④ تعداد زیادی

توضیح: کلمه weather (آب و هوا)، اسم غیرقابل‌شمارش است و «مقدار» دارد، نه «تعداد». در ضمن بعد از a lot اسم به کار نمی‌رود و در این جمله کاربرد ندارد.

۱۴۹. گزینه (۲) - «من می‌خواهم یک اتومبیل اسپرت جدید بخرم، اما فقط مقدار خیلی کمی پول دارم».

① تعداد زیاد ② تعداد زیاد، مقدار زیاد

③ تعداد کمی ④ مقدار خیلی کمی

توضیح: کلمه money (پول)، اسم غیرقابل‌شمارش است، پس «مقدار» دارد، در نتیجه یا گزینه (۲) درست است یا گزینه (۴). با توجه به معنی جمله، فقط گزینه (۲) درست است.

۱۵۰. گزینه (۲) - «در آشپزخانه غذای خیلی کمی وجود داشت، پس من به رستوران رفتم».

① تعداد زیادی، مقدار زیادی ② تعداد کمی

③ مقدار زیادی ④ مقدار خیلی کمی

۱۵۹. «an» «در آشپزخانه یک زن پیر هست.»
توضیح: عبارت old woman (زن پیر) مفرد است و با حرف (o) شروع شده است.
۱۶۰. «a» «آیا می‌دانستید که همه سبزی‌ها شما را سالم نگه می‌دارند؟»
توضیح: هرگاه در مورد یک اسم به طور کلی و عمومی صحبت کنیم، قبل از آن هیچ حرف تعریفی به کار نمی‌رود.
۱۶۱. «a» «ما قصد داریم یک اتومبیل جدید بخریم.»
توضیح: عبارت new car (اتومبیل جدید) مفرد است و با حرف (n) شروع شده است.
۱۶۲. «an» «معلم از من یک سوال آسان پرسید.»
توضیح: عبارت easy question (سوال آسان) مفرد است و با حرف (e) شروع شده است.
۱۶۳. «some» «آقای کینگ چند برش پیتزا خورد.»
توضیح: عبارت slices of pizza (برش‌های پیتزا) جمع است.
۱۶۴. «some» «من برای تو خیرهایی دارم.»
توضیح: عبارت good new (خبر خوب) غیرقابل شمارش است پس قبل از آن از some استفاده می‌شود.
۱۶۵. «How much» «من می‌خواهم به خرید بروم. ماما، چه مقدار نان لازم داری؟»
توضیح: کلمه bread (نان)، اسم غیرقابل شمارش است.
۱۶۶. «how much» «من به خاطر نمی‌آورم آن‌ها چه مقدار اطلاعات دارند.»
توضیح: کلمه information (اطلاعات)، اسم غیرقابل شمارش است.
۱۶۷. «how many» «رضا، چه تعداد (چند) تکه میوه خوردی؟»
توضیح: کلمه pieces (تکه‌ها)، اسم قابل شمارش و جمع است.
۱۶۸. «How much» «چه مقدار آب در آن بطری بزرگ وجود دارد؟»
توضیح: کلمه water (آب)، اسم غیرقابل شمارش است.
۱۶۹. «How many» «چه تعداد گونی برنج قصد دارید بخرید؟»
توضیح: کلمه bags (گونی‌ها)، اسم جمع و قابل شمارش است.
۱۷۰. «how many» «آیا می‌توانید به من بگویید چه تعدادی از افراد دارند به این جا می‌آیند؟»
توضیح: کلمه people (مردم، افراد)، اسم قابل شمارش و جمع است.
۱۷۱. «چه تعدادی درخت در این پارک می‌بینید؟»
We see many trees in this park.
«ما در این پارک تعداد زیادی درخت می‌بینیم.»
۱۷۲. «آیا در این لیوان مقدار زیادی شیر وجود دارد؟»
Yes, there is a lot of milk in the glass.
«بله، در این لیوان مقدار زیادی شیر وجود دارد.»
۱۷۳. «شما در سال گذشته چه مقدار پول پس‌انداز کردید؟»
I saved a lot of money last year.
«من سال گذشته مقدار زیادی پول پس‌انداز کردم.»
۱۷۴. «آیا این پسر قصد دارد مقدار زیادی تکلیف انجام دهد؟»
Yes, the boy is going to do a lot of homework.
«بله، این پسر قصد دارد مقدار زیادی تکلیف انجام دهد.»

- توضیح: کلمه food (غذا)، اسم غیرقابل شمارش است، پس گزینه (۲) نادرست است. با توجه به معنی جمله نیز می‌توان دریافت که فقط گزینه (۴) درست است.
۱۵۱. گزینه (۲) - «من مقداری وقت آزاد داشتم، بنابراین تعداد کمی کتاب خواندم.»
① تعداد زیادی / تعدادی، مقداری
② تعدادی، مقداری / تعداد کمی
③ مقدار زیادی / مقدار کمی
④ مقدار خیلی کمی / تعداد زیادی
- توضیح: کلمه time (زمان)، اسم غیرقابل شمارش است و «مقدار» دارد، کلمه books (کتاب‌ها) نیز اسم قابل شمارش و جمع است، پس «تعداد» دارد. در نتیجه یا گزینه (۲) درست است یا گزینه (۴). با توجه به معنی جمله فقط گزینه (۲) درست است.
۱۵۲. گزینه (۱) - «آیا تو آن دو فیلم جالب را تماشا کردی؟»
توضیح: قبل از یک اسم ابتدا ضمیر اشاره (در این جا those) سپس عدد (در این جا two) و بعد از آن صفت (در این جا interesting) به کار می‌رود.
۱۵۳. گزینه (۳) - «ما تعدادی تکه کیک خوردیم و مقدار زیادی آب پرتقال نوشیدیم.»
① دو تکه / تعدادی
② یک تکه / مقدار زیادی
③ تکه‌هایی / تعداد زیادی، مقدار زیادی
④ تکه، مقدار خیلی کمی
- توضیح: بعد از some بلافاصله اسم به کار می‌رود، پس گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست هستند. در ضمن اسم قابل شمارشی که بعد از some به کار می‌رود باید جمع باشد، در نتیجه گزینه (۴) نیز نادرست است.
۱۵۴. گزینه (۴) - «آیا می‌توانم مقداری پنیر و یک فنجان قهوه بخورم؟»
① تعداد زیادی، مقدار زیادی / یک
② تعداد کمی / تعداد زیادی
③ تعدادی، مقداری / دو
④ تعدادی، مقداری / یک
- توضیح: در این جا اسم cup مفرد است و قبل از آن باید a به کار برود. پس فقط گزینه (۴) درست است.
۱۵۵. «some» «من دیروز در پارک تعدادی افراد را دیدم.»
توضیح: کلمه people (مردم، افراد)، اسم جمع است، پس قبل از آن some (تعدادی) به کار می‌رود.
۱۵۶. «a» «یک پسر قدبلند در کلاس است.»
توضیح: عبارت tall boy (پسر قدبلند) مفرد است و با حرف (t) شروع شده است.
۱۵۷. «a» «ما یک بطری شیر لازم داریم.»
توضیح: کلمه bottle (بطری)، اسم مفرد است و با حرف (b) شروع شده است.
۱۵۸. «a» «او بیان کرد که شیر برای سلامت تو خوب است.»
توضیح: هرگاه در مورد یک اسم به طور کلی و عمومی صحبت کنیم، قبل از آن هیچ حرف تعریفی به کار نمی‌رود.

داریم و بعضی اوقات می‌توانیم داشته باشیم. اما تحقیق نشان می‌دهد که ما هنوز قطعاً در مورد این که چطور به مردم آموزش دهیم که افراد خطرناک چه موقع دروغ می‌گویند، هیچ ایده‌ای نداریم.

۱۹۳. گزینه (۲) - "communication"
 ① توضیح ② برقراری ارتباط
 ③ جاذبه ④ توجه

۱۹۴. گزینه (۱) - "each"
 ① هر ② هر
 ③ تعداد زیادی ④ —
 توضیح: عبارت each other به معنی «یکدیگر» است.

۱۹۵. گزینه (۳) - "at"
 ① در ② در
 ③ در ④ با
 توضیح: عبارت be good at به معنی «مهارت داشتن در» است.

۱۹۶. گزینه (۳) - "research"
 ① منطقه ② قرن
 ③ تحقیق ④ ارزش

ترجمه متن Reading Comprehension

یک زبان در معرض خطر، زبانی است که در خطر مورد استفاده قرار نگرفتن است زیرا گویش‌ورانانش منقرض می‌شوند یا به صحبت کردن به زبان دیگری تغییر (جهت) می‌دهند. زبان وقتی از دست می‌رود که هیچ گویش‌ور بومی ندارد و یک «زبان مرده» می‌شود. اگر هیچ کس نتواند اصلاً به آن زبان صحبت کند، آن یک «زبان منقرض» (محسوب) می‌شود. دانشمندان ممکن است هنوز یک زبان مرده را از طریق (مطالب) ثبت و ضبط شده و نوشته‌ها مطالعه کنند. اما آن هنوز مرده یا منقرض است مگر این که گویش‌وران سلسله وجود داشته باشند.

۱۹۷. "T" یک «زبان مرده» تعداد زیادی گویش‌ور دارد.

۱۹۸. "T" دانشمندان زبان‌ها را مطالعه می‌کنند.

۱۹۹. «یک زبان در معرض خطر چیست؟»

An endangered language is a language that is at risk of falling out of use as its speakers die out or shift to speaking another language.

«یک زبان در معرض خطر زبانی است که در خطر مورد استفاده قرار نگرفتن است زیرا گویش‌ورانانش منقرض می‌شوند یا به صحبت کردن به زبان دیگری تغییر (جهت) می‌دهند.»

۲۰۰. «زبان چه موقع از دست می‌رود؟»

Language is lost when the language has no more native speakers and becomes a "dead language".

«زبان وقتی از دست می‌رود که هیچ گویش‌ور بومی ندارد و یک «زبان مرده» می‌شود.»

۲۰۱. «extinct language» اگر کسی اصلاً نتواند به یک زبان صحبت کند، زبان منقرض

۲۰۲. "dead" زنده نیست، مرده

۱۷۵. «آیا در تصویر تعداد زیادی برش پیتزا وجود دارند؟»

No, there are two slices of pizza in the picture.

نه، در تصویر دو برش پیتزا وجود دارند.

۱۷۶. «آقای جکسون هفته گذشته چه چیزی خرید؟»

He bought three bags of rice.

او سه گونی برنج خرید.

۱۷۷. The artist walked away and disappeared into the forest.
 آن هنرمند قدم‌زنان دور شد و در جنگل ناپدید شد.

۱۷۸. They usually visit my grandmother on Fridays.

آن‌ها معمولاً مادربزرگ من را در جمعه‌ها ملاقات می‌کنند.

۱۷۹. Do you have access to the Internet at home?

آیا تو در خانه به اینترنت دسترسی داری؟

۱۸۰. I picked up the bags and read the explanations.

من کیسه‌ها را برداشتم و توضیحات را خواندم.

۱۸۱. آن مرد توضیحات را چک کرد.

The man checked the explanations.

۱۸۲. «من معمولاً نمره‌های خوب می‌گیرم.»

I usually get good grades.

۱۸۳. «بچه‌ها در حال نوشیدن شیر هستند.»

The kids are drinking milk.

۱۸۴. «امروزه، تعداد زیادی از زبان‌ها گویش‌وران بومی خود را از دست می‌دهند.»

Nowadays, many languages are losing their native speakers.

۱۸۵. «من تعدادی کتاب جالب دارم.»

I have some interesting books.

۱۸۶. «در اتاق دو پسر بلند قد هستند.»

There are two tall boys in the room.

۱۸۷. «الکس دیروز یک اتومبیل مدرن خرید.»

Alex bought a modern car yesterday.

۱۸۸. «مهدی این روزها در حال تماشا کردن تعداد کمی فیلم قدیمی است.»

Mahdi is watching a few old movies these days.

۱۸۹. «من می‌توانم سه زن جوان ببینم.»

I can see three young women.

۱۹۰. Ali labled forty boxes.

۱۹۱. A: How many are there? B: Nineteen.

۱۹۲. A: How old are you? B: I am fourteen.

ترجمه متن Cloze Test

زبان و برقراری ارتباط تماماً در مورد کلمه‌های بیان شده نیست، و زبان بدن در روشی که ما با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنیم نقش مهمی دارد. ما معمولاً دوست داریم فکر کنیم در فهم زبان بدن افراد مهارت

آزمون درس اول

مدت امتحان، ۴۵ دقیقه

بارم

سؤالات

ردیف

A: Vocabulary

واژگان

۱

1. Deaf people communicate through sign language. (.....)
2. There are some loaves of bread in the picture. (.....)
3. What percent of Americans can speak Spanish? (.....)
4. The sign says, "There is a parking lot around here." (.....)

هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.



۱

- | | |
|-------------------|---|
| 5. native (.....) | a) how much money you pay to buy something |
| 6. price (.....) | b) a glass or plastic container for liquids |
| 7. smart (.....) | c) connected with the place where you were born |
| 8. bottle (.....) | d) able to learn and think quickly |

هر کلمه را با تعریف آن جور کنید.

۱

9. Many of these children are a little They can't hear well.
1) deaf 2) clever 3) rude 4) nervous
10. In the third year, all the students will the study of Chinese.
1) begin 2) solve 3) invite 4) meet
11. Our institute the needs of all young people.
1) cleans 2) plays 3) meets 4) works
12. My mother put thirteen on my birthday cake. I'm thirteen now.
1) bottles 2) booklets 3) songs 4) candles

پاسخ درست را انتخاب کنید.

۱

13. The old man comes from a tiny town. (=.....)
14. This cell phone is simple to use. (≠.....)
15. Languages vary greatly from region to region. (=.....)
16. There are many foreigners in the hotel. (≠.....)

مترادف یا متضاد کلمه‌هایی که زیرشان خط کشیده شده است را بنویسید.

۲

B: Grammar

دستور زبان

17. How many children does Mr. Hank have?
.....

18. How much water is there in the glass?
.....



به سوال‌های زیر با توجه به تصویر پاسخ دهید.

آزمون درس اول

مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

ردیف	سؤالات	بارم
۶	<p>19. My grandfather put pieces of fruit on the table. 1) a little 2) much 3) many 4) one</p> <p>20. There were a lot of in the room yesterday. 1) sugar 2) children 3) money 4) person</p> <p>21. You can see in this picture. 1) old women some 2) an orange T-shirt 3) young soldier 4) lots of bag</p> <p>22. Can I borrow money for a short time, sir? 1) few 2) many 3) lots 4) more</p>	۲
۷	<p>C: Writing نگارش</p> <p>23. Last week, our teacher did not explain the lesson again. در هر جمله، زیر فاعل و دور مفعول خط بکشید.</p> <p>24. That Russian translator spoke French very well.</p>	۴
۸	<p>در هر ردیف، با استفاده از کلمه‌های داده‌شده یک جمله بسازید (در صورت لزوم کلمه اضافه کنید).</p> <p>25. We (Monday / watched / movie / interesting)</p> <p>26. The boy (some / slices / pizza / eating)</p> <p>27. There (a few / now / pens / here)</p> <p>28. How ? (need / they / money)</p>	۴
۹	<p>D: Reading Comprehension درک مطلب</p> <p>متن زیر را بخوانید و پاسخ درست را انتخاب کنید.</p> <p>All languages are really (29), despite their differences. Every language is an amazing (30) of communication that meets the needs of its speakers. It is impossible to (31) the world without language. Therefore, we must respect all languages, no (32) how different they are and how many speakers they have.</p> <p>29. 1) careful 2) valuable 3) possible 4) talkative</p> <p>30. 1) work 2) means 3) wish 4) range</p> <p>31. 1) exist 2) show 3) hold 4) imagine</p> <p>32. 1) matter 2) price 3) plan 4) need</p>	۴
۱۰	<p>متن زیر را بخوانید و پاسخ درست را انتخاب کنید.</p> <p>Mother tongue education refers to any form of schooling that makes use of the language or languages that children are most familiar with. This is usually the language that children speak at home with their family. The 'mother tongue' does not have to be the language spoken by the mother. Children can and often speak more than one or even two languages at home. For example, they may speak one language with their mother, another with their father and a third with their grandparents.</p> <p>33. What is mother tongue education?</p> <p>34. Some children speak than one or two at home.</p> <p>35. Mother tongue is absolutely the language spoken by the mother. TRUE <input type="checkbox"/> FALSE <input type="checkbox"/></p>	۴
24	مجموع	

آزمون درس اول

مدت امتحان، ۴۵ دقیقه

۲۲۷

ردیف	پاسخنامه
۱	"A" «افراد ناشنوا از طریق زبان اشاره ارتباط برقرار می‌کنند.»
۲	"B" «تعدادی قرص نان در تصویر وجود دارند.»
۳	"D" «چه درصدی از آمریکایی‌ها می‌توانند اسپانیایی صحبت کنند؟»
۴	"C" «علامت می‌گوید: یک پارکینگ در این اطراف وجود دارد.»
۵	"E" «بومی - مرتبط با جایی که متولد شده‌اید»
۶	"a" «قیمت - مقدار پولی که برای خرید چیزی پرداخت می‌کنید»
۷	"q" «پاهوش - قادر به یاد گرفتن و فکر کردن با سرعت»
۸	"b" «بطری - یک محفظه شیشه‌ای یا پلاستیکی برای مایع‌ها»
۹	گزینه (۱) - "deaf" «تعداد زیادی از این بچه‌ها کمی ناشنوا هستند. آن‌ها نمی‌توانند خوب بشنوند.» (۱) ناشنوا (۲) پاهوش (۳) بی‌ادب (۴) عصبی
۱۰	گزینه (۱) - "begin" «در سال سوم، همه دانشجویان خواندن زبان چینی را شروع خواهند کرد.» (۱) شروع کردن (۲) حل کردن (۳) دعوت کردن (۴) ملاقات کردن
۱۱	گزینه (۳) - "meets" «موسسه ما نیازهای همه افراد جوان را برآورده می‌کند.» (۱) تمیز کردن (۲) بازی کردن (۳) برآورده کردن (۴) کار کردن
۱۲	گزینه (۴) - "candles" «مادر من سیزده شمع روی کیک تولدم گذاشت. من حالا سیزده ساله هستم.» (۱) بطری (۲) کتابچه (۳) آواز (۴) شمع
۱۳	"small" «آن پیرمرد اهل یک شهر کوچک است.»
۱۴	"hard" «استفاده کردن از این تلفن همراه <u>یادو</u> است.»
۱۵	"largely" «زبان‌ها تا حد زیادی از یک منطقه به منطقه دیگر متفاوت هستند.»
۱۶	"a few" «تعداد زیادی (افراد) خارجی در هتل هستند.»
۱۷	«آقای هنگ چند فرزند دارد؟» He has one child. «او یک فرزند دارد.»
۱۸	«در این لیوان چه مقدار آب وجود دارد؟» There is some / a little water in the glass. «در این لیوان مقداری / مقدار کمی آب وجود دارد.»
۱۹	گزینه (۳) - "many" «پدربزرگ من تعداد زیادی تکه‌های میوه روی میز گذاشت.» توضیح: کلمه «pieces» اسم جمع و قابل شمارش است، پس «تعداد» دارد.
۲۰	گزینه (۲) - "children" «دبیروز در اتاق تعداد زیادی بچه بودند.» توضیح: چون فعل جمله «were» است، اسم بعد از آن حتماً باید جمع باشد. در بین گزینه‌ها فقط «children» (بچه‌ها) جمع است که شکل مفرد آن «child» می‌باشد.
۲۱	گزینه (۲) - "an orange T-shirt" «شما می‌توانید در این تصویر یک تیشرت نارنجی ببینید.» توضیح: به جز گزینه (۲) بقیه گزینه‌ها نادرست هستند و شکل درست آن‌ها به صورت زیر است: (۱) some old women (۲) a young soldier (۳) lots of bags

آزمون درس اول

مدت امتحان، ۴۵ دقیقه

ردیف	پاسخنامه
۲۲	گزینه (۴) - "more" «آیا من می‌توانم پول بیشتری برای مدتی کوتاه قرض بگیرم، آقا؟» توضیح: کلمه «money» اسم غیرقابل شمارش است، پس «تعداد» ندارد، در نتیجه دو گزینه (۱) و (۲) نادرست هستند. گزینه (۳) نیز ناقص است زیرا همیشه به صورت «lots of» به کار می‌رود.
۲۳	«هفته گذشته، معلم‌مان دوباره درس را توضیح نداد.» Last week, our teacher did not explain the lesson again.
۲۴	«آن مترجم روسی خیلی خوب به زبان فرانسوی صحبت کرد.» That Russian translator spoke French very well.
۲۵	«ما در دوشنبه / دوشنبه گذشته یک فیلم جالب تماشا کردیم.» We watched an interesting movie on / last Monday.
۲۶	«آن پسر در حال خوردن چند برش از پیتزا است / بود.» The boy is / was eating some slices of pizza.
۲۷	«الآن تعداد کمی خودکار در این‌جا وجود دارد.» There are a few pens here now.
۲۸	«آن‌ها چه مقدار پول لازم دارند؟» How much money do they need?
ترجمه متن Cloze Test	
همه زبان‌ها علی‌رغم اختلافاتشان واقعاً با ارزش هستند. هر زبانی یک وسیله ارتباطی شگفت‌انگیز است که نیازهای گویش‌ورانش را برآورده می‌کند. غیر ممکن است که دنیا را بدون زبان تصور کرد. بنابراین، ما باید به همه زبان‌ها احترام بگذاریم، مهم نیست که آن‌ها چقدر متفاوت هستند و چندگوش‌ور دارند.	
۲۹	گزینه (۲) - "valuable" (۱) با احتیاط (۲) با ارزش (۳) ممکن (۴) پُر حرف
۳۰	گزینه (۲) - "means" (۱) کار (۲) وسیله (۳) آرزو (۴) طیف
۳۱	گزینه (۴) - "imagine" (۱) وجود داشتن (۲) نشان دادن (۳) برگزار کردن (۴) تصور کردن
۳۲	گزینه (۱) - "matter" (۱) موضوع (۲) قیمت توضیح: عبارت «no matter» یعنی «مهم نیست».
ترجمه متن Reading Comprehension	
آموزش به زبان مادری به هر نوع تحصیلی اشاره می‌شود که از زبان یا زبان‌هایی استفاده می‌کند که کودکان با آن‌ها بیش‌تر آشنا هستند. این معمولاً همان زبانی است که کودکان در منزل یا خانواده‌شان صحبت می‌کنند. «زبان مادری» الزاماً زبانی نیست که مادر صحبت می‌کند؛ کودکان می‌توانند در خانه بیش از یک و حتی دو زبان صحبت کنند و اغلب می‌کنند. به عنوان مثال، آن‌ها ممکن است با مادرشان به یک زبان، با پدرشان به یک زبان دیگر و با پدربزرگ و مادربزرگ خود به زبان سوم صحبت کنند.	
۳۳	«آموزش زبان مادری چیست؟» Mother tongue education refers to any form of schooling that makes use of the language or languages that children are most familiar with. «آموزش به زبان مادری به هر نوع تحصیلی اشاره می‌شود که از زبان یا زبان‌هایی استفاده می‌کند که کودکان با آن‌ها بیش‌تر آشنا هستند.»
۳۴	«بعضی از کودکان در خانه بیش از یک یا دو زبان صحبت می‌کنند.» Some children speak more than one or two languages at home.
۳۵	«زبان مادری قطعاً زبانی است که توسط مادر صحبت می‌شود.» «FALSE»

امتحان : جلد سوم

درس دوم

Lesson 2

انگلیسی یازدهم
English 11

سر کتاب

A Healthy Lifestyle

Questions

۲

سوالات امتحانی درس

Lesson 2

PART 1

(Pages 49 - 54)

Title Page - Get Ready - Conversation

VOCABULARY



۱. هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

- ① You should eat a lot of red meat. ()
 ② John is a couch potato. ()
 ③ I go jogging every day. ()
 ④ Candy is not good for you. ()



a



c



b



d

۲. در هر ردیف کلمه ناهماهنگ را مشخص کنید.

- ⑤ apple - orange - banana - tomato
 ⑥ oil - chicken - fish - meat

۳. هر کلمه را به تعریف آن وصل کنید. (یک تعریف اضافه است).

A

- ⑦ prefer ()
 ⑧ diet ()
 ⑨ depressed ()
 ⑩ health ()

B

- ① special foods that you eat when you want to lose weight
 ② very unhappy for a long time
 ③ the condition of your body
 ④ ready for you to use, have or see
 ⑤ like one thing or person better than another

۴. جمله‌های زیر را با کلمه‌های داده شده کامل کنید (دو کلمه اضافه است).

education - risk - since - fat - win - gain - rarely

- ⑪ My son received his at a very good school.
 ⑫ We need to a better understanding of the problem.
 ⑬ Children are at greater for these diseases.
 ⑭ My friend talks about her past.
 ⑮ He's worked in a bank leaving school.

جمله‌های زیر را با دانش خود کامل کنید.

- 16 I usually go out and hang with my friends.
 17 The sportsmen climbed Damavand last month.
 18 Jack and Mark have not seen other for about three months.

کلمه‌ها با عبارت‌های دو ستون را به هم وصل کنید و عبارت معنی‌داری بسازید.

- | | |
|-------------------|-------------|
| 19 couch | a weight |
| 20 gain | b the TV |
| 21 turn off | c lifestyle |
| 22 healthy | d potato |

متضاد کلمه‌های مشخص شده را از داخل کادر پیدا کنید و جملی بنویسید (یک کلمه اضافه است).

short – happy – win – begin – late

- 23 Did they lose the game?
 24 I haven't seen Reza for a long time.
 25 Watching TV makes you depressed.
 26 Please stop working at 7:00.

جمله‌های مکالمه زیر را به ترتیب شماره‌گذاری کنید.

- 27 I want to invite my friend to dinner. Do you have any suggestions?
 28 Have you ever eaten Italian food?
 29 Can you tell me where it is?
 30 Sure. Just round the corner.
 31 Yes, why?
 32 Yes, Pasta Place is a good Italian restaurant.

Lesson 2

PART 2

(Pages 55 - 57)

New Words & Expressions

VOCABULARY



هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

- 33 Your heartbeat is OK. ()
 34 Smoking is harmful. ()
 35 I like physical education class. ()
 36 He had a heart attack. ()



a



c



b



d

۱۰. جدول زیر را کامل کنید.

- 37 I don't have a high blood
 38 Doing daily exercise can diseases.
 39 Going to bed late is a bad
 40 It's important to have a healthy

37	P						
38	P						
39	H						
40	D						

۱۱. هر جمله را با یک کلمه از داخل کادر کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

serving – calm – recent – addiction – manner

- 41 The man has a/an to the Internet.
 42 Keep the patient, please.
 43 He always begins his stories in the same
 44 I'm hungry. This is my third of potatoes.

۱۲. کلمه‌های دو ستون را به هم وصل کنید و عبارت معنی‌داری بسازید و آن‌ها را بنویسید.

- 45 blood ()
 46 healthy ()
 47 heart ()
 48 physical ()
 49 emotional ()
- a diet
 b attack
 c exercise
 d problems
 e pressure

۱۳. پاسخ درست را انتخاب کنید.

- 50 I used your short ruler to (measure / exist) a piece of paper.
 51 Some bacteria are useful to your body. The opposite of 'useful' is (careful / harmful).
 52 Modern (technology / emotion) has made our lives more comfortable.
 53 Most of us don't eat a (balanced / depressed) diet.
 54 There have been many changes in (calm / recent) years.

۱۴. هر تعریف را با کلمه مرتبط با آن جور کنید (یک کلمه اضافه است).

- 55 something that you do very often ()
 56 to find the size, weight or amount of something ()
 57 to stop something from happening ()
 58 happened or began only a short time ago ()
- a prevent
 b price
 c recent
 d habit
 e measure

Lesson 2

PART 3

(Pages 58 - 63)

Reading - Reading Comprehension - Vocabulary Development

VOCABULARY

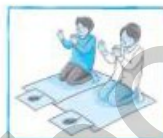


۱۵. هر کلمه را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

- 59 They are praying now.
- 60 Fast food makes you fat.
- 61 We use technology to communicate.
- 62 This is a piece of paper.



a



c



b



d

۱۶. جمله‌های زیر را با کلمه‌های داده‌شده کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

midterm - unsafe - dislike - factors - stress - social - condition - protein - general

- 63 Areas with greater problems should receive more help.
- 64 My old car is still in excellent
- 65 One of the most important of success is hard work.
- 66 The doctor said I need more in my diet.
- 67 The students will be busy taking a exam next week.
- 68 I think most men shopping.
- 69 The water is for drinking.
- 70 Many workers experience a high level of in their daily life.

۱۷. هر جمله ناقص از ستون سمت چپ را با یک عبارت از ستون سمت راست کامل کنید.

- 71 Eating junk food makes people fat
- 72 Have you ever thought of a ?
- 73 Praying decreases stress and
- 74 Bad habits and addiction
- 75 Addiction to technology for

- a can be harmful to health
- b a long time is also dangerous
- c healthy lifestyle to live longer
- d and increases the risk of heart attack
- e gives people a calm and balanced life

- 76 general
- 77 key
- 78 junk
- 79 balanced
- 80 daily

- a food
- b health
- c diet
- d exercise
- e point

۱۸. وصل کنید و بنویسید.

1

d _____

1 _____

d_____

۴۰. جدول زیر را کامل کنید.

87 Do you have a good life?

88 We should take care of our and emotional health.

85	B	L				
86	S	T				
87	S	O				
88	P	H				

PART 4

(Pages 64 - 79)

Grammar - Listening & Speaking - Pronunciation - Writing - What You Learned

VOCABULARY

واژگان

۲۱. هر کلمه را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

90 She is looking after the patient.

91 The baby is certainly asleep now.

92 Cycling is my favorite activity.



2



C



b



93 Learning a foreign language a long time.

① makes

② gets

③ takes

④ gives

94 Don't quit doing the puzzle. until you finish it.

⑦ Fill out

② Keep on

③ Check in

④ Call back

95 My children enjoy movies on TV.

① scientific

② patient

③ homeless

④ generous

96 Joe sent me on a/an to Africa.

① explanation

② disorder

③ mission

④ invitation

بانک سوال | درس دوم

97 dish – food – meal – goal

98 cycling – swimming – morning – hiking

99 stage – medicine – drug – hospital

۲۳. در هر ردیف کلمه ناماهنگ را مشخص کنید.

۲۴. جمله‌های زیر را با کلمه‌های داده شده کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

born – secret – retired – appear – back – part – regular

100 Everybody knows that exercise is useful.

101 My grandfather when he was 65 years old.

102 All the students can take in the ceremony.

103 I can't tell you where I'm going. It's a

104 Mary is not here now. Can you call later?

105 That artist was in the United States.

۲۵. متضاد کلمه‌هایی که زیرشان خط کشیده شده است را بنویسید.

106 This is a very exciting job. I love it.

107 A: How do you open this? B: I'll show you. It's simple.

108 It is not safe to go there at night.

109 Having a good social life decreases the risk of death.

110 Is it harmful to eat pizza and other junk foods?

111 My mother and I have gained weight recently.

۲۶. هر کلمه را با تعریف آن جور کنید.

112 active ()

113 taste ()

114 tired ()

115 sailing ()

116 confident ()

a the person's ability to choose well

b needing to rest or sleep

c the sport or activity of travelling in a boat

d sure that you can do something well

e always busy doing things, especially physical activities

۲۷. نام این ورزش‌ها یا فعالیت‌ها را بنویسید.

117



118



119



120



121



۲۸. جمله‌های این مکالمه به هم ریخته را به ترتیب شماره‌گذاری کنید.

122 Have you ever ridden a boat there?

123 Yes, I have.

124 I have ridden a boat many times.

125 Have you ever gone to Bandar Abbas?

126 No, I have never done that. What about you?



GRAMMAR



۲۹. پاسخ درست را از داخل پرانتز انتخاب کنید.

- 127 We've never (play / played) chess.
 128 Did you (eat / ate) two servings of rice?
 129 My brother hasn't bought the car (already / yet).
 130 A: Have you had this car since last year? B: Yes, I (have / had).
 131 The old man (lived / has lived) in this village for many years.
 132 (Jog / Jogging) is a good way to lose weight.
 133 We practice (to play / playing) football every evening.
 134 The nurse is looking (after / up) the patient.

۳۰. شکل درست فعل داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید.

- 135 Our teacher the lesson two times recently. (teach)
 136 Are you going to on a diet? (go)
 137 Mr. Brown's wife has the colorful dress. (buy)
 138 Have all the students the test? (take)
 139 My little brother didn't his lunch. (eat)
 140 My father this nice car since 1995. (have)
 141 The fat men their regular exercise yet. (do)

۳۱. با توجه به تصویرها، پاسخ کامل دهید.

- 142 What has the boy done?



- 144 Have you finished painting the door?



- 146 Have they closed the door?



- 143 What have they played?



- 145 Have they gone sailing?



۳۲. برای پاسخ های داده شده، با توجه به عبارت هایی که زیرشان خط کشیده شده است، سؤال مناسب بنویسید.

147. ?

They have studied Spanish.

148. ?

The tall boy has slept in the bedroom.

149. ?

We have practiced playing the piano for three years.

150. ?

My uncle hasn't gone on a diet since four years ago.

151. ?

The driver and his son have talked to the mechanic.

152. ?

Many people have bought the new cell phone.

۳۳. کلمه های به هم ریخته زیر را مرتب کنید و یک جمله درست بنویسید.

153. is / my / sports / cycling / brother's / favorite / .

154. know / harmful / he / is / does / to / his health / smoking / ?

155. technology / the / lives / nowadays / influenced / of / people / has / .

156. careful / a / life / long / healthy / and / needs / having / a / plan / .

157. That woman in this room since six o'clock.

① was ② is ③ has been

④ are

158. Has the student's parent to school?

① came ② come ③ comes

④ coming

159. Those men the Spanish text yesterday.

① translated ② have translated ③ translate

④ was translating

160. David, in this part of the town since you were a child?

① did you live ② are you living ③ were you living

④ have you lived

161. They've been friends many years ago.

① for ② from ③ since

④ by

162. I guess a healthy relationship with others help you a lot.

① having ② has ③ have

④ had

163. The little boy is lost and they are looking him now.

① at ② after ③ for

④ into

164. It's time to give smoking because it is harmful.

① back ② in ③ to

④ up

۳۵. هر جمله را با دانش گرامری خود کامل کنید.

165. A: Have you ever driven a sports car? B: Yes, I a sports car last week.

166. My family and I have lived in Tehran many years.

167. A: Where's your mom? B: She's shopping.

168. A: Has Tom brought you that shirt? B: No, he

۳۶. جدول‌های زیر را کامل کنید.

	use	useful
	danger
	care
168	rain
	nature
	act

	like	dislike
	possible
	important
170	happy
	connect
	correct

WRITING



۳۷. فعل‌های مرکب (دوکلمه‌ای) زیر را با دانش خود کامل کنید.

- 171 Watch ! A car is coming fast.
 172 We get early every morning.
 173 Turn the TV and listen to me, please.
 174 A: Where did you grow ? B: In Shiraz.
 175 A: Did they check ? B: No, they're still in the hotel.
 176 A: What time do you come ? B: Around 5:00 p.m.

۳۸. هر جمله را با شکل درست یک فعل از داخل کادر کامل کنید.

talk – say – drink – go – travel – eat – play

- 177 I think mineral water is useful.
 178 fast food makes you fat.
 179 around the world makes me happy.
 180 I am tired of about your problems.
 181 Women enjoy shopping.
 182 The man left the room without goodbye.
 183 One of my favorite sports is football.

۳۹. با هر گروه از کلمه‌های داده شده یک جمله بنویسید. در صورت لزوم کلمه اضافه کنید و تغییرات لازم را انجام دهید.

- 184 (jog – I – enjoy)
 185 (smoke – quit – you)
 186 (love – she – read)
 187 My sister (be – nurse – imagine)
 188 Yesterday (go – we – bike)

۴۰. با توجه به عبارت‌هایی که زیرشان خط کشیده شده است، جدول زیر را کامل کنید (فقط شماره سؤال را داخل جدول بنویسید).

- 189 Walking to school makes me tired.
 190 Let's talk about going fishing.
 191 They always enjoy winning.

Subject	Object	Object of Preposition
.....

متن Cloze

CLOZE TEST

۴۱. متن زیر را بخوانید و پاسخ درست را انتخاب کنید.

Getting a good night's sleep is very important for your (192). Not getting enough sleep makes you feel (193) during the day and can have negative effects on your health. So what can you do to get a good night's sleep? One important thing in getting a good night's sleep is to make sure your bedroom is (194) for sleeping. It is important to keep your bedroom dark. Research has shown that even a small amount of light in your bedroom can (195) a good night's sleep. Your bedroom (196) also be the right temperature. Most people sleep well in a room that is around 18° C. If your bedroom is too hot or too cold, this can prevent you from having a good night's sleep.

- | | | | |
|-----------------|------------|--------------|-----------|
| 192 ① weight | ② serving | ③ history | ④ health |
| 193 ① unsafe | ② smart | ③ tired | ④ real |
| 194 ① important | ② suitable | ③ incomplete | ④ general |
| 195 ① enjoy | ② prevent | ③ imagine | ④ help |
| 196 ① is | ② was | ③ should | ④ have |

درک مطلب

READING COMPREHENSION

۴۲. متن را بخوانید و با توجه به آن، به سوالات پاسخ دهید.

Social media are different from traditional media. In the past, media were created from one place, normally a company. Then the company would send out the media to people. Magazines, books and movies are all examples of this. But with social media, many people in different places create content. Another difference is that people who create content in social media do not need very special skills. On the other hand, in traditional media, people need special skills to create something. Another difference is that social media can be created much faster. It takes only a few minutes to write a twitter post, for example. But it can take many months to put together a magazine, or years to make a movie. Some people think social media are good and useful and some think they are bad. No matter what you might think, social media are here to stay and millions of people use them every day.

197. Magazines are types of social media. TRUE ☐ FALSE ☐
198. You need special skills to create traditional media. TRUE ☐ FALSE ☐
199. How many people use social media?
200. The underlined word "them" in the last line refers to
 ① people ② media ③ magazines ④ millions
201. This passage is mainly about
 ① media companies ② books and magazines
 ③ two kinds of media ④ writing twitter posts
202. Which word in the text is the synonym of 'make'?

Answers

پاسخنامه تشریحی درس ۲

۱. «شما باید مقدار زیادی گوشت قرمز بخورید.»
۲. «جان خورۀ تلویزیون است.»
۳. «d» «من هر روز می‌دوم.»
۴. «b» «آب‌نیات برای شما خوب نیست.»
۵. «tomato» سیب - پرتقال - موز - **گوجه‌فرنگی**
۶. «oil» روغن - مرغ - ماهی - گوشت
۷. «c» «ترجیح دادن = یک شخص یا چیزی را بهتر از دیگری دوست داشتن»
۸. «a» «رژیم غذایی = غذای مخصوصی که وقتی می‌خواهید وزن کم کنید آن را می‌خورید»
۹. «b» «افسرده = خیلی ناراحت بودن برای زمانی طولانی»
۱۰. «c» «سلامتی = وضعیت بدن شما»
۱۱. «education» «پسر من آموزشش را در یک مدرسه خوب دریافت کرد (در یک مدرسه خوب تحصیل کرد).»
۱۲. «gain» «ما باید درک بهتری از مسئله کسب کنیم.»
۱۳. «risk» «کودکان در معرض خطر بیشتری از این بیماری‌ها هستند.»
۱۴. «rarely» «دوست من به ندرت در مورد گذشته‌اش صحبت می‌کند.»
۱۵. «since» «او از (زمان) ترک مدرسه در بانک کار کرده است.»
۱۶. «out» «من معمولاً بیرون می‌روم و با دوست‌هایم وقت زیادی را سپری می‌کنم.»
۱۷. «Mourn» «آن مردان ورزشکار ماه پیش از کوه دماوند بالا رفتند.»
۱۸. «each» «چک و مارک برای سه ماه است که یکدیگر را ندیده‌اند.»
۱۹. «each other» یعنی «یکدیگر»
۲۰. «couch potato» «خورۀ تلویزیون»
۲۱. «gain weight» «وزن اضافه کردن، چاق شدن»
۲۲. «turn off the TV» «خاموش کردن تلویزیون»
۲۳. «healthy lifestyle» «سبک زندگی سالم»
۲۴. «win» «برنده شدن» «آیا آن‌ها بازی را باختند؟»
۲۵. «short» «کوتاه» «من رضا را برای مدتی طولانی است که ندیده‌ام.»
۲۶. «happy» «خوشحال، شاد» «تماشا کردن تلویزیون شما را افسرده می‌کند.»
۲۷. «begin» «شروع کردن» «لطفاً در ساعت ۷ کار را متوقف کنید.»
۲۸. «(۳)» «من می‌خواهم دوستم را برای شام دعوت کنم. آیا هیچ پیشنهادی داری؟»
۲۹. «(۱)» «آیا تا به حال غذای ایتالیایی خورده‌ای؟»
۳۰. «(۵)» «می‌توانی بگویی کجاست؟»
۳۱. «(۶)» «حتماً. همین نزدیکی.»
۳۲. «(۲)» «بله، چرا (می‌پرسی)؟»
۳۳. «(۴)» «بله، Pasta Place یک رستوران ایتالیایی خوب است.»
۳۴. «a» «ضربان قلب شما خوب است.»
۳۵. «c» «سیگار کشیدن مضر است.»
۳۶. «b» «من کلاس تربیت بدنی را دوست دارم.»
۳۷. «d» «او سکنۀ قلبی کرد.»
۳۸. «pressure» «من فشار خون بالا ندارم.»
۳۹. «prevent» «انجام ورزش روزانه می‌تواند از بیماری‌ها پیشگیری کند.»
۴۰. «habit» «دیر خوابیدن عادت بدی است.»
۴۱. «diet» «داشتن یک رژیم غذایی سالم مهم است.»
۴۲. «addiction» «آن مرد به اینترنت اعتیاد دارد.»
۴۳. «calm» «بیمار را آرام کنید، لطفاً.»
۴۴. «manner» «او همیشه داستان‌هایش را به یک طریق مشابه شروع می‌کند.»
۴۵. «serving» «من گرسنه هستم. این سومین پرس سیب‌زمینی من است.»
۴۶. «blood pressure» «فشار خون»
۴۷. «healthy diet» «رژیم غذایی سالم»
۴۸. «heart attack» «حمله قلبی»
۴۹. «physical exercise» «ورزش جسمانی»
۵۰. «emotional problems» «مشکلات عاطفی»
۵۱. «measure» «من از خط‌کش کوتاه تو استفاده کردم تا یک تکه کاغذ را اندازه‌گیری کنم.»
۵۲. «harmful» «بعضی از باکتری‌ها برای بدن شما مفید هستند. متضاد «مفید»، «مضر» است.»
۵۳. «technology» «فناوری» «مردن زندگی‌های ما را راحت‌تر کرده است.»
۵۴. «balanced» «بیش‌تر رژیم غذایی (غذای) متعادلی نمی‌خوریم.»
۵۵. «recent» «در سال‌های اخیر تغییرات زیادی وجود داشته است.»
۵۶. «d» «چیزی که شما خیلی انجام می‌دهید = عادت»
۵۷. «e» «پیدا کردن اندازه، وزن یا مقدار چیزی = اندازه‌گیری کردن»
۵۸. «a» «متوقف کردن چیزی از اتفاق افتادن = جلوگیری کردن»
۵۹. «c» «اتفاق افتادن یا شروع شده فقط در مدت کوتاه قبلی = اخیر»
۶۰. «t» «آن‌ها الآن در حال دعا کردن هستند.»
۶۱. «a» «فست فود شما را چاق می‌کند.»
۶۲. «d» «ما از فناوری برای ارتباط برقرار کردن استفاده می‌کنیم.»

۹۴. گزینه «۲» - «از انجام دادن آن معما دست نکشید. ادامه دهید تا آن را تمام کنید.»
- ① پر کردن ② ادامه دادن
③ پذیرش شدن ④ تماس مجدد گرفتن
۹۵. گزینه «۱» - «پچه‌های من از فیلم‌های علمی در تلویزیون لذت می‌برند.»
- ① علمی ② صبور
③ بی‌خانمان ④ سخاوتمند
۹۶. گزینه «۲» - «جو من را به یک مأموریت در آفریقا فرستاد.»
- ① توضیح ② ناهنجاری
③ مأموریت ④ دعوت
۹۷. «goal» - غذا - غذا - وعده غذایی - هدف
۹۸. «morning» - دوچرخه سواری - شنا - صبح - پیاده روی
۹۹. «stage» - مرحله - دارو - بیمارستان
۱۰۰. «regular» - همه می‌دانند که ورزش منظم مفید است.
۱۰۱. «retired» - پدربزرگ من وقتی که ۶۵ ساله بود بازنشسته شد.
۱۰۲. «part» - همه دانش‌آموزان می‌توانند در مراسم شرکت کنند. (عبارت take part in یعنی «شرکت کردن در»)
۱۰۳. «secret» - من نمی‌توانم به تو بگویم کجا می‌روم. این یک راز است.
۱۰۴. «back» - مری آلان این‌جا نیست. آیا می‌توانید بعداً دوباره تماس بگیرید؟ (عبارت call back یعنی «دوباره تماس گرفتن»)
۱۰۵. «born» - آن هنرمند در ایالات متحده متولد شد.
۱۰۶. «boring» (کسل‌کننده) - این یک شغل هیجان‌انگیز است. من آن را دوست دارم.
۱۰۷. «hard / difficult» (سخت) - «این را چطور باز می‌کنید؟» - من به تو نشان می‌دهم. ساده است.
۱۰۸. «unsafe / dangerous» (خطرناک) - «وقتن به آن‌جا در شب امن نیست.»
۱۰۹. «increase» (افزایش دادن) - داشتن زندگی اجتماعی خوب خطر مرگ را کاهش می‌دهد.
۱۱۰. «useful» (مفید) - آیا خوردن پیتزا و غذاهای بی‌ارزش دیگر مضر است؟
۱۱۱. «lost» (از دست دادن) - «من و مادرم اخیراً وزن گرفته‌ایم (چاقی شده‌ایم).»
۱۱۲. «ع» = همیشه مشغول انجام دادن چیزی، به خصوص فعالیت‌های جسمانی
۱۱۳. «a» = «سلیقه» توانایی یک شخص برای انتخاب خوب
۱۱۴. «b» = «خسته» محتاج به استراحت کردن و خوابیدن
۱۱۵. «c» = «قایقرانی» ورزش یا فعالیت سفر با قایق
۱۱۶. «d» = «مطمئن» مطمئن از این که می‌توانید کاری را به خوبی انجام دهید.

۶۲. «b» - «این یک تکه کاغذ است.»
۶۳. «social» - «منطقه‌های دارای مشکلات اجتماعی بیش‌تر باید کمک بیش‌تری دریافت کنند.»
۶۴. «condition» - «انومیل قدیمی من هنوز در وضعیتی عالی است.»
۶۵. «factors» - یکی از مهم‌ترین عامل‌های موفقیت سخت‌کوشی است.
۶۶. «protein» - پزشک گفت که من پروتئین بیش‌تری در رژیم نیاز دارم.
۶۷. «midterm» - دانش‌آموزان هفته بعد مشغول دادن آزمون میان‌ترم خواهند بود.
۶۸. «dislike» - «من فکر می‌کنم بیش‌تر مردها خرید کردن را دوست ندارند.»
۶۹. «unsafe» - «آن آب برای نوشیدن خطرناک است.»
۷۰. «stress» - خیلی از کارگران در زندگی روزانه‌شان سطح بالایی از استرس را تجربه می‌کنند.
۷۱. «d» - «خوردن غذای بی‌ارزش (هله‌هوله) افراد را چاق می‌کند و خطر سکته قلبی را افزایش می‌دهد.»
۷۲. «c» - «آیا شما تا به حال به یک سبک زندگی سالم برای طولانی‌تر عمر کردن فکر کرده‌اید؟»
۷۳. «e» - «دعا کردن استرس را کاهش می‌دهد و به افراد یک زندگی آرام و متعادل می‌دهد.»
۷۴. «a» - «عادت‌های بد و اعتیاد می‌تواند برای سلامتی مضر باشد.»
۷۵. «b» - «اعتیاد به فناوری برای مدتی طولانی نیز خطرناک است.»
۷۶. «general health» - «سلامت عمومی»
۷۷. «key point» - «نکته کلیدی»
۷۸. «junk food» - «غذای بی‌ارزش»
۷۹. «balanced diet» - «رژیم متعادل»
۸۰. «daily exercise» - «ورزش روزانه»
۸۱. «improve» - «بهبود شدن یا چیزی را بهتر کردن = بهبود بخشیدن»
۸۲. «decrease» - «چیزی را کوچک‌تر یا کم‌تر کردن = کاهش دادن»
۸۳. «lifestyle» - «روشی که شما زندگی می‌کنید = سبک زندگی»
۸۴. «death» - «وقتی یک زندگی پایان می‌یابد = مرگ»
۸۵. «blood» - «آچاره بده من فشار خون تو را بگیرم.»
۸۶. «stress» - «پزشکان باور دارند که دعا کردن استرس را کاهش می‌دهد.»
۸۷. «social» - «آیا تو زندگی اجتماعی خوبی داری؟»
۸۸. «physical» - «ما باید مراقب سلامت جسمی و عاطفی‌مان باشیم.»
۸۹. «b» - «مسابقه خیلی هیجان‌انگیز بود.»
۹۰. «a» - «او در حال مراقبت کردن از بیمار است.»
۹۱. «d» - «آن پچه قطعاً آلان خواب است.»
۹۲. «c» - «دوچرخه سواری فعالیت مورد علاقه من است.»
۹۳. گزینه «۳» - «یاد گرفتن به یک زبان خارجی زمان زیادی طول می‌کشد.»
- ① درست کردن ② گرفتن
③ طول کشیدن ④ دادن

۱۶۴. گزینه (۴) - «وقت آن است که سیگار را ترک کنی زیرا مضر است.»
توضیح: فعل مرکب «give up» یعنی «ترک کردن، دست کشیدن».
۱۶۵. «drove» «آیا تا به حال اتومبیل اسپرت رانده‌ای؟» «بله، من هفته گذشته یک اتومبیل اسپرت راندم.»
توضیح: عبارت last week (هفته گذشته) در انتهای جمله نشانه زمان گذشته ساده است.
۱۶۶. «for» «من و خانواده‌ام برای سال‌های زیادی است در تهران زندگی کرده‌ایم.»
توضیح: در زمان حال کامل برای «کل طول مدت زمان» از for استفاده می‌کنیم.
۱۶۷. «gone» «مامان تو کجاست؟» «او به خرید رفته است.»
توضیح: با توجه به معنی جمله متوجه می‌شویم که زمان جمله حال کامل است، و در جمله، She's شکل کوتاه‌شده She has است، پس بعد از آن باید قسمت سوم فعل را نوشت.
۱۶۸. «hasn't» «آیا تام آن پیراهن را برای تو آورده است؟» «نه، او نیاورده است.»
توضیح: چون سؤال با Has شروع شده است، در پاسخ کوتاه منفی نیز از hasn't استفاده می‌کنیم.

use	useful
danger	dangerous
care	careful
rain	rainy
nature	natural
act	active

like	dislike
possible	impossible
important	unimportant
happy	unhappy
connect	disconnect
correct	incorrect

۱۷۱. «out» «مراقب باش! یک اتومبیل به سرعت می‌آید.»
۱۷۲. «up» «ما هرروز صبح زود بیدار می‌شویم.»
۱۷۳. «off» «تلویزیون را خاموش کن و به من گوش کن، لطفاً.»
۱۷۴. «up» «تو کجا بزرگ شدی؟» «در شیراز.»
۱۷۵. «out» «آیا آن‌ها تسویه حساب کردند؟» «نه، آن‌ها هنوز در هتل هستند.»
۱۷۶. «back» «تو چه ساعتی پرمی‌گردی؟» «حدود ۵ بعد از ظهر.»

۱۵۰. «عموی من از چهار سال پیش رژیم (غذایی) نگرفته است.»
Who hasn't gone on a diet since four years ago?
«چه کسی از چهار سال پیش رژیم (غذایی) نگرفته است؟»
۱۵۱. «راننده و پسرش با آن مکانیک صحبت کرده‌اند.»
Who has the driver and his son talked to?
«راننده و پسرش با چه کسی صحبت کرده‌اند؟»
۱۵۲. «تعداد زیادی از مردم آن تلفن همراه جدید را خریده‌اند.»
What have many people bought?
«تعداد زیادی از مردم چه چیزی خریده‌اند؟»
۱۵۳. «دوچرخه سواری ورزش مورد علاقه برادر من است.»
Cycling is my brother's favorite sport.
۱۵۴. «آیا او می‌داند سیگار کشیدن برای سلامتی‌اش مضر است؟»
Does he know smoking is harmful to his health?
۱۵۵. «امروزه فناوری بر روی زندگی مردم تأثیر گذاشته است.»
Nowadays technology has influenced the lives of people.
۱۵۶. «داشتن یک زندگی سالم و طولانی به یک برنامه دقیق نیاز دارد.»
Having a healthy and long life needs a careful plan.
۱۵۷. گزینه (۳) - «آن زن از ساعت شش در این اتاق بوده است.»
توضیح: کلمه since نشانه زمان حال کامل (ماضی نقلی) است.
۱۵۸. گزینه (۲) - «آیا پدر / مادر آن دانش‌آموز به مدرسه آمده است؟»
توضیح: در زمان حال کامل بعد از have/has (در این جا Has در اول جمله سؤالی) قسمت سوم فعل به کار می‌رود.
۱۵۹. گزینه (۱) - «آن مردها دیروز آن متن اسپانیایی را ترجمه کردند.»
توضیح: کلمه yesterday (دیروز) نشانه زمان گذشته ساده است.
۱۶۰. گزینه (۴) - «دیبود، آیا تو از زمانی‌که یک چیه بودی در این قسمت از شهر زندگی کرده‌ای؟»
توضیح: کلمه since نشانه زمان حال کامل (ماضی نقلی) است.
۱۶۱. گزینه (۳) - «آن‌ها از خیلی سال‌ها پیش دوست بوده‌اند.»
توضیح: در زمان حال کامل برای «شروع زمان» از since استفاده می‌شود و برای «طول مدت زمان» از for.
۱۶۲. گزینه (۱) - «من حدس می‌زنم داشتن یک رابطه سالم با دیگران به تو خیلی کمک می‌کند.»
توضیح: این جمله یک جمله مرکب است یعنی «I guess» یک جمله مستقل است و جمله دوم بعد از آن شروع می‌شود. پس نقطه چین باید فاعل جمله دوم باشد. می‌دانید که اسم مصدر (ing) می‌تواند به عنوان فاعل جمله به کار رود.
۱۶۳. گزینه (۳) - «آن پسر کوچک گم شده است و آن‌ها در حال جست‌وجوی او هستند.»
توضیح: فعل مرکب «look for» یعنی «جست‌وجو کردن».

۱۹۴. گزینه (۲) - "suitable"

- ① مهم مناسب
③ ناقص عمومی

۱۹۵. گزینه (۲) - "prevent"

- ① لذت بردن جلوگیری کردن از
③ تصور کردن کمک کردن

۱۹۶. گزینه (۳) - "should"

- ① است باید
③ داشت

ترجمه متن Reading Comprehension

رسانه‌های اجتماعی با رسانه‌های سنتی متفاوت هستند. در گذشته، رسانه‌ها از یک محل، معمولاً یک شرکت، تولید می‌شدند. سپس آن شرکت رسانه‌ها را برای مردم می‌فرستاد. مجله‌ها، کتاب‌ها و فیلم‌ها همه مثال‌هایی از این (نوع) هستند. اما در مورد رسانه‌های اجتماعی بسیاری از مردم در جاهای مختلفی محتوا ایجاد می‌کنند. یک تفاوت دیگر این است که افرادی که در رسانه‌های اجتماعی محتوا تولید می‌کنند نیاز به مهارت‌های خاصی ندارند. از طرف دیگر، در رسانه‌های سنتی، افراد برای تولید کردن چیزی به مهارت‌های خاصی نیاز دارند. یک تفاوت دیگر این است که رسانه‌های اجتماعی می‌توانند سریع‌تر تولید شوند. برای مثال، فقط چند دقیقه طول می‌کشد تا یک پست توییت نوشته شود. اما سر هم کردن یک مجله می‌تواند ماه‌ها، یا ساختن یک فیلم سال‌ها طول بکشد. بعضی از مردم فکر می‌کنند رسانه‌های اجتماعی خوب و مفید هستند و بعضی فکر می‌کنند آن‌ها بد هستند. مهم نیست که شما ممکن است چه فکری بکنید، رسانه‌های اجتماعی این‌جا هستند و میلیون‌ها نفر هر روز از آن‌ها استفاده می‌کنند.

۱۹۷. «FALSE» «مجله‌ها انواعی از رسانه‌های اجتماعی هستند.»

۱۹۸. «TRUE» «شما برای ایجاد کردن رسانه‌های سنتی به مهارت‌های خاصی نیاز دارید.»

۱۹۹. «چه تعداد افراد از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند؟»

Millions of people use them every day.

«میلیون‌ها نفر هر روز از آن‌ها استفاده می‌کنند.»

۲۰۰. گزینه (۲) - «کلمهٔ them در خط آخر که زیر آن خط کشیده شده است به رسانه‌ها اشاره دارد.»

- ① مردم رسانه‌ها
③ مجله‌ها میلیون‌ها

۲۰۱. گزینه (۲) - «این متن عمدتاً در مورد دو نوع رسانه است.»

① شرکت‌های رسانه‌ای کتاب‌ها و مجله‌ها

③ دو نوع رسانه نوشتن پست‌های تویتری

۲۰۲. «create» در این متن کدام کلمه مترادف «make» (درست کردن) است؟

۱۷۷. "drinking" «من فکر می‌کنم نوشیدن آب معدنی مفید است.»

۱۷۸. "Eating" «خوردن فست‌فود شما را چاق می‌کند.»

۱۷۹. "Traveling" «مسافرت دور دنیا من را خوشحال می‌کند.»

۱۸۰. "talking" «من از صحبت در مورد مشکلات تو خسته هستم.»

۱۸۱. "going" «زن‌ها از رفتن به خرید لذت می‌برند.»

۱۸۲. "saying" «آن مرد اتاق را بدون خداحافظی گفتن ترک کرد.»

۱۸۳. "playing" «یکی از ورزش‌های مورد علاقهٔ من بازی کردن فوتبال است.»

۱۸۴. «من از دویدن لذت می‌برم.»

I enjoy jogging.

۱۸۵. «تو باید سیگار کشیدن را ترک کنی.»

You should / must quit smoking.

۱۸۶. «او عاشق (کتاب) خواندن است.»

She loves reading.

۱۸۷. «خواهر من پرستار بودن را تصور می‌کند.»

My sister imagines being a nurse.

۱۸۸. «دیروز ما به دوچرخه‌سواری رفتیم.»

Yesterday we went biking.

۱۸۹. Subject «فاعل»

۱۹۰. Object of Preposition «مفعول حرف اضافه»

۱۹۱. Object «مفعول»

ترجمه متن Cloze Test

داشتن خواب خوب در شب برای سلامتی شما خیلی مهم است. نداشتن خواب کافی باعث می‌شود شما احساس کنید در طی روز خسته هستید و می‌تواند اثرات منفی روی سلامتی شما بگذارد. پس شما چه می‌توانید انجام دهید تا خواب شب خوبی داشته باشید؟ یک امر مهم در داشتن یک خواب شب خوب این است که مطمئن شوید اتاق خواب شما برای خواب مناسب است. تاریک نگه داشتن اتاق خوابتان مهم است. تحقیق نشان داده است که حتی کوچک‌ترین میزان نور در اتاق خوابتان می‌تواند از یک خواب شب خوب جلوگیری کند. اتاق خواب شما هم چنین باید در دمای درست باشد. بیش‌تر مردم در اتاقی که حدود ۱۸ درجهٔ سانتی‌گراد است خوب می‌خوابند. اگر اتاق شما بیش از اندازه گرم یا سرد باشد، این می‌تواند از داشتن خواب شب خوب شما جلوگیری کند.

۱۹۲. گزینه (۴) - "health"

- ① وزن ② پُرس
③ تاریخچه، سابقه ④ سلامتی

۱۹۳. گزینه (۳) - "tired"

- ① خطرناک ② باهوش
③ خسته ④ واقعی

آزمون درس دوم

مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

بارم

سؤالات

ردیف

A: Vocabulary

واژگان

۱

1. Junk food is bad for your health. (.....)
2. Skating is my favorite activity. (.....)
3. This man is a couch potato. (.....)
4. One serving of salad is enough. (.....)



A



C



B



D

هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

۱

۲۴۵

۱

5. prevent (.....)
6. decrease (.....)
7. consider (.....)
8. secret (.....)

- a) to make something smaller or less
- b) something that you must not tell to other people
- c) to stop something from happening
- d) to think carefully about something

هر کلمه را با تعریف آن جور کنید.

۲

۱

9. They sent some scientists on a to the moon.
1) vacation 2) mission 3) condition
10. The first of the project will start next week.
1) stage 2) drug 3) taste
11. Bad driving many road accidents.
1) exists 2) rushes 3) retires
12. My old father is ill. I have to him.
1) look after 2) check in 3) fill out

پاسخ درست را انتخاب کنید.

۳

۱

13. Walking in the park at night is dangerous. (=)
14. Iran is a powerful country. (≠)
15. Did you gain weight last month? (=)
16. Smoking is very harmful to everyone. (≠)

مترادف یا متضاد کلمه‌هایی که زیرشان خط کشیده شده است را بنویسید.

۴

B: Grammar

دستور زبان

۲

17. What has he done?



به سوال‌های زیر با توجه به تصویر پاسخ دهید.

۵

18. What is the doctor doing?



آزمون درس دوم

مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

بارم	سؤالات	ردیف
2	<p>پاسخ درست را انتخاب کنید.</p> <p>19. The man hasn't called us last week. 1) for 2) since 3) from 4) to</p> <p>20. A: Have you bought that beautiful flower? B: Yes, I 1) bought 2) did 3) do 4) have</p> <p>21. I believe that will decrease all your stress. 1) pray 2) prayed 3) praying 4) prays</p> <p>22. My brother the old car yesterday. 1) washed 2) washes 3) has washed 4) will wash</p>	۶
4	<p>C: Writing نگارش</p> <p>فعل هر جمله را با دانش خود کامل کنید.</p> <p>23. Smoking is a bad habit. I must give smoking.</p> <p>24. A: Are they still in the hotel? B: No, they checked an hour ago.</p> <p>25. I always wake early in the morning.</p> <p>26. Alexander is not at home right now. Please call later in the afternoon.</p>	۷
4	<p>در هر ردیف، با استفاده از کلمه‌های داده شده یک جمله بسازید (در صورت لزوم کلمه اضافه کنید).</p> <p>27. (favorite / my / skate)</p> <p>28. (afraid of / swim / we)</p> <p>29. (football / enjoy / play / I)</p> <p>30. ? (study / bored / you)</p>	۸
4	<p>D: Reading Comprehension درک مطلب</p> <p>متن زیر را بخوانید و پاسخ درست را انتخاب کنید.</p> <p>One good way to have a better (31) is having healthy relationships with others. (32) research has shown that a good social life (33) the risk of death. Sadly, some people do not visit their relatives very often these days. They are so (34) with their work and usually use technology to communicate.</p> <p>31. 1) lifestyle 2) reality 3) reason 4) language 32. 1) Unsafe 2) Patient 3) Healthy 4) Recent 33. 1) contains 2) escapes 3) decreases 4) imagines 34. 1) smart 2) busy 3) lazy 4) kind</p>	۹

آزمون درس دوم

مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

بارم	سؤالات	ردیف
4	<p>متن زیر را بخوانید و پاسخ درست را انتخاب کنید.</p> <p>A new study shows that having a low social life can be bad for our health. The study was on monkeys. Researchers from Duke University in the USA checked the behavior and health of 45 female monkeys and found that those with a lower social life had more health problems. The monkeys were in five groups of nine. The researchers gave the monkeys in each group time to get to know each other. Then they took one monkey from each group and put her into another group. This meant she was the "new girl" and was at the bottom of the group. When scientists checked the health of the monkeys, they found that the "new girl" was unhealthier than the other monkeys.</p> <p>35. Monkeys don't have a social life. TRUE <input type="checkbox"/> FALSE <input type="checkbox"/></p> <p>36. An American University did the research. TRUE <input type="checkbox"/> FALSE <input type="checkbox"/></p> <p>37. How many monkeys were there in each group?</p> <p>.....</p> <p>38. What happened to the "new girl" in each group?</p> <p>.....</p>	۱۰
24	مجموع	

آزمون درس دوم

مدت امتحان، ۴۵ دقیقه

ردیف	پاسخنامه
۱	"D" «غذای بی‌ارزش (هله‌هوله) برای سلامتی شما بد است.»
۲	"B" «اسکیت کردن فعالیت مورد علاقه من است.»
۳	"C" «این مرد خوره تلویزیون است.»
۴	"A" «یک پرس سالاد کافی است.»
۵	"E" «پیشگیری کردن = متوقف کردن چیزی از اتفاق افتادن»
۶	"H" «کاهش دادن = چیزی را کوچک‌تر کردن یا کم کردن»
۷	"d" «در نظر گرفتن = با دقت فکر کردن در مورد چیزی»
۸	"b" «راز = چیزی که شما نباید به افراد دیگر بگویید»
۹	گزینه (۲) - "mission" «آن‌ها تعدادی دانشمند را به یک مأموریت به ماه فرستادند.» (۱) تعطیلات (۲) مأموریت (۳) شرط (۴) پیشنهاد
۱۰	گزینه (۱) - "stage" «اولین مرحله از پروژه هفته آینده شروع خواهد شد.» (۱) مرحله (۲) دارو (۳) سلیقه (۴) غذا
۱۱	گزینه (۴) - "causes" «راندگی بد بسیاری از تصادفات جاده‌ای را سبب می‌شود.» (۱) وجود داشتن (۲) با عجله رفتن (۳) بازنشسته شدن (۴) سبب شدن
۱۲	گزینه (۱) - "look after" «پدر پیر من بیمار است. من مجبورم از او مراقبت کنم.» (۱) مراقبت کردن از (۲) پذیرش شدن (۳) پُر کردن (۴) نگاه کردن به
۱۳	"unsafe" «پیاده‌روی در پارک در شب خطرناک است.»
۱۴	"weak" «ایران یک کشور قدرتمند است.»
۱۵	"lose" «آیا تو ماه گذشته وزن کسب کردی (چاق شدی)؟»
۱۶	"useful" «سیگار کشیدن برای همه خیلی مضر است.»
۱۷	«او چه کاری انجام داده است؟» «او پیتزا درست کرده است.»
۱۸	«پزشک در حال انجام دادن چه کاری است؟» «او در حال اندازه‌گیری کردن فشار خون او است.»
۱۹	گزینه (۲) - "since" «آن مرد از هفته گذشته با ما تماس نگرفته است.» توضیح: در زمان حال کامل برای نشان دادن «شروع انجام عمل» از «since» استفاده می‌شود.
۲۰	گزینه (۴) - "have" «آیا تو آن گل زیبا را خریده‌ای؟» «بله، من خریده‌ام.» توضیح: سوال با فعل کمکی «Have» شروع شده است، پس در پاسخ کوتاه نیز از «have» استفاده می‌شود.
۲۱	گزینه (۳) - "praying" «من باور دارم که دعا کردن همه استرس‌های تو را کاهش خواهد داد.» توضیح: در این جمله مرکب «praying» که اسم مصدر است نقش فاعل جمله دوم را دارد.
۲۲	گزینه (۱) - "washed" «برادر من دیروز اتومبیل قدیمی را شست.» توضیح: کلمه «yesterday» (دیروز) نشانه زمان گذشته ساده است.

He has made a pizza.

He is measuring his blood pressure.

آزمون درس دوم

مدت امتحان، ۴۵ دقیقه

ردیف	پاسخنامه
۲۳	«up» «سیگار کشیدن یک عادت بد است. من باید سیگار کشیدن را ترک کنم.» (give up یعنی «ترک کردن»)
۲۴	«out» «آیا آن‌ها هنوز در هتل هستند؟» «نه، آن‌ها یک ساعت پیش تسویه حساب کردند.» (check out یعنی «تسویه حساب کردن»)
۲۵	«up» «من همیشه صبح زود بیدار می‌شوم.» (wake up یعنی «بیدار شدن»)
۲۶	«back» «الکساندر الان در خانه نیست. لطفاً بعد از ظهر دوباره تماس بگیرید.» (call back یعنی «دوباره تماس گرفتن»)
۲۷	«فعالیت مورد علاقه من اسکی کردن است.» Skating is my favorite activity. / My favorite activity is skating.
۲۸	«ما از شنا کردن می‌ترسیم.» We are afraid of swimming.
۲۹	«من از فوتبالی بازی لذت می‌برم.» I enjoy playing football.
۳۰	«آیا تو از درس خواندن کسل شده‌ای (حصولات سر رفته است)؟» Are you bored with studying?
<p>ترجمه متن Cloze Test</p> <p>یک راه خوب برای داشتن سبک زندگی بهتر، داشتن روابط سالم با دیگران است. تحقیق اخیر نشان داده است که زندگی اجتماعی خوب خطر مرگ را کاهش می‌دهد. متأسفانه این روزها بعضی از مردم خیلی اوقات خویشاوندانشان را ملاقات نمی‌کنند. آن‌ها خیلی مشغول کارشان هستند و معمولاً برای ارتباط برقرار کردن از فناوری استفاده می‌کنند.</p>	
۳۱	گزینه (۱) - "lifestyle" (۱) سبک زندگی
۳۲	گزینه (۴) - "Recent" (۱) خطرناک
۳۳	گزینه (۳) - "decreases" (۱) شامل بودن
۳۴	گزینه (۲) - "busy" (۱) باهوش
<p>ترجمه متن Reading Comprehension</p> <p>یک مطالعه جدید نشان می‌دهد زندگی اجتماعی (سطح) پایین می‌تواند برای سلامتی ما بد باشد. این مطالعه بر روی میمون‌ها بود. محققین دانشگاه دوک در ایالات متحده آمریکا رفتار و سلامت ۴۵ میمون ماده را بررسی کردند و دریافتند، آن‌هایی که زندگی اجتماعی (سطح) پایین‌تری داشتند، مشکلات سلامتی بیش‌تری داشتند. میمون‌ها در پنج گروه نه تایی بودند. محققین به میمون‌های هر گروه زمان دادند تا یکدیگر را بشناسند. سپس آن‌ها یک میمون را از هر گروه برداشتند و آن را در یک گروه دیگر قرار دادند. این یعنی او «دختر جدید» بود و در انتهای گروه بود. وقتی که دانشمندان سلامت میمون‌ها را بررسی کردند، دریافتند که «دختر جدید» ناسالم‌تر از میمون‌های دیگر بود.</p>	
۳۵	«میمون‌ها زندگی اجتماعی ندارند» "FALSE"
۳۶	«یک دانشگاه آمریکایی این تحقیق را انجام داد.» "TRUE"
۳۷	«در هر گروه چند میمون وجود داشت؟» There were nine monkeys in each group. «نه میمون در هر گروه وجود داشت.»
۳۸	«در هر گروه برای «دختر جدید» چه اتفاقی افتاد؟» The "new girl" was unhealthier than other monkeys. «دختر جدید» از دیگر میمون‌ها ناسالم‌تر بود.»

امتحان جلد سوم:

درس سوم

Lesson 3

انگریزی یازدهم
English 11

سر کتاب

Art and Culture

Questions
سوالات امتحانی درس ۳

Lesson 3

PART 1

(Pages 81 - 86)

Title Page - Get Ready - Conversation

VOCABULARY



۲۵۱

- 1 I love pottery.
- 2 He's tired and bored.
- 3 This calligraphy is beautiful.
- 4 This item is handmade.



a



c



b



d

هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

- 5 carpet - calligraphy - pottery - touching
- 6 happy - cheerful - uncertain - glad
- 7 cloudy - lucky - lovely - happy

۲. در هر ردیف کلمه ناهماهنگ را مشخص کنید.

۳. جمله‌های زیر را با کلمه‌های داده شده کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

business - decided - appreciate - metalwork - depends - proud - sociable

- 8 A: Can you give me some money? B: It How much do you want?
- 9 My cousin is very He's friendly and enjoys being with people.
- 10 I want to go into when I leave school.
- 11 The bus was full, therefore we to wait for the next one.
- 12 My grandparents are very of their new apartment.
- 13 Thank you for your help. I it.

۴. جمله‌های زیر را با دانش خود کامل کنید.

- 14 The art of writing beautifully with a special pen is called
- 15 What are the of your workshop? I mean what do you produce here.

- 16 Iranian a people
- 17 creative members
- 18 family activity
- 19 brain handicrafts

۵. کلمه‌ها یا عبارت‌های دو ستون را به هم وصل کنید و عبارت معنی‌داری بسازید و آن‌ها را بنویسید.

هر کلمه را به تعریف آن وصل کنید (یک تعریف اضافی است).

A

- 20 creative ()
 21 tired ()
 22 touching ()
 23 lucky ()

B

- a) having good luck
 b) having a lot of new ideas
 c) needing to rest or sleep
 d) ready for you to use, have or see
 e) having a strong emotional effect

متضاد کلمه‌های مشخص شده را از داخل کادر پیدا کنید و جلوی جمله بنویسید (یک کلمه اضافه است).

decreases – hard – uncertain – tired – bored

- 24 Steve comes home tomorrow. We are all really excited.
 25 The children are energetic. They want to play more.
 26 This carpet feels soft. I like it.
 27 Art increases brain's activity.

هر سؤال و پاسخ آن را با هم جور کنید.

- 28 Where do you work? () a) Handicrafts, but not metalwork.
 29 What do you sell? () b) It depends on the size.
 30 How much are they? () c) Yes, twenty percent.
 31 Is there a discount? () d) In my father's workshop.

Lesson 3

PART 2

(Pages 87 - 89)

New Words & Expressions

VOCABULARY



هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

- 32 Iranian craftsmen are famous around the world. ()
 33 Each person has a unique fingerprint. ()
 34 I have bought a decorative item. ()
 35 This Iranian carpet is very expensive. ()



a



b



c



d

region – start – cheap – people – tiny

۱۱. جدول زیر را کامل کنید.

- | | | | | | | | |
|----|---|--|--|--|---|---|---|
| 40 | M | | | | L | | |
| 41 | W | | | | | G | |
| 42 | I | | | | | | Y |
| 43 | D | | | | | | Y |
| 44 | A | | | | | | E |

۱۲. هر تعریف را با کلمه مرتبط با آن جور کنید (یک کلمه اضافه است).

۱۳. پاسخ درست را انتخاب کنید.

۱۴. وصل کنید و بنویسید.

- | | | | | |
|----|---------|---|-----------|-------|
| 55 | local | a | Wars | |
| 56 | animal | b | country | |
| 57 | World | c | products | |
| 58 | vast | d | customs | |
| 59 | Iranian | e | diversity | |

Reading - Reading Comprehension - Vocabulary Development

واژگان

60 This craftsman is very skillful. ()
61 This boy is unhappy today. ()
62 This is a beautiful silk carpet. ()
63 The mirror is reflecting the light. ()
64 The painting is a valuable souvenir. ()



2

65 Are 'fast' and '.....' antonyms? B: Yes, they are.

66 We should respect their social and values.

67 How much is the country's from handicrafts?

68 What is this made of? Is it plastic?

65	S			W			
66	M				L		
67	I					E	
68	M						L

value – imagination – richest – quite – get back – introduced – economy – skillful – artistic

- 69 When did you yesterday?
- 70 He me as a new member of the company.
- 71 I went to bed late last night.
- 72 The décor inside the house was very
- 73 We want to support the local What can we do?
- 74 I practiced a lot and I became at drawing.
- 75 My uncle is one of the members of the team.
- 76 During my illness I learned to the simple things in life.

77 history ()
78 produce ()
79 antonym ()
80 moral ()
81 material ()

- ☐ a to make or grow something
- ☐ b connected with what people think is right or wrong
- ☐ c a word that means the opposite of another word
- ☐ d all the events that happened in the past
- ☐ e what you use for making or doing something

۱۹. هر دو کلمه متضاد را پیدا کنید و در کنار هم بنویسید.

ugly – rich – sell – many – small – big – poor – few – beautiful – buy

- 82 ≠
83 ≠
84 ≠
85 ≠
86 ≠

Lesson 3

PART 4

(Pages 95 - 107)

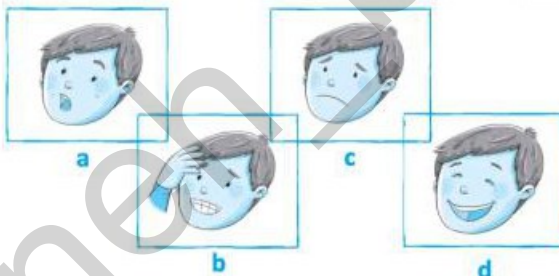
Grammar - Listening & Speaking - Pronunciation - Writing - What You Learned



VOCABULARY

۲۰. هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

- 87 He is sad. ()
88 He's shocked. ()
89 I'm ashamed. ()
90 You are glad. ()



- 91 lucky – glad – sorry – careful
92 step – object – thing – item
93 die – dead – dark – death

۲۱. در هر ردیف، کلمه ناهماهنگ را مشخص کنید.

- 94 education ()
95 prize ()
96 earn ()
97 catch ()
98 mistake ()

- a something that you give to the person who wins
b to get money by working
c teaching people at school or college
d something that you think or do that is wrong
e to be in time to get on a train, plane etc.

۲۲. هر کلمه را با تعریف آن جور کنید.

۲۳. جمله‌های زیر را با کلمه‌های داده شده کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

certain – wellness – pleasure – along – decide – element – bored

- 99 I'm with my job. I want to quit.
100 I'm that I have seen the man before.
101 I can't what color to paint my room.
102 Do you get well with your classmates?
103 I hope to have the of meeting you again.
104 I am learning yoga at a center near my house.

۲۴. در جدول زیر پنج صفت مثبت بیابید.

T	I	R	E	D	G	N	V	H
F	O	R	T	U	N	A	T	E
B	O	R	E	D	T	H	P	L
Z	G	S	W	S	E	A	M	P
E	L	A	J	O	K	P	N	F
F	A	D	I	R	G	P	C	U
S	D	D	P	R	S	Y	X	L
L	U	C	K	Y	V	I	L	L

- 105
 106
 107
 108
 109

۲۵. جمله‌های زیر را با دانش خود کامل کنید.

- 110 Did you take in the birthday celebration?
 111 I saw a big mouse and I was to death.
 112 I'm confused. Would you explain it again?
 113 I studied hard and I got a good in English.

۲۶. متن زیر را بخوانید.

Art is what people create with imagination and skill. As a part of culture, it shows the way of life and identity of a nation and reflects the history of a society. In fact, the history of humankind is the history of art. If we want to know a country or a nation well, we should study its art.

حالا برای کلمه‌های زیر از داخل متن مترادف یا متضاد پیدا کنید.

- 114 make =
 115 show =
 116 badly =

۲۷. هر دو کلمه مرتبط را کنار هم بنویسید.

artist – gold – catch – train – handicrafts – education – metal – mark

- 117
 118
 119
 120

A

- 121 make ()
 122 buy ()
 123 catch ()
 124 earn ()
 125 phone ()
 126 get ()

- 127 Why did you call him? ()
 128 Why is he bored? ()
 129 Why is he happy? ()
 130 Why didn't he pass the exam? ()
 131 Why has he bought that item? ()
 132 Why was he proud? ()

B

- a a bus
 b money
 c a prize
 d a mistake
 e somebody
 f souvenirs

- a His doesn't like his present job.
 b To give it as a present.
 c He didn't study hard.
 d He got the Nobel Prize.
 e To ask for help.
 f Everything went well.

۲۸. ستون A و B را به هم وصل کنید.

۲۹. هر سؤال و پاسخ آن را با هم جور کنید.



GRAMMAR

۳۰. گزینه درست را از بین دو گزینه داخل پرانتز انتخاب کنید.

133. If we (will go / go) to the park, we'll absolutely see them.
 134. What (will / does) your father do if he has a lot of money?
 135. If it (rain / rains), they won't go shopping.
 136. Jack was (frighten / frightened) when he saw the black cat.
 137. I got up early (to go / going) hiking with my friends.
 138. The artists tried (producing / to produce) the best handicrafts.
 139. She imagined (to be / being) in the middle of the sea.
 140. I went to the library (borrow / to borrow) a book.
 141. Mr. Lake won't get fat if he (do / does) exercise.

۳۱. گزینه درست را انتخاب کنید.

142. Remember the door when you leave the office.
 ① closing ② to close ③ close ④ closed
 143. Their child learned to people they don't know.
 ① don't talk ② doesn't talk ③ to not talk ④ not to talk
 144. They quitted the job because it was really boring.
 ① to do ② doing ③ did ④ does
 145. The mother was shocked her son jumping into the water.
 ① saw ② seeing ③ sees ④ to see
 146. My sister called them them the news.
 ① to tell ② telling ③ tells ④ tell to
 147. If the man late, he can't catch the train.
 ① go ② will go ③ goes ④ went
 148. Our parents come if you don't invite them.
 ① didn't ② don't ③ won't ④ doesn't
 149. They've that interesting movie recently.
 ① saw ② see ③ seeing ④ seen
 150. Will your brother the game if he time?
 ① plays / have ② playing / had ③ play / have ④ play / has

۳۲. شکل درست کلمه‌های داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

151. The teacher expected us all the questions. (answer)
 152. I think daily exercise can help you lose weight. (do)
 153. If he the silk carpet, he will sell it. (weave)
 154. What will you do if you a lot of free time? (have)

- 155 Hi, Amy. It's nice you again! (see)
 156 Mrs. Stones that historical site many times. (visit)
 157 I promised them so much noise. (not make)
 158 All the boys went home after that exciting game. (watch)
 159 If your father comes, we the game. (not play)

۳۳. در هر ردیف، کلمه‌های درهم‌ریخته را مرتب کنید و یک جمله درست بنویسید.

- 160 have / they / agreed / to / together / work / .

 161 on a trip / we / California / are / to / go / to / planning / .

 162 yourself / hurt / if / the river / you / jump / you'll / into / .

 163 sister / Jack / his / to / some / called / money / borrow / .

 164 art / create / is / people / with / what / skill / .

 165 has / items / these / who / made / beautiful / ?
 ?
 166 depressed / he / often / about / gets / his weight / .

 167 need / to come / will / you / able / if / we / be / help / .

 168 diversity / amazing / animal / the / of / the region / is / .

۳۴. با توجه به کلمه‌ها یا عبارت‌های داخل پرانتز پاسخ کامل بدهید.

- 169 Where will you stay if you travel to Iran? (Shiraz)

 170 What will you buy if you go to Shiraz? (souvenirs)

 171 Why did you get up early this morning? (to study my book)

 172 What will make the students happy? (play football)

 173 Who did they decide to invite to the ceremony? (all the neighbors)

 174 Will you keep on weaving the carpet if you have time? (Yes)



WRITING

۳۵. در هر جمله، اگر مصدر وجود دارد، زیر آن خط بکشید.

- 175 We went to the library last week.
176 My mother came to school to take me home.
177 Did you plan to learn pottery?
178 We are listening to music now.

۳۶. جمله‌های زیر را با دانش خود کامل کنید.

- 179 If It rains tomorrow,
180 I will get good grades if
181 If you drive carelessly,
182 We won't learn English well if

۳۷. به سؤال‌های زیر پاسخ کامل دهید. در پاسخ از مصدر استفاده کنید.

- 183 Why did you go to the library? (study)
.....
184 Why did he come early? (see me)
.....
185 Why have they taken online courses? (learn French)
.....
186 Why are you going to work hard? (earn more money)
.....

۳۸. متن زیر را scan کنید و مصدرها (infinitives) و اسم مصدرها (gerunds) را بیابید.

Creating beautiful things skillfully is art. As a part of culture, it shows the way of life and identity of a nation and reflects the history of a society. In fact, the history of humankind is the history of art. If we want to know a country or a nation well, we should study its art.

Making and selling handicrafts are good ways to help a country's economy and introduce its culture to other nations. Many people of the world produce handicrafts and sell them to tourists. In some Asian countries a part of the country's income comes from making and selling handicrafts.

- 187 Infinitives:
188 gerunds:

PRONUNCIATION

۳۹. در جمله‌های شرطی زیر، آهنگ افغان (↘) و خیزان (↗) را در دو بخش جمله، مشخص کنید.

- 189 If I get the money, I will buy a new cellphone.
190 We'll get to school late if the bus does not come on time.

CLOZE TEST

Cloze متن



۴۰. متن زیر را بخوانید و پاسخ درست را انتخاب کنید.

In some countries, writing or painting on walls is a crime^۱. Sometimes, graffiti^۲ artists (191) problems with the police. In other countries, artists can draw and paint in (192) places. For example, in Taiwan, there are 'graffiti zones' where artists can paint on walls. In São Paulo, Brazil, street (193) can paint pictures on walls and houses. Their pictures are colorful and beautiful. Some tourists visit São Paulo just (194) the street art!

- | | | | |
|---------------|-----------|-----------|------------|
| 191 ① do | ② have | ③ are | ④ should |
| 192 ① certain | ② healthy | ③ foreign | ④ handmade |
| 193 ① artists | ② marks | ③ prizes | ④ values |
| 194 ① see | ② saw | ③ seeing | ④ to see |

READING COMPREHENSION

درک مطلب



۴۱. متن زیر را بخوانید و پاسخ دهید.

You might not think that drawing on your bedroom wall is art. But drawing on a wall is a kind of art. It is a mural. Murals have been around for a long time. Pictures of animals are on cave walls in France. They were made 3000 years ago! Egyptians also painted murals. Their murals were on pyramid walls. The pyramid walls had happy events on them. They showed women playing music. They showed food. They also showed pictures of Osiris. He was their god of the dead. They thought that he would like the pictures.

Renaissance artists took colored powder and mixed it with water. Then, they painted on wet plaster. The painting became part of the wall. This kind of painting was a fresco. A man asked Michelangelo to paint a fresco. He painted the walls and the ceiling. It took him four years. It was a hard job. But the pictures were amazing. Many people visited his frescoes. They are in the Sistine Church in Rome.

- آ) با توجه به متن، جلوی جمله درست (T) و جلوی جمله نادرست (F) بنویسید.
- 195 Murals are kind of modern art.
- 196 Osiris was Egyptians' god of the dead.
- ب) با توجه به متن، پاسخ دهید.
- 197 What do the murals on pyramid walls show?
- 198 Where can you see frescoes?
- پ) پاسخ درست را انتخاب کنید.
- 199 The underlined word 'them' refers to
 ① walls ② pyramids ③ Egyptians
- 200 What does this passage mainly talk about?
 ① Pictures of animals in France ② A kind of painting called fresco
 ③ The art of painting on the walls
- ت) با توجه به متن پاسخ کوتاه بنویسید.
- 201 Find two "proper nouns" in the passage.
- 202 Find an antonym for "dry".

Answers

پاسخنامه تشریحی درس ۳

۳۲. "b" «صنعتگران ایرانی در سراسر دنیا معروف هستند.»
۳۳. "c" «هر شخص اثر انگشت منحصر به فرد دارد.»
۳۴. "d" «من یک چیز تزیینی خریده‌ام.»
۳۵. "a" «این فرش ایرانی خیلی گران است.»
۳۶. "tiny" (کوچک) «ما در یک کشور پهناور زندگی می‌کنیم.»
۳۷. "people" (مردم) «جنگ‌های جهانی برای بشر بد بوده‌اند.»
۳۸. "region" (منطقه) «مردمی که در آن ناحیه زندگی می‌کنند مهمان‌نواز هستند.»
۳۹. "cheap" (ارزان) «این یک فلز گرانبها است.»
۴۰. "METAL" «آیا طلا گران‌ترین فلز است؟»
۴۱. "WEAVING" «مادر من در حال بافتن یک فرش زیبا است.»
۴۲. "IDENTITY" «جدس زدن هویت قاتل آسان بود.»
۴۳. "DIVERSITY" «در شهرهای بزرگ تنوع فرهنگی گسترده‌ای وجود دارد.»
۴۴. "APPRECIATE" «قدردانی کردن یعنی ارزش قائل شدن به کسی یا چیزی.»
۴۵. "c" «چیزی که به شما نشان می‌دهد ساعت چند است = ساعت»
۴۶. "f" «نه شبیه کسی یا چیزی دیگر = بی‌همتا، منحصر به فرد»
۴۷. "a" «نشان دادن چیزی = منعکس کردن»
۴۸. "b" «چیزهای سنتی یا معمولی که مردم انجام می‌دهند = سنت، عرف»
۴۹. "d" «شخصی که شعر می‌نویسد = شاعر»
۵۰. "vast" - «در شمال، ناحیه وسیعی از جنگل وجود دارد.»
۵۱. گزیده «۴» - «مادر بزرگ من می‌تواند بادست روسری بیافد.»
۵۲. گزیده «۲» - «او هنرمندی بسیار خلاق بود. آثار هنری او عالی بودند.»
۵۳. گزیده «۳» - «در موزه کلکسیون از تابلوهای نقاشی من وجود دارد.»
۵۴. گزیده «۲» - «توانایی‌های تو ارزش شانس هستی که برای شرکتی کار می‌کنی که برای توانایی‌های تو ارزش قائل است.»
۵۵. "d" «رسم محلی

۱. "d" «من سفالگری را دوست دارم.»
۲. "c" «او خسته و کسل است.»
۳. "a" «این خطاطی زیبا است.»
۴. "b" «این مورد دست‌ساز است.»
۵. "touching" فرش - خطاطی - سفالگری - تأثیرگذار
۶. "uncertain" خوشحال - شاد - نامطمئن - خوشحال
۷. "cloudy" ابری - خوش شانس - دوست‌داشتنی - خوشحال
۸. "depends" «آیا تو می‌توانی به من مقداری پول بدهی؟» «بستگی دارد. چه مقدار می‌خواهی؟»
۹. "sociable" «عمورزاده / دایه زاده من خیلی خوش‌مشرب است. او صمیمی است و از بودن با مردم لذت می‌برد.»
۱۰. "business" «من می‌خواهم وقتی مدرسه را ترک کردم وارد کسب و کار شوم.»
۱۱. "decided" «اتوبوس نر بود، بنابراین ما تصمیم گرفتیم منتظر بعدی باشیم.»
۱۲. "proud" «پدر بزرگ و مادر بزرگ من به (داشتن) آبارتمان جدیدشان افتخار می‌کنند.»
۱۳. "appreciate" «از کمک شما متشکرم. من از این (کار) قدردانی می‌کنم.»
۱۴. "calligraphy" «هنر زیبا نوشتن با یک قلم مخصوص خطاطی نامیده می‌شود.»
۱۵. "products" «محصولات کارگاه شما چه چیزهایی هستند؟ منظورم این است که این‌جا چه چیزهایی تولید می‌کنید؟»
۱۶. "d" «صنایع‌دستی ایرانی»
۱۷. "a" «افراد خلاق»
۱۸. "b" «اعضای خانواده»
۱۹. "c" «فعالیت مغز»
۲۰. "b" «خلاق = داشتن ایده‌های جدید زیاد»
۲۱. "c" «خسته = محتاج به استراحت کردن یا خوابیدن»
۲۲. "c" «تأثیرگذار = داشتن تأثیر عاطفی قوی»
۲۳. "a" «خوش شانس = داشتن شانس خوب»
۲۴. "bored" (کسل) «استیو فردا به خانه می‌آید. همه ما واقعاً هیجان‌زده هستیم.»
۲۵. "tired" (خسته) «بچه‌ها پرانرژی هستند. آن‌ها می‌خوانند بیش‌تر بازی کنند.»
۲۶. "hard" (سخت، سخت) «این فرش نرم است. من آن را دوست دارم.»
۲۷. "decreases" «کاهش (دادن) = هنر فعالیت مغز را افزایش می‌دهد.»
۲۸. "d" «شما کجا کار می‌کنید؟» «در کارگاه پدرم.»
۲۹. "a" «شما چه چیزی می‌فروشید؟» «صنایع‌دستی، اما نه کار فلزی.»
۳۰. "b" «قیمت آن‌ها چقدر است؟» «این بستگی به اندازه دارد.»
۳۱. "c" «آیا تخفیفی وجود دارد؟» «بله، بیست درصد.»

- ۸۲ "step" «مرحله - چیز - چیز»
 ۸۳ "dark" «مردن - مُرده - تاریک - مرگ»
 ۸۴ "c" «آموزش = درس دادن به افراد در مدرسه یا دانشکده»
 ۸۵ "a" «جایزه = چیزی که شما به کسی که برنده شده است می‌دهید»
 ۸۶ "b" «(پول) به دست آوردن = گرفتن پول با کار کردن»
 ۸۷ "c" «رسیدن = به موقع بودن برای سوار شدن به قطار، هواپیما و غیره»
 ۸۸ "d" «اشتباه = چیزی که شما به آن فکر می‌کنید یا آن را انجام می‌دهید که اشتباه است»
 ۸۹ "bored" «من از شغلم کسل شده‌ام. می‌خواهم انصراف بدهم.»
 ۹۰ "certain" «من مطمئن هستم که آن مرد را قبلاً دیده‌ام.»
 ۹۱ "decide" «من نمی‌توانم تصمیم بگیرم اتمام راه رنگی نقاشی کنم.»
 ۹۲ "along" «آیا تو با هم‌کلاسی‌هایت خوب سازگاری داری؟» (عبارت get along with یعنی «سازگاری داشتن با».)
 ۹۳ "pleasure" «من امیدوارم لذت این را داشته باشم که دوباره با شما ملاقات کنم.»
 ۹۴ "wellness" «من در یک مرکز سلامت در نزدیکی خانه‌ام در حال یادگیری یوگا هستم.»
 ۹۵ "FORTUNATE" خوش شانس
 ۹۶ "HELPFUL" مفید
 ۹۷ "LUCKY" خوش شانس
 ۹۸ "HAPPY" خوشحال
 ۹۹ "GLAD" خوشحال
- | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| T | I | R | E | D | G | N | V | H |
| F | O | R | T | U | N | A | T | E |
| B | O | R | E | D | T | H | P | L |
| Z | G | S | W | S | E | A | M | P |
| E | L | A | J | O | K | P | N | F |
| F | A | D | I | R | G | P | C | U |
| S | D | D | P | R | S | Y | X | L |
| L | U | C | K | Y | V | I | L | L |
- ۱۰۰ "part" «آیا شما در جشن تولد شرکت کردید؟» (عبارت «take part in» یعنی «شرکت کردن در»)
 ۱۰۱ "frightened" «من یک موش بزرگ دیدم و تا حد مرگ ترسیدم.»
 ۱۰۲ "please" «من گنج شدم. آیا می‌شود لطفاً آن را دوباره توضیح دهید؟»
 ۱۰۳ "mark" «من سخت درس خواندم و در انگلیسی نمره خوبی گرفتم» ترجمه من
 هنر چیزی است که افراد با تخیل و مهارت خلق می‌کنند. آن، به عنوان بخشی از فرهنگ، روش زندگی و هویت یک ملت را نشان می‌دهد و تاریخ جامعه را منعکس می‌کند. در حقیقت، تاریخ بشریت تاریخ هنر است. اگر ما بخواهیم یک کشور یا یک ملت را به خوبی بشناسیم، باید هنر آن را مطالعه کنیم.

- ۵۶ "c" «تنوع جانوری»
 ۵۷ "a" «جنگ‌های جهانی»
 ۵۸ "b" «کشور پهناور»
 ۵۹ "c" «محصولات ایرانی»
 ۶۰ "d" «این استادکار خیلی ماهر است.»
 ۶۱ "a" «این پسر امروز ناراحت است.»
 ۶۲ "c" «این یک فرش زیبای ایرانی است.»
 ۶۳ "c" «آینه در حال منعکس کردن نور است.»
 ۶۴ "b" «این تابلو نقاشی یک سوغاتی با ارزش است.»
 ۶۵ "SLOW" «آیا «سریع» و «کند» متضاد هستند؟ «بله، هستند.»
 ۶۶ "MORAL" «ما باید به ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی آنان احترام بگذاریم.»
 ۶۷ "INCOME" «درآمد کشور از صنایع دستی چقدر است؟»
 ۶۸ "MATERIAL" «این از چه ماده‌ای ساخته شده است؟ آیا پلاستیک است؟»
 ۶۹ "get back" «تو دیروز چه موقع برگشتی؟»
 ۷۰ "introduced" «او من را به عنوان یک عضو جدید شرکت معرفی کرد.»
 ۷۱ "quite" «من دیشب کاملاً (خیلی) دیر خوابیدم.»
 ۷۲ "artistic" «دکتر داخل خانه خیلی هنری بود.»
 ۷۳ "economy" «ما می‌خواهیم اقتصاد داخلی را حمایت کنیم. چه کار می‌توانیم بکنیم؟»
 ۷۴ "skillful" «من خیلی تمرین کردم و در طراحی ماهر شدم.»
 ۷۵ "richest" «عمومی من یکی از ثروتمندترین اعضای تیم است.»
 ۷۶ "value" «در طول بیماری‌ام من یاد گرفتم که برای چیزهای ساده در زندگی ارزش قائل شوم.»
 ۷۷ "d" «تاریخ = همه رویدادهایی که در گذشته اتفاق افتادند»
 ۷۸ "a" «تولید کردن = درست کردن یا پرورش دادن چیزی»
 ۷۹ "c" «متضاد = کلمه‌ای که معنای مخالف یک کلمه دیگر را می‌دهد.»
 ۸۰ "b" «معنوی، اخلاقی = مرتبط با چیزی که مردم فکر می‌کنند درست یا غلط است»
 ۸۱ "c" «ماده، جنس = آن چه شما برای درست کردن یا انجام دادن چیزی استفاده می‌کنید»
 ۸۲ "ugly ≠ beautiful" «زشت، زیبا»
 ۸۳ "rich ≠ poor" «ثروتمند، فقیر»
 ۸۴ "sell ≠ buy" «فروختن، خریدن»
 ۸۵ "many ≠ few" «تعداد زیاد، تعداد خیلی کم»
 ۸۶ "small ≠ big" «کوچک، بزرگ»
 ۸۷ "c" «او ناراحت است.»
 ۸۸ "a" «او شوکه است.»
 ۸۹ "b" «من شرمسار هستم.»
 ۹۰ "d" «تو خوشحال هستی.»
 ۹۱ "sorry" «خوش شانس - خوشحال - متأسف - با احتیاط»

۱۴۰. "to borrow" «من به کتابخانه رفتم تا کتاب قرض بگیرم».
توضیح: برای بیان هدف (چرا کاری را انجام می‌دهیم) از مصدر (فعل ساده + to) استفاده می‌کنیم.
۱۴۱. "does" «آقای لیک چاق نخواهد شد اگر ورزش کند».
توضیح: در جمله‌های شرطی اگر فاعل جمله حال ساده سوم شخص مفرد باشد، به انتهای فعل «s» سوم شخص مفرد اضافه می‌شود. در این‌جا فاعل «he» است.
۱۴۲. گزینۀ (۲) - "to close" «به خاطر داشته باش وقتی که اداره را ترک کردی در را ببندی».
توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا Remember) مصدر با to به کار می‌رود.
۱۴۳. گزینۀ (۴) - "not to talk" «بچه آن‌ها یاد گرفت که با افرادی که آن‌ها نمی‌شناسند صحبت نکنند».
توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا learn) مصدر با to به کار می‌رود. اگر آن عمل منفی باشد قبل از «to» قید منفی «not» را اضافه می‌کنیم.
۱۴۴. گزینۀ (۲) - "doing" «آن‌ها از انجام دادن آن کار منصرف شدند زیرا واقعاً کسل‌کننده بود».
توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا quit) اسم مصدر (ing + فعل) می‌آید.
۱۴۵. گزینۀ (۴) - "to see" «آن مادر از این‌که دید پرسرش به داخل آب می‌پرد شوکه شد».
توضیح: بعد از بعضی از صفت‌ها (در این‌جا shocked) مصدر با to به کار می‌رود.
۱۴۶. گزینۀ (۱) - "to tell" «خواهر من به آن‌ها رنگ زد تا خبر را به آن‌ها بگویند».
توضیح: برای بیان هدف (چرا کاری را انجام می‌دهیم) از مصدر (فعل ساده + to) استفاده می‌کنیم.
۱۴۷. گزینۀ (۳) - "goes" «اگر آن مرد دیر برود، او نمی‌تواند به قطار برسد».
توضیح: در جمله‌های شرطی اگر فاعل جمله حال ساده سوم شخص مفرد باشد، به انتهای فعل «s» سوم شخص مفرد اضافه می‌شود. در این‌جا فاعل «it» است.
۱۴۸. گزینۀ (۳) - "won't" «والدین ما نخواهند آمد اگر شما آن‌ها را دعوت نکنید».
توضیح: در جمله‌های شرطی، جمله شرط، حال ساده (در این‌جا don't invite) و جمله نتیجه شرط، آینده ساده (در این‌جا won't come) است. دقت داشته باشید که این جمله منفی است.
۱۴۹. گزینۀ (۴) - "seen" «آن‌ها اخیراً آن فیلم جالب را دیده‌اند».
توضیح: در این جمله «They've» کوتاه‌شده «They have» است، در زمان ماضی نقلی (حال کامل) بعد از have / has شکل قسمت سوم فعل به کار می‌رود.

۱۴۴. "create" «درست کردن = خلق کردن»
۱۴۵. "reflect" «نشان دادن = منعکس کردن»
۱۴۶. "well" «به طور بد ≠ به خوبی»
۱۴۷. "artist, handicraft" «هنرمند، صنایع دستی»
۱۴۸. "gold, metal" «طلا، فلز»
۱۴۹. "catch, train" «رسیدن، قطار»
۱۵۰. "education, mark" «آموزش، نمره»
۱۵۱. "d" «داشتن»
۱۵۲. "t" «خریدن سوغاتی»
۱۵۳. "a" «به اتوبوس رسیدن»
۱۵۴. "b" «پول کسب کردن»
۱۵۵. "c" «ظن زدن به شخصی»
۱۵۶. "c" «جایزه گرفتن»
۱۵۷. "c" «تو چرا به او رنگ زدی؟» «برای این‌که درخواست کمک بکنم».
۱۵۸. "a" «چرا او کسل است؟» «او شغل کنونی‌اش را دوست ندارد».
۱۵۹. "t" «او چرا خوشحال است؟» «همه چیز خوب پیش رفت».
۱۶۰. "c" «چرا او در آزمون قبول نشد؟» «او سخت درس نخواند».
۱۶۱. "b" «چرا او آن چیز را خرید؟» «برای این‌که آن را به عنوان هدیه بدهد».
۱۶۲. "d" «چرا او مغرور بود؟» «او جایزه نوبل گرفت».
۱۶۳. "go" «اگر ما به پارک برویم، قطعاً آن‌ها را خواهیم دید».
- توضیح: در جمله‌های شرطی، جمله شرط، حال ساده (در این‌جا go) و جمله نتیجه شرط، آینده ساده (در این‌جا will see) است.
۱۶۴. "will" «اگر پدر شما پول داشته باشد، چه کار خواهد کرد؟»
توضیح: در جمله‌های شرطی، جمله شرط، حال ساده (در این‌جا has) و جمله نتیجه شرط، آینده ساده (در این‌جا will do) است. دقت داشته باشید که این جمله سؤالی است.
۱۶۵. "rains" «اگر باران بیارد، آن‌ها به خرید نخواهند رفت».
- توضیح: در جمله‌های شرطی اگر فاعل جمله حال ساده سوم شخص مفرد باشد، به انتهای فعل «s» سوم شخص مفرد اضافه می‌شود. در این‌جا فاعل «it» است.
۱۶۶. "frightened" «جک وقتی آن گربه سیاه را دید ترسید».
- توضیح: شکل قسمت سوم فعل‌ها را می‌توان به عنوان صفت در جمله به کار برد.
۱۶۷. "to go" «من زود می‌بارم تا با دوستانم به پیاده‌روی بروم».
- توضیح: برای بیان هدف (چرا کاری را انجام می‌دهیم) از مصدر (فعل ساده + to) استفاده می‌کنیم.
۱۶۸. "to produce" «هنرمندان سعی کردند بهترین صنایع دستی را تولید کنند».
- توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا try) مصدر با to می‌آید.
۱۶۹. "being" «او تصور کرد در وسط دریا است».
- توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا imagine) اسم مصدر (ing + فعل) می‌آید.

۱۶۰. «آن‌ها توافق کرده‌اند که با یکدیگر کار کنند.»
They have agreed to work together.
۱۶۱. «ما داریم برنامه ریزی می‌کنیم تا برای سفر به کالیفرنیا برویم.»
We are planning to go on a trip to California.
۱۶۲. «اگر تو به داخل رودخانه پیری، به خودت آسیب خواهی رساند.»
If you jump into the river, you'll hurt yourself. =
You'll hurt yourself if you jump into the river.
۱۶۳. «چک به خواهرش تلفن زد تا مقداری پول قرض بگیرد.»
Jack called his sister to borrow some money.
۱۶۴. «هنر چیزی است که افراد، با مهارت خلق می‌کنند.»
Art is what people create with skill.
۱۶۵. «چه کسی این چیزهای زیبا را ساخته است؟»
Who has made these beautiful items?
۱۶۶. «او اغلب در مورد وزنش افسرده می‌شود.»
He often gets depressed about his weight.
۱۶۷. «اگر شما به کمک احتیاج دارید، ما قادر خواهیم بود که بیایم.»
If you need help, we will be able to come.
۱۶۸. «تنوع جانوری این منطقه شگفت‌انگیز است.»
The animal diversity of the region is amazing.
۱۶۹. «اگر به ایران سفر کنی در کجا خواهی ماند؟»
I will stay in Shiraz if I travel to Iran.
۱۷۰. «من در شیراز خواهم ماند اگر به ایران سفر کنم.»
«اگر به شیراز بروی چه چیزی خواهی خرید؟»
I will buy souvenirs if I go to Shiraz?
۱۷۱. «من سوغاتی خواهم خرید اگر به شیراز بروم.»
«تو چرا امروز صبح زود بیدار شدی؟»
I got up early to study my book.
۱۷۲. «من صبح زود بیدار شدم تا کتابم را بخوانم.»
«چه چیزی دانش‌آموزان را خوشحال خواهد کرد؟»
Playing football will make the students happy.
۱۷۳. «فوتبال بازی کردن دانش‌آموزان را خوشحال خواهد کرد.»
«آن‌ها تصمیم گرفتند چه کسانی را به مراسم دعوت کنند؟»
They decided to invite all the neighbors to the ceremony.
۱۷۴. «آن‌ها تصمیم گرفتند همه همسایه‌ها را به مراسم دعوت کنند.»
«آیا تو اگر وقت داشته باشی به بافتن فرش ادامه خواهی داد؟»
Yes, I will keep on weaving the carpet if I have time.
۱۷۵. «بله، من اگر وقت داشته باشم، به بافتن فرش ادامه خواهم داد.»
«ما هفته گذشته به کتابخانه رفتیم.»
We went to the library last week.
۱۷۶. «مادر من به مدرسه آمد تا من را به خانه ببرد.»
My mother came to school to take me home.
۱۷۷. «آیا برنامه ریزی کردی سفالگری یاد بگیري؟»
Did you plan to learn pottery?
۱۷۸. «ما الآن در حال گوش کردن به موسیقی هستیم.»
We are listening to music now.

۱۵۰. گزینه (۴) - "play / has" آیا برادر تو آن بازی را انجام خواهد داد اگر وقت داشته باشد؟
توضیح: در جمله‌های شرطی، جمله شرط، حال ساده (در این جا has) و جمله نتیجه شرط، آینده ساده (در این جا will play) است. دقت داشته باشید که این جمله سؤالی است.
۱۵۱. "to answer" «معلم از ما توقع داشت که به همه سوال‌ها پاسخ دهیم.»
توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این جا expect) مصدر یا to به کار می‌رود.
۱۵۲. "doing" «من فکر می‌کنم انجام دادن ورزش روزانه می‌تواند به شما کمک کند وزن کم کنید.»
توضیح: از اسم مصدر (ing + فعل) می‌توان به عنوان فاعل جمله استفاده کرد.
۱۵۳. "weaves" «اگر او آن فرش ابریشمی را بیاورد، آن را خواهد فروخت.»
توضیح: در جمله‌های شرطی، جمله شرط، حال ساده (در این جا weaves) و جمله نتیجه شرط، آینده ساده (در این جا will sell) است. دقت داشته باشید فاعل جمله یعنی «he» سوم شخص مفرد است. پس به انتهای فعل «s» سوم شخص مفرد اضافه می‌شود.
۱۵۴. "have" «شما چه کار خواهید کرد، اگر وقت آزادی داشته باشید؟»
توضیح: در جمله‌های شرطی، جمله شرط، حال ساده (در این جا have) و جمله نتیجه شرط، آینده ساده (در این جا will do) است. دقت داشته باشید که این جمله سؤالی است.
۱۵۵. "to see" «سلام ایمنی. از دیدن مجدد تو خوش‌وقت‌م!»
توضیح: بعد از بعضی از صفت‌ها (در این جا nice) مصدر یا to به کار می‌رود.
۱۵۶. "has visited" «خانم استونز تعداد دفعات زیادی از آن مکان تاریخی دیدن کرده است.»
توضیح: اگر عملی در گذشته نامعین، به دفعات انجام شده باشد، برای بیان آن از زمان حال کامل (ماضی نقلی) استفاده می‌کنیم.
۱۵۷. "not to make" «من به آن‌ها قول دادم سروصدای زیادی ایجاد نکنم.»
توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این جا learn) مصدر یا to به کار می‌رود. اگر آن عمل منفی باشد قبل از «to» قید منفی «not» را اضافه می‌کنیم.
۱۵۸. "watching" «همه پسرها بعد از تماشای آن بازی مهیج به خانه رفتند.»
توضیح: بعد از حرف‌های اضافه (در این جا after) اسم مصدر (ing + فعل) به کار می‌رود.
۱۵۹. "won't play" «اگر پدر شما بیاید، ما آن بازی را انجام نخواهیم داد.»
توضیح: در جمله‌های شرطی، جمله شرط، حال ساده (در این جا comes) و جمله نتیجه شرط، آینده ساده (در این جا won't play) است. دقت داشته باشید که این جمله منفی است.

۱۹۴. گزینه (۴) - "to see"
توضیح: برای بیان هدف (چرا کاری را انجام می‌دهیم) از مصدر با to استفاده می‌شود.

ترجمه متن Reading Comprehension

شما ممکن است فکر نکنید طراحی کردن روی دیوار اتاق خوابتان هنر است. اما طراحی روی دیوار نوعی هنر است. آن «دیوار نما» است. دیوارنماها مدت زیادی است که وجود داشته‌اند. تصویرهای حیوان‌ها روی دیوارهای غارها در فرانسه هستند. آن‌ها ۳۰۰۰ سال قبل ساخته شدند! مصری‌ها نیز دیوارنما نقاشی می‌کردند. دیوارنماهای آن‌ها روی دیوار هرم‌ها بودند. دیوارهای هرم‌ها (تصویرهایی از) رویدادهای شاد بر روی خود داشتند. آن‌ها زن‌هایی را نشان می‌دادند که موسیقی می‌نواختند. آن‌ها غذا را نشان می‌دادند. آن‌ها هم چنین تصویرهایی از آسیسیر را نشان می‌دادند. او الههٔ مُردگان آن‌ها بود. آن‌ها فکر می‌کردند که او تصویرها را دوست دارد.

هنرمندان رنسانس پودر رنگی برمی‌داشتند و آن را با آب مخلوط می‌کردند. سپس روی گچ مرطوب نقاشی می‌کردند. آن نقاشی قسمتی از دیوار می‌شد. این نوع نقاشی فرسکو بود. یک مرد از میکلائو خواست فرسکو نقاشی کند. او دیوارها و سقف را نقاشی کرد. این (کار) برای او چهار سال طول کشید. آن کار سختی بود. اما تصویرها شگفت‌انگیز بودند. تعداد زیادی از مردم از فرسکوهاى او دیدن کردند. آن‌ها در کلیسای سیستاین در رم هستند.

۱۹۵. «دیوارنماها نوعی هنر مدرن هستند.» (F)
۱۹۶. «آسیسیر الههٔ مُردگان مصری‌ها بود.» (T)
۱۹۷. «دیوارنماهای روی دیوارهای هرم‌ها چه چیزهایی را نشان می‌دهند؟»
They show women playing music. They show food. They also show pictures of Osiris.
«آن‌ها زن‌هایی را نشان می‌دهند که موسیقی می‌نوازند. آن‌ها غذا را نشان می‌دهند. آن‌ها هم چنین تصویرهایی از آسیسیر را نشان می‌دهند.»

۱۹۸. «شما کجا می‌توانید فرسکو ببینید؟»
We can see frescoes in Rome.

«ما می‌توانیم در رم فرسکو ببینیم.»
۱۹۹. گزینه (۱) - «them» که زیر آن خط کشیده شده است به دیوارها اشاره دارد.

(۱) دیوارها

(۲) هرم‌ها

(۳) مصری‌ها

۲۰۰. گزینه (۳) - «این متن عمدتاً در مورد چه چیزی صحبت می‌کند؟ هنر نقاشی کردن روی دیوارها»

(۱) تصویرهای حیوان‌ها در فرانسه

(۲) یک نوع نقاشی به نام فرسکو

(۳) هنر نقاشی کردن روی دیوارها

۲۰۱. «در متن دو اسم خاص پیدا کنید.» "France" - "Rome"

۲۰۲. «یک متضاد برای dry (خشک) پیدا کنید.» "wet" «مرطوب»

۱۹۹. «اگر فردا باران بیارد، ما در خانه خواهیم ماند.»

If it rains tomorrow, we will stay at home.

۱۸۰. «من نمره‌های خوب خواهم گرفت اگر سخت درس بخوانم.»

I will get good grades if I study hard.

۱۸۱. «اگر تو بی‌احتیاط رانندگی کنی، تصادف خواهی کرد.»

If you drive carelessly, you will have an accident.

۱۸۲. «ما خوب انگلیسی یاد نخواهیم گرفت اگر تمرین نکنیم.»

We won't learn English well if we don't practice.

۱۸۳. «چرا تو به کتابخانه رفتی؟»

I went to the library to study.

۱۸۴. «من به کتابخانه رفتم تا درس بخوانم.»

او چرا رود آمد؟

He came early to see me.

۱۸۵. «او زود آمد تا من را ببیند.»

«چرا آن‌ها دوره‌های آموزشی آنلاین گرفته‌اند؟»

They have taken online courses to learn French.

۱۸۶. «آن‌ها دوره‌های آموزشی آنلاین گرفته‌اند تا فرانسوی یاد بگیرند.»

۱۸۷. «چرا تو قصد داری سخت کار کنی؟»

I am going to work hard to earn more money.

۱۸۸. «من قصد دارم سخت کار کنم تا پول بیشتری کسب کنم.»

۱۸۹. «مصدرها:»

to know, to help

۱۹۰. اسم مصدرها:

Creating, Making, selling, making, selling

۱۹۱. «اگر من آن پول را بگیرم، یک تلفن همراه جدید خواهم خرید.»

If I get the money, I will buy a new cellphone.

۱۹۲. «ما دبیر به مدرسه خواهیم رسید اگر اتوبوس به موقع نیاید.»

We'll get to school late if the bus does not come on time.

ترجمه متن Cloze Test

در بعضی از کشورها نوشتن و نقاشی کشیدن روی دیوارها جرم است. بعضی اوقات، هنرمندان دیوارنویس با پلیس مشکل دارند. در کشورهای دیگر، هنرمندان می‌توانند در جاهایی خاص طراحی و نقاشی کنند. برای مثال در تایوان، «منطقهٔ دیوارنویسی» وجود دارد که هنرمندان می‌توانند بر روی دیوارها نقاشی کنند. در سانپائولو، برزیل، هنرمندان خیابانی می‌توانند روی دیوارها و خانه‌ها نقاشی کنند. تصویرهای آن‌ها رنگارنگ و زیبا هستند. بعضی از گردشگرها از سانپائولو فقط برای دیدن هنر خیابانی بازدید می‌کنند!

گزینه (۲) - "have"

(۱) انجام دادن

(۲) داشتن

(۳) هستند

(۴) باید

گزینه (۱) - "certain"

(۱) خاص

(۲) سالم

(۳) خارجی

(۴) دست‌ساز

گزینه (۱) - "artists"

(۱) هنرمند

(۲) نمره‌ها

(۳) جایزه‌ها

(۴) ارزش‌ها

آزمون درس سوم

مدت امتحان، ۴۵ دقیقه

بارم

سؤالات

ردیف

A: Vocabulary

واژگان

2

۱ هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

1. I got good marks at school. ()
2. This pottery is very beautiful. ()
3. He's jumping into the water. ()
4. Weaving a rug is difficult. ()



A



B



C



D

2

۲ مترادف یا متضاد کلمه‌هایی که زیرشان خط کشیده شده است را بنویسید.

5. Mr. Anderson is very rich. (=)
6. The number of our students has decreased. (=)
7. New York is well-known for its museums. (=)
8. Did they attempt to pass the exam? (=)

B: Grammar

دستور زبان

2

۳ پاسخ درست را انتخاب کنید.

9. If you bring the book, we it together.
 1) read 2) to read 3) are reading 4) will read
10. The little boy got because he saw a big dog.
 1) shock 2) shocking 3) shocked 4) shocks
11. The children are bored their mom's shopping.
 1) of 2) with 3) at 4) from
12. Those men can practice the piano if the children in the yard.
 1) play 2) plays 3) playing 4) played

2

۴ با توجه به تصویرها پاسخ کامل دهید.

13. What does the man sell?



14. What will happen if they drive fast?



آزمون درس سوم

مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

بارم	سؤالات	ردیف
	C: Writing نگارش	
2	کلمه‌های هر ردیف را مرتب کنید و یک جمله درست بنویسید. 15. surprised / were / news / greatly / we / at / the / 16. dad / not / numbers / forget / my / to / tries / the / phone /	۵
4	شکل درست فعل داده شده را در جای خالی بنویسید. 17. They finally decided for the company. (work) 18. If she comes, her husband to the store. (not go) 19. I was shocked the big dog in the yard. (see) 20. Let's go home before late. (get)	۶
2	به سؤال‌های زیر پاسخ دهید. در پاسخ از مصدر استفاده کنید. 21. Why did the woman open the door? (go inside) 22. Why have they come early? (park their car here)	۷
	D: Reading Comprehension درک مطلب	
4	متن زیر را بخوانید و پاسخ درست را انتخاب کنید. Iranian craftsmen and craftswomen are famous (23) producing very unique art works from wood, metal and other (24) materials around them. Many people of the world appreciate the art and skill of a young Iranian girl (25) weaves a beautiful silk carpet in a small village. When tourists buy Persian rugs or carpets, or other handmade items from Iran, they take a part of Iranian art and (26) to their homelands. 23. 1) in 2) of 3) to 4) for 24. 1) simple 2) moral 3) healthy 4) selfish 25. 1) why 2) who 3) where 4) what 26. 1) economy 2) diversity 3) culture 4) condition	۸

آزمون درس سوم

مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

بارم

سؤالات

ردیف

4

متن زیر را بخوانید و به سؤال‌های آن پاسخ دهید.

'World Art Day' comes on April 15 of every year. It is Leonardo Da Vinci's birthday. People celebrate it around the world. Art is a wide range of human activities in creating the objects with creative or technical skill. Art comes in different forms including painting, music, sculpting, calligraphy, cinema, etc.

The IAA (International Association of Art) designed the day April 15 as World Art Day. The main idea is to create a day for all the lovers of art and artists in the world to celebrate, not only the members of International Association of Art (IAA). The goal is to create a day to show the importance of art in the lives of everyone, of all ages and races. Events on this day can vary from special museum hours to conferences and special art galleries.

Celebrating the World Art Day is quite simple and very easy to remember. Just feel the power and the value of art. If you are skillful at some activities like painting, drawing, etc., just draw some pictures and show them to your family members or friends. People can use #WorldArtDay to express their feelings on social media.

27. Da Vinci's birthday is in April.

TRUE ☐ FALSE ☐

28. It is hard to celebrate World Art Day.

TRUE ☐ FALSE ☐

29. What is art?

30. What is the goal of celebrating the World Art Day?

31. The underlined word "them" refers to

1) activities

2) pictures

3) members

آزمون درس سوم

مدت امتحان، ۴۵ دقیقه

ردیف	پاسخنامه
۱	"B" «من در مدرسه نمره‌های خوب گرفتم.»
۲	"A" «این سفال خیلی زیبا است.»
۳	"D" «او در حال پریدن در آب است.»
۴	"C" «یافتن قالیچه سخت است.»
۵	"poor" «آقای اندرسون خیلی ثروتمند است.»
۶	"increased" «تعداد دانش آموزهای ما کاهش یافته است.»
۷	"famous" «نیویورک به خاطر موزه‌هایش معروف است.»
۸	"try" «آیا آن‌ها تلاش کردند در آزمون قبول شوند؟»
۹	گزینه (۴) - "will read" «اگر تو کتابت را بیاوری، ما آن را با یکدیگر خواهیم خواند.» توضیح: در جمله‌های شرطی، جمله شرط، زمان حال ساده (در این‌جا bring) و جمله نتیجه شرط، زمان آینده ساده (در این‌جا will read) است.
۱۰	گزینه (۳) - "shocked" «آن پسر کوچک شوکه شد زیرا یک سگ بزرگ دید.» توضیح: از شکل قسمت سوم فعل‌ها می‌توان به عنوان صفت در جمله استفاده کرد.
۱۱	گزینه (۲) - "with" «بچه‌ها از خرید مامان‌شان کسل شده‌اند.» توضیح: بعد از «bored» از حرف اضافه «with» استفاده می‌شود.
۱۲	گزینه (۱) - "play" «آن مردها می‌توانند پیانو تمرین کنند اگر بچه‌ها در حیاط بازی کنند.» توضیح: در جمله‌های شرطی، جمله شرط، زمان حال ساده (در این‌جا play) و جمله نتیجه شرط، زمان آینده ساده (در این‌جا can practice) است. دقت داشته باشید که در این جمله به جای «will» از «can» استفاده شده است.
۱۳	«این مرد چه چیزی می‌فروشد؟» He sells handicrafts. «او صنایع‌دستی می‌فروشد.»
۱۴	«چه اتفاقی خواهد افتاد اگر آن‌ها به سرعت رانندگی کنند؟» They will have an accident if they drive fast. «آن‌ها تصادف خواهند کرد اگر به سرعت رانندگی کنند.»
۱۵	«ما از آن خبر خیلی غافلگیر شدیم.» We were greatly surprised at the news.
۱۶	«بابای من سعی می‌کند آن شماره تلفن‌ها را فراموش نکند.» My dad tries not to forget the phone numbers.
۱۷	"to work" «آن‌ها سرانجام تصمیم گرفتند برای آن شرکت کار کنند.» توضیح: بعد از بعضی از فعل‌ها (در این‌جا decide) مصدر با to به کار می‌رود.
۱۸	"will not (won't) go" «اگر او بیاید، شوهرش به فروشگاه نخواهد رفت.» توضیح: در جمله‌های شرطی، جمله شرط، زمان حال ساده (در این‌جا comes) و جمله نتیجه شرط، زمان آینده ساده (در این‌جا will not go) است.
۱۹	"to see" «من از دیدن آن سگ در حیاط شوکه شدم.» توضیح: بعد از بعضی از صفت‌ها (در این‌جا shocked) از مصدر با to استفاده می‌کنیم.

آزمون درس سوم

مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

ردیف	پاسخنامه
۲۰	<p>«getting» «بیا قبل از دیر شدن به خانه برویم.»</p> <p>توضیح: بعد از حرف‌های اضافه (در اینجا before) از اسم مصدر استفاده می‌کنیم.</p>
۲۱	<p>«چرا آن زن در را باز کرد؟»</p> <p>«او در را باز کرد تا به داخل برود.»</p> <p>She opened the door to go inside.</p>
۲۲	<p>«چرا آن‌ها زود آمده‌اند؟»</p> <p>«آن‌ها زود آمده‌اند تا اتومبیل‌شان را اینجا پارک کنند.»</p> <p>They have come early to park their car here.</p>
۲۳	<p>ترجمه متن Cloze Test</p> <p>استادکاران مرد و زن ایرانی به خاطر تولید کردن آثار هنری منحصر به فرد از چوب، فلز و مواد ساده دیگر در دور و اطرافشان، معروف هستند. بسیاری از مردم دنیا از هنر و مهارت یک دختر جوان ایرانی که یک فرش ایرانی زیبا را در یک روستای کوچک می‌بافد، قدردانی می‌کنند. وقتی گردشگرها قالیچه یا فرش ایرانی یا چیزهای دست‌ساز دیگر را از ایران می‌خرند، بخشی از هنر و فرهنگ ایرانی را به میهن‌شان می‌برند.</p>
۲۴	<p>گزینه (۴) - «for»</p> <p>توضیح: بعد از «famous» حرف اضافه «for» به کار می‌رود.</p>
۲۵	<p>گزینه (۱) - «simple»</p> <p>ساده (۱) اخلاقی (۲) سالم (۳) خودخواه (۴)</p>
۲۶	<p>گزینه (۲) - «who»</p> <p>توضیح: چون در این جمله در مورد انسان (girl) صحبت می‌کنیم از «who» استفاده می‌کنیم.</p>
۲۷	<p>گزینه (۳) - «culture»</p> <p>اقتصاد (۱) تنوع (۲) فرهنگ (۳) شرط (۴)</p>
۲۸	<p>ترجمه متن Reading Comprehension</p> <p>روز جهانی هنر هر سال در روز ۱۵ آوریل می‌آید. آن (روز) تولد لئوناردو داوینچی است. مردم در سرتاسر دنیا آن را جشن می‌گیرند. هنر طیف وسیعی از فعالیت‌های بشری در خلق اشیاء با مهارت خلاقانه و تکنیکی است. هنر به شکل‌های مختلف شامل نقاشی، موسیقی، مجسمه‌سازی، خوش‌نویسی، سینما و غیره می‌آید (عرضه می‌شود).</p> <p>IAA (انجمن بین‌المللی هنر) روز ۱۵ آوریل را به عنوان روز جهانی هنر طراحی کرد. ایده اصلی ایجاد روزی برای همه عاشقان هنر و هنرمندان در دنیا، نه فقط برای اعضای انجمن بین‌المللی هنر، برای جشن گرفتن است. هدف، ایجاد روزی برای نشان دادن اهمیت هنر در زندگی همه، در همه سنین و نژادها است. رویدادها در این روز از ساعت‌ها (وقت گذراندن) در موزه‌ای خاص تا کنفرانس‌ها و گالری‌های هنری خاص متغیر است. جشن گرفتن روز جهانی هنر کاملاً ساده و به خاطر داشتن آن خیلی آسان است. فقط قدرت و ارزش هنر را احساس کنید. اگر شما در فعالیت‌هایی مانند نقاشی، طراحی و غیره ماهر هستید، فقط تعدادی عکس بکشید و آن‌ها را به اعضاء خانواده یا دوستان‌تان نشان دهید. مردم می‌توانند برای بیان احساسات خود در رسانه‌های اجتماعی از #WorldArtDay استفاده کنند.</p>
۲۹	<p>«تولد داوینچی در آوریل است.»</p> <p>«TRUE»</p>
۳۰	<p>«جشن گرفتن روز جهانی هنر سخت است.»</p> <p>«FALSE»</p>
۳۱	<p>«هنر چیست؟»</p> <p>Art is a wide range of human activities in creating the objects with creative or technical skill.</p> <p>«هنر طیف وسیعی از فعالیت‌های بشری در خلق اشیاء با مهارت خلاقانه و تکنیکی است.»</p>
۳۲	<p>«هدف از جشن گرفتن روز جهانی هنر چیست؟»</p> <p>The goal is to create a day to show the importance of art in the lives of everyone, of all ages and races.</p> <p>«هدف، ایجاد روزی برای نشان دادن اهمیت هنر در زندگی همه، در همه سنین و نژادها است.»</p>
۳۳	<p>گزینه (۲) - «pictures»</p> <p>توضیح: با توجه به معنی جمله، مرجع ضمیر مفعولی «them» کلمه «pictures» است.</p>

گاج

مجموعه کتابهای

پُرسِمان

برای
پُرسِمان
ست
کافیست!

پاسخهای
تشریحی

سوالات
امتحانی

درسنامه‌های
کاربردی



۰۲۱-۶۴۲۰

www.gaj.ir

اطلاع‌رسانی و فروش